

کیمهان

۵۲۴

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده
جمعه ۱۷ تا پنجشنبه ۲۳ مرداد ۱۴۰۴ خورشیدی
سال چهل و دوم - شماره ۱۹۹۰

یکسال دولت چهاردهم

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجده) پوند

تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند

تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

https://kayhanlife.com/
newsletters-subscription

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG

Tel: 0044 (0)20 3633 3684

e-mail:

info@kayhan.london

ads@kayhan.london

editorial@kayhan.london

www.kayhan.london

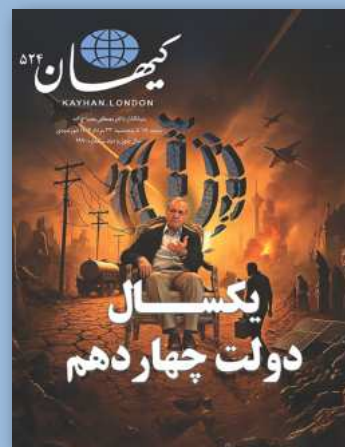
www.kayhanlife.com

سال چهل و دوم

کیهان شماره ۱۹۹۰ (۵۲۴)

۱۷ تا ۲۳ مرداد ۱۴۰۴

۸ تا ۱۴ آوت ۲۰۲۵



وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN
COMMUNITY

www.kayhanlife.com

درگذشت



بانو پاتریسیا
رأفت

به این وسیله درگذشت بانو پاتریسیا رأفت را پس
از یک بیماری ناگهانی و کوتاه به اطلاع دوستان و
آشنایان می‌رسانیم.
همسر: فرزندی، برادر، همسران برادران، برادرزاده‌ها و
خانواده‌های وابسته



آقای احمد رأفت گرامی
همکار دیرین کیهان لندن

درگذشت خواهر عزیزتان بانو پاتریسیا رأفت را
از صمیم قلب به شما تسلیت می‌گوییم و برای شما
شکیبایی آرزو می‌کنیم.

همکاران کیهان لندن



نامه‌ها و عاشقانه‌ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی

نوشته: داریوش پیرنیا

به کوشش منصوره پیرنیا

لطفاً جهت تهیه کتاب "نامه‌ها و عاشقانه‌ها" با انتشارات مهر ایران

شماره تلفن: ۳۰۱۲۷۹۶۷۷۸ و ۲۴۰۶۰۳۷۲۷۳ در شرق آمریکا تماس حاصل نمایید.

Web: www.pirniam.com



E.mail: pirnia@pirnia.com

کیمسان

فهرست مطالب

۴	سر مقاله - قدرت گفت و شنید / الاهی بقرط
۴-۵	تیر هفته - یکسال دولت چهاردهم ... /
۶-۷	پروژه شکوفایی ایران: رونمایی از «دفتر چه دوران اضطراب» برای ۱۰۰ تا ۱۸۰ روز نخست پس از ... /
۷	سه شرط جمهوری اسلامی برای مذاکره با آمریکا: تضمین غنی سازی در خاک ایران، عدم تکرار ... /
۸	وزیر خارجه بریتانیا: تغییر رژیم مسئله ای است که باید مردم ایران درباره آن تصمیم بگیرند ... /
۸-۹	وزیر خارجه آلمان: مذاکره بر سر این است که آیا می توان مذاکره کرد یا نه! ... /
۹	عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی: «تخاصم» با اسرائیل دلیل برخی آتش سوزی های نفت و ... /
۱۰-۱۱	روزنامه «تلگراف»: همکاری سپاه پاسداران و طالبان برای شناسایی جاسوس های بریتانیا ... /
۱۱	از خروس پیرس! ... / خیر اندیش (احمد/حرار)
۱۲-۱۳	چند ساعتی با هویدادر کوچه و خیابان مادرید (۱) ... / دکتر احمد مهدوی دامغانی
۱۴-۱۵	تغییرات ژئوپلیتیک در منطقه: توافق آمریکایا جمهوری آذربایجان و ارمنستان ... / احسن فحص (ایندیپندنت عربی)
۱۵	مقامات عراق قاچاق نفت ایران از طریق بنادر آن کشور را تکذیب می کنند ... /
۱۶	مونیخ: رویداد سر نوشت ساز ایران: مادر آستانه تاریخ سازی قرار داریم ... / الن سنساکیان
۱۷	ملی گرای، زهر یادارویی برای در مان زخم های تاریخی؟ ... / ابنیامین دلم کولی
۱۸	آیا اسرائیل «ژاندارم جدید» منطقه می شود؟ ... / عبدالرحمن الراشد (الشرق الاوسط)
۱۹	چین درخواست آمریکایی را توقف خرید نفت از ایران را رد کرد ... /
۲۰-۲۱	«پروژه شکوفایی ایران» و نقش شاهزاده: فردمحور یا ساختارمحور؟ ... / ادیو بداعتباری
۲۱	دوران محمدرضا شاه: جان دوباره در پیکر ایران (صدسال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / افرید خلیفی
۲۲	مذاکرات اتمی: نقش روسیه و اروپا و انتظار آمریکایی ... / هدی رؤوف (ایندیپندنت عربی)
۲۳	دوران محمدرضا شاه: شتاب سازندگی با دانش پیشرفته (صدسال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / افرید خلیفی
۲۳	«دیلی میل»: طرح رژیم ایران و وزن و فلای انتقال نیروهای نیابتی به خاک آمریکایا پاسپورت جعلی ... /
۲۴-۲۵	یک تاریخ پژوه آلمانی: حقوق بین الملل به سلاح سیاسی علیه اسرائیل تبدیل شده است ... /
۲۵	سفر نمایندگان آژانس بین المللی انرژی اتمی به ایران «بدون دسترسی فیزیکی به سایت های هسته ای» ... /
۲۶-۲۷	از آتش پس تا آشتی: بحران «نه جنگ، نه صلح» در ایران پس از جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل ... / اح. سلیمانی
۲۷	از زخم حاضر به: تهران در حال آماده شدن برای پاسخ چندجبهه ای؟ ... / میثم مهرانی
۲۸-۲۹	فایننشال تایمز: عوامل هسته ای و امنیتی جمهوری اسلامی یک سال پیش با گذر نامه دیپلماتیک و ... /
۲۹	در نامه ای به بز شکیان مطرح شد: به نگاه امنیتی در بخش تجارت الکترونیک پایان دهید! ... /
۳۰	ادعای عراقی در مصاحبه با «فایننشال تایمز»: از سر نوشت اورانیوم های ۶۰۰۰ ساله اطلاع ندارم! ... /
۳۱	احیای «شورای دفاع» شش هفته پس از «جنگ ۱۲ روزه»: حکومت آماده دور جدید جنگ می شود؟ ... /
۳۲	اعدام روز به وادی زندانی سیاسی به اتهام «جاسوسی» ... /
۳۲	روز به وادی به اتهام «جاسوسی برای اسرائیل» و مهدی اصغر زاده به اتهام «همکاری با داعش» ... /
۳۳	بررسی «لایحه مقابله با تحریم ها» در مجلس شورای اسلامی ... /
۳۴-۳۶	«مار پیچ سکوت» و قشر خاکستری: جامعه ای که صدای خود را نمی شنود ... / اساموئل (پیمان/سلاحی)
۳۶-۳۷	پیام اتحاد و همبستگی عباس واحدیان شاهرودی از پشت دیوارهای زندان وکیل آباد مشهد ... /
۳۸	پسر بانوی بریتانیایی زندانی در ایران، توانست پس از ۲۱۳ روز با مادرش گفتگو کند ... /
۳۹	آسوشیتد پرس: فروپاشی شبکه برق ایران در گرماي بالای ۵۰ درجه سانتی گراد و تعطیلی گسترده ... /
۳۹	تنها چیزی که در جمهوری اسلامی کار می کند! ... / بهنام محمدی
۴۰	خطر فروپاشی صنعت قطعه سازی: فقط دو ماه دیگر امکان تولید است! ... /
۴۱	نسرین روشن در گفتگو با نازنین انصاری: هیچ دیکتاتوری دوام نیاورده که ... /
۴۱	لحظه آزادی پس از ۵۵۰۰ روز زندان: گفتگوی نازنین انصاری با نسرین روشن ... /
۴۱	بزرگداشت انقلاب مشروطه در لندن ... /
۴۲-۴۳	گفتگو با خالق کلاه و کراوات و دستمال گردن های بانقش های ساسانی و تمپر شاه فقید ... / افرید نور دستروم
۴۳	شب زنده داری هزاران جوان کاتولیک از سراسر دنیا با حضور پاپ لئو چهاردهم ... /
۴۴	بسته شدن پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش با وجود «ابهامات و تناقضات متعدد» ... /
۴۵	بلا تکلیفی ۱۹ ماهه فرجام خواهی «بچه های اکباتان»: جلوگیری از پیگیری از یکجای خانواده ها ... /
۴۶	قطع دسترسی برق صنایع: «این نوع مدیریت کردن در حوزه برق و آب نیاز به آمریکایا دشمن ندارد» ... /
۴۷	تداوم بحران آب: تعطیلی چهارشنبه در استان های مختلف این هفته هم برقرار است ... /
۴۸-۴۹	کاهش تولید در صنایع به علت بحران انرژی و رکود تورمی ... /
۴۹	حذف چهار صفر از پول ملی ایران و تبدیل ریال به تومان: فرصت یا تهدید؟ ... /
۵۰-۵۱	وضعیت اینترنت در یکسالگی دولت بز شکیان بدتر شد ... /
۵۱	پایداری سقوط شاخص در بازار بورس ایران ... /
۵۲	کم کردن حقوق پرستاران در تیرماه: وزارت بهداشت پرستاران را از ساختار در مان فرای می دهد! ... /
۵۳	آمار تکانه دهنده سوء تغذیه در ایران: ۲۷ درصد از خانوارهای کم درآمد هیچ پروتئینی ... /
۵۴	رواج خرید نسیه و قسطی مواد خوراکی ... /
۵۵	سی ان ان: بحران بی آبی در ایران نه فقط اقلیمی بلکه سیاسی و ساختاری است ... /
۵۶-۵۷	خبر های کوتاه ... /
۵۸	پشت جلد - عکس هفته / افریدون فرزاد



بازنشر
بازنشر

تیر هفته

یکسال دولت چهاردهم

سرمقاله

قدرت گفت و شنید

جامعه یا حزب و گروه سیاسی یکدست وجود ندارد. تشکلهای غیرسیاسی یکدست هم وجود ندارند. اساسا آدمها عین هم و یکدست نیستند. همه ایدئولوژیها و مذاهب و سیاستهایی که سعی کردهاند تا جامعههای یکدست و بدون صدای منتقد و معترض و مخالف، به عنوان «ایرانسان» و «انسان صالح» و «انسان تراز نوین» تربیت کنند، نه اینکه فقط شکست خوردند بلکه دروغ و دورویی و تظاهر و ریا و چاکرمنشی و چاپلوسی و مبالغه و اغراق و شعارهای توخالی را، که همگی همزاد دروغ و دشمناند، رواج دادهاند.



چنین سیاستهایی از آنجا که همیشه آدمهایی، به هر دلیلی، که البته «نفع شخصی» در آن نقش تعیینکننده بازی میکند، برای حمل چنین نافیضیلتهایی وجود دارند، با اضمحلال فرهنگی به کرامت انسان ضربه زده، و سرانجام نیز با برجای گذاشتن جامعههای زخمی و آسیب دیده که در آن راستگويان و درستکاران و دشمنان دروغ منزوی شدهاند، فرو پاشیدهاند.

می توان از افراد جامعههای که ۴۷ سال تار و پودش از هم گسیخته و گروههای اپوزیسیونی که همواره با انواع سرکوب و ترغیب به آنها آسیب زده شده تا از همبستگی و همکاری باز بمانند، انتظار داشت چنان رفتار کنند که گویا در فضای عادی فعالیت کردهاند! آن گروه از ایرانیان خارج کشور هم که هرگز از یاد ایران غافل نماندهاند، از نظر سیاسی و ذهنی در شرایط عادی زندگی نکردهاند.

در این میان، نظام حاکم تمامی ابزار و منابع قدرت، از سرکوب تا تبلیغ و تحریف و تخریب را علیه شاخصترین و راسخترین مخالفان خود یعنی ایراندوستان حامی دموکراسی و پهلوی به کار بسته و از ترور نیز فروگذار نکرده است. نخستین اعدامها در داخل و ترورها در خارج متوجه ملیگرایان و پهلوی بود.

امروز پس از نزدیک به نیم قرن حکومت دروغ و چاپلوسی و شعار و رانت و پارتی و دوستبازی و فامیلبازی از بالا تا پایین، بطوری که اگر کسی در این چرخه نباشد، «ایله» و یا «بی دست و پا» توصیف می شود، ایران بیش از هر زمان دیگری به راستی و درستی و فرهنگ گفت و شنید نیاز دارد. فرهنگی که نقد و تحمل عقاید متفاوت و مخالف ستون اصلی آن است و بدون تردید نه تخریب افراد و افکار بجای استدلال در آن جایی دارد و نه هر نظر مخالف و منتقدی را «تخریب» خواندن، اساسا جایی برای گفت و شنید باقی می گذارد.

از سوی دیگر، در شرایطی که ناکامیهای پی در پی و واکنشی بودن اپوزیسیون و انواع تلاشهای رژیم برای جلوگیری از تبدیل مخالفان به کنشگران مؤثر و متحد، به بی اعتنادی بین ایرانیان به ویژه در خارج کشور دامن زده است، نقش فرانجانی و فراگیر شاهزاده رضا پهلوی که می بایست مدافع مخالفان خود نیز باشد، به عنوان حلقه قابل اتکا و معتمد همبستگی و همکاری در گسترش فرهنگ گفت و شنید نیز اهمیت ویژه دارد.

ایرانیان نه تنها امروز و با جمهوری اسلامی بلکه فردا و بدون این رژیم نیز با هم اختلاف نظر خواهند داشت. مهم اینست که بتوان از اختلافات، نتیجهای را استخراج کرد که خیر همگانی تأمین شود بدون آنکه مخاطبان و جامعه، دانسته یا نادانسته، خواسته یا ناخواسته، به سوی دروغ و ریا و چاپلوسی و فرصت طلبی و یا سکوت رانده شوند؛ بلکه هر کسی بتواند بدون نگرانی از تخریب و انزوا از سوی قدرت، چه قدرت حاکم و چه غیرحاکم، بایستد و با استدلال بگوید: من اینطور فکر می کنم!



● برخلاف ادعای انتخاباتی اصلاح طلبان که اصرار داشتند «فرق می کند چه کسی رئیس جمهور باشد» در این ساختار تباه و ویرانگر اصلا فرقی نمی کند چه کسی و از کدام جناح نظام رئیس دولت یا در هر مقام دیگری باشد!

سقوط آزاد اقتصاد

بهبود اقتصاد و کنترل تورم یکی از مهمترین وعدههای پزشکيان در سال گذشته بود. بدون شک برای اقلیتی که تصمیم داشت پای صندوق رأی حاضر شود، بهبود وضعیت معیشت یا دستکم جلوگیری از افزایش بیشتر قیمتها موضوع مهمی به شمار می رفت. این در حالیست که در این مدت تورم نه تنها روند افزایشی طی کرد بلکه تورم نقطه به نقطه به بیش از ۴۰ درصد رسیده است.

طی یک سال گذشته قیمت دلار از حدود ۶۰ هزار تومان به بیش از ۹۴ هزار تومان رسیده. قیمت طلای ۱۸ عیار با بیش از ۱۰۰ درصد افزایش از ۳ میلیون و ۵۶۲ هزار تومان به هفت میلیون و ۵۳۳ هزار تومان رسیده و قیمت سکه نیز با حدود ۱۰۰ درصد افزایش از ۴۲ میلیون و ۶۶۰ هزار تومان به ۸۴ میلیون و ۴۰۰ تومان رسیده است.

قیمت دلار به عنوان بنی اقتصاد ایران شناخته می شود و مشخص است که افزایش دو برابری آن چه اثر مخربی بر قیمت انواع کالا و خدمات در کشور داشته و سبب رکود بخش تولید و صنعت شده است.

پزشکيان همچنین سال گذشته در وعدههای اقتصادی خود تأکید کرده بود که رفتارهای تورم زای دولت باید پایان پیدا کند. اما تیم اقتصادی او همچنان آن اقدامات را ادامه داده است. یکی از نخستین اقدامات عبدالناصر همتی که در نیمه سال نخست فعالیت دولت چهاردهم، وزیر اقتصاد بود بر هم زدن بازار ارز نیمایی و ایجاد «بازار ارز تجاری» بود که قیمتها در این بازار از قیمتهای ارز آزاد تبعیت می کرد. تجار و واردکنندگان باید ارز مورد نیاز کالاها و مواد اولیه را از این بازار تهیه می کردند که قیمتها در آن نسبت به ارز نیما، به شدت افزایش یافته بود. نتیجه این اقدام بی موقع، موجی از تورم و افزایش هزینه تولیدکنندگان بود! از سوی دیگر در حالی مسعود پزشکيان در جریان انتخابات به آنچه «ناترازی انرژی» می خواند انتقاد

مسعود پزشکيان یکسال پیش به عنوان رئیس دولت چهاردهم جمهوری اسلامی آغاز به کار کرد. انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم در پی مرگ مشکوک ابراهیم رئیسی در حادثه سقوط هلی کوپتر، بطور زودهنگام و یک سال زودتر از موعد در تیرماه ۱۴۰۳ در دو نوبت برگزار شد. علی خامنه ای در این انتخابات چراغ سبز به اصلاح طلبان نشان داد و مسیر را برای بازگشت آنها برای حضور در قدرت و جهت حفظ نظام هموار کرد.

اصلاح طلبان با سازماندهی همه جانبه در انتخابات و همچنین در روند انتخاب کابینه و تشکیل دولت به یاری پزشکيان آمدند اما از همان ماههای نخست فعالیت دولت چهاردهم به خوبی نمایان شد که پزشکيان چهره ای ناکارآمد، ناتوان، و عوام فریب است که حتی نتوانسته جناح خودش را راضی نگه دارد.

او در یکسالگی دولت اعلام کرده که این مدت پر از «مصیبت های جدید» و «گرفتاری های شدید» بوده است. وی همچنین به تازگی در زنجان گفته «ما بدجوری گیریم، از روزی که آمدم همش مصیبت می بارد و دست بردار هم نیست و تا می خواهیم به یک ساحل برسیم یکی دیگر می آید.»

با اینهمه او که در دولت محمد خاتمی سابقه حضور در دولت و طی سالهای گذشته در چند دوره سابقه نمایندگی مجلس شورای اسلامی را داشته و سال گذشته نیز از کرسی مجلس به پاسور رفت، از همه این مشکلات و گرفتاری ها خبر داشته و می دانسته که مسیر جمهوری اسلامی سراسر مصیبت است!

یکسال فعالیت دولت اصلاح طلب پزشکيان در حالی سپری شده که مهمترین وعده های او و تیمی که در انتخابات پارسال بطور سازمان یافته او را حمایت می کرد عملی نشده و نه تنها وضعیت مردم و کشور بلکه وضعیت خود نظام بدتر از دوران ابراهیم رئیسی شده است.

دولت چهاردهم، جمهوری اسلامی ایران را در معرض جنگ و عملیات نظامی اسرائیل قرار داد. پزشک‌های در حالی در انتخابات پارسیل بر طبل «افزایش توان نظامی» می‌کوبید که اسرائیل طی چند ساعت بیش از ۳۰ فرمانده ارشد نظامی جمهوری اسلامی را از میان برداشت و برآسمان ایران تسلط پیدا کرد و طی جنگ ۱۲ روزه ده‌ها تن از مقامات نظامی دیگر رژیم را از بین برد و زیرساخت‌های دفاعی و موشکی را در هم کوبید!

پزشک‌های که پیش و پس از انتخابات بارها تأکید کرده بود که یا در رکاب علی خامنه‌ای دارد و پیرو سیاست‌ها و رهنمودهای اوست، طی یک سال گذشته نیز نشان داد دولت چهاردهم اگرچه دولت اصلاح‌طلبان است اما کاملاً همسو و گوش به فرمان علی خامنه‌ای است که در نخستین ساعات جنگ به مخفیگاه رفت و بقیه مقامات نیز هر یک در گوشه‌ای پنهان شدند و منتظر ماندند.

در این حکومت فرقی نمی‌کند چه کسی چکاره باشد!

طی یکسال گذشته نیز وضعیت اقتصاد، سیاست خارجی، درمان، آموزش، فرهنگ، محیط زیست و... با سرعت در حال نزول و سقوط بوده است. سفره‌های مردم خالی‌تر از پیش شده و قشر متوسط به معنای واقعی محو، و به زیر خط فقر رانده شده است. قیمت اقلام دارویی تا هفت برابر افزایش داشته و بسیاری از بیماران، حتی مبتلایان به بیماری‌های خاص و کشنده، روند درمان خود را به علت گرانی دارو متوقف کرده و به کام مرگ می‌روند. آمار ترک تحصیل دانش‌آموزان به علت فقر افزایش یافته و موج مهاجرت ایرانیان، یا به بیان بهتر فرار شهروندان، سرعت گرفته است.

دولت چهاردهم از تأمین آب و برق و نان شهروندان عاجز است و سایه جنگ و بمباران بر سر مردم سنگینی می‌کند. امنیت اجتماعی با کاهش چشمگیر روبرو شده و کیف‌فابی و زورگیری و دزدی که ریشه در فقر و نابسامانی‌های اقتصادی دارد افزایش یافته است.

از سوی دیگر موارد مخربی چون آلودگی هوا و آتش‌سوزی مراتع و جنگل‌ها محیط زیست کشور را بیش از پیش نابود و غیرقابل سکونت می‌کند.

در حوزه سیاست داخلی نیز دولت پزشک‌های که با شعار «وفاق ملی» روی کار آمد حتی نتوانسته با جناح‌های حکومتی به توافق برسد. فاصله میان حکومت و مردم نیز عمیق‌تر شده است. از سوی دیگر پیشبرد طرح‌های خطرناک و زیانبار مانند اداره استانی کشور با ارائه اختیارات تام به استانداران، با انتقال پایتخت مورد تأکید پزشک‌های قرار دارد که به نظر می‌رسد می‌خواهد از زیر بار مسئولیت شانه خالی کرده و ناکارآمدی‌ها را بین استان‌ها تقسیم کند!

در رابطه با سیاست خارجی نیز یک جنگ تمام‌عیار، تداوم تحریم‌ها و احتمال فعال شدن «مکانیسم ماشه» حاصل عملکرد یکساله دولت چهاردهم بوده است! هیچ چشم‌اندازی نیز وجود ندارد که سه سال آینده‌ی این دولت بهتر از اکنون باشد!

مجموعه‌ی شواهد و واقعیات نشان می‌دهد برخلاف ادعای انتخاباتی اصلاح‌طلبان که اصرار داشتند «فرقی نمی‌کند چه کسی رئیس جمهوری باشد»، در ساختار تها و ویرانگر جمهوری اسلامی اصلاً فرقی نمی‌کند چه کسی و از کدام جناح رئیس دولت و یا در هر مقام دیگری باشد. رهایی ملت و مملکت از شرایط کنونی، تنها با رهایی از شر جمهوری اسلامی و رفتن به سوی یک ساختار سیاسی مدرن و دموکرات امکانپذیر می‌شود. وگرنه خطر فروپاشی سرزمینی ایران تهدیدی بسیار جدیست.

مجلس شورای اسلامی ارائه کرد. بر اساس این لایحه، هر فرد یا رسانه‌ای که اطلاعات و اخبار «خلاف واقع» منتشر کند با مجازات زندان روبرو خواهد شد و رسانه‌ها نیز توقیف و وبسایت‌های خبری مسدود خواهند شد. از جمله مجازات‌های پیش‌بینی شده در این لایحه از شش ماه تا ۱۵ سال زندان است.

این طرح سرکوب‌کننده حتا با انتقاد برخی از جریان‌های حکومتی و حامیان دولت پزشک‌های نیز روبرو شد. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی علیه این طرح گزارشی جامع تهیه کرد. شماری از نمایندگان نیز در نامه به پزشک‌های این لایحه را «در تضاد با شعارهای عدالتخواهانه، مردمی و ضد انحصارطلبی دولت»، «تحدید آزادی بیان» مردم و «لایحه‌ای برای ساکت کردن منتقدان» خواندند. موج انتقادات آنقدر گسترده بود که دولت ناچار شد آن را پس بگیرد!

در سیاست خارجی نیز در رکاب رهبر!

مسعود پزشک‌های در جریان انتخابات جمهوری اسلامی به شدت از سیاست‌های دولت ابراهیم رئیسی در حوزه سیاست خارجی انتقاد کرده بود. او و تیم انتخاباتی‌اش همچنین در برابر سعید جلیلی، رقیب انتخاباتی وی، سیاست خارجی را



محور اثرگذاری بر افکار عمومی قرار داده بودند و موجی از «جلیلی‌هراسی» به ویژه درباره سرنوشت مذاکرات اتمی به راه انداخته بودند.

مسعود پزشک‌های وعده داده بود: «راهنمای سیاست خارجی ما منافع مردم ایران خواهد بود و در سیاست خارجی شعارهای دهان‌پرکن که جیب مردم را خالی کند، شعارهایی که مردم را از قافله توسعه عقب بیندازد و مردم را گرفتار تأمین دارو و صنایع ملی را گرفتار تأمین مواد اولیه و آخرین فناوری کند، نخواهم داد».

او همچنین با وعده درباره احیای برجام، رفع تحریم‌ها و دیگر موانع بانکی مانند FATF گفته بود: «قدرت‌های فرماندهی و بیگانگان در منطقه مسلط نخواهند شد و استقلال ایران حفظ خواهد شد».

محمدجواد ظریف به عنوان اصلی‌ترین چهره ستاد انتخاباتی مسعود پزشک‌های هم تأکید کرده بود: «در سیاست خارجی، بسیار اهمیت دارد چه کسی در خیابان پاستور و خانه رئیس جمهور نشسته است».

این در حالیست که کمتر از یکسال پس از روی کار آوردن

کرده بود که با بی‌عملی وزارت نیرو در دولت او، کمبود انرژی تشدید شد. در شرایطی که وزیر نیرو سال گذشته وعده داده بود در سال ۱۴۰۴ قطع برق نخواهیم داشت؛ جیره‌بندی برق در هر سه بخش خانگی، صنعتی و کشاورزی بلافاصله پس از تعطیلات نوروز آغاز شد.

در آنسو کمبود شدید آب نیز به بحرانی فزاینده تبدیل شده و مردم در گرم‌ترین روزهای سال با جیره‌بندی گسترده آب روبرو هستند. قطع آب در بخش صنعت نیز اجرا شده و بسیاری از کارخانه‌ها ناچارند با تانکر آب مورد نیاز خود را تأمین کنند یا خطوط تولید را خاموش کنند!

کمبود انرژی و آب، در کنار مشکلاتی چون رکود تورمی، افزایش قیمت ارز و افزایش محدودیت‌ها در بخش تجارت خارجی سبب خروج بیشتر سرمایه از اقتصاد و کوچک شدن یک اقتصاد ایران شده است. همچنین روند سرمایه‌گذاری خارجی متوقف شده بطوری که هیچ آماری در اینباره منتشر نمی‌شود! آمارهای حکومتی نیز نشان می‌دهد رشد اقتصادی در خردادماه به ۱/۰ درصد کاهش یافته و در بهار ۱۴۰۴ نیز به ۴/۱ درصد (بدون نفت ۲/۱ درصد) رسیده که پایین‌ترین سطح در چهار سال گذشته است. این در حالیست که در برنامه هفتم توسعه رشد ۸ درصدی هدف‌گذاری شده بود که مورد تأکید پزشک‌های در تبلیغات انتخاباتی‌اش نیز قرار گرفته بود!

تشدید محدودیت اینترنت و سرکوب شهروندان

آزادی اینترنت نیز یکی دیگر از محوری‌ترین وعده‌های انتخاباتی مسعود پزشک‌های بود. او در جریان انتخابات بارها به رفع فیلترینگ اشاره کرده و تیم سازمانیافته حامیان او در جریان انتخابات و تا مدتی پس از تشکیل دولت این وعده را برای افکار عمومی برجسته کرده بودند.

اکنون یکسال پس از تشکیل دولت اصلاح‌طلبان، نه تنها فیلترینگ رفع نشده بلکه وضعیت اینترنت بدتر از سال گذشته است.

انجمن تجارت الکترونیک ایران به تازگی در گزارشی اعلام کرد که اختلال و مسدود ماندن پروتکل‌های مهم اینترنت بیشتر شده و ایران بدترین وضعیت کیفیت اینترنت در میان ۱۰۰ کشور اول GDP یا همان بزرگترین کشورها در حوزه اقتصاد را دارد. این گزارش افزوده اینترنت در ایران فقط از کشورهای کوبا، ترکمنستان، کامرون، آنگولا، سودان، کنگو و اتیوپی وضعیت بهتری دارد.

از سوی دیگر با تشدید محدودیت‌های اینترنتی، به ویژه به بهانه جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل، بسیاری از کسب و کارهای بخش اقتصاد دیجیتال با خسارت گسترده و ورشکستگی روبرو شدند. ستار هاشمی وزیر ارتباطات دولت چهاردهم نیز اعتراف کرده که میزان اشتغال در بخش اقتصاد دیجیتال با کاهش ۳۰ درصدی روبرو شده است.

همچنین فعالان بخش تجارت الکترونیک در هفته‌ای که گذشت طی نامه‌ای به پزشک‌های اعلام کردند که فشارهای امنیتی بر شرکت‌های فعال در این بخش نیز افزایش یافته است. نمونه‌های این فشار «انتشار شب‌نامه‌ها، تهدید سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، یورش به دفاتر شرکت‌ها و بازجویی فعالان» اعلام شده است.

دولت پزشک‌های همچنین با چراغ خاموش طرح تبعیض‌آمیز و سرکوبگرانه اینترنت طبقه‌ای نیز را به اجرا درآورده است.

بر اساس این طرح «خودی»‌ها و برخی مشاغل می‌توانند به اینترنت بدون فیلتر یا نیمه‌فیلتر دسترسی داشته باشند اما عموم شهروندان همچنان با محدودیت‌های گسترده و فیلترینگ و سانسور روبرو خواهند بود.

همزمان دولت چهاردهم لایحه‌ای عجیب با عنوان «مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی» را به

پروژه شکوفایی ایران؛ رونمایی از «دفترچه دوران اضطرار» برای ۱۰۰ تا ۱۸۰ روز نخست پس از سقوط جمهوری اسلامی



● در این دفترچه برای مرحله اضطراری زمانی حدود ۱۰۰ تا ۱۸۰ روز پس از سقوط رژیم و برای دوره گذار زمانی بین ۲ تا ۳ سال در نظر گرفته شده است.

● همچنین آمده پیش از سقوط جمهوری اسلامی، شاهزاده رضا پهلوی در جایگاه رهبر خیزش ملی و با هدف مدیریت دوران گذار دو «نهاد خیزش ملی» و «نهاد اجرای موقت» را تشکیل می‌دهد که نهاد نخست نقش مشورتی داشته و بازوی سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری رهبر خیزش ملی محسوب می‌شود.

● همچنین اعلام شده «بنا به ملاحظات امنیتی ناشی از کارنامه ننگین جمهوری اسلامی در حذف مخالفان، اسامی این اشخاص تا سرنگونی جمهوری اسلامی آشکار نخواهد شد.»
● «نصب و عزل رؤسای هر سه نهاد با پیشنهاد نهاد خیزش ملی که مستلزم رأی اکثریت مطلق هموندان است و با تأیید رهبر خیزش ملی انجام می‌پذیرد.»

● «وزرای دولت گذار توسط رئیس دولت، پس از تأیید نهاد خیزش ملی و با رأی اکثریت مطلق اعضای نهاد خیزش ملی منصوب می‌گردند.»

● در میان وظایف اجرایی مطرح شده برای دولت گذار، برگزاری referendum نوع حکومت در میان دو گزینه «پادشاهی» یا «جمهوری» طی چهار ماه پس از سقوط جمهوری اسلامی خواهد بود.

● در بخش دیگری آمده سرنوشت سران رژیم با برگزاری همه‌پرسی از سوی دولت موقت مشخص خواهد شد.

«اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) از «دفترچه دوران اضطرار» رونمایی کرد. «دفترچه دوره اضطرار» به دوره ۱۰۰ تا ۱۸۰ روزه نخست پس از سقوط جمهوری اسلامی می‌پردازد.

«دفترچه دوران اضطرار» که روز چهارشنبه ۸ مرداد ۱۴۰۴ از سوی «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) رونمایی شد بخشی از «پروژه شکوفایی ایران» است که زیر نظر شاهزاده رضا پهلوی تهیه شده است.

بر اساس اعلام «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران»، «پروژه شکوفایی ایران» در سه بخش کلان برنامه‌های خود را پیش می‌برد: مرحله اضطرار، دوره گذار، و چشم‌انداز بلندمدت.

هدف از تدوین «دفترچه دوران گذار» که بخش نخست پروژه شکوفایی ایران است «طراحی برای تثبیت و بازسازی کشور پس از فروپاشی جمهوری اسلامی» و آشنایی ایرانی‌های مقیم خارج از کشور و جامعه بین‌المللی با تصور و تحقق ظرفیت کامل یک ایران آزاد و شکوفا اعلام شده است. مدیران این پروژه اعلام کرده‌اند که جزئیات مربوط به دوران اضطرار در قالب ۱۵ مقاله تخصصی توسط کارشناسان بررسی و تدوین شده است. این مرحله به عنوان زیرساخت اولیه برای مدیریت بحران، احیای خدمات عمومی و آغاز بازسازی اقتصادی کشور در دوران پس از جمهوری اسلامی در نظر گرفته شده است.

«دوران اضطرار» شامل دو بخش «تثبات بخشی بنیادین» و «احیای صنعتی» است. «تثبات بخشی بنیادین» شامل سه زیربخش سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، و بخش «احیای صنعتی» شامل سه زیربخش انرژی و منابع، تولید، و خدمات است.

ملی عمل خواهد کرد و شامل سه نهاد است که عبارتند از «نهاد خیزش ملی»، «دولت گذار» و «دوران گذار».

همچنین آمده که «نصب و عزل رؤسای هر سه نهاد با پیشنهاد نهاد خیزش ملی که مستلزم رأی اکثریت مطلق هموندان است و با تأیید رهبر خیزش ملی انجام می‌پذیرد.» در بخش دیگری آمده که «نهاد خیزش ملی» نقش قوه مقننه [قانونگذار] را در دوران گذار به عهده خواهد داشت. بازبینی سازمان‌های فعال در دوران جمهوری اسلامی برای ادامه فعالیت یا انحلال، بازآرایی ساختار فرماندهی نیروهای مسلح، بررسی و تأیید بودجه پیشنهادی دولت گذار، تعیین قوانینی از جمهوری اسلامی که برای دوران گذار و تا تدوین قوانین جدید از سوی مجلس موسسان باید ابطال شود، تعیین قوانین دوران گذار، تغییر در کتاب‌های درسی و دانشگاهی، و بازگرداندن استقلال به کانون وکلا، از جمله وظایف «نهاد خیزش ملی» است.

همچنین آمده که «وزرای دولت گذار توسط رئیس دولت، پس از تأیید نهاد خیزش ملی و با رأی اکثریت مطلق اعضای نهاد خیزش ملی منصوب می‌گردند.»

در میان وظایف اجرایی مطرح شده برای دولت گذار، برگزاری referendum نوع حکومت تنها طی چهار ماه پس از سقوط جمهوری اسلامی است: «برگزاری همه‌پرسی نوع حکومت: دولت گذار باید در یک بازه چهار ماهه یک همه‌پرسی برگزار کند که در آن، نوع سامانه یک حکومت دموکراتیک (پادشاهی یا جمهوری) تعیین می‌شود.»

همچنین در توضیحات درباره referendum تعیین نوع حکومت آمده «احزاب و کنشگران سیاسی طرفدار هر یک از دو سامانه حداقل سه ماه (از بازه چهار ماهه [پس از سقوط جمهوری اسلامی]) فرصت خواهند داشت تا سامانه مورد نظر خود را به مردم معرفی و ترویج نمایند. نهادها و سازمان‌های دولت گذار که در این فرآیند دخیل هستند (مانند سازمان رادیو و تلویزیون ملی و بنگاه‌های خبررسانی دولتی) با حامیان هر دو سامانه بطور یکسان رفتار

در این دفترچه، برای مرحله اضطراری زمانی حدود ۱۰۰ تا ۱۸۰ روز پس از سقوط رژیم و برای دوره گذار زمانی بین ۲ تا ۳ سال در نظر گرفته شده است.

اعلام شده که «تیم پروژه شکوفایی ایران یک طرح اولیه برای سیاست صنعتی تدوین کرده است که در آن صنایع حیاتی برای بازسازی اقتصادی کشور شناسایی شده‌اند. در ادامه، یک رقابت پروژه‌محور با دسترسی آزاد برگزار خواهد شد که از کارآفرینان، سرمایه‌گذاران و نهادهای دعوت می‌کند تا طرح‌های مشخص و اجرای را در راستای این چشم‌انداز صنعتی ارائه دهند. پروژه شکوفایی ایران چارچوب ساختاری، الگوی ارزیابی و معیارهای اولویت‌بندی لازم را برای هدایت آن فرآیند فراهم خواهد کرد.»

اهداف دولت موقت نیز «پرهیز از هرگونه آسیب‌رسانی»، «عادی‌سازی روابط خارجی»، «تثبیت شرایط کشور»، «اداره امور پایه‌ای حکمرانی»، «فراهم‌سازی بستر رشد سریع و پایدار» اعلام شده است.

در این دفترچه آمده پیش از سقوط جمهوری اسلامی، شاهزاده رضا پهلوی در جایگاه رهبر خیزش ملی و با هدف مدیریت دوران گذار دو «نهاد خیزش ملی» و «نهاد اجرایی موقت» را تشکیل می‌دهد که نهاد نخست نقش مشورتی داشته و بازوی سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری رهبر خیزش ملی محسوب شود. هموندان این نهاد اشخاصی از درون و برون کشور خواهند بود. نهاد دوم نیز به عملی کردن سیاست‌ها و اجرای تصمیمات رهبر خیزش ملی می‌پردازد و هموندان این گروه نیز اشخاصی از درون و برون کشور خواهند بود.

همچنین اعلام شده «بنا به ملاحظات امنیتی ناشی از کارنامه ننگین جمهوری اسلامی در حذف مخالفان، اسامی این اشخاص تا سرنگونی جمهوری اسلامی آشکار نخواهد شد.»

در ادامه آمده پس از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی در انقلابی ملی به دست ملت ایران و پیوستن نیروهای نظامی و انتظامی به ملت، «سامانه گذار» به اداره کشور در دوران گذار خواهد پرداخت. «سامانه گذار» تحت هدایت رهبر خیزش

سه شرط جمهوری اسلامی برای مذاکره با آمریکا؛ تضمین غنی‌سازی در خاک ایران، عدم تکرار حمله و غرامت!



یکی از انفجارها در تهران در جریان جنگ ۱۲ روزه میان جمهوری اسلامی و اسرائیل

است، اما با تهدید، فریب و فشار تسلیم نخواهد شد. عراقچی همچنین با انتقاد از بریتانیا، فرانسه و آلمان هشدار داده که در صورت فعال ساختن «مکانیسم ماشه» توسط اروپا، تهران به مذاکره با قدرت‌های اروپایی پایان خواهد داد.

پس از انتشار این صحبت‌های عراقچی، تامی پیگوت معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا عنوان کرد: «تاکید می‌کنم که ایالات متحده آماده مذاکره با ایران است. [رژیم] ایران فرصت کوتاهی دارد، اما توپ در زمین ایران است، بنابراین منتظریم ببینیم که آنها چه می‌کنند.»

او در یک نشست خبری در پاسخ به خبرنگاران توضیح داد: «وزیر امور خارجه [جمهوری اسلامی] ایران به فایننشال تایمز گفت که ایالات متحده باید قبل از مذاکرات هسته‌ای، در مورد غرامت توافق کند، زیرا ایالات متحده به سایت‌های هسته‌ای ایران حمله کرده است. آیا در این مورد نظری دارید؟» معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت که درخواست «غرامت» از ایالات متحده آمریکا «مضحک» است و افزود که رژیم «ایران اگر واقعا می‌خواست پول پس‌انداز کند یا برخی از سیاست‌های تحریمی را کاهش دهد، باید از ارتکاب اقدامات تخریبی دست برمی‌داشت.»

عباس گلرو یک عضو کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی می‌گوید: «آنچه که در حال حاضر در حال وقوع است [انجام مذاکره]، یقیناً تصمیم نهادهای بالادستی و حاکمیتی کشور و اینگونه بگویم بطور کلی تصمیم نظام؛ برای مذاکره است، که به نظر من تصمیم درستی است.» با اینهمه به نظر می‌رسد چشم‌اندازی برای آغاز مذاکرات میان جمهوری اسلامی و آمریکا وجود ندارد و اگر هم گفتگویی انجام شود، شروطی که طرفین برای مذاکره اعلام کردند دقیقاً در نقطه مقابل یکدیگر قرار دارد و معلوم نیست چگونه می‌توان به توافق رسید! یکی از این شروط اینست که دونالد ترامپ خواستار برچیده شدن تمام ظرفیت‌های غنی‌سازی در ایران است، اما جمهوری اسلامی به حفظ آن اصرار دارد.

● وزیر خارجه جمهوری اسلامی در مصاحبه با روزنامه «فایننشال تایمز» سه شرط تهران را برای مذاکرات با آمریکا اعلام کرد: دو شرط تضمین حق غنی‌سازی در خاک ایران و عدم تکرار حمله و شرط سوم پرداخت غرامت از سوی آمریکا به دلیل حملات صورت گرفته در جنگ ۱۲ روزه است.

● عباس عراقچی در این مصاحبه ضمن اشاره به رد و بدل کردن پیام با استیو ویتکاف به نقل از این مقام آمریکایی ادعا کرد که امکان از سر گرفتن مذاکرات از نوع برد-برد ممکن است. او در این مصاحبه گفت راه مذاکره باریک است، اما غیرممکن نیست.

● پس از انتشار این صحبت‌های عراقچی، تامی پیگوت معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، عنوان کرد: «تاکید می‌کنم که ایالات متحده آماده مذاکره با [جمهوری اسلامی] ایران است. ایران فرصت کوتاهی دارد، اما توپ در زمین ایران است، بنابراین منتظریم ببینیم که چه می‌کنند.»

● وی همچنین در مورد درخواست «غرامت» از سوی جمهوری اسلامی آن را «مضحک» خواند و افزود که رژیم «ایران اگر واقعا می‌خواست پول پس‌انداز کند یا برخی از سیاست‌های تحریمی را کاهش دهد، باید از ارتکاب اقدامات تخریبی دست برمی‌داشت.»

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در مصاحبه با روزنامه «فایننشال تایمز» سه شرط تهران را برای مذاکرات با آمریکا اعلام کرد: دو شرط تضمین حق غنی‌سازی در خاک ایران و عدم تکرار حمله و شرط سوم پرداخت غرامت از سوی آمریکا به دلیل حملات صورت گرفته در جنگ ۱۲ روزه است. عراقچی در این مصاحبه ضمن اشاره به رد و بدل کردن پیام با استیو ویتکاف به نقل از این مقام آمریکایی ادعا کرد که امکان از سر گرفتن مذاکرات از نوع برد-برد ممکن است. او در این مصاحبه گفت راه مذاکره باریک است، اما غیرممکن نیست.

وزیر خارجه جمهوری اسلامی در این مصاحبه تأکید کرده است که جمهوری اسلامی «ایران خواستار مذاکره واقعی

→ خواهند کرد و فرصت و امکانات برابر به آنها خواهند داد.»

همچنین آمده که «این همه‌پرسی به صورت آزاد و با رعایت استانداردهای بین‌المللی انجام خواهد گرفت و شرکت در آن برای تمام ایرانی‌های واجد حق رأی فراهم خواهد بود.» در بخش دیگری آمده سرنوشت سران رژیم هم به همه‌پرسی از سوی دولت موقت مشخص خواهد شد: «برگزاری همه‌پرسی برای تعیین سرنوشت سران رژیم جمهوری اسلامی: دولت‌گذار موظف خواهد بود همزمان با همه‌پرسی نوع حکومت، همه‌پرسی دیگری به منظور تعیین سرنوشت سران سیاسی، نظامی، انتظامی و اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی برگزار کند.»

در این همه‌پرسی «حداقل دو گزینه پیش روی ملت ایران قرار می‌گیرد: محاکمه علنی و مجازات سران رژیم، با رعایت استانداردهای بین‌المللی و با هدف برقراری عدالت، التیام درد قربانیان، اجتناب از انتقامجویی و ایجاد بازدارندگی از تکرار چنین فجایعی در تاریخ» یا «اعلام بخشش ملی با هدف تسریع روند گذار».

یکی دیگر از وظایف مهم دولت‌گذار نیز برگزاری انتخابات مجلس موسسان است: «پس از مشخص شدن نتیجه همه‌پرسی نوع حکومت، دولت‌گذار باید در یک بازه حداکثر دو ماهه» این انتخابات را برگزار کند.

همچنین در این متن بجای قوه قضاییه از «دیوان‌گذار» استفاده شده که عزل و نصب مقامات ارشد قضایی کشور و همچنین تأسیس نهادهای با عنوان «نهاد قضایی» را بر عهده دارد.

«نهاد قضایی» شامل پنج هموند شامل دو قاضی، یک دادستان، یک وکیل پایه یک دادگستری و یک استاد دانشگاه است که همگی از بین افراد با تجربه و خوشنام منصوب می‌شوند. در طول مدت هموندی در این نهاد، اشخاص نامبرده امکان اشتغال به قضاوت، دادسانی، وکالت و تدریس را نخواهند داشت. وظیفه این نهاد بازبینی مقررات حاکم بر نصب و عزل قضات و دادستان‌ها و همچنین نظارت بر روند نصب و عزل آنها در سراسر کشور است. در بخش ساختارهای حقوقی ممکن برای دوران گذار آمده «سه گزینه برای ساختار حقوقی دوران گذار امکان‌پذیر می‌باشد: گزینه بازگردانی: این گزینه تمام قوانینی را که توسط نهادهای جمهوری اسلامی تصویب شده‌اند لغو کرده و بلافاصله قوانینی را که در دوران محمدرضا شاه پهلوی اجرا می‌شدند باز می‌گرداند.

گزینه حفظ: این گزینه قوانین جمهوری اسلامی را در دوران گذار حفظ کرده و موضوع بازنگری قوانین را به مجلس منتخب در آینده واگذار می‌نماید.

گزینه ترکیبی: این گزینه قوانین جمهوری اسلامی را به صورت پیش‌فرض حفظ کرده، لیکن قوانین و مقررات خاصی را که نهاد جمهوری اسلامی هستند و یا مانع پیشرفت سامانه گذار محسوب می‌شوند، لغو می‌نماید.»

نویسندگان «دفترچه دوران اضطرار» جمع‌بندی کرده‌اند که «گزینه ترکیبی بهترین ساختار است چرا که با تمام معیارهای یک ساختار پهنه مطابقت دارد». معیارهای ساختار پهنه در این متن «امکان‌پذیری»، «ثبات‌آفرینی» و «امیدبخشی» عنوان شده است. در بخش دیگری از «دفترچه دوران اضطرار» آمده که دولت انتقالی با هدف تثبیت کشور، تلاش می‌کند عملکردهای حیاتی را بدون وقفه حفظ کند. در ادامه پیشنهادی برای شش ماه نخست فعالیت این دولت برای انجام امور اجرایی کشور ارائه شده است.

متن کامل «دفترچه دوران اضطرار» با ۱۶۸ صفحه در وبسایت «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» قابل دسترس است.

وزیر خارجه بریتانیا: تغییر رژیم مسئله‌ای است که باید مردم ایران درباره آن تصمیم بگیرند

● دیوید لمی روز شنبه دوم اوت (۱۱ مرداد) در مصاحبه با روزنامه «گاردین» گفت: «رهبران [رژیم] ایران تا کنون نتوانسته‌اند برای من که بارها با آنها گفتگو کرده‌ام، توضیح بدهند که چرا به اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد نیاز دارند!»

● او با اشاره به فعالیت‌های صنعتی اتمی در بریتانیا گفت: «اگر به نیروگاه‌های سلافیلد یا یورنکو در چشر بروم، هیچکدام اورانیوم بیش از شش درصد ندارند. ایرانی‌ها می‌گویند برای کارهای دانشگاهی است، اما من این را نمی‌پذیرم.»

دیوید لمی وزیر خارجه بریتانیا می‌گوید ادعای مقامات جمهوری اسلامی مبنی بر غنی‌سازی اورانیوم برای «اهداف علمی» را نمی‌پذیرد.

لمی روز شنبه دوم اوت (۱۱ مرداد) در مصاحبه با روزنامه «گاردین» گفت: «رهبران [رژیم] ایران تا کنون نتوانسته‌اند برای من که بارها با آنها گفتگو کرده‌ام، توضیح بدهند که چرا به اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد نیاز دارند!»

او با اشاره به فعالیت‌های صنعتی اتمی در بریتانیا گفت: «اگر به نیروگاه‌های سلافیلد یا یورنکو در چشر بروم، هیچکدام اورانیومی بیش از شش درصد ندارند. ایرانی‌ها می‌گویند برای کارهای دانشگاهی است، اما من این را نمی‌پذیرم.»

مقامات جمهوری اسلامی مدعی‌اند برای مصارف پزشکی، علمی و آکادمیک اورانیوم را تا ۶۰ درصد غنی می‌کنند این در حالیست که بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

شده است. این در حالیست که مقامات تهران همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را متوقف کرده‌اند و در مورد محل پنهان کردن این اورانیوم‌ها مخفی‌کاری می‌کنند.

در این میان، یکی از شروط ترامپ برای توافق با جمهوری اسلامی برچیدن کامل برنامه غنی‌سازی در ایران است اما علی خامنه‌ای گفته: «اینکه آمریکا می‌گوید غنی‌سازی نکند غلط زیادی است.»

از سوی دیگر، روسیه اعلام کرده که حاضر است برای کمک به روند توافق، «اورانیوم غنی‌شده مازاد» را از ایران خارج کند اما مقامات جمهوری اسلامی و بطور ویژه برخی فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلام این پیشنهاد را رد کرده‌اند. بسیاری از عوامل حکومت معتقدند وجود این اورانیوم در ایران «تضمین امنیت ملی» یعنی بقای جمهوری اسلامی به شمار می‌رود چون «امنیت ملی» اتفاقا با این کار با تحریم و جنگ در خطر قرار گرفته است!

در همین ارتباط بهروز کمالوندی سخنگوی سازمان انرژی اتمی گفته بود: «ما باید برای هر کاری که می‌کنیم تضمین داشته باشیم و یکی از تضمین‌هایی که قوی است نگه داشتن مواد هسته‌ای است. تا قبل از اینکه آنها تعهداتشان را انجام ندادند منطقی نیست که مواد از کشور خارج شود.»

«تغییر رژیم» تصمیم مردم ایران است
دیوید لمی وزیر خارجه بریتانیا در بخشی از همین مصاحبه تأکید کرده که تصمیم آمریکا برای بمباران تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی با هدف «سرنگونی حکومت» اتخاذ نشده بود.



دیوید لمی وزیر خارجه بریتانیا / عکس: رویترز

او در عین حال گفت با استدلال‌های اسرائیل درباره «تغییر رژیم» آشناست. لمی درباره این موضوع توضیح داد: «بیا باید واقع‌بین باشیم؛ افراد زیادی در ایران وجود دارند که خواهان تغییر رژیم هستند. اما هیچ تضمینی وجود ندارد که آنچه جای سپاه پاسداران را می‌گیرد، بهتر از آن باشد یا حتی چیز بدتری نباشد.»

او افزود: «این مسئله‌ای است که باید مردم ایران درباره‌اش تصمیم بگیرند. تمرکز من بر این است که بریتانیا چه کاری می‌تواند انجام دهد تا جلوی تبدیل شدن [جمهوری اسلامی] ایران به یک قدرت هسته‌ای را بگیرد.»

هیچ کشوری در دنیا نیست که برای مصارف غیرنظامی اورانیوم را تا ۶۰ درصد غنی‌سازی کرده باشد زیرا نیازی برای مصارف صلح‌آمیز و علمی نیازی به آن ندارند.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ گزارش داد، ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران با غلظت ۶۰ درصد از مرز ۴۰۰ کیلوگرم فراتر رفته است.

در عین حال سرنوشت بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده در ایران پس از بمباران تأسیسات اتمی فردو، نطنز و اصفهان مشخص نیست. مقامات جمهوری اسلامی ادعا کردند اورانیوم‌ها پیش از بمباران به «مکانی امن» منتقل

وزیر خارجه آلمان:
مذاکره بر سر این
است که آیا می‌توان
مذاکره کرد یا نه!
برنامه موشک‌های
دوربرد باید بخشی از
مذاکرات باشد



یوهان وادفول وزیر خارجه آلمان

● حدود شش هفته پس از اعلام آتش‌بس میان جمهوری اسلامی و اسرائیل توسط آمریکا، یوهان وادفول وزیر خارجه آلمان اعلام کرد که برنامه موشک‌های دوربرد تهران نه تنها اسرائیل بلکه اروپا را نیز تهدید می‌کند و باید بخشی از مذاکرات با جمهوری اسلامی باشد. او در عین حال گفت به نتیجه‌بخش بودن این مذاکرات امید چندانی ندارد.

● وزیر خارجه آلمان تأکید کرد: «روشن است که [جمهوری اسلامی] ایران نباید تحت هیچ شرایطی به سلاح هسته‌ای دست یابد. ما باید بر این نکته پافشاری کنیم که [رژیم] ایران آشکارا از آن دسته فعالیت‌های غنی‌سازی و فناوری‌هایی که توجیه غیرنظامی ندارند، دست بردارد.»

● وی همچنین گفت که تروئیکای اروپایی می‌خواهد در جریان مذاکرات، درباره برنامه موشک‌های دوربرد جمهوری اسلامی نیز به گفتگو بپردازد «چرا که این موشک‌ها نه تنها اسرائیل، بلکه اروپا را نیز تهدید می‌کنند.»

● در شرایطی که هیچ کشوری در منطقه و جهان و به ویژه از سوی اروپا، ایران را تهدید نمی‌کند، معلوم نیست جمهوری اسلامی به چه دلیل اصرار بر افزایش بُرد موشک‌ها تا اروپا دارد جز اینکه هم اتم و هم موشک را به عنوان تضمینی برای بقای خود می‌بیند و نه دفاع و محافظت از ایران که اتفاقا با همین برنامه‌ها و سیاست‌های جنگ‌طلبانه مورد تهدید قرار گرفته و تحریم و جنگ را به کشور تحمیل کرده است.



عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی در مصاحبه با «دیده‌بان ایران»، این حجم از آتش‌سوزی در صنایع نفت و گاز را «نگران‌کننده و غیرعادی» خواند و گفت برخی از این موارد در فواصل زمانی کوتاه، در مجتمع‌های حساس و به صورت مکرر اتفاق افتاده‌اند.

بهرامی علت نیمی از این حوادث را «فرسودگی تجهیزات، عدم تعمیرات پیشگیرانه و نوسازی نکردن سامانه‌های پایش فشار و دما» دانست و افزود حدود ۳۰ درصد این اتفاقات نیز ناشی از خطای انسانی، آموزش ناکافی کارکنان عملیاتی و بی‌توجهی به پروتکل‌های ایمنی هستند.

به گفته او، ۲۰ درصد موارد هم در اثر ترکیبی از قصور مدیریتی، تاخیر در رسیدگی اضطراری، نبود سامانه هشدار دیجیتال کافی و نیز «تخاصمات اخیر اسرائیل» رخ داده است.

از زمان اعلام آتش‌بس و پایان جنگ ۱۲ روزه در چهارم تیر، انفجارهای مداوم و آتش‌سوزی‌هایی با منشاء نامعلوم در شهرهای مختلف ایران گزارش شده‌اند.

در یک نمونه، ۲۸ تیرماه آتش‌سوزی بزرگی در پالایشگاه نفت آبادان رخ داد که جان یک کارگر را گرفت. علت حادثه، طبق اعلام رسمی، «نشت از یک پمپ در حال تعمیر» اعلام شد. طی هفته‌های اخیر مقامات دلایلی از جمله «نشت گاز»، «ترکیدگی لوله»، «انفجار مهمات عمل‌نکرده از جنگ ۱۲ روزه»، «سوزاندن علف خشک» و... را علت انفجار و آتش‌سوزی‌ها اعلام کردند.

روزنامه «نیویورک تایمز» روز چهارشنبه ۲۳ ژوئیه (اول مرداد) در گزارشی به نقل از چند مقام جمهوری اسلامی نوشت، بسیاری از انفجارها و آتش‌سوزی‌های مرموز که در دو هفته گذشته رخ داده‌اند، اقدامات خرابکارانه از سوی اسرائیل بوده‌اند هرچند که در اظهارات عمومی، مقامات این اتفاقات را تصادفی یا ناشی از فرسودگی زیرساخت‌ها عنوان کرده‌اند.



انفجار در پالایشگاه آبادان

یک عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به «نیویورک تایمز» گفت، تأثیر کلی این انفجارهای تقریباً روزانه حتی اگر برخی از آنها تصادفی باشند، منجر به افزایش نگرانی در میان مقامات و عموم مردم شده است.

مقامات اسرائیلی از اظهار نظر در این زمینه خودداری کرده‌اند اما موساد به صراحت اعلام کرده که حتی پس از آتش‌بس نیز به فعالیت‌های خود در ایران ادامه خواهد داد. دیوید بارنتا رئیس موساد در یک سخنرانی عمومی کم‌سابقه پس از جنگ با رژیم ایران، گفت: «ما آنجا خواهیم بود، همانطور که تا کنون بوده‌ایم.»

عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی: «تخاصم» با اسرائیل دلیل برخی آتش‌سوزی‌های نفت و گاز است

● محمد بهرامی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی اعداد کرد بخشی از آتش‌سوزی‌های اخیر در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی «غیرعادی» است. وی آن را به ادامه حملات اسرائیل نسبت داد.

● وبسایت «دیده‌بان ایران» یکشنبه ۱۲ مرداد در گزارشی از وقوع بیش از ۱۲ مورد آتش‌سوزی یا انفجار بزرگ و متوسط در تاسیسات نفتی، پتروشیمی‌ها، خطوط انتقال و پایانه‌های صادراتی کشور طی حدود چهار ماه نخست سال ۱۴۰۴ خبر داد.

محمد بهرامی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی ادعا کرده است که بخشی از آتش‌سوزی‌های اخیر در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی «غیرعادی» است. وی آن را

→ حدود شش هفته پس از اعلام آتش‌بس میان جمهوری اسلامی و اسرائیل توسط آمریکا، یوهان وادفول وزیر خارجه آلمان اعلام کرد که برنامه موشک‌های دوربرد تهران نه تنها اسرائیل بلکه اروپا را نیز تهدید می‌کند و باید بخشی از مذاکرات با جمهوری اسلامی باشد. او در عین حال گفت به نتیجه‌بخش بودن این مذاکرات امید چندانی ندارد. وادفول شنبه ۱۱ مردادماه در مصاحبه با پادکست نشریه «پولیتیکو» تأکید کرد که جمهوری اسلامی پس از حملات آمریکا و اسرائیل به تاسیسات هسته‌ای اش تضعیف شده است.

او از ادامه مذاکرات تهران و کشورهای اروپایی «حتی در همین لحظه» خبر داد و در عین حال عنوان کرد: «صادقانه بگویم ما داریم درباره این مذاکره می‌کنیم که آیا اصلاً می‌توانیم وارد مذاکره واقعی شویم یا نه.»

وزیر خارجه آلمان گفتگوها میان سه قدرت اروپایی و جمهوری اسلامی را «مذاکره‌ای درباره خود مذاکرات» توصیف کرد و گفت هدف باید این باشد که برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی از راه دیپلماتیک، و نه نظامی، حل و فصل شود.

او همچنین تأکید کرد: «روشن است که [جمهوری اسلامی] ایران نباید تحت هیچ شرایطی به سلاح هسته‌ای دست یابد. ما باید بر این نکته پافشاری کنیم که [رژیم] ایران آشکارا از آن دسته فعالیت‌های غنی‌سازی و فناوری‌هایی که توجیه غیرنظامی ندارند، دست بردارد.»

وادفول تأکید کرد تروئیکای اروپایی می‌خواهد در جریان مذاکرات، درباره برنامه موشک‌های دوربرد جمهوری اسلامی نیز به گفتگو بپردازد «چرا که این موشک‌ها نه تنها اسرائیل، بلکه اروپا را نیز تهدید می‌کنند.»

وزیر خارجه آلمان گفت درباره شانس موفقیت این مذاکرات «محتاط» است، اما هرگز نمی‌خواهد کسی ادعا کند که اروپا در این زمینه تمام تلاش خود را به کار نگرفته است.

وادفول افزود به همین دلیل است که اروپا اکنون درگیر گفتگوهای مقدماتی و فشرده‌ای با جمهوری اسلامی است، اما تصمیم‌گیری نهایی در این زمینه بر عهده تهران خواهد بود. او ادامه داد: «اگر تهران آمادگی نداشته باشد، روشن است که اروپا ناچار خواهد بود دوباره تحریم‌ها را علیه ایران اعمال کند... پس این در اختیار تهران است که زمینه را برای یک راه حل خوب و به نفع مردم ایران فراهم کند.»

در تهران مقامات رژیم می‌گویند به هیچ عنوان در مورد توان موشکی حاضر به مذاکره نیستند. علی خامنه‌ای قبل از شروع مذاکره میان عباس عراقچی و استیو ویتکاف گفته بود، مسئله فقط هسته‌ای نیست، می‌خواهند بُرد موشک‌ها بیشتر نشود. در شرایطی که هیچ کشوری در منطقه و جهان و به ویژه از سوی اروپا، ایران را تهدید نمی‌کند، معلوم نیست جمهوری اسلامی به چه دلیل اصرار بر افزایش بُرد موشک‌ها تا اروپا دارد جز اینکه هم اتم و هم موشک را به عنوان تضمینی برای بقای خود می‌بیند و نه دفاع و محافظت از ایران که اتفاقاً با همین برنامه‌ها و سیاست‌های جنگ طلبانه مورد تهدید قرار گرفته و تحریم و جنگ را به کشور تحمیل کرده است.

بعد از جنگ ۱۲ روزه فشار دولت‌های اروپایی به جمهوری اسلامی افزایش پیدا کرده است. فریدریش مرترز صدر اعظم آلمان در واکنش به حمله نظامی اسرائیل به جمهوری اسلامی گفته بود: «کار کثیف را اسرائیل دارد برای همه‌ی ما انجام می‌دهد... من فقط می‌توانم بگویم بیشترین احترام را برای این واقعیت قائلم که ارتش اسرائیل شجاعت انجام این کار را داشت، و رهبران دولت اسرائیل شجاعت انجام این کار را داشتند.»

به ادامه حملات اسرائیل نسبت داد.

وبسایت «دیده‌بان ایران» یکشنبه ۱۲ مرداد در گزارشی از وقوع بیش از ۱۲ مورد آتش‌سوزی یا انفجار بزرگ و متوسط در تاسیسات نفتی، پتروشیمی‌ها، خطوط انتقال و پایانه‌های صادراتی کشور طی حدود چهار ماه نخست سال ۱۴۰۴ خبر داد. بر اساس این گزارش، این آمار شامل موارد فوتی و خسارت‌بار نیز بوده است. «دیده‌بان ایران» یادآوری کرده که اگر موارد کوچک‌تر، حریق‌های موضعی و نشتی‌های منجر به دود یا احتراق نیز لحاظ شوند، این تعداد به «بیش از ۲۰ مورد» خواهد رسید.

روزنامه «تلگراف»: همکاری سپاه پاسداران و طالبان برای شناسایی جاسوس‌های بریتانیا



اخراج افغان‌ها از ایران

اطلاعات می‌تواند برای هر دو کشور در مذاکرات با غرب مفید باشد.
یک مقام ارشد جمهوری اسلامی در گفتگو با «تلگراف» گفت که جمهوری اسلامی «تلاش‌هایی را برای به دست آوردن این فهرست انجام داده و کمیته ویژه‌ای به این موضوع اختصاص داده شده است. همچنین گفتگوهای برای همکاری تهران و کابل در این مورد صورت گرفته است. این همکاری می‌تواند به هر دو کشور در مذاکره با غرب کمک کند.»

«فهرست کشتار» چیست؟

«فهرست کشتار» یک فایل «اکسل» شامل نام، شماره تلفن و آدرس ایمیل سربازان افغان، کارمندان دولتی و اعضای خانواده کسانی است که پس از خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان در اوت ۲۰۲۱ به دستور دولت جو بایدن و تسلط دوباره طالبان بر این کشور، برای پناهندگی در بریتانیا تحت «برنامه اسکان مجدد افغان‌ها» اقدام کردند. این فهرست در سال ۲۰۲۲ بر اثر اشتباه یک تفنگدار دریایی بریتانیا افشا شد. این افسر بریتانیایی در آن زمان بجای ارسال بخشی از این فهرست، فایل کامل را برای افغان‌های مقیم بریتانیا ارسال کرد. به گفته یک مقام طالبان، آنها از همان سال ۲۰۲۲ به فهرست دست یافته‌اند. این مقام طالبان در گفتگو با «تلگراف» گفت: «اهمیت این فهرست، پس از انتشار خبر افشای آن در بریتانیا مشخص شد. دستور اکنون این است که تا حد امکان افراد داخل این فهرست بازداشت شوند تا بتوان از آنها به عنوان اهرم فشار دیپلماتیک در مذاکره با بریتانیا استفاده کرد.»

درخواست سپاه پاسداران از طالبان برای دست یافتن به این فهرست پس از آن مطرح می‌شود که بریتانیا، فرانسه و آلمان، جمهوری اسلامی را تهدید کرده‌اند که اگر

۴ اوت (۱۳ مرداد) در گزارشی به قلم افشین مددی و گرت کورفیلد با افشای این موضوع می‌نویسد تهران امیدوار است از افغان‌هایی که به بریتانیا کمک کرده‌اند، به عنوان ابزار چانه‌زنی در مذاکرات هسته‌ای استفاده کند.
در این گزارش آمده است، فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از طالبان درخواست کرده‌اند به فهرستی که اخیراً فاش شد و شامل اسامی افغان‌هایی است که به بریتانیا کمک کرده‌اند، دسترسی پیدا کنند. تخمین زده می‌شود حدود ۲۵ هزار نفر از شهروندان افغانستان با بریتانیا همکاری داشتند.

هدف حکومت ایران از این درخواست، شناسایی و تعقیب افرادی است که احتمال می‌دهند با سرویس اطلاعات مخفی بریتانیا (MI6) در ارتباط بوده‌اند.

رهبران طالبان نیز به نیروهای امنیتی خود در کابل دستور داده‌اند تا هر تعداد ممکن از افرادی که نامشان در این سند افشا شده است، بازداشت کنند.

این اقدام در حالی صورت می‌گیرد که جمهوری اسلامی می‌کوشد از این افراد به عنوان اهرم فشاری در مذاکرات هسته‌ای با غرب استفاده کند؛ به ویژه در شرایطی که مذاکرات درباره «احیای برجام» به مرحله حساسی رسیده است.

همزمان شبکه خبری «البی‌سی» در گزارشی نوشت که این اطلاعات حتی شامل اعضای نیروهای ویژه بریتانیا، نیروی خدمات ویژه و جاسوس‌های سازمان اطلاعات خارجی بریتانیا می‌شود. روزنامه «تلگراف» به نقل از یک مقام ارشد جمهوری اسلامی، که نامش ذکر نشده، گزارش داد که «سپاه پاسداران رسماً از طالبان خواسته است فهرست یادشده را در اختیار تهران قرار دهد.»

منابع آگاه گفته‌اند: «میان تهران و کابل گفتگوهای درباره همکاری در این زمینه صورت گرفته است، زیرا این

● روزنامه «تلگراف» گزارش داده که مقامات جمهوری اسلامی از طالبان خواسته‌اند تا نام افغان‌هایی را که پیشتر با بریتانیا همکاری داشتند، موسوم به «فهرست کشتار» در اختیار آنها قرار دهند. این فهرست برای نخستین بار در سال ۲۰۲۲ فاش شد و مقامات سپاه پاسداران گفته‌اند که می‌خواهند از آن برای شناسایی ماموران MI6 استفاده کنند.

● روزنامه بریتانیایی «تلگراف» روز دوشنبه ۴ اوت (۱۳ مرداد) در گزارشی به قلم افشین مددی و گرت کورفیلد، با افشای این موضوع می‌نویسد تهران امیدوار است از افغان‌هایی که به بریتانیا کمک کرده‌اند، به عنوان ابزار چانه‌زنی در مذاکرات هسته‌ای استفاده کند.

● «فهرست کشتار» یک فایل «اکسل» شامل نام، شماره تلفن و آدرس ایمیل سربازان افغان، کارمندان دولتی و اعضای خانواده کسانی است که پس از خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان در سال ۲۰۲۱ به دستور دولت بایدن و تسلط دوباره طالبان بر این کشور، برای پناهندگی در بریتانیا تحت «برنامه اسکان مجدد افغان‌ها» اقدام کردند.

● مقامات جمهوری اسلامی از زمان حملات اسرائیل، اخراج گسترده مهاجران افغان را آغاز کرده‌اند. یک مقام ارشد رژیم ایران به «تلگراف» گفت: «مقامات می‌خواهند با کنترل مرزها، شهروندان افغانی را که نام آنها در این فهرست آمده و ساکن ایران هستند، بازداشت کنند. اولویت آنها هم افغان‌هایی است که با نهادهای اطلاعاتی همکاری کرده‌اند.»

جمهوری اسلامی ایران از حکومت طالبان درخواست کرده که «فهرست کشتار» را در اختیار آن بگذارد تا جاسوسان MI6 را شکار کند. روزنامه بریتانیایی «تلگراف» روز دوشنبه

بارش

از خروس پیرس!

خبراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۱۵۴) اردیبهشت ۱۳۸۶



آن که سدی اوقاتش تلخ شود و بنالد:

امشب مگر به وقت می‌خواند این خروس
عشاق بس نکرده هنوز از کنار و بوس

پستان یار در خم گیسوی تابدار
چون گوی عاج در خم چوگان آبنوس

تا نشنوی ز مسجد آدینه بانگ صبح
یا از درِ سرای اتابک غریو کوس

لب از لبی چو چشم خروس، ابلهی بُود
برداشتن به گفته بیهوده خروس!

ملاحظه می‌فرمائید که اختلاف سلیقه در مورد زمان‌بندی شبانه‌روز تازگی ندارد و بستگی دارد به حال و هوای زندگی. بعضی اوقات انسان دلش می‌خواهد شب درازتر باشد، بعضی اوقات برعکس!

و اما این بنده که چندین و چند سال است در فرنگستان زندگی می‌کنم، می‌توانم به معاون محترم وزارت کشور اطمینان بدهم که گاوه‌های این دیار به همان اندازه فهمیده و عاقلند که آدم‌ها، و خودشان را با قانون و مقررات تطبیق می‌دهند. در ایران هم که بودم به‌یاد ندارم گاوها با تغییر ساعت مشکل پیدا کرده باشند مگر این که گاوها هم در این بیست و هفت، هشت سال گاوتر شده باشند.

مجلس هفتم و دولت نهم بر سر ساعت کشمکش دارند. رئیس جمهوری و دولت او، عقب و جلو کشیدن ساعت را بر حسب تغییر فصل جایز نمی‌دانند و بر آن مهر ابطال زده‌اند. در مقابل، جمعی از وکلای مجلس طرحی تهیه کرده‌اند که دولت را مکلف به برقراری مقررات تغییر ساعت می‌کند. حالا دعوا بر سر این است که آیا اختیار تعیین ساعت با مجلس است یا دولت.

محمدرضا میرتاج‌الدینی، از وکلای طرفدار دولت (اصولگرایان) می‌گوید «اعضای شورای مرکزی فراکسیون اصولگرایان با ارائه طرح از سوی نمایندگان برای تغییر ساعت رسمی کشور مخالف هستند. نظر ما این است که گزارشات مرکز پژوهش‌ها در مورد تغییر ساعت رسمی به دولت ارائه شود و دولت خود تصمیم‌گیری کند».

محمد خوش‌چهره، نماینده دیگر مجلس که مبتکر و مدافع طرح تقدیمی است، برعکس هم‌کرسی محترم خود عقیده دارد تعیین تقویم رسمی از اختیارات مجلس است: «اساس حرف ما این است که وظیفه قانونی مجلس تعیین تقویم رسمی کشور است به‌گونه‌ای که مشخص کند اعیاد و تعطیلات و ساعت رسمی چگونه باشند و برای این وظیفه قانونی خود نباید از دولت اجازه بگیرد... با قانونی کردن تقویم و ساعت رسمی کشور اعمال سلیقه را منتفی می‌کنیم و دیگر این طور نیست که یک دولتی این کار را باور داشته باشد و آن را اجرا کند و زمانی رئیس دولت آن را باور نداشته باشد و اجرا نکند».

پرزیدنت دکتر احمدی‌نژاد، تغییر ساعت رسمی را تقلید کورکورانه از غربیها می‌داند و به عقیده او، غربیهای خاج‌پرست خودشان هم نفهمیدند چه غلطی می‌کنند و ای بسا که از شکر خوردنشان پشیمان شده باشند. اگر در زمان طاغوت، به تقلید از فرنگی‌جماعت، ساعت را سالی دو بار به‌مناسبت تغییر فصل جلو و عقب می‌کشیدند دلیل ندارد که دولت امام زمانی هم با ادامه این کار، نظم خواب و خوراک و کار و زندگی ملت مسلمان را به‌هم بریزد.

در اثبات این نظر، آقای دکتر ایوبی معاون وزارت کشور دلیل عالمانه‌ای ارائه کرده است: «با توجه به این که طبق برآورد وزارت نیرو، صد میلیارد تومان و طبق نظر مرکز پژوهش‌ها ۳۵۰ میلیارد تومان حاصل صرفه‌جویی در تغییر ساعت است، آیا این ارقام ارزش آن را دارد که ما نظم زندگی مردم را به‌هم بریزیم و ساعت خواب آنان را کم کنیم؟ چرا می‌خواهید این زیبایی را که ساعت دوازده، وسط روز است و متدینین در این ساعت نماز ظهر می‌خوانند تغییر دهید؟ من چندین سال در فرانسه اقامت داشته‌ام و در یکی از برنامه‌های تلویزیون فرانسه دیدم که کشاورزی در کنار گاو خود ایستاده بود و اظهار می‌کرد که چگونه من به این گاو بفهمانم که باید یک ساعت زودتر شیر بدهد».

خالق متعال، وقتی عالم را خلق کرد نه مجلس وجود داشت و نه دولت. بنابراین تعیین ساعت را برعهده خروس گذاشت. خروس مأمور شد پایان شب و آغاز روز را با آواز بلند اعلام کند. بانگ خروس، به‌منزله ساعت رسمی بود و این که نوبت خواب و کارهای شبانه تمام شد. وقت برخاستن و پرداختن به کارهای روزانه است. خروس هم برای اذان گفتن، ساعتش را نگاه نمی‌کرد. نگاه می‌کرد به تاریک و روشن شدن هوا. سپیده که می‌دمید بانگ خروس برمی‌خاست ولو

مذاکرات هسته‌ای تا پایان ماه اوت به نتیجه نرسد، مکانسیم ماشه را فعال خواهند کرد.

جمهوری اسلامی با وجود حملات اسرائیل و آمریکا، اعلام کرده است که از غنی‌سازی اورانیوم دست نمی‌کشد.

مقامات رژیم ایران از زمان حملات اسرائیل، اخراج گسترده مهاجران افغان را آغاز کرده‌اند. یک مقام ارشد رژیم ایران به «تلگراف» گفت: «مقامات می‌خواهند با کنترل مرزها، شهروندان افغانی را که نام آنها در این فهرست آمده و ساکن ایران هستند، بازداشت کنند. اولویت آنها هم افغان‌هایی است که با نهادهای اطلاعاتی همکاری کرده‌اند».

او افزود: «لازم است تا پیش از فرا رسیدن مهلت بازگشت تحریم‌ها، هرچه سریع‌تر تعداد بیشتری از این افراد شناسایی شوند تا به عنوان ابزار چانه‌زنی پشت‌پرده مورد استفاده قرار گیرند».

سخنگوی وزارت دفاع بریتانیا می‌گوید: «ما ایمنی کارکنان خود را بسیار جدی می‌گیریم و برای کارکنانی که در موقعیت‌های حساس قرار دارند، همواره اقدامات حفاظتی لازم برقرار است».

یکی از مقامات طالبان به روزنامه «تلگراف» می‌گوید: «ما از همان روزهای نخست انتشار این فهرست در اینترنت، آن را دریافت کردیم. واحدی ویژه برای تعقیب این افراد راه‌اندازی شده و با خانواده‌هایشان تماس گرفته‌ایم یا به دیدار خانواده‌هایشان رفته‌ایم تا این افراد را پیدا کنیم».

این مقام طالبان افزود: «مقامات ارشد در قندهار فشار می‌آورند تا این افراد هرچه زودتر شناسایی شوند، چرا که معتقدند این افراد هنوز هم با بریتانیا همکاری دارند».

پس از آنکه دولت بریتانیا به افشا شدن فهرست همکاران پیشین و متقاضیان پناهندگی به این کشور اعتراف کرد و نگرانی‌ها از تعقیب این افراد توسط طالبان افزایش یافت، حمدالله فطرت معاون سخنگوی طالبان در بیانیه‌ای گفت هیچ‌کس بابت عملکرد گذشته‌اش تعقیب و تهدید نمی‌شود. در پی درز این اطلاعات، دادگاه‌های بریتانیا اعلام کردند که بین ۸۰ تا ۱۰۰ هزار نفر، از جمله خانواده‌های متقاضیان برنامه «اسکان و حمایت از همکاران افغان»، در معرض خطر بازداشت، شکنجه یا مرگ قرار دارند.

بر اساس گزارش‌های منتشرشده، تا کنون دولت بریتانیا حدود شش هزار و ۹۰۰ نفر، ازجمله متقاضیان اصلی و خانواده‌هایشان، را به بریتانیا منتقل کرده یا روند انتقال آنها را آغاز کرده است.

وزارت دفاع بریتانیا اعلام کرده است که هزینه جابجایی این افراد تا کنون ۸۰۰ میلیون پوند بوده است. اما مدارکی که در دادگاه ارائه شده نشان می‌دهد که هزینه کلی اجرای برنامه‌های اسکان افغان‌ها ممکن است به هفت میلیارد پوند برسد.

اخراج افغان‌ها

با این حال به گزارش «تلگراف»، تا کنون دست‌کم یکی از افراد حاضر در این فهرست که به ایران گریخته بود، بازداشت و اخراج شده است. این مرد که روز جمعه از ایران اخراج شده و اکنون در افغانستان است گفت: «افراد بسیاری مثل من هستند که بازداشت و اخراج شده‌اند. بریتانیا از همه اینها خبر دارد. اگر می‌خواست کمک کند، تا حالا کمک کرده بود».

او که اکنون در کابل است گفت که از ترس جان مدام جایش را عوض می‌کند و افزود که خانواده‌اش هنوز در ایران هستند. این مرد می‌گوید: «آنها می‌توانند هر لحظه به سراغ من بیایند و مرا بکشند. اما برای کسی مهم نیست. الان مسئولیت جان من بر عهده خودم است».



دکتر احمد مهدوی دامغانی:

چند ساعتی با هویدا در کوچه و خیابان مادرید (۱)

(تاریخ نشر در کیهان لندن: دی ماه ۱۳۸۰ - شماره ۹۳۷)

فوراً سلام و اظهار ادب کردم و هویدا گفت دختر خانم به مدرسه رازی می‌رود؟ گفتم بلی، گفت ماشاءالله فرانسه را خوب حرف می‌زند و چند کلمه تشویق آمیز به دخترم و چند جمله حاکی از پریشانی وضع راندگی در تهران با اشاره به ردیف اتومبیل‌هایی که جلو ما متوقف و منتظر باز شدن راه بودند، به من گفت و من هم به شوخی گفتم قربان «دیه بر عاقله است» که می‌دانم خوشش آمد یا بدش آمد، چون دستپایش را از رل برداشت و به طرف بالا دراز کرد و در این بین، راه هم باز شد. او به سرعت به طرف کاخ شمالی رفت و من به چپ پیچیدم و به طرف خانه‌ام روان شدم.

کلمه‌ای رد و بدل کرد.
یک بار دیگر هم اول شبی در تقاطع خیابان کاخ جنوبی و بولوار کشاورز، در اثر راه‌بندان، رفت و آمد وسایط نقلیه متوقف شده بود و من پشت رل اتومبیلم نشسته بودم و به رادیو گوش می‌دادم و دخترم، که هشت یا نه‌ساله بود کنار دستم نشسته و داشت یک کتاب بزرگ مصور فرانسوی (از سری تن تن) را مطالعه می‌کرد. من سرگرم شنیدن رادیو بودم که دیدم دخترم دارد به فرانسه با کسی صحبت می‌کند. نگاه کردم دیدم مرحوم هویدا پشت رل پیکان سرمایه‌های رنگ نشسته است و پهلوی اتومبیل من، او هم منتظر باز شدن راه است دارد با دخترم حرف می‌زند (۱) و البته من

این بنده، مرحوم هویدا را اولین بار در سال ۱۳۴۳ در اجتماع‌ای که به دعوت مرحوم مغفور آقای دکتر باقر عاملی رحمت‌الله علیه وزیر دادگستری، در سالن وسیع بالاترین طبقه کاخ دادگستری جهت معارفه مرحوم هویدا با قضات و اعضای دادگستری و وابستگان به دادگستری یعنی وکلا و سردفتران و کارشناسان، تشکیل شد، دیدم که در آن جلسه هویدا نطق مفصل معقولی کرد که به تعبیر همان عبارت معهود و فورمولی روزنامه‌ها: «با کف زدن ممتد حضار مواجه شد و مجلس تا پاسی از شب ادامه داشت!». هویدا در موقع ترک مجلس و در حین رفتن به طرف در خروجی با بسیاری از حاضران و از جمله این بنده دو سه

مقدر چنین بود که بنده قریب هفت هشت ساعت به تفاریق با مرحوم هویدا همراه و محشور باشم و سه چهار ساعت یا کمتر از همین ساعت‌هاست که موضوع این نوشته است:

این ناچیز در طول سالهای تحصیلی ۱۳۵۵ - ۱۳۵۲، بنا شد به انتخاب استاد دکتر سید ابوالحسن جلیلی رئیس وقت دانشکده ادبیات و از باب انطباق شرایط لازم بر این فقیر، از طرف دانشگاه تهران و با موافقت و تصویب مرحوم صادق احمدی وزیر دادگستری برای تصدی تدریس در کرسی‌ای که در همان سال برای تدریس زبان و فرهنگ فارسی در دانشگاه مادرید تأسیس شده بود به آن دانشگاه بروم. از اقامت در مادرید و تدریس در دانشگاه آنجا این سعادت و افتخار برایم مانده است که در آن سالها از هدایت و ریاست تیمسار ارتشید جم (شیرمردی که او را در قفس «سفارتی» محبوس کرده بودند) برخوردار باشم. ان‌شاءالله عمر تیمسار جم دراز باد. آنان که این بزرگمرد شریف نژاده آزاده دانشمند هنرور را می‌شناسند، می‌دانند که وجود محترم ایشان به فضایل و مکارمی آراسته است که به ندرت همه آن فضایل (که یکی از آن فضیلتها، احاطه و سخن گفتن فصیح ایشان به چند زبان زنده دنیا از جمله انگلیسی، فرانسوی، روسی، آلمانی، اسپانیایی است) در شخص واحدی جمع می‌آید و خدش در همه حال از بلا نگهدارد، زیرا ایشان نه تنها به بهترین وجه جانب اهل وفا را نگه می‌دارند که با آنانی هم که به ایشان بی‌وفایی کرده‌اند، به مقتضای شرف و سعه صدر خود به وفاداری پای‌بندند.

در اواخر اسفند سال ۱۳۵۴ که شهبانو فرح و مرحوم هویدا برای بازدید از مرحوم «لئوپولد سدار سنگور Leopold Sedar Senghor» ادیب و شاعر بزرگ فرانسوی زبان و رئیس جمهوری وقت دولت سنگال، و ظاهراً اعطای وامی به آن دولت به داکار سفر می‌کردند، به دعوت علیحضرت خوان کارلوس و علیحضرت ملکه سوفی در توقیفی سی و شش ساعته در مادرید مهمان معظم لهم بودند. شهبانو فرح که مهمان رسمی پادشاه و ملکه اسپانیا بودند در کاخ سلطنتی «زاروولا Sarsuella» و مرحوم هویدا و دیگر همراهان (از جمله کسانی که نامشان به یادمانده آقای خسرو اکمل است) در هتل «رکس» اقامت کردند. نزدیک ظهر می‌بود که هواپیمای سلطنتی «شهباز» به فرودگاه



آن شیرازی ایلبانی بسیار شریف و نجیب، که سمت وزیر مختاری را برعهده داشت، و خدش بیامرزاد، سه چهار سال پیش در نیویورک به رحمت خدا رفت، و به آقای محمد لاجینی کاردار بسیار فاضل و هوشمند و نکته‌سنج و شوخ طبع سفارت که هر دو زبان فرانسه و اسپانیایی را به‌خوبی صحبت می‌کرد و به مخلص گفت: «من از پیشگاه علیحضرت اجازه گرفته‌ام که فردا پیش از ظهر مرا مرخص فرمایند تا با مادرید تجدید عهده کنم. بنابراین وعده من با شما ساعت ۸ صبح در سفارت، خدا به همراهتان».

فردا سر ساعت ۸ مرحوم هویدا به سفارت آمد و با ما که در باغ سفارت منتظر ایشان ایستاده بودیم سلام و علیکی کرد و به آقای قهرمانی گفت به جناب عالی جسارت نمی‌کنم و سرکار را از خدمت حضرت اجل (یعنی تیمسار جم) باز نمی‌دارم، اما شما آقای لاجینی و شما آقای پروفیسور! دامغانی وقتتان را به من بدهید. آقای لاجینی ماشینت کجاست؟ آقای لاجینی به عرض رساند که حضرت اجل کادیکال سفارت را در اختیار جنابعالی گذاشته‌اند و به‌طوری که ملاحظه می‌فرمایید راننده در اتومبیل را برای باز کردن در دست گرفته و منتظر ایستاده است. ←

«باراخاس» رسیدو پس از پیاده شدن مسافران نیز تا مدتی موتور هواپیما همچنان روشن باقی مانده بود و خداوند متعال انشاءالله این هواپیما را که البته اکنون در تصرف دولت ایران است، از هر آسیب مصون بدارد چرا که کار کردن موتورهایش آن چند دقیقه، و تصویر آشکار تموجات حاصله از گردش موتور برعکسی که از آن مراسم در پشت جلد مجله «I hola» چاپ شده، منعکس بوده و انعکاس آن تموج، حقیر فقیر را از بعضی گرفتاریها و لطمات اضافی، بعدها، رها کند!

تیمسار ارتشید جم اولاً کارمندان سفارت را که قریب ده نفری بودیم به شهبانو معرفی فرمود، چند دقیقه بعد نیز همگی به مرحوم هویدا معرفی شدیم و او همین که فهمید من بنده در دانشگاه تهران، ادبیات فارسی و عربی را تدریس می‌کنم و حالیه مدرس در دانشگاه مادرید هستم، اظهار محبت بیشتری به من کرد و چند کلمه‌ای هم به عربی با من سخن گفت. بعد از ظهر و اول شب آن روز به انجام تشریفات متداوله و پذیرایی شامی که در کاخ سلطنتی به‌افتخار شهبانو فرح داده شد برگزار گشت. هویدا به هتل رکس برگشت. آخر شب به مرحوم آقای قهرمان قهرمانی،

حالا قریب يك ساعت بود که هویدای مرحوم در موزه بود گرچه مرتباً به ساعتش نگاه می‌کرد ولی از نظاره آن تابلو دل نمی‌کند. ساعت ۱۰ شد و هویدا که رسماً خسته شده بود و معلوم بود برای کار دیگری نیز اهتمام دارد به ما گفت بس است برویم و در حین خروج از سالن گفت: راستش این است که این خانهای کارمند دفتر نخست وزیری که فهمیدند من به مادرید می‌آیم از من کیف و کفش سوغات خواسته‌اند و حتی بعضی‌هاشان شماره و رنگ کفششان را هم یادداشت کرده و به من داده‌اند، برای خرید این «چیزها» کجا باید رفت و به يك دو تا یادداشت که از جیبش درآورده بود اشاره کرد.

من عرض کردم کاش صبح وقتی در سفارت بودیم این مطلب را بیان می‌فرمودید تا به‌جای این بنده بیگانه از این مسایل، خانم «یگانه» دبیر سفارت در خدمتتان می‌آمد؛ چون طبعاً ایشان بهتر از آقای لاجینی و بنده «بوتیک»‌های لوکس فروشی و امثال آن را می‌شناسد و به علاوه می‌توانست در انتخاب سوغاتی و کیف و کفش اعمال سلیقه کند.

هویدا گفت به‌هرحال وقت من تنگ است و خطاب به آقای لاجینی گفت: تو که بیش از ایشان (یعنی بنده

متصدیان موزه نیز یکی از «موزه‌داران» را به همین منظور معین کرده‌اند به خوبی انجام داد ولی مرحوم هویدا با اظهار تشکر و امتنان به ایشان فرمود ترجیح می‌دهم به‌طور عادی و بی آنکه توجه سایر تماشاچیان را به خود جلب کنم، موزه را بازدید کنم، ایشان را به اصطلاح خودمانی «از سر وا کرد» و به آقای لاجینی گفت چون وقت من خیلی فشرده و محدود است طبیعی است که فرصت بازدید همه موزه و تماشای کلیه بدایع صنایع هنری را که در آنجا گرد آمده است نخواهد داشت و لذا بهتر است اول به همان سالنی که آثار «تی سین» و «ولاسکوئز» و «ال گرکو» و «گویا» و «رافائل» و «روبنسن» در آن نگهداری می‌شود برویم. (البته مرحوم هویدا اسامی بسیاری از نقاشان را برد که من بنده حالا پس از بیست و هشت سال جز نام همین مشاهیر به یادمانده است و من همان وقت از حافظه هویدا و توجهش به هنر نقاشی تعجب کردم و کاش آقای دکتر میلانی در این جنبه ذوقی هویدا نیز تحقیقی می‌فرمود) و لذا آقای لاجینی که معلوم بود آن موزه و سالنهای مختلف آن را به‌خوبی می‌شناسد، مرحوم هویدا را به سالن بسیار وسیع و طولی که در همان طبقه هم کف بود هدایت کرد

→ هویدا گفت، خیلی خیلی از لطف و محبت تیمسار متشکرم. مگر می‌خواهی در این شهر شلوغ وقت کم مرا در ترافیک بگذرانی یا هی دنبال پارک برای چنین اتومبیل بزرگی بگردی، ماشین خود تو کجاست؟ آقای لاجینی اشاره به ماشین Seat اسپانیایی (که عیناً همان فیات ایتالیایی است) کرد که در گوشه‌ای پارک شده بود و گفت قربان اتومبیل من همان است که در آنجا ملاحظه می‌فرمایید. هویدا گفت آره جانم، همین خوب است، زود سوار شویم و اول برویم موزه پرادو؛ (Prado) و کیف دستی‌اش را به آقای لاجینی داد و گفت این را در صندوق عقب بگذار و خود در صندلی نشست و با فروتنی و ادب به من گفت مرا ببخشید که به‌علت گرفتاری یا مجبورم در جلو بنشینم و سپس با خنده گفت اگر با شما در صندلی عقب می‌نشستم آن وقت «ممد» (یعنی آقای لاجینی) به‌عنوان راننده نمودار می‌شد. آقای لاجینی از این که مرحوم هویدا او را با لحنی خودمانی «ممد» نام برده بود به‌مقتضای ادب تشکر کرد و به راه افتاد. ظاهراً متصدیان موزه از بازدید هویدا مطلع شده بودند زیرا مأمور موقری را جلو در بزرگ موزه گمارده بودند و او هم مترصد بود تا اتومبیل کادیلاک غره سیاسی



مهدوی) در این شهر سابقه اقامت داری لابد همه جا را بهتر می‌شناسی. آقای لاجینی به عرض رساند که بهترین جاها برای خرید سوغاتیهای این چنین که حضرت عالی می‌فرمایید خیابان «خوزه آنتونیو» است و به‌سرعت از در موزه خارج شد تا اتومبیل خود را اگر بتواند عقب عقب بیاورد. همان مأمور محترم وزارت خارجه که کماکان در اتاقی نشسته بود نزد آقای هویدا آمد و هویدا از او خداحافظی و تشکر کرد و در این میان آقای لاجینی هم در مقابل در متوقف شد و به ترتیب سابق سوار شدیم و راه افتادیم. (دنباله دارد)

و من هم به دنبال آنان بدانجا رفتم. با آن که همان سالن را پیش از آن دیده بودم، باز مجذوب آن تابلوها و هنرهای نقاشان می‌بودم ولی مرحوم هویدا مانند يك هنرشناس خبره در برابر هر تابلویی مدتی می‌ایستاد و آن را تماشا می‌کرد. البته آقای لاجینی و من بنده هم دنبال ایشان بودیم و از آنجا که بیشتر بازدید کنندگان در برابر شاهکار بی نظیر «گویا» یعنی «مایای برهنه» که تمامی عرض سالن را به خود اختصاص داده بود و در طرفین آن هیچ تابلو دیگری قرار نداشت، ایستاده بودند مرحوم هویدا نیز به آن تابلو متوجه شد و غرق تماشای آن «بدیع شمایل» گشت.

سفارت بدانجا رسد و وظیفه خود را در خوش‌آمدگویی انجام دهد.

مقابل موزه که رسیدیم مرحوم هویدا گفت ما را پیاده کن و خودت برو پارک کن، ما همین جا منتظر می‌مانیم. من اول پیاده شدم و در جلو را باز و به مرحوم هویدا کمک کردم که پیاده شود و با هم رفتیم در نزدیک در، روی پیاده‌رو ایستادیم، دو سه دقیقه بیشتر نگذشت که آقای لاجینی رسید و در همین هنگام مرد متشخص دیگری که مأمور تشریفات وزارت خارجه اسپانیا بود و با آقای لاجینی سابقه آشنایی داشت، متوجه شد که این که در پیاده‌رو ایستاده و آقای لاجینی به طرف او می‌رود هویداست. از داخل موزه بیرون آمد و به مرحوم هویدا ادای احترام کرد و با آقای لاجینی چند کلمه‌ای مذاکره، (به‌طوری که بعداً آقای لاجینی به من گفت: تعرض و ملامت که چرا خود او اول پیاده نشده که آن مرد محترم متوجه شود که آن کس که از چنان اتومبیل کوچک معمولی که در حکم همان پیکان خود ما ایرانیان است پیاده شده است، نخست وزیر ایران است.

به هر حال آن مأمور محترم وظیفه خود را در خوش‌آمد گویی و اظهار خدمات لازم برای بازدید موزه و این که

۱- می‌دانم خواندم یا شنیدم که گفته و نوشته‌اند هویدا به ریاکاری و خودفمایی سوار پیکان می‌شده است، واقعاً که این هم از آن حرف‌هاست. نمی‌فهمم، کاری را که می‌توان ده‌ها محمل خوب و مطلوب برایش تصور کرد، چرا بر ریاکاری حمل کرده‌اند، آخر ریا برای کی و برای چی؟ براستی که به‌قول سعدی: چشم بدانندیش... عیب نماید هنرش در نظر. حدود ۵۵ سال پیش من خودم دیدم هژیر در حین وزارت دارایی‌اش در سال ۱۳۲۵ یا ۱۳۲۶ (در کابینه مرحوم قوام) از دم بانك ملی سوار اتوبوس شد و جای نشست هم در اتوبوس نبود و پهلوی من ایستاد و در ایستگاه وزارت دارایی از اتومبیل پیاده شد. آیا این ریاکاری بود؟ هویدا برای آن که زودتر به کارهایش برسد و شاید چون رانندگی را دوست داشته است و یا از ترافیک نگران بود، گاه سوار پیکان می‌شده است که هم راحت‌تر و زودتر به مقصد برسد هم رانندگی و تفریحی کرده باشد و هم صنعت ملی ما را تشویق کند.

تغییرات ژئوپلیتیک در منطقه؛ توافق آمریکا با جمهوری آذربایجان و ارمنستان برای ایجاد «پل ترامپ»



دونالد ترامپ / رویترز

است؛ نیروهایی که در داخل ترکیه نیز نفوذ دارند. بنابراین، آینده هرگونه توافق بین این نیروها و دولت جدید سوریه که تحت حمایت گسترده آنکارا قرار دارد، در هاله‌ای از ابهام قرار می‌گیرد و ممکن است تهدیدی برای نفوذ منطقه‌ای ترکیه باشد.

در حالی که حکومت‌های ایران و ترکیه با نگرانی به پروژه‌های اسرائیلی-آمریکایی می‌نگرند، معادله در مورد قفقاز جنوبی متفاوت است. اظهارات توماس باراک سفیر آمریکا در ترکیه درباره تمایل واشنگتن برای ایفای نقش فعال در بحران دیرینه میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان پیرامون مسیر زمینی بین منطقه نخجوان (متصل به ترکیه) و پایتخت باکو، موسوم به «دالان زنگزور» بیانگر این است که آمریکا می‌خواهد ساخت این مسیر را به یک شرکت خصوصی آمریکایی واگذار کند و به مدت ۹۹ سال آن را اجاره دهد.

این اظهارات همزمان با افشای سند محرمانه‌ای منتشر شد که میان برخی محافل ارمنی در اروپا دست به دست می‌شود. طبق این سند، توافقی سه‌جانبه بین آمریکا، جمهوری آذربایجان و ارمنستان برای ایجاد مسیری به طول ۴۲ کیلومتر به نام «پل ترامپ» روی بخشی از استان سیونیک ارمنستان صورت گرفته است.

سند می‌افزاید: دولت ایروان ۳۰ درصد از درآمد بهره‌برداری این مسیر را دریافت خواهد کرد، در مقابل واگذاری زمینی که پل از آن عبور می‌کند به شرکت آمریکایی. همچنین آمریکا مجاز خواهد بود نیروهای نظامی خود را در خاک ارمنستان مستقر کند و در صورت لزوم از نیروی نظامی استفاده کند.

پروژه «پل ترامپ» سه هدف را همزمان نشانه گرفته است: اول، رژیم ایران با تغییرات ژئوپلیتیک در منطقه قفقاز جنوبی روبه‌رو خواهد شد. این پروژه با حمایت ترکیه، جایگزین «دالان ارس» می‌شود که از سال ۲۰۲۲ حکومت ایران در حال توسعه آن است و اکنون در مراحل پایانی است. رژیم ایران با هرگونه تغییر ژئوپلیتیک در

خود را برای مقابله با پیامدهای این سخنان افزایش دهند. اظهاراتی که تأثیر ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک آن، معادلات کل منطقه غرب آسیا را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

پیام‌های کاخ سفید که باراک به کشورهای مربوطه در آینده معادلات غرب آسیا منتقل کرد، از دو جهت ارسال شد: اول، مستقیماً رژیم ایران و ته‌مانده نفوذ منطقه‌ای آن را هدف قرار داد. دوم، بطور نسبی، نظام ترکیه را که در تلاش برای بازتعریف نفوذ منطقه‌ای خود در سوریه و آسیای مرکزی (هلال ترکی) است در برگرفت.

باراک در اظهارات خود، اهمیت خواست لبنان را برای پس گرفتن مزارع شعیبا کم‌اهمیت جلوه داد و به دولت لبنان پیشنهاد داد با اسرائیل مبادله سرزمینی انجام دهد. تهران این پیشنهاد را به عنوان بخشی از حمایت آمریکا از پروژه اسرائیلی موسوم به «دالان داوود» تفسیر کرد. پروژه‌ای که بطور فزاینده در مرکز توجهات منطقه‌ای قرار گرفته و بهانه اصلی حزب‌الله متحد لبنانی رژیم ایران را برای حفظ سلاح‌های خود با هدف «آزادی سرزمین‌های اشغالی» از میان می‌برد.

نگرانی‌های رژیم ایران در ارتباط با تسلط اسرائیل بر استان‌های جنوبی سوریه (قنطره، سویدا و درعا) تا نزدیک دمشق تشدید شده است. اجرای این پروژه به اسرائیل امکان می‌دهد تا آرزوی دیرینه خود را برای رسیدن به مرزهای ایران احیا کند و کمربند آتشین جمهوری اسلامی ایران در اطراف اسرائیل را با کمربند اسرائیلی جدید پیرامون ایران جایگزین کند. کمربندی که با نفوذ سی‌ساله اسرائیل در منطقه قفقاز و ائتلاف با دولت الهام علی‌اف در باکو تکمیل می‌شود.

نگرانی دولت ترکیه از این پروژه کمتر از رژیم ایران نیست، چرا که «دالان داوود» تمام توافقات اخیر آنکارا با نیروهای کردی منطقه (مانند اقلیم کردستان عراق) و احزاب مخالف داخلی از جمله توافقی اخیر با پ.ک.ک. تحت رهبری عبدالله اوجلان را تهدید می‌کند. دسترسی اسرائیل به شرق سوریه به معنای توافقی علنی با نیروهای کرد سوری

پیام‌های کاخ سفید به کشورهای مربوطه در آینده معادلات غرب آسیا از دو جهت ارسال شد: اول، مستقیماً رژیم ایران و ته‌مانده نفوذ منطقه‌ای آن را هدف قرار داد. دوم، بطور نسبی، نظام ترکیه را که در تلاش برای بازتعریف نفوذ منطقه‌ای خود در سوریه و آسیای مرکزی (هلال ترکی) است در برگرفت.

اجرای این پروژه به اسرائیل امکان می‌دهد تا آرزوی دیرینه خود را برای رسیدن به مرزهای ایران احیا کند و کمربند آتشین جمهوری اسلامی ایران در اطراف اسرائیل را با کمربند اسرائیلی جدید پیرامون ایران جایگزین کند. کمربندی که با نفوذ سی‌ساله اسرائیل در منطقه قفقاز و ائتلاف با دولت الهام علی‌اف در باکو تکمیل می‌شود.

پروژه «پل ترامپ» سه هدف را همزمان نشانه گرفته است: اول، رژیم ایران با تغییرات ژئوپلیتیک در منطقه قفقاز جنوبی روبه‌رو خواهد شد. دوم، حکومت ایران با یک چالش بزرگتر ژئواستراتژیک مواجه می‌شود. زیرا این دالان جدید، امکان تحقق پروژه «هلال ترک» را برای آنکارا فراهم می‌سازد. هدف سوم این پیام آمریکایی، چین است. پکن پروژه را تهدیدی برای «ابتکار کمربند و جاده» می‌داند، به ویژه در بخش مربوط به منطقه دریای کاسپین.

حسن فحس (ایندیپندنت عربی) - طرحی که توسط توماس باراک نماینده ویژه ترامپ برای سوریه و لبنان افشا شده، گامی از سوی دولت آمریکا برای محاصره اتحاد اقتصادی سه‌جانبه حکومت‌های ایران، روسیه و چین به شمار می‌رود. این طرح نبرد واشنگتن را اینبار به حیاط خلوت هر یک از این کشورها منتقل می‌کند؛ کشورهایی که بی‌تردید با چالش یافتن راه‌هایی برای ناکام ساختن یا تضعیف پیامدهای این پروژه مواجه خواهند شد.

اظهارات توماس باراک سفیر آمریکا در ترکیه و فرستاده ویژه ترامپ برای امور سوریه و لبنان، طی دو هفته گذشته چه در رابطه با وضعیت لبنان و چه قفقاز جنوبی، کشورهای منطقه به ویژه ایران و ترکیه را وادار کرده تا سطح آمادگی

مقامات عراق قاچاق نفت ایران از طریق بنادر آن کشور را تکذیب می‌کنند



بنادر «ام‌قصر» عراق

قاچاق نفت می‌کند. بخشی از محموله‌های نفتی نیز در آب‌های آزاد از طریق کشتی به کشتی منتقل می‌شود. علاء نزار فایق مدیر شرکت بازاریابی نفت عراق اما می‌گوید هیچ‌کدام از نفتکش‌هایی که نامشان در شبکه قاچاق نفت فعال بودند، در برنامه رسمی صادرات نفت عراق ثبت نشده‌اند. این شرکت از نهادهای امنیتی خواسته تا تحقیقات لازم را انجام دهند و «اقدامات مناسب را اتخاذ کنند.»

علی المشکور نماینده پارلمان عراق و عضو کمیته نفت و گاز مجلس این کشور در مصاحبه با شبکه «عراق ۲۴» ابراز نگرانی کرد که ممکن است SOMO یا بانک مرکزی عراق در صورت متهم شدن رسمی به دلیل کمک به جمهوری اسلامی برای دور زدن تحریم‌ها، هدف تحریم‌های آمریکا قرار گیرند. عراق در بحبوحه افزایش نظارت بین‌المللی، با اتهامات آمریکا مبنی بر اینکه نفت ایران بطور پنهانی از طریق کانال‌های عراقی صادر می‌شود، مواجه شده است.

پیشتر «الجزیره الجدید» به نقل از سه منبع عراقی گزارش داده بود که واشنگتن نگران است جمهوری اسلامی از زیرساخت صادراتی عراق برای دور زدن محدودیت‌ها استفاده کند و به همین دلیل در حال بررسی اعمال تحریم بر SOMO است. یکی از مقامات عراقی گفت: «نیروی دریایی آمریکا اخیراً اسناد حمل و نقل عراقی را در نفتکش‌های ایرانی توقیف شده در خلیج فارس یافته که حاکی از تلاش برای معرفی نفت ایرانی به عنوان نفت خام عراقی است.»

یکی از مشاوران دولت عراق به الجزیره الجدید گفت: «عراق با سرعت در حال اقدام است تا از اعمال تحریم‌های آمریکا علیه شرکت نفتی یا افراد آن جلوگیری کند. هرگونه اقدام علیه بخش نفتی کشور می‌تواند یک بحران واقعی و بزرگ ایجاد کند.»

● گزارش شده است که جمهوری اسلامی ایران از طریق دو بندر «ام‌القصر» و «خورالزبیر» اقدام به قاچاق نفت می‌کند. بخشی از محموله‌های نفتی نیز در آب‌های آزاد از طریق کشتی به کشتی منتقل می‌شود.

● مدیرعامل شرکت بازاریابی نفت دولتی عراق (SOMO) در مصاحبه با «العراقیه نیوز» مدعی شده که نظارت‌ها شدید است و صادرات با مکانیسم‌های پیشرفته اداره می‌شود و ادعاهای مربوط به فعالیت‌های غیرقانونی نفتی یا قاچاق نفت با دستکاری اسناد و سیستم‌های ناوبری غیرواقعی است.

● علی المشکور نماینده پارلمان عراق و عضو کمیته نفت و گاز مجلس این کشور در مصاحبه با شبکه «عراق ۲۴» ابراز نگرانی کرد که ممکن است SOMO یا بانک مرکزی عراق در صورت متهم شدن رسمی به دلیل کمک به جمهوری اسلامی برای دور زدن تحریم‌ها، هدف تحریم‌های آمریکا قرار گیرند.

شرکت بازاریابی نفت دولتی عراق (SOMO) اتهامات مربوط به قاچاق نفت ایران از طریق بنادر جنوبی این کشور را رد کرده است. پیشتر اسنادی منتشر شده بود که نشان می‌داد جمهوری اسلامی از طریق بنادر عراق اقدام به دور زدن تحریم‌های آمریکا می‌کند.

مدیرعامل شرکت بازاریابی نفت دولتی عراق در مصاحبه با «العراقیه نیوز» مدعی شده که نظارت‌ها شدید است و صادرات با مکانیسم‌های پیشرفته اداره می‌شود و ادعاهای مربوط به فعالیت‌های غیرقانونی نفتی یا قاچاق نفت با دستکاری اسناد و سیستم‌های ناوبری غیرواقعی است.

در همین ارتباط، گزارش شده است که جمهوری اسلامی ایران از طریق دو بندر «ام‌القصر» و «خورالزبیر» اقدام به

منطقه مخالف است و حتی آماده بود برای جلوگیری از آن با جمهوری آذربایجان وارد جنگ شود. زیرا چنین مسیری منافع ژئواقتصادی آن را تهدید می‌کند؛ منافع مهمی که از طریق گرجستان به اروپای شرقی متصل می‌شوند.

دوم، حکومت ایران با یک چالش بزرگتر ژئواستراتژیک مواجه می‌شود. زیرا این دالان جدید، امکان تحقق پروژه «هلال ترک» را برای آنکارا فراهم می‌سازد؛ پروژه‌ای که کشورهای ترک‌زبان آسیای مرکزی را شامل شده و راه ارتباط زمینی با پاکستان، هند، چین و افغانستان را باز می‌کند. این امر سلطه ترکیه بر قلب منطقه و محاصره منافع جمهوری اسلامی ایران را در پی دارد. حتی اگر حکومت ایران بتواند در ازای تضمین منافع اقتصادی‌اش با این پروژه کنار بیاید، اهداف بلندمدت ضدایرانی این پروژه را که فراتر از سود ترکیه است، نادیده نخواهد گرفت، زیرا بهره‌برداران اصلی از آن آمریکا و اسرائیل‌اند که به دنبال پایان دادن به نظام جمهوری اسلامی‌اند.

با وجود تلاش تهران برای نادیده گرفتن نقش منفی باکو در عملیات حمله اسرائیل به رژیم ایران در ژوئن گذشته و استفاده تل‌آویو از خاک و آسمان جمهوری آذربایجان، اصرار مجدد باکو برای اجرای این پروژه، حتی با توسل به زور و تحمیل آن بر ارمنستان، حکومت ایران را ناچار به یافتن راه‌حلی می‌کند که نه منجر به باخت کامل شود و نه به افزایش تنش با اسرائیل در آستانه احتمال درگیری نظامی جدید بیانجامد.

ورود مستقیم آمریکا به بحران جمهوری آذربایجان-ارمنستان و حضور نظامی در منطقه (هرچند با عنوان حمایت از منافع آمریکا) پیام روشنی برای رهبری روسیه دارد. موضع مسکو بستگی به شیوه اجرای این پروژه دارد. اگر تحت مدیریت واشنگتن یا ناتو باشد، روسیه به دلیل نقش تاریخی خود در قفقاز و نگاهش به این منطقه به عنوان حیاط خلوت سنتی‌اش، با آن مخالفت خواهد کرد. اما سکوت تاکتیکی یا موافقت احتمالی‌اش بستگی به میزان سازگاری پروژه با منافع ژئوپلیتیک روسیه و عدم تهدید آن برای دولت‌های ایران و چین دارد.

هدف سوم این پیام آمریکایی، چین است. پکن پروژه را تهدیدی برای «ابتکار کمربند و جاده» می‌داند، به ویژه در بخش مربوط به منطقه دریای کاسپین. چین در سال ۲۰۱۳ توافق‌نامه‌هایی با جمهوری آذربایجان، ارمنستان، گرجستان و کشورهای آسیای مرکزی امضا کرده بود. اکنون مسیر جدید تحت مدیریت آمریکا، رقیب مستقیم چین خواهد بود و می‌تواند بخشی از مسیرهای تجاری شرق به غرب را در اختیار بگیرد و دست جمهوری خلق چین را از استفاده از بنادر و خطوط راه‌آهن قفقاز جنوبی برای دسترسی به اروپا کوتاه کند. این امر رقابت ژئوپلیتیک تازه‌ای را در منطقه رقم خواهد زد.

در نتیجه، طرح فاش شده توسط توماس باراک گامی از سوی دولت آمریکا برای محاصره اتحاد سه‌جانبه جمهوری اسلامی ایران و دولت‌های روسیه و چین است؛ اینبار نه از راه دور، بلکه از حیاط خلوت هر یک از این کشورها. بی‌تردید، هر سه در تلاش برای ناکام ساختن یا تضعیف پیامدهای این پروژه برخوانند آمد.

*منبع: ایندپندنت عربی

*نویسنده: حسن فصیح

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

مونیک، رویداد سرنوشت ساز ایران: ما در آستانه تاریخ سازی قرار داریم



شاهزاده رضا پهلوی در کنار آسیب دیدگان اعتراضات و خانواده های دادخواه / گردهمایی مونیک امرداد ۱۴۰۴

داریم. اجازه دهید مثالی بزنم. فرض کنید یک ایرانی مقیم آمریکا، متخصص مدیریت آب است. آیا نباید امروز، که مشکلات فراوان مرتبط با آب در کشور وجود دارد، ساز و کاری مناسب برای استفاده از این دانش فراهم شود؟ شاهزاده از سالها پیش با همراهی بسیاری از متخصصان برجسته، سازمان هایی را پایه گذاری کرد که سالها روی پروژه ها و یا فعالیت هایی برای ایران کار کرده اند. همچنین اخیراً نیز برنامه ای گسترده به نام «پروژه شکوفایی ایران» را راه اندازی کرده که متخصصان نخبه را در بر می گیرد و کارهای بسیار حرفه ای و قابل تحسینی انجام داده اند. او نخستین و تنها رهبری است که عملاً و به صورت اجرایی، سازمان هایی متشکل از متخصصان ایرانی خارج کشور (دیاسپورا) بنیان گذاری کرده است. با رهبری او، نخبگان خارج کشور، نه حاشیه نشین انقلاب، بلکه یکی از بازوان اصلی بازسازی ایران در کنار مردم داخل ایران خواهند بود. شاهزاده برای این روند ساختار ایجاد کرده، اعتماد سازی کرده، و ایرانیان متخصص خارج کشور را از ناظر به کنشگر تبدیل کرده است.

اقدامات شاهزاده رضا پهلوی نمونه ای از رهبری تحول آفرین (Transformational Leadership) در مقیاس ملی است. هر یک از ما نیز باید در سطح محل زندگی خود، بازیگر فعال این کارزار ملی باشیم. ارتباط با مقامات محلی می تواند عمق و دامنه حمایت بین المللی از خواست مردم ایران را نیز گسترش دهد.

در این مصاحبه همچنین من از خانم ایدیت شمیر کنسول اسرائیل در تورنتو، ملیسا لنتزمن (نماینده پارلمان فدرال و معاون رهبر اپوزیسیون کانادا)، و همچنین آندریا کانچین (نماینده پارلمان استانی در انتاریو) که همه از اعضای برجسته جامعه یهودی یا اسرائیلی کانادا هستند، قدر دانی کردم. این عزیزان با حمایت های صادقانه، از اپوزیسیون واقعی ایران در استان انتاریو پشتیبانی کرده اند. اقدامی ارزشمند که هرگز فراموش نخواهد شد.

***دکتر الن بستاکیان دارای دکترای مدیریت و متخصص مدیریت و رهبری تغییر**

انگیزه بسازد، و از دل تفرقه، همگرایی خلق کند، حیاتی است. شاهزاده رضا پهلوی نه فقط با سرمایه اجتماعی کم نظیر خود، بلکه با پایداری روشن به اصول دموکراسی، وحدت ملی، و عبور از منافع شخصی، توانسته اعتماد بخش بزرگی از جامعه را جلب کند. او با طراحی ساختارهای مشخص مانند کارزار همکاری ملی و تدوین برنامه تغییر متکی بر پنج ستون، نشان داده که نه صرفاً یک نماد ملی، بلکه یک معمار تغییر هدفمند است. رهبری او، مصداق عملی همان چیزی است که در استانداردهای بین المللی رهبری تغییر از آن با عنوان Change Leadership Capacity یاد می شود.

در مورد استفاده از پتانسیل عظیم ایرانیان خارج کشور برای بازسازی ایران پس از آزادی، من اعتقاد دارم یکی از بزرگترین سرمایه های ایران فردا، نه در زیر زمین های نفت خیز، بلکه از جمله در قلب و ذهن میلیون ها ایرانی ست که سالهاست حتا از دورترین نقاط جهان نیز با رنج غربت اما با عشق به وطن، زیسته اند.

از دید من، به عنوان فردی که هم در میدان تخصص مدیریت تغییر فعالیت داشته و هم در پروژه های گذار ملی مشارکت داشته، پاسخ روشن است: با ساختار سازی، با شناسایی مهارت ها، و با طراحی یک معماری ملی مشارکت از این پتانسیل به بهترین شکل می تواند استفاده شود.

در استانداردهای جهانی مدیریت تغییر، وقتی می خواهیم یک تغییر بزرگ را به درستی اجرا کنیم، دو عنصر کلیدی لازم داریم:

- توانایی اجرایی (Execution Capacity)
- مشارکت ذینفعان (Stakeholder Engagement)

در جامعه ایرانیان خارج کشور، از دانشگاهیان و متخصصان گرفته تا کارآفرینان، پزشکان، مهندسان، فعالان و هنرمندان، ما با میلیون ها ایرانی مواجهیم که هر کدام در کشور میزبان خود، بخشی از چرخه توسعه شده اند. این افراد، اگر درست سازماندهی شوند، می توانند در کنار متخصصین و دانشمندان و تلاشگران بالارزش داخل کشور ستون فقرات بازسازی ایران باشند.

اما این امر به خودی خود اتفاق نمی افتد. ما نیاز به یک چارچوب ملی جذب و سازماندهی نیروهای برون مرزی

● آنچه در مونیک دیدیم، بیش از یک رویداد سیاسی بود. این گردهمایی، نمادی بود از یک «ائتلاف ملی»، که در علم مدیریت تغییر به آن Guiding Coalition می گوئیم. طبق استاندارد و مدل های پیشرفته، موفقیت در تغییر بزرگ، با ساختارهای منسجم، هدف شفاف، و تعهد واقعی به مشارکت جمعی حاصل می شود.

● بر اساس چارچوب های مدیریت تغییر، ما اکنون در مرحله ای هستیم که به آن می گویند Building Commitment یعنی: حرکت تبدیل به ساختار شود؛ شعار تبدیل به برنامه گردد؛ و احساس به اقدام سازمان یافته ارتقاء یابد. ما اکنون، اگر نلغزیم، در آستانه تاریخ سازی قرار داریم.

الن بستاکیان - در گفتگویی با رادیو رکا (REKA) بخشی از «رادیو تلویزیون سراسری اسرائیل - کان»، نهاد رسمی و دولتی آن کشور به دو پرسش اساسی در مورد رویداد چهارم امرداد مونیک پاسخ داد.

(۱) آیا این گردهمایی، آغازی بر همبستگی بی سابقه ای خواهد بود که به سقوط جمهوری اسلامی منجر شود؟

(۲) چگونه می توان از پتانسیل عظیم ایرانیان خارج کشور برای بازسازی ایران پس از آزادی بهره برد؟

پاسخ هایم به این دو پرسش بر اساس تجربه ام در مدیریت و رهبری تغییر و شناخت از روندهای گذار بود.

آنچه در مونیک دیدیم، بیش از یک رویداد سیاسی بود. این گردهمایی، نمادی بود از یک «ائتلاف ملی»، که در علم مدیریت تغییر به آن Guiding Coalition می گوئیم. طبق استاندارد و مدل های پیشرفته، موفقیت در تغییر بزرگ، با ساختارهای منسجم، هدف شفاف، و تعهد واقعی به مشارکت جمعی حاصل می شود.

در مونیک، ما دیدیم که از هنرمند و استاد دانشگاه، تا مادر دادخواه و فعال سیاسی، همگی به میدان آمدند. مهم تر از حضور چهره ها، پیام روشن شاهزاده رضا پهلوی بود: ما نه برای قدرت گرفتن شخصی، بلکه برای نجات ایران متحد شده ایم. این وضوح در هدف همان چیز است که در مدیریت تغییر، به آن Case for Change می گوئیم؛ یعنی ضرورت و فوریت اقدام برای یک آینده بهتر.

شاهزاده چارچوبی کم نظیر از رهبری تغییر در مقیاسی ملی را به نمایش گذاشت او در تمامی مراحل کلیدی رهبری تغییر، از تعریف دلیل تغییر، ارائه چشم انداز آینده، شناخت و مشارکت ذینفعان، تدوین استراتژی، مقابله با مقاومت های احتمالی، برنامه ریزی گذار، سازماندهی منابع، تا تأکید بر شفافیت، و تثبیت ساختارهای پس از گذار گام هایی برداشته که همگی در چارچوب بهترین تجربیات و نظریات مدیریتی قابل تعریف هستند.

اگر تجربه مونیک، به یک کارزار داغی و سیستماتیک تبدیل شود که به نظر می آید این اتفاق در حال روی دادن است، آری، ما به سوی نقطه شکست رژیم خواهیم رفت.

بر اساس چارچوب های مدیریت تغییر، ما اکنون در مرحله ای هستیم که به آن می گویند Building Commitment یعنی:

- حرکت تبدیل به ساختار شود؛
- شعار تبدیل به برنامه گردد؛
- و احساس به اقدام سازمان یافته ارتقاء یابد.

ما اکنون، اگر نلغزیم، در آستانه تاریخ سازی قرار داریم. در مسیر این تحول، نقش رهبری که بتواند از دل ناامیدی،

ملی‌گرایی، زهر یا دارویی برای درمان زخم‌های تاریخی؟

تنها به کمک مشت آهنین می‌توانست از نظم رعیت‌محور عبور کرده و به ملت‌سازی مدرن برسد و نظم شبانی را به نظم انضباطی بدل کند. این گفتمان، برخلاف دو نمونه دیگر، مفاهیمی چون توسعه، آموزش عمومی، شهروندی، و وحدت ملی را در کانون خود قرار داد.

محمدرضا شاه به خوبی می‌دانست که بدون وجود یک سپهر میانجی در جامعه مفهومی به نام ملت و نظم انضباطی مدرن بی‌معنا و ناشدنی‌ست. پس در دوران محمدرضا شاه ما شاهد شکل‌گیری یک سپهر مدنی میانجی در جامعه بودیم. آنچه ویژگی یک جامعه‌ی درحال توسعه و رشد یافته است.

پروژه انقلاب سفید و به ویژه اصلاحات ارضی نیز تلاشی برای شکست ساختارهای ارباب- رعیتی بود. دهقانان صاحب زمین شدند، طبقه‌ی متوسط شکل گرفت، دسترسی عمومی به آموزش، بهداشت، و خدمات اجتماعی افزایش یافت، و ایده‌ی «شهروند توسعه‌محور» جایگزین «رعیت وفادار» شد.

محمدرضا شاه با جهت‌بخشی فرهنگی- اجتماعی دولت را به سوی تبدیل توده به ملت برد. دولت می‌کوشید ملت را توانمند کند، نه فقط مطیع. این تمایز مهم است، چرا که نشان می‌دهد حتی در ساختارهای اقتدارگرا، می‌توان پروژه‌ای ملت‌ساز را از پروژه‌ای رعیت‌ساز تفکیک کرد.

اما در نهایت باید به این مهم دقت کنیم که ملی‌گرایی، همانگونه که واژه‌ی یونانی «فارماکون» (دارو و زهر همزمان) نشان می‌دهد، می‌تواند دارو باشد یا زهر؛ بستگی دارد که از کدام گفتمان و کدام ساختار سیاسی برآید. اگر ملی‌گرایی در خدمت شکل‌گیری شهروندی برابر، توسعه‌ی مدرن، و مشارکت عمومی باشد، می‌تواند نیرویی برای آزادی و عدالت باشد. اما اگر ابزاری برای سرکوب، تعصب، حذف و امت‌سازی ایدئولوژیک شود، خود به ابزار استبداد تبدیل می‌گردد.

در تجربه‌ی ایران، ملی‌گرایی اغلب گرفتار گفتمان‌های رعیت‌ساز بوده است. اما تاریخ ما اینبار نیاز به یک ملی‌گرایی مدرن برای نجات دارد. از آن‌نوع که متفکران مشروطه برات تأکید داشتند و رضاشاه از دل آن سر برآورد و دو پادشاه پهلوی به خوبی آن را دریافته بودند. ملی‌گرایی مدرن همان چیزی‌ست که مانع ابزار شدن دموکراسی برای فاشیسم در کشورهایی چون آمریکا شده است. نمونه‌هایی که اسپانیا یا پرتغال تجربه کردند و راه توسعه آنها بود. و امروز امثال بن‌سلمان نیز می‌خواهند از آن به عنوان ریسمانی برای توسعه کشور خود بهره ببرند.

اما در ایران معاصر از قاجار تا جمهوری اسلامی، وفاداری جای مشارکت را گرفته و قدرت، خود را نه نماینده‌ی مردم بلکه مالک آنها دیده است. تنها در دوره‌ی دو پادشاه پهلوی بود که پروژه‌ای برای ملت‌سازی مدرن آغاز شد؛ پروژه‌ای که در آن تلاش شد جمعیت به ملت تبدیل شود.

امروز، در بازاندیشی آینده‌ی سیاسی ایران، فهم این تمایزات حیاتی است. تنها در سایه‌ی این شناخت است که می‌توان به سوی نوعی ملی‌گرایی اندیشید که نه ابزاری برای طرد و تعصب، بلکه محرکی برای برابری، کرامت انسانی، و مشارکت مدنی باشد، ملی‌گرایی‌ای که نه زهر، بلکه دارویی برای درمان زخم‌های تاریخی باشد.

*بنیامین دیلم کتولی پژوهشگر علوم انسانی و دانش‌آموخته‌ی ادبیات



مشارکت که دولت را برآمده از اراده‌ی خویش می‌داند، نه مالکی موروثی یا آسمانی.

پس ناسیونالیسم می‌تواند گفتمانی رهایی‌بخش برای مردمی باشد که در دل امت‌گرایی کور و سلطنت‌ظل‌الهی و ولایت فقیه گرفتارند.

در چنین گفتمان‌هایی مفهوم «ملت» مفهومی جعلی‌ست که در ادامه توضیح داده‌ام.

استمرار گفتمان رعیت‌سازی: از قاجار تا جمهوری اسلامی
مفهوم «ملت» در جمهوری اسلامی، مانند دوره‌ی قاجار، با نوعی بازگشت به سنت رعیت‌محور همراه شده است. قاجارها سپهر عمومی را در قالب «رعیت» تفسیر می‌کردند و تنها طبقه‌ی خدم و حشم و نزدیکان به دربار را «ملت» می‌خواندند. سایر اقشار جامعه در حاشیه‌ی قدرت و بی‌نام‌ونشان باقی می‌ماندند. اطاعت، هنجار بود و مخالفت، طغیان. شاه «سایه‌ی خدا» تلقی می‌شد و مردم تنها در سایه‌ی او و به شرط تسلیم، معنا می‌یافتند.

پس از انقلاب ۱۳۵۷، اگرچه ساختار سیاسی تغییر یافت، اما گفتمان وفاداری جای خود را حفظ کرد. ولی فقیه جای شاه قجری را گرفت و ایدئولوژی دینی همچنان سایه‌ی سلطان و رهبر شد. پس تنها کسانی که در مدار گفتمان رسمی دینی تعریف می‌شدند، «ملت» تلقی شدند؛ دیگران، از اقلیت‌های قومی و مذهبی گرفته تا دگران‌دیشان سیاسی، از این دایره بیرون نهاده شدند.

از آن فراتر، جمهوری اسلامی گاه حتی تعریف «مردم» را از مرزهای ایران نیز فراتر برده و آن را بر نیروهای نیابتی در لبنان، سوریه، عراق یا غزه اطلاق کرده است. حال آنکه بسیاری از شهروندان ایرانی، تنها به شرط اطاعت، مخاطب قدرت قرار می‌گیرند. این یعنی تداوم منطق رعیت‌سازی، اما اینبار با پوشش ایدئولوژیک و نه سلطنتی. مفهومی از ملت که نه بر پایه‌ی برابری سیاسی، بلکه بر مبنای وفاداری ایدئولوژیک و حذف دگران‌دیشان بنا شده است.

پروژه‌ی ملت‌سازی پهلوی: تلاشی مدرن در دل اقتدار
در فاصله‌ی قاجار و جمهوری اسلامی، دوره‌ی پهلوی به ویژه در دوران محمدرضا شاه پروژه‌ای را آغاز کرد که

● اما در نهایت باید به این مهم دقت کنیم که ملی‌گرایی، همانگونه که واژه‌ی یونانی «فارماکون» (دارو و زهر همزمان) نشان می‌دهد، می‌تواند دارو باشد یا زهر؛ بستگی دارد که از کدام گفتمان و کدام ساختار سیاسی برآید. اگر ملی‌گرایی در خدمت شکل‌گیری شهروندی برابر، توسعه‌ی مدرن، و مشارکت عمومی باشد، می‌تواند نیرویی برای آزادی و عدالت باشد. اما اگر ابزاری برای سرکوب، تعصب، حذف و امت‌سازی ایدئولوژیک شود، خود به ابزار استبداد تبدیل می‌گردد.

● در ایران معاصر از قاجار تا جمهوری اسلامی، وفاداری جای مشارکت را گرفته و قدرت، خود را نه نماینده‌ی مردم بلکه مالک آنها دیده است. تنها در دوره‌ی دو پادشاه پهلوی بود که پروژه‌ای برای ملت‌سازی مدرن آغاز شد؛ پروژه‌ای که در آن تلاش شد جمعیت به ملت تبدیل شود. امروز، در بازاندیشی آینده‌ی سیاسی ایران، فهم این تمایزات حیاتی است. تنها در سایه‌ی این شناخت است که می‌توان به نوعی ملی‌گرایی اندیشید که نه ابزاری برای طرد و تعصب، بلکه محرکی برای برابری، کرامت انسانی، و مشارکت مدنی باشد؛ ملی‌گرایی‌ای که نه زهر، بلکه دارویی برای درمان زخم‌های تاریخی باشد.

بنیامین دیلم کتولی - ملی‌گرایی پدیده‌ای دوسویه است که هم می‌تواند به مثابه دارو عمل کند و هم بسان زهر؛ همان معنای دوگانه‌ی واژه‌ی یونانی فارماکون. از یکسو، ابزار خلق هویت جمعی، انسجام سیاسی و توسعه‌ی ملی است، و از سوی دیگر، می‌تواند به ابزاری برای سرکوب، شعاری برای فریب یا طرد، تعصب و امت‌سازی ایدئولوژیک تبدیل شود. فهم ملی‌گرایی بدون در نظر گرفتن این دوگانگی ممکن نیست.

در این نوشته با نگاهی فلسفی- تاریخی، تجربه‌ی ملی‌گرایی در ایران را از سه منظر بررسی می‌کنم:

۱. تمایز میان ناسیونالیسم سنتی و مدرن
۲. استمرار گفتمان رعیت‌سازی از قاجار تا جمهوری اسلامی
۳. تلاشی مدرن برای ملت‌سازی در دوران باشکوه پهلوی

ناسیونالیسم غریزی یا ناسیونالیسم مدرن؟
توکویل در کتاب «دموکراسی در آمریکا» از دو نوع ملی‌گرایی سخن می‌گوید: یکی ناسیونالیسم غریزی (کهن) که بر پایه‌ی وابستگی‌های زیستی و پیش‌سیاسی شکل می‌گیرد، و در نهاد هر انسانی بطور طبیعی ریشه دارد؛ نوعی احساس نااندیشیده از تعلق به سرزمین، قوم یا حاکم. دیگری، ناسیونالیسم مدرن که برخاسته از خرد، فرهنگ و آموزش است. توکویل این نوع از وطن‌پرستی را نتیجه‌ی فرآیندهای عقلانی می‌داند که از طریق قانون، دانش، و مشارکت سیاسی بسط می‌یابد.

به تعبیر دیگر، ناسیونالیسم غریزی نوعی تعلق ناخودآگاه به قدرت یا خاک است که در آن فرد بیشتر رعیتی وفادار است تا کنشگری سیاسی. در مقابل، ناسیونالیسم مدرن فرآیند خودآگاهانه‌ای‌ست که ملت را به مثابه یک بدن سیاسی تعریف می‌کند، متشکل از شهروندانی برابر که دولت را نه در جایگاه مالک، بلکه نماینده‌ی خویش می‌دانند. بر این مبنای ناسیونالیسم سنتی بر پایه‌ی ساختارهای سلسله‌مراتبی و مناسبات ارباب- رعیتی استوار است؛ جایی که مشروعیت قدرت نه از اراده‌ی عمومی، بلکه از نسب، دین یا سنت برمی‌خیزد. در مقابل، ناسیونالیسم مدرن ملتی را فرض می‌گیرد آگاه، برابر، دارای زبان، تاریخ، و آینده‌ای

آیا اسرائیل «ژاندارم جدید» منطقه می‌شود؟



دیدار وزرای دفاع آمریکا و اسرائیل در پنتاگون / تیرماه ۱۴۰۴

● برای نخستین بار در تاریخ معاصر اسرائیل، دیگر هیچ نیرویی وجود ندارد که هم تهدیدی علیه آن اعلام کند و هم توان عملی کردن آن را داشته باشد. حتی [رژیم] ایران نیز پس از تخریب گسترده توان هجومی‌اش، قادر به این کار نیست. ممکن است در آینده، اگر جمهوری اسلامی ایران بتواند نیروی داخلی و خارجی خود را بازسازی کند، این معادله تغییر کند، اما در حال حاضر، این فرضیه دور از ذهن است.

● حملات حماس، اسرائیل را از انزوا بیرون آورد و آن را بیش از گذشته به یکی از ضلع‌های معادله منطقه‌ای تبدیل کرد. اکنون این پرسش مطرح است: آیا اسرائیل به دنبال همزیستی منطقه‌ای است یا می‌خواهد خود را به عنوان ژاندارم منطقه تحمیل کند؟

● از نظر سیاسی، استراتژی آینده دولت یهود، پس از پیروزی‌های اخیرش، هنوز مبهم و در حال شکل‌گیری است. چه بخواهد دولتی صلح‌طلب و گشوده به همسایگان عرب باشد، چه بخواهد ژاندارم منطقه و درگیر در نبردهای دائمی شود، منطقه پویایی‌های خاص خود را دارد که از عوامل متعدد و رقابتی تأثیر می‌گیرد، و هیچ نیرویی به تنهایی قادر به سلطه‌ی کامل بر آن نخواهد بود.

عبدالرحمن الراشد (الشرق الاوسط) - هفت سال پیش درباره «ظهور نقش منطقه‌ای اسرائیل» نوشتیم. امروز حضورش گسترده‌تر شده زیرا این کشور پشت تحولات ژئوپولیتیک عظیمی قرار دارد که پس از حملات هفتم اکتبر رخ داد. با تمام این تحولات، اسرائیل چگونه به خود می‌نگرد؟ بعید است که به نقش قدیمی خود قناعت کند بلکه در پی ایفای نقش‌های سیاسی است که بازتاب توان نظامی‌اش باشند.

تل‌آویو در طول نیم قرن گذشته، سیاستی مبتنی بر حفاظت از موجودیت و مرزهای (قدیمی و اشغالی) داشته که شامل مقابله با [رژیم] ایران و بازی با نیروهای متضاد مانند رژیم‌های صدام و اسد می‌شد. اما امروز، اسرائیل وارد مرحله جدیدی شده؛ مرحله پس از نابودی قدرت‌های پیرامون آن. برای نخستین بار در تاریخ معاصر اسرائیل، دیگر هیچ نیرویی وجود ندارد که هم تهدیدی علیه آن اعلام کند و هم توان عملی کردن آن را داشته باشد. حتی [رژیم] ایران نیز پس از تخریب گسترده توان هجومی‌اش، قادر به این کار نیست. ممکن است در آینده، اگر جمهوری اسلامی ایران بتواند نیروی داخلی و خارجی خود را بازسازی کند، این معادله تغییر کند، اما در حال حاضر، این فرضیه دور از ذهن است.

با تغییر شرایط، استراتژی اسرائیل نیز دگرگون شده است؛ اسرائیل دیگر نمی‌خواهد صرفاً نگهبان مرزهای خود باشد، بلکه می‌خواهد به بازیگری تهاجمی در منطقه بدل شود. اکنون منطقه در وضعیتی پراکنده و بدون ائتلاف‌های روشن بسر می‌برد، گویی منتظر است تا تکلیف آشفته‌گی‌ها روشن شود، از جمله محور تهران که به شدت تضعیف شده است. در این وضعیت، دو احتمال برای نقش آینده اسرائیل وجود دارد:

احتمال نخست: اسرائیل خود را نیرویی برای حفظ وضعیت جدید و «ثبات» آن بداند، و از طریق صلح و عادی‌سازی، با همسایگان عرب باقیمانده نیز روابط برقرار کند. این سناریو به معنای پایان دوره جنگ و تحریم است. با پایان یافتن یا تضعیف رژیم‌های خصم اسرائیل، این رژیم موقعیت خود را از طریق تثبیت واقعیت ژئوپولیتیک،

خواهد ماند، زیرا نظام سیاسی‌اش بر حفظ هویت یهودی آن تأکید دارد. در حال حاضر، بیست درصد از جمعیت اسرائیل فلسطینی‌اند، و اگر سرزمین‌های اشغالی به اسرائیل ملحق شوند، فلسطینی‌ها نیمی از جمعیت کشور را تشکیل خواهند داد. این مسئله چالشی جدی برای جذب کرانه باختری و غزه ایجاد می‌کند چه رسد که اسرائیل بخواهد برای گسترش جغرافیایی خود قدم بردارد. نگرانی اصلی این است که تندروهای اسرائیلی از وضعیت آشفته بهره ببرند تا مانند آنچه پس از هفتم اکتبر رخ داد، بخشی از جمعیت فلسطینی کرانه باختری و غزه را بیرون برانند. این سناریو محتمل است و پیامدهای خطرناکی خواهد داشت.

با این حال، درباره‌ی آنچه «اسرائیل بزرگ» نامیده می‌شود، اغراق‌هایی صورت گرفته است؛ و افراد ایدئولوژیک با استناد به تصاویری از مقالات یا نقشه‌هایی مبهم، درباره‌ی خطر توسعه‌طلبی اسرائیل هشدار می‌دهند. اینها شاید صرفاً آرزوهای تلمودی [از مکتوبات مقدس یهودیان] یا ایده‌هایی سیاسی‌اند که به حسرت برخی عرب‌ها نسبت به «اندلس» اسلامی شباهت دارد.

از نظر جمعیتی، اسرائیل به شدت وابسته به مفهوم دولت یهود است و از ذوب شدن در اقوام دیگر واهمه دارد، برخلاف بسیاری از کشورهای منطقه که با جذب اقوام و گروه‌های گوناگون شکل گرفته‌اند. اسرائیل به دنبال سلطه است، اما از پیامدهای ترکیب‌های جمعیتی که ناگزیر با اشغال‌ها پیش می‌آید، نگران است.

از نظر سیاسی، استراتژی آینده دولت یهود، پس از پیروزی‌های اخیرش، هنوز مبهم و در حال شکل‌گیری است. چه بخواهد دولتی صلح‌طلب و گشوده به همسایگان عرب باشد، چه بخواهد ژاندارم منطقه و درگیر در نبردهای دائمی شود، منطقه پویایی‌های خاص خود را دارد که از عوامل متعدد و رقابتی تأثیر می‌گیرد، و هیچ نیرویی به تنهایی قادر به سلطه‌ی کامل بر آن نخواهد بود.

*منبع: الشرق الاوسط

*نویسنده: عبدالرحمن الراشد

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

پاکسازی محیط پیرامونی از دشمنان، و حذف نیروهای متخاصم باقیمانده تقویت خواهد کرد.

احتمال دوم: اسرائیل با اتکا به قدرت برتر نظامی بخواهد منطقه را طبق منافع و نگرش سیاسی خود بازآفرینی کند؛ و این یعنی مواجهات و درگیری‌های بیشتر. کشورهای منطقه همواره از این سناریو واهمه داشته‌اند، چرا که نظام‌های توسعه‌طلب مانند صدام یا رژیم ایران، اسرائیل را مانعی بر سر راه جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای خود می‌دانستند و رویارویی با آن را در پیش گرفتند؛ اگرچه همیشه این مقابله‌ها را پشت عنوان «مسئله فلسطین» پنهان می‌کردند.

حملات حماس، اسرائیل را از انزوا بیرون آورد و آن را بیش از گذشته به یکی از ضلع‌های معادله منطقه‌ای تبدیل کرد. اکنون این پرسش مطرح است: آیا اسرائیل به دنبال همزیستی منطقه‌ای است یا می‌خواهد خود را به عنوان ژاندارم منطقه تحمیل کند؟

شواهد نشان می‌دهد که اسرائیل می‌خواهد بخشی از فعالیت سیاسی منطقه و درگیری‌های آن باشد؛ چه به عنوان پیمانکار نظامی، چه بازیگر منطقه‌ای، و حتی رهبر یک ائتلاف. اسرائیل به سرعت مانع از دخالت عراق در سوریه شد، و همچنین جلوی نفوذ ترکیه در سوریه را گرفت.

ادعای اشتیاق دولت نتانیاهو به درگیری‌های نظامی، بار دیگر نگرانی‌ها نسبت به پروژه «اسرائیل بزرگ» و برنامه‌های توسعه‌طلبانه‌اش را زنده کرده است. البته واقعیت آن است که بسیاری از این ادعاها از سوی طرفینی مطرح می‌شود که خود درگیر در این منازعه‌اند؛ مانند رژیم ایران، سوریه، اخوان المسلمین و چپ‌گرایان. ممکن است اسرائیل به دنبال نقش مسلط باشد، اما گسترش جغرافیایی آن بعید به نظر می‌رسد. در پنج دهه گذشته، اسرائیل بر تقویت درونی تمرکز داشته و امکانات مالی، نظامی و حقوقی‌اش را صرف تثبیت اشغال سرزمین‌هایی کرده که در جنگ ۱۹۶۷ تصرف کرده بود. و هنوز هم در تلاش برای حفظ آنهاست، و در مقابل طرح‌هایی که می‌خواهند این سرزمین‌ها را به فلسطین، اردن یا مصر بازگردانند، ایستادگی می‌کند. اسرائیل کشور کوچکی است و به همین صورت نیز

چین درخواست آمریکا برای توقف خرید نفت از ایران را رد کرد

احتمالاً مانعی جدی برای توافق نیست، حتی اگر باعث اصطکاک یا تأخیر شود.»

راسل می‌افزاید، ادامه خرید نفت از روسیه «همبستگی استراتژیک» شی با ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه را حفظ می‌کند و بطور قابل توجهی هزینه‌های اقتصادی چین را کاهش می‌دهد. او توضیح داد: «پکن به هیچ وجه نمی‌تواند از نفت روسیه و ایران چشم‌پوشی کند. این منبع تأمین انرژی بسیار مهمی است و چین آن را با قیمت‌هایی بسیار پایین‌تر از بازار خریداری می‌کند.»

یک گزارش در سال ۲۰۲۴ از سوی اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA) برآورد کرده که حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد از نفت صادراتی ایران به چین می‌رود. اقتصاد چین از واردات بیش از یک میلیون بشکه نفت ایران در روز بهره‌مند می‌شود.

پس از آنکه مجلس شورای اسلامی در واکنش به جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل و پس از حملات آمریکا به تأسیسات هسته‌ای در ایران، طرح بستن «تنگه هرمز» را مطرح کرد، چین با این اقدام مخالفت کرد. طبق گزارش مؤسسه KSE در مدرسه اقتصاد کی‌یف «چین یکی از مشتریان مهم نفت روسیه است، اما پس از هند در جایگاه دوم قرار دارد... در ماه آوریل، واردات نفت روسیه توسط چین نسبت به ماه قبل ۲۰ درصد افزایش یافت و به بیش از ۱/۳ میلیون بشکه در روز رسید.»

هفته گذشته ترامپ اعلام کرد که آمریکا تعرفه‌ای ۲۵ درصدی بر کالاهای وارداتی از هند اعمال خواهد کرد و همچنین مالیات وارداتی اضافی به دلیل خرید نفت از روسیه. وزارت خارجه هند روز جمعه اعلام کرد که روابطش با روسیه «بائبات و آرموده‌شده در طول زمان» است.

استفن میلر معاون رئیس دفتر کارکنان کاخ سفید و مشاور ارشد ترامپ گفت ترامپ بارها تأکید کرده که ادامه خرید نفت از روسیه توسط هند «قابل قبول نیست». او در برنامه «Sunday Morning Futures» در شبکه «فاکس نیوز» گفت: «مردم از اینکه هند تقریباً در سطح چین خریدار نفت روسیه است، شگفت‌زده خواهند شد... آمریکا باید واقع‌گرایانه‌تر به مسئله تأمین مالی این جنگ نگاه کند.»

فشار به یک دیکتاتوری کمونیستی

لیندسی گراهام سناتور جمهوریخواه از کارولینای جنوبی برای اعمال تحریم‌ها و تعرفه‌ها علیه روسیه و حامیان مالی آن تلاش می‌کند. او در ابتدای سال ۲۰۲۵ لایحه‌ای را پیشنهاد داد که به رئیس جمهور اجازه می‌دهد تعرفه‌هایی تا سقف ۵۰۰ درصد بر روسیه و هر کشوری که «با علم به موضوع» از روسیه نفت، گاز طبیعی، اورانیوم، فرآورده‌های نفتی یا پتروشیمی خریداری می‌کند، اعمال کند.

گراهام در بیانیه‌ای در ماه ژوئن گفت: «هدف از این قانون، شکستن چرخه خرید نفت زیر قیمت بازار از روسیه توسط چین، یک دیکتاتوری کمونیستی، است که ماشین جنگی پوتین را برای کشتن غیرنظامیان اوکراینی تقویت می‌کند.»

این لایحه در سنا ۸۴ حامی از ۱۰۰ سناتور دارد. نسخه مشابه آن در مجلس نمایندگان نیز با حمایت هر دو حزب ارائه شده است. جمهوریخواهان می‌گویند در صورت درخواست ترامپ، آماده‌اند لایحه تحریم‌ها را به جریان ببندازند، اما این طرح فعلاً متوقف شده است.



یک نفتکش ایرانی در آبهای آزاد

گابریل ویلداو مدیرعامل شرکت مشاوره «تننو» می‌گوید، بعید می‌داند که ترامپ واقعاً تعرفه ۱۰۰ درصدی را اعمال کند. او گفت: «اجرای این تهدیدها، تمام پیشرفت‌های اخیر را از بین می‌برد و احتمال دستیابی به توافق بین ترامپ و شی‌جین‌پینگ را نابود می‌کند.»

ایالات متحده با هدف کاهش فروش نفت ایران و روسیه به عنوان منابع اصلی درآمد این دو کشور، تلاش دارد منابع مالی نظامی آنها را محدود کند؛ زیرا مسکو جنگ علیه اوکراین را ادامه می‌دهد و تهران گروه‌های شبه‌نظامی در خاورمیانه را تأمین مالی می‌کند.

وقتی ترامپ در ماه آوریل (اوایل سال ۲۰۲۵)، طرحی گسترده برای اعمال تعرفه بر ده‌ها کشور ارائه داد، چین تنها کشوری بود که واکنش تلافی‌جویانه نشان داد و تسلیم فشارهای آمریکا نشد.

تو شین‌چوان مدیر مؤسسه مطالعات WTO در دانشگاه اقتصاد و تجارت بین‌المللی پکن معتقد است: «اگر آمریکا بر اعمال تعرفه اصرار داشته باشد، چین تا آخر خواهد جنگید و این موضع رسمی همیشگی چین است.»

فراتر از تاکتیک‌های مذاکره‌ای، تو افزود که چین احتمالاً تردید دارد که آمریکا تهدیداتش را عملی کند و در جدی بودن ترامپ در مقابله با روسیه تردید دارد.

اسکات کندی مشاور ارشد و رئیس برنامه اقتصاد چین در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی در واشنگتن، می‌گوید که پکن احتمالاً سیاست خود را تغییر نمی‌دهد، زیرا عدم انسجام در اهداف سیاست خارجی آمریکا در قبال روسیه و ایران را می‌بیند، در حالی که حمایت سیاستی پکن از مسکو منسجم و روشن است. او گفت ممکن است پکن از این موضوع به عنوان ابزار چانه‌زنی برای گرفتن امتیازات بیشتر از ترامپ استفاده کند.

دنی راسل عضو ارشد مؤسسه سیاست آسیا توضیح می‌دهد، پکن اکنون خود را در رویارویی با واشنگتن «دست بالا» می‌بیند. به گفته او ترامپ آشکارا خواهان یک «توافق پر سر و صدا و رسانه‌ای» با شی است، بنابراین رد درخواست آمریکا برای توقف خرید نفت از ایران یا روسیه

● وزارت خارجه جمهوری خلق چین با رد درخواست آمریکا برای توقف خرید نفت از ایران و روسیه اعلام کرد: «هیچ فشاری ما را از تأمین انرژی مورد نیاز کشور بازمی‌دارد.»

● دنی راسل عضو ارشد مؤسسه سیاست آسیا، گفت پکن اکنون خود را در رویارویی با واشنگتن «دست بالا» می‌بیند. به گفته او «پکن به هیچ وجه نمی‌تواند از نفت روسیه و ایران چشم‌پوشی کند. این منبع تأمین انرژی بسیار مهمی است و چین آن را با قیمت‌هایی بسیار پایین‌تر از بازار خریداری می‌کند.»

● تو شین‌چوان مدیر مؤسسه مطالعات WTO در دانشگاه اقتصاد و تجارت بین‌المللی پکن معتقد است: «اگر آمریکا بر اعمال تعرفه اصرار داشته باشد، چین تا آخر خواهد جنگید و این موضع رسمی همیشگی چین است.»

● اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا پس از مذاکرات با چین به خبرنگاران گفت: «درباره خرید نفت از روسیه، چینی‌ها حاکمیت خود را بسیار جدی می‌گیرند.» او افزود: «ما نمی‌خواهیم به حاکمیت آنها لطمه بزنیم، بنابراین آنها ترجیح می‌دهند تعرفه ۱۰۰ درصدی بپردازند.»

وزارت خارجه جمهوری خلق چین با رد درخواست آمریکا برای توقف خرید نفت از ایران و روسیه اعلام کرد: «هیچ فشاری ما را از تأمین انرژی مورد نیاز کشور بازمی‌دارد.»

ای‌بی‌سی ۴ اوت (۱۳ مرداد) گزارش داد مقامات آمریکا و چین شاید بتوانند بسیاری از اختلافات خود را برای دستیابی به یک توافق تجاری و جلوگیری از اعمال تعرفه‌های سنگین حل و فصل کنند، اما در یک موضوع همچنان اختلاف دارند: درخواست آمریکا از چین برای توقف خرید نفت از ایران و روسیه.

وزارت خارجه چین روز چهارشنبه گذشته پس از دو روز مذاکره تجاری در استکهلم و در پاسخ به تهدید آمریکا مبنی بر اعمال تعرفه ۱۰۰ درصدی، در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «چین همواره تأمین انرژی خود را به گونه‌ای تضمین خواهد کرد که منافع ملی ما را تأمین کند... زورگویی و اعمال فشار نتیجه‌ای نخواهد داشت. چین قاطعانه از حاکمیت، امنیت و منافع توسعه‌ای خود دفاع خواهد کرد.»

این پاسخ در شرایطی مطرح شده که پکن و واشنگتن، نشانه‌هایی از خوشبینی و حسن نیت برای رسیدن به توافق نشان داده‌اند؛ توافقی که روابط تجاری میان دو اقتصاد بزرگ جهان را باثبات نگه دارد.

این موضع نشان می‌دهد که چین در مواجهه با دولت ترامپ، به ویژه زمانی که تجارت به سیاست انرژی و خارجی آن گره خورده، با اعتماد به نفس وارد بازی قدرت شده است.

اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا پس از این مذاکرات به خبرنگاران گفت: «درباره خرید نفت از روسیه، چینی‌ها حاکمیت خود را بسیار جدی می‌گیرند.» او افزود: «ما نمی‌خواهیم به حاکمیت آنها لطمه بزنیم، بنابراین آنها ترجیح می‌دهند تعرفه ۱۰۰ درصدی بپردازند.»

بسنت روز پنجشنبه چینی‌ها را «مذاکره‌کنندگانی سرسخت» توصیف کرد اما گفت که این مخالفت باعث توقف مذاکرات نشده است. او به شبکه CNBC گفت: «من باور دارم که ما در مسیر رسیدن به یک توافق هستیم.»

«پروژه شکوفایی ایران» و نقش شاهزاده: فردمحور یا ساختارمحور؟



● بررسی جملات کلیدی سند «پروژه شکوفایی ایران» نشان می‌دهد که نقش شاهزاده پهلوی در این ساختار پیشنهادی، فراتر از هدایت نمادین و به سطح تصمیم‌گیری نهایی ارتقا یافته است: «تصمیمات راهبردی نهاد خیزش ملی، با نظر نهایی رهبر خیزش اتخاذ خواهد شد»، «اعضای نهاد خیزش ملی با هماهنگی و تأیید نهایی شاهزاده رضا پهلوی انتخاب خواهند شد»، «سیاست‌های کلان... پس از تصویب رهبر خیزش، جهت اجرا به گروه اجرایی ابلاغ خواهد شد»، «رهبر خیزش ملی نقش نهایی در تعیین مسیر کلی همکاری با نهادهای بین‌المللی را بر عهده خواهد داشت».

● پرسش بر سر باورهای دموکراتیک شاهزاده رضا پهلوی نیست. بسیاری از نیروهای تحولخواه و جامعه مدنی با نیت مثبت و سابقه سیاسی ایشان آشنا هستند و نقشی را که در حفظ امید و همبستگی ملی ایفا کرده‌اند، ارج می‌نهند. حتی خود شاهزاده نیز بارها و به صراحت تأکید کرده‌اند که نه در پی قدرت اجرایی هستند، و نه خود را تصمیم‌گیر نهایی می‌دانند. ایشان در مواضع علنی، بر لزوم شکل‌گیری نهادهای پاسخگو، ساختارمحور و غیرفردمحور در دوران گذار و پس از آن تأکید کرده‌اند. از همین رو، تضاد میان مفاد «پروژه شکوفایی ایران» و دیدگاه‌های رسمی ایشان، نشان می‌دهد که بازنگری در طراحی نهادی این طرح نه تنها ضرورتی منطقی، بلکه همسو با باورهای خود شاهزاده نیز هست.

● راهکار واقع‌بینانه‌تر، شکل‌گیری نهادهای موقت و تطبیقی است که از تنوع اجتماعی و سیاسی برخوردار باشند؛ شوراهای تخصصی، هیئت‌های فراترانی، یا اتاق‌های مشورتی متشکل از نیروهای مدنی، دانشگاهی، صنفی، و حقوقدانان مستقل. در چنین الگویی، حضور یک چهره ملی معتبر، نه در رأس هرم تصمیم‌گیری، بلکه در کنار این نهادها، به مثابه تسهیل‌کننده، هماهنگ‌کننده، و نقطه تمرکز ملی تعریف می‌شود.

● دموکراسی پایدار، نه بر تمرکز قدرت، بلکه بر توازن و نظارت استوار است. از همین رو، بازنگری در طراحی نهادی «پروژه شکوفایی ایران»، صرفاً یک اصلاح فنی نیست، بلکه ضرورتی بنیادین برای تقویت اعتماد عمومی و هماهنگ‌سازی این طرح با آرمان ایران آزاد، مسئول‌پذیر و ساختارمحور است.

دیوید اعتباری - در اسناد منتشرشده از «پروژه شکوفایی ایران» تلاش شده است تا تصویری منسجم از یک چارچوب نهادی برای دوران گذار از جمهوری اسلامی ترسیم شود. با این حال، در بررسی دقیق‌تر این طرح، یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها به جایگاه شاهزاده رضا پهلوی در ساختار پیشنهادی بازمی‌گردد: آیا نقش ایشان نمادین و وحدت‌آفرین است، یا تصمیم‌گیر نهایی و مرکز قدرت اجرایی؟

این پرسش صرفاً تئوریک یا شخص‌محور نیست بلکه ناظر بر بنیان‌های دموکراسی، الزامات گذار، و سطح اعتماد عمومی به طرح‌های آینده‌نگرانه است. اگر نقش رهبری در یک ساختار موقت به درستی تعریف نشود، پیامدهای آن می‌تواند هم فرآیند گذار را تضعیف کند و هم در درازمدت مقبولیت نظم جدید را زیر سؤال ببرد.

بررسی جملات کلیدی سند «پروژه شکوفایی ایران» نشان می‌دهد که نقش شاهزاده پهلوی در این ساختار پیشنهادی،

فراتر از هدایت نمادین و به سطح تصمیم‌گیری نهایی ارتقا یافته است:

- «تصمیمات راهبردی نهاد خیزش ملی، با نظر نهایی رهبر خیزش اتخاذ خواهد شد.»
 - «اعضای نهاد خیزش ملی با هماهنگی و تأیید نهایی شاهزاده رضا پهلوی انتخاب خواهند شد.»
 - «سیاست‌های کلان... پس از تصویب رهبر خیزش، جهت اجرا به گروه اجرایی ابلاغ خواهد شد.»
 - «رهبر خیزش ملی نقش نهایی در تعیین مسیر کلی همکاری با نهادهای بین‌المللی را بر عهده خواهد داشت.»
- در همه این موارد، نهادهای و گروه‌ها به عنوان واحدهایی مشورتی یا اجرایی معرفی شده‌اند، اما تصمیم نهایی عملاً به شخص شاهزاده سپرده شده است. حتی گزینش اعضا، تنظیم سیاست‌ها و روابط خارجی نیز منوط به تأیید نهایی ایشان است.

پرسش بر سر باورهای دموکراتیک شاهزاده رضا پهلوی نیست. بسیاری از نیروهای تحولخواه و جامعه مدنی با نیت مثبت و سابقه سیاسی ایشان آشنا هستند و نقشی را که در حفظ امید و همبستگی ملی ایفا کرده‌اند، ارج می‌نهند. حتی خود شاهزاده نیز بارها و به صراحت تأکید کرده‌اند که نه در پی قدرت اجرایی هستند، و نه خود را تصمیم‌گیر نهایی می‌دانند. ایشان در مواضع علنی، بر لزوم شکل‌گیری نهادهای پاسخگو، ساختارمحور و غیرفردمحور در دوران گذار و پس از آن تأکید کرده‌اند. از همین رو، تضاد میان مفاد «پروژه شکوفایی ایران» و دیدگاه‌های رسمی ایشان، نشان می‌دهد که بازنگری در طراحی نهادی این طرح نه تنها ضرورتی منطقی، بلکه همسو با باورهای خود شاهزاده نیز هست.

از طرفی در هر الگوی کشورداری دموکراتیک، اصل تفکیک قوا، یعنی جدایی میان سیاست‌گذاری، اجرا و داوری، نه تنها تضمین‌کننده شفافیت و پاسخگویی است،

بلکه مانعی حیاتی در برابر تمرکز قدرت به شمار می‌رود. اما در دفترچه «پروژه شکوفایی ایران» با آنکه به ظاهر از «دو نهاد گذار» صحبت شده، در عمل سه قوه اصلی حکومت، هر یک به نحوی در شخص شاهزاده رضا پهلوی متمرکز می‌شود.

قوه اجرایی، با عنوان «نهاد دوم»، مشخصاً چنین تعریف شده: «وظیفه آن اجرای سیاست‌ها و تصمیمات رهبر خیزش ملی خواهد بود.» این جمله نشان می‌دهد که مأموریت این نهاد نه طراحی سیاست، نه اولویت‌گذاری مستقل، بلکه صرفاً اجرای اوامر صادره از یک مرجع بالادست است؛ مرجعی که خود شاهزاده معرفی شده است. درواقع، قوه مجریه در این طرح از استقلال ساختاری بی‌بهره است و صرفاً به بازوی اجرایی یک فرد تبدیل شده.

در حوزه سیاست‌گذاری نیز وضعیت مشابهی برقرار است. «نهاد اول» که عنوان نهاد مشورتی دارد، در متن چنین توصیف شده: «بازوی سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری رهبر خیزش ملی.» در این تعریف، نهاد مشورتی نه تنها تصمیم‌گیر مستقل نیست، بلکه «بازوی» تصمیم‌گیری شاهزاده محسوب می‌شود. بنابراین، حتی فرآیند تدوین سیاست‌های کلی و قوانین موقت نیز خارج از ساختار نهادین، و در اختیار شخص شاهزاده قرار می‌گیرد.

اما شاید مهم‌ترین غیبت در ساختار پیشنهادی، فقدان مرجع نظارتی یا داوری مستقل است. در متن پروژه، نه نهادی برای نظارت بر عملکرد نهادهای دیگر پیش‌بینی شده، نه ساز و کاری برای حل اختلافات، نه هیچ نوع شورای داوری، دادگاه ویژه گذار، یا ساز و کار حل مناقشه. با توجه به اینکه تعیین ترکیب نهادها، سیاست‌گذاری، و نظارت بطور مستقیم یا غیرمستقیم در اختیار شخص شاهزاده است، می‌توان نتیجه گرفت که حتی در تعارض‌ها یا بحران‌های تصمیم‌گیری، مرجع نهایی باز هم او ←

→ خواهد بود.

دوران محمدرضا شاهی؛ جان دوباره در پیکر ایران

(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



ویدئو

سازمان برنامه ایجاد شد. از آنجا که بیش از سه سال خری از درآمد نفت نبود، خزانه دولت خالی و کارگران و کارمندان ماه‌ها بود دستمزد و حقوق نگرفته بودند و...

همزمان با آنکه دولت شاهنشاهی در حال آخرین گفتگوها برای امضای قرارداد کنسرسیوم نفت بود، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۳ ابولحسن ابتهاج، بانکداری چیره‌دست به ریاست سازمان برنامه برگزیده و دو دفتر اقتصادی و فنی در

در مجموع، سه قوه اجرایی، مقننه، و قضایی یا دست‌کم معادل‌های موقت آنها در دوران گذار نه تنها از یکدیگر تفکیک نشده‌اند، بلکه به نقطه‌ای واحد همگرا شده‌اند: شخص شاهزاده رضا پهلوی. چنین تمرکز تصمیم‌گیری، حتی اگر موقتی و با نیت خیر باشد، هم از منظر اصول دموکراتیک نگران‌کننده است و هم با سخنان علنی خود شاهزاده در تضاد قرار می‌گیرد؛ ایشان بارها تصریح کرده‌اند که خواهان قدرت اجرایی یا مرجعیت سیاسی نیستند و ترجیح می‌دهند ساختارها بر افراد مقدم باشند.

برخی ممکن است چنین استدلال کنند که در شرایط بحرانی، و در نبود نهادهای کارآمد و قابل اتکا، تمرکز تصمیم‌گیری در دست یک شخصیت ملی مورد اعتماد، ولو موقت، می‌تواند عاملی تثبیت‌کننده و ضامن انسجام ملی باشد. این نگاه، در ظاهر منطقی به نظر می‌رسد، اما تجربه کشورهای مختلف نشان داده است که تمرکز قدرت، حتی در دوران گذار، اگر بدون نظارت نهادی و مشارکت جمعی باشد، به راحتی می‌تواند به بازتولید اقتدارگرایی منجر شود یا فرصت شکل‌گیری همگرایی ملی را از میان ببرد.

در دوران گذار، بی‌تردید حضور یک چهره ملی که از سرمایه اجتماعی برخوردار است، می‌تواند بسیار مفید باشد. چنین شخصیتی می‌تواند نقشی مهم در ایجاد هماهنگی بین جریان‌های مختلف، تسهیل گفتگوهای ملی، نمایندگی وحدت در افکار عمومی، و ایجاد ارتباط سازنده با جامعه جهانی ایفا کند. اما همین موقعیت، اگر با اختیارات نهایی در سیاست‌گذاری، گزینش افراد، یا فرماندهی اجرایی همراه شود، بجای آنکه به گذار کمک کند، خود به مانعی در برابر نهادسازی و توزیع قدرت بدل خواهد شد.

راهکار واقع‌بینانه‌تر، شکل‌گیری نهادهای موقت و تطبیقی است که از تنوع اجتماعی و سیاسی برخوردار باشند؛ شوراهای تخصصی، هیئت‌های فراجحای، یا اتاق‌های مشورتی متشکل از نیروهای مدنی، دانشگاهی، صنفی، و حقوقدانان مستقل. در چنین الگویی، حضور یک چهره ملی معتبر، نه در رأس هرم تصمیم‌گیری، بلکه در کنار این نهادها، به مثابه تسهیل‌کننده، هماهنگ‌کننده، و نقطه تمرکز ملی تعریف می‌شود.

بررسی تجربه‌های موفق دوران گذار در کشورهای مختلف، تأییدکننده همین رویکرد است:

در آفریقای جنوبی، نلسون ماندلا با وجود برخورداری از محبوبیتی بی‌نظیر، تصمیم‌گیری‌ها را به «شورای انتقال» واگذار کرد؛ شورایی متشکل از نمایندگان احزاب، گروه‌های مدنی، و حتی نیروهای پیشین رژیم آپارتاید، که نقش یک ساختار موقت و نهادین را در عبور از بحران ایفا کرد.

در تونس پس از سقوط زین‌العابدین بن‌علی، قدرت بجای تمرکز در دستان یک فرد، میان کمیته‌های قانون اساسی، اتحادیه‌های صنفی، و گروه‌های مدنی تقسیم شد؛ مدلی که با وجود چالش‌ها، توانست فرآیند گذار را با کمترین خشونت و بیشترین مشروعیت به پیش ببرد.

در اروپای شرقی نیز، انتقال از نظام‌های کمونیستی به ساختارهای دموکراتیک عمدتاً از طریق ائتلاف‌های گذار و مجامع چندصدایی انجام شد. با مشارکت نیروهای دانشگاهی، نهادهای مستقل، ارتش بی‌طرف و نخبگان مدنی، نه توسط یک فرد مقتدر.

تفکیک نقش‌های نمادین از مسئولیت‌های اجرایی، نه تنها برای دوران گذار ضروری است، بلکه با چشم‌انداز نهایی یک نظام دموکراتیک، چه در قالب مشروطه پارلمانی، چه جمهوری پارلمانی، نیز کاملاً هم‌سو و سازگار است. در هر دو مدل، نهاد ریاست کشور نقشی نمادین، تشریفاتی و

نمادین بدون اختیار اجرایی.

گذار سیاسی، مرحله‌ای حساس، پرمخاطره و در عین حال سرنوشت‌ساز است. در چنین شرایطی، همراهی یک چهره ملی محبوب و معتبر می‌تواند نیرویی مثبت برای تقویت انسجام، ایجاد امید، و تسهیل هماهنگی باشد. اما این همراهی، اگر جایگزین نهادسازی شود و تمرکز تصمیم‌گیری را در یک فرد تثبیت کند، نه تنها دستاوردی نخواهد داشت، بلکه خود مانعی در مسیر استقرار دموکراسی خواهد شد و حتی می‌تواند به تضعیف جایگاه همان چهره ملی نیز بیانجامد.

نقش افراد باید در خدمت نهادها تعریف شود، نه بجای آنها. هرچه زودتر مسئولیت‌ها حتی در دوران موقت به ساز و کارهای شفاف، جمعی و پاسخگو منتقل شود، پایه‌های نظم دموکراتیک آینده محکم‌تر خواهد بود. این نگاه، با آن دسته از الگوهایی هم‌سو است که بر تفکیک میان رهبری نمادین و مدیریت نهادی تأکید دارند؛ مدلهایی که فن‌سالاری، تفکیک قوا و نهادسازی تدریجی را ضامن گذار پایدار می‌دانند.

دموکراسی پایدار، نه بر تمرکز قدرت، بلکه بر توازن و نظارت استوار است. از همین رو، بازنگری در طراحی نهادی «پروژه شکوفایی ایران»، صرفاً یک اصلاح فنی نیست، بلکه ضرورتی بنیادین برای تقویت اعتماد عمومی و هماهنگ‌سازی این طرح با آرمان ایران آزاد، مسئول‌پذیر و ساختارمحور است.

محدود به نمایندگی ملی دارد و مسئولیت اجرایی به دولت منتخب مردم و نخست‌وزیر واگذار می‌شود. بنابراین، رعایت این اصل نه تنها نوعی احتیاط سیاسی است، بلکه تمرینی واقعی برای استقرار نظامی قانونمدار، پاسخگو و نهادبنیاد خواهد بود.

از سوی دیگر، متن «پروژه شکوفایی ایران» اگرچه بطور مستقیم به ساختار نیروهای نظامی نمی‌پردازد، اما با تعیین دولت موقت (نهاد دوم) به عنوان مجری تصمیمات شاهزاده، و نبود هرگونه مرجع مستقل امنیتی، می‌توان چنین برداشت کرد که فرماندهی عملی قوای نظامی و انتظامی نیز تحت سلسله‌مراتب تصمیم‌گیری شخص شاهزاده قرار می‌گیرد.

درواقع با واگذاری سیاست‌گذاری کلان، تأیید اعضای نهادها، و اجرای تصمیمات به شاهزاده، و نبود نهادهای امنیتی مستقل، تمرکز تمام قوا از جمله امنیتی در یک نقطه صورت می‌گیرد، که حتی در نظام‌های مشروطه یا جمهوری پارلمانی نیز بی‌سابقه است. در کشورهای دموکراتیک، فرماندهی نمادین نیروهای مسلح ممکن است به رئیس جمهور یا پادشاه سپرده شود، اما مدیریت و کنترل واقعی از مسیر پارلمان، شوراهای امنیت ملی، و ساز و کارهای نظارتی چندلایه می‌گذرد.

برای پرهیز از تمرکز خطرناک قدرت در دوران گذار، پیشنهاد می‌شود نهاد مستقلی تحت عنوان «شورای امنیت ملی دوران گذار» تعریف شود. این شورا می‌تواند از ترکیبی متوازن تشکیل شود، شامل:

۱. فرماندهان نظامی و انتظامی میانه‌رو و بی‌طرف؛
۲. نمایندگان از دولت موقت و نهادهای گذار با حق رأی محدود؛
۳. حقوقدانان و متخصصان غیرحزبی؛
۴. چهره ملی مورد اعتماد شاهزاده، در نقش ریاست

*دیوید اعتباری نویسنده کتاب Beyond Ideology- The Technocratic Roadmap to a Free Iran است. او از بنیانگذاران سازمان Stop Child Executions و از نظریه‌پردازان حوزه گذار دموکراتیک و فن‌سالار دیران است.

مذاکرات اتمی؛ نقش روسیه و اروپا و انتظار آمریکا



● پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بار دیگر از سوی اروپایی‌های غایب و با حمایت روسیه از تهران، پس از سرخوردگی ناشی از جنگ ۱۲ روزه، در مرکز توجه قرار گرفته است.

● جمهوری اسلامی ایران به خوبی می‌داند که سرنوشت مکانیسم ماشه به تصمیم آمریکا وابسته است، و اروپا نمی‌تواند مستقل از واشنگتن درباره ادامه یا توقف مذاکرات ایران- آمریکا تصمیم‌گیری کند.

هدی رؤوف (ایندیپندنت عربی) - در چارچوب گفتگوهای رژیم ایران با اروپایی‌ها، تهران شروط تازه‌ای را مطرح می‌کند؛ از جمله اینکه پیش از هرگونه همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، باید تحریم‌ها برداشته شود، و نه تنها اجازه بازدید از تأسیسات تخریب‌شده را نمی‌دهد، بلکه تنها بازدید از نیروگاه بوشهر، راکتور تحقیقاتی تهران و سازمان انرژی اتمی ایران را می‌پذیرد. افزون بر اینها، برخی در داخل ایران خواهان پیوند این پرونده با موضوع عذرخواهی «تروئیکای اروپایی» و ایالات متحده بابت حملات به تأسیسات هسته‌ای و پرداخت غرامت شده‌اند.

پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بار دیگر از سوی اروپایی‌های غایب و با حمایت روسیه از تهران، پس از سرخوردگی ناشی از جنگ ۱۲ روزه، در مرکز توجه قرار گرفته است. در این میان، سؤالاتی مطرح است که هنوز پاسخی نیافته‌اند، در حالی که تنها بخش قابل مشاهده، نوک کوه یخ است که همان پرونده هسته‌ای است.

در حالی که دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا بار دیگر رژیم ایران را به حملات تازه تهدید کرده، روسیه در موضعی حمایتی از تهران ظاهر شده است. این در حالیست که در داخل ایران، انتقادهایی نسبت به سکوت روسیه در جریان جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل، چه در سطح حمایت سیاسی و تلاش برای پایان جنگ، و چه در زمینه پشتیبانی نظامی که روسیه ارائه می‌داد، و ناکارآمدی آن در تقویت سامانه دفاع هوایی ایران که ضعف آن در برابر حملات اسرائیل آشکار شد، بالا گرفته است.

با توجه به اینکه رابطه میان ایران و روسیه اغلب به عنوان «روابط دوست-دشمن» توصیف می‌شود، اما به نظر می‌رسد اظهارات اخیر مسکو نیز در همین چارچوب قابل تفسیر است و نه به عنوان نشانه‌ای از اتحاد استراتژیک. درواقع تهران باید از این موضع روسیه، با نگاه عملگرایانه استفاده کند، نه از سر باور به روسیه به عنوان شریک استراتژیک.

روسیه بار دیگر تأکید کرده است که بر حق ایران در دستیابی به انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز پایبند است و شرط آمریکا مبنی بر «غنی‌سازی صفر» را ناعادلانه می‌داند. مسکو یادآور شده که چنین شرطی حتی در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) که در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۶۸ توسط آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی پایه‌گذاری شد، مطرح نشده است. در این پیمان، هیچ ممنوعیتی برای غنی‌سازی یا بازفرآوری وجود ندارد، اما همه فعالیت‌های هسته‌ای باید زیر نظر آژانس و صرفاً در چارچوب اهداف صلح‌آمیز باشد. روسیه همچنین تهدیدهای آمریکا و اسرائیل علیه رژیم ایران را تلوچا محکوم کرد.

مسکو همچنین یادآور شد که موضوع غنی‌سازی در توافق برجام مشخص شده و ایران مجاز است تا سطح ۳/۶۷ درصد غنی‌سازی انجام دهد، که برای برنامه‌ای صلح‌آمیز کافی

خود شفاف‌سازی نماید و بازرسان بین‌المللی نیز بتوانند به فعالیت خود در ایران ادامه دهند.

با این حال، جمهوری اسلامی ایران به خوبی می‌داند که سرنوشت مکانیسم ماشه به تصمیم آمریکا وابسته است، و اروپا نمی‌تواند مستقل از واشنگتن درباره ادامه یا توقف مذاکرات ایران- آمریکا تصمیم‌گیری کند. حتی اگر «تروئیکای اروپایی» فعال ساختن مکانیسم ماشه را برای شش ماه به تعویق بیندازد و پس از آن پیشنهاد لغو تحریم‌های سازمان ملل را مطرح کند، باز هم این ایالات متحده است که با استفاده از حق وتو می‌تواند مانع برداشته شدن تحریم‌ها شود.

بنابراین، آمریکا همچنان طرف اصلی در این معادله برای ایران است، و موفقیت یا شکست مذاکرات ایران با اروپا، تعیین‌کننده شروع یا توقف مذاکرات با واشنگتن نخواهد بود. بلکه این مرحله می‌تواند فرصتی باشد برای اینکه ترامپ از طریق آن موضعی تبلیغاتی علیه ایران بیان کند.

رژیم ایران در برابر شروط اروپایی‌ها، نیز شروط خاص خود را دارد؛ از جمله حل موضوع غنی‌سازی در داخل که به نوعی تعیین می‌کند آیا امکان بازگشت به میز مذاکره میان تهران و واشنگتن وجود دارد یا نه. اما فراتر از آن، این سؤال مطرح است که مذاکرات احتمالی میان رژیم ایران و آمریکا فقط به موضوع هسته‌ای محدود خواهد شد یا به سایر پرونده‌های منطقه‌ای نیز گسترش خواهد یافت؛ پرونده‌هایی که ایران به واسطه سیاست گره زدن مسائل، در آنها دست داشته است.

آیا در این مذاکرات، آینده جنبش حماس و نقش جمهوری اسلامی ایران در آن بررسی خواهد شد؟ آیا گفتگوهایی درباره عدم دخالت رژیم ایران در سوریه و نقش حزب‌الله در لبنان صورت خواهد گرفت؟ بعید به نظر می‌رسد که این مسائل منطقه‌ای ملتهد از دستور کار مذاکرات با جمهوری اسلامی حذف شوند. پس چرا اکنون با وجود افزایش تبادل مواضع میان تهران و واشنگتن، تمرکز بر آنها صورت نمی‌گیرد؟!

*منبع: ایندیپندنت عربی

*نویسنده: هدی رؤوف

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

است، و میزان ذخایر اورانیوم غنی‌شده‌اش نباید از ۳۰۰ کیلوگرم فراتر رود، و مازاد آن باید به خارج کشور منتقل شود؛ که خود مسکو مسئول نگهداری این مازاد خواهد بود. موضع اخیر روسیه که در مخالفت با واشنگتن و تل‌آویو بیان شده، حمایتی برای تهران محسوب می‌شود، اما درواقع نشان‌دهنده استفاده مسکو از پرونده اتمی ایران به عنوان کارت بازی در معامله با آمریکا است. روابط متشنج میان مسکو و واشنگتن، تهدید ترامپ به تشدید فشار بر روسیه، تعیین مهلت برای پایان جنگ در اوکراین و تهدید به اعمال تعرفه‌های گمرکی، روسیه را به سمت هم‌سوایی با رژیم ایران در پرونده هسته‌ای سوق داده، و به ویژه با توجه به اینکه همه طرفین می‌دانند ترامپ مایل به تحقق توافقی با ایران است.

این موضع فعلی روسیه با عملکرد گذشته آن که طی جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل حمایتی از جمهوری اسلامی نکرد و سیستم‌های دفاعی‌اش نیز عملکرد ضعیفی داشتند، تناقض دارد. پیشتر گزارش‌هایی منتشر شده بود که روسیه با اصل «غنی‌سازی صفر» در توافقی با ایران موافقت کرده است. مسکو درواقع تمایلی به توافق رژیم ایران با غرب و پایان انزوای تهران ندارد، زیرا این انزوا در راستای منافع روسیه است. همچنین، امتناع جمهوری اسلامی ایران از مذاکره مستقیم با آمریکا فرصتی برای مسکو فراهم آورده تا از این موضوع به عنوان اهرم فشار استفاده کند.

از سوی دیگر، نقش اروپا پس از آنکه با روی کار آمدن ترامپ و انجام پنج دور مذاکره میان رژیم ایران و آمریکا تا حدی به حاشیه رفته بود، بار دیگر در پرونده هسته‌ای پررنگ شده است. اکنون سؤال اینجاست که نقش اروپا چیست و آیا قادر است در حل اختلافات تهران- واشنگتن یا دستیابی به توافقی هسته‌ای نقش‌آفرین باشد؟

«مکانیسم ماشه» (Snapback) آخرین ابزار باقیمانده اروپا برای مشارکت در این پرونده است. اروپایی‌ها می‌توانند پیشنهاد تعلیق آن را به تهران بدهند، اما مشروط به اینکه ایران تفاهم دیپلماتیک جدی نشان دهد و به مذاکرات مستقیم با آمریکا بازگردد و همچنین با آژانس بطور کامل همکاری کند و درباره ذخایر اورانیوم غنی‌شده



ویدئو

دوران محمدرضا شاهی؛ شتاب سازندگی با دانش پیشرفته

(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)

شاهنشاهی پهلوی با وارد نمودن دانش پیشرفته به برنامه عمرانی مملکت شتاب بیشتری می‌داد. فروردین ۱۳۳۴ سی و شش جوان روستایی که از سوی اداره املاک و مستغلات پهلوی برای فراگرفتن روش‌های نوین کشاورزی در آلمان غربی برگزیده شده بودند رهسپار آن کشور شدند تا طی دو سال روش‌های نوین کشت و کار را بیاموزند.



سرتیپ محمدرضا آشتیانی وزیر دفاع وقت جمهوری اسلامی در فرودگاه مهرآباد به استقبال نیکلاس مادورو رئیس جمهوری ونزوئلا رفت / ۱۰ ژوئن ۲۰۲۲/ رویترز

«دیلی‌میل»: طرح رژیم ایران و ونزوئلا برای انتقال نیروهای نیابتی به خاک آمریکا با پاسپورت جعلی

● در پی حملات هوایی آمریکا به تأسیسات اتمی در ایران به دستور دونالد ترامپ، منابع امنیتی هشدار داده‌اند که جمهوری اسلامی ممکن است به کمک عوامل نیابتی خود، از جمله حزب‌الله و حماس، حملاتی تلافی‌جویانه را درون خاک آمریکا تدارک دیده باشد.

● «دیلی‌میل» روز پنجشنبه ۷ اوت (۱۶ مرداد) به نقل از منابع اطلاعاتی گزارش داد گروه‌هایی مرتبط با جمهوری اسلامی ایران با همکاری رژیم نیکلاس مادورو، با استفاده از گذرنامه‌های جعلی یا صادرشده توسط ونزوئلا، تلاش کرده‌اند تروریست‌ها را به ایالات متحده وارد کنند.

● گفته شده که یک عملیات شناسایی گسترده (man-hunt) در جریان است تا عوامل احتمالی را شناسایی و بازداشت کنند.

در پی حملات هوایی آمریکا به تأسیسات اتمی در ایران به دستور دونالد ترامپ، منابع امنیتی هشدار داده‌اند که جمهوری اسلامی ممکن است به کمک عوامل نیابتی خود، از جمله حزب‌الله و حماس، حملاتی تلافی‌جویانه را درون خاک آمریکا تدارک دیده باشد.

«دیلی‌میل» روز پنجشنبه ۷ اوت (۱۶ مرداد) به نقل از منابع اطلاعاتی گزارش داد گروه‌هایی مرتبط با جمهوری اسلامی ایران با همکاری رژیم نیکلاس مادورو، با استفاده از گذرنامه‌های جعلی یا صادرشده توسط ونزوئلا، تلاش کرده‌اند تروریست‌ها را به ایالات متحده وارد کنند. گفته شده که یک عملیات شناسایی گسترده (manhunt) در جریان است تا عوامل احتمالی را شناسایی و بازداشت کنند. این افراد با گذرنامه‌های جعلی بدون ویزا از خاورمیانه به

بر اساس گزارش «دیلی‌میل»، نهادهای آمریکایی از جمله وزارت امنیت داخلی و وزارت خارجه حاضر به تأیید رسمی دریافت این فهرست نشده‌اند. اما یک ایمیل داخلی از ارتباط این منبع با یک رابط سفارت در اداره مهاجرت و گمرک آمریکا حکایت دارد.

اف‌بی‌آی نیز اعلام کرده که پس از جنگ ۱۲ روزه [حمله آمریکا به تأسیسات اتمی در ایران]، مأموریت‌های ضدتروریستی را تشدید کرده و به دفاتر منطقه‌ای دستور داده تا اطلاعات مربوط به بازداشت‌ها و مهاجران مظنون را با وزارت امنیت داخلی به اشتراک بگذارند.

آمار نشان می‌دهد از ژانویه ۲۰۲۱ تا اکتبر ۲۰۲۳، بیش از ۳۸۰ هزار ونزوئلایی از مرز مکزیک وارد آمریکا شده‌اند. همچنین در همین مدت، ۱۵۰۴ ایرانی نیز بطور غیرقانونی وارد خاک آمریکا شده‌اند و طبق آمار اف‌بی‌آی، ۳۸۲ فرد مظنون به تروریسم در مرز شناسایی شده‌اند.

سفارت ونزوئلا در سوریه صدور گذرنامه‌های جعلی را رد کرده و ادعا می‌کند این کشور «سرزمین صلح و عشق» است. «دیلی‌میل» به نقل از منابع مستقل می‌نویسد، این گذرنامه‌ها عمدتاً توسط غازی نصرالدین کاردار پیشین ونزوئلا در دمشق صادر شده‌اند؛ فردی که از سال ۲۰۱۵ در فهرست تروریستی اف‌بی‌آی قرار دارد و متهم به همکاری مستقیم با حزب‌الله و انتقال منابع مالی برای این گروه است.

آمریکای جنوبی سفر می‌کنند و سپس از مرزهای جنوبی آمریکا، بین میلیون‌ها مهاجر غیرقانونی وارد خاک آمریکا می‌شوند. در گزارش «دیلی‌میل» به فهرستی اشاره شده که نشان می‌دهد بیش از ۱۰ هزار نفر از سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ در ونزوئلا تابعیت گرفته‌اند.

جاناتان گیلیام تحلیلگر ضدتروریسم و مأمور پیشین اف‌بی‌آی به «دیلی‌میل» می‌گوید: «احتمال حمله از سوی ایران به خاک آمریکا، پس از حملات ژوئن [به تأسیسات اتمی ایران]، بسیار بالاست. این شبکه می‌تواند از قبل در آمریکا مستقر شده باشد و اکنون آماده عملیات است.»

طبق این گزارش، ارتباط میان جمهوری اسلامی و ونزوئلا سابقه‌ای طولانی دارد و از زمان هوگو چاوز آغاز شده است. در سال ۲۰۱۷ مسائل لوپز مشاور حقوقی سفارت ونزوئلا در عراق فاش کرده بود که پاسپورت‌هایی با هویت جعلی برای عرب‌ها صادر شده‌اند.

ثور هالورسن مقام پیشین دولت ونزوئلا و رئیس کنونی بنیاد حقوق بشر، گفت بسیاری از این افراد اکنون با هویت ونزوئلایی در حال تردد در آمریکا یا سایر کشورها هستند و افزود: «آنها همه‌جا هستند، از راننده اوبر گرفته تا بانک‌ها یا مأمور امنیت حمل و نقل. ما واقعاً نمی‌دانیم کجا هستند.» او درباره خطر بیدار شدن سلول‌های خفته پس از حمله ترامپ هشدار داد و گفت: «سلول‌های خفته [رژیم] ایران همین حالا بیدار و فعال هستند.»

یک تاریخ‌پژوه آلمانی:

حقوق بین‌الملل به سلاح سیاسی علیه اسرائیل تبدیل شده است

در اینجا هم ما با جنگ چریکی مواجه هستیم. اطلاعات موثقی وجود دارد که حتی در زمان «قحطی» ظاهری، مواد غذایی کافی از قبل موجود بوده ولی توسط حماس احتکار شده؛ و اگر هم عرضه شده، با قیمت‌های بسیار بالا فروخته شده‌اند.

● **منظورتان کدام اطلاعات است؟ چندین سازمان غیردولتی اعلام کرده‌اند که هیچ دارویی وجود ندارد.**

– آیا این سازمان‌ها محل‌های مخفی حماس را می‌شناسند؟! ما همچنین می‌دانیم که بسیاری از این «سازمان‌های غیردولت» فعالان طرفدار حماس هستند.

● **آیا دولت اسرائیل با تشدید درگیری در فصل بهار در دام افتاده؟**

– اگر کوتاه‌مدت فکر کنید، بله. ولی از دید بلندمدت، این تشدید درگیری به تضعیف دائمی حماس منجر خواهد شد. جنگ علیه رایش سوم هم سال‌ها طول کشید، چون رهبر جنایتکار آلمان، مردمش را تا آخرین قطره خون مجبور به جنگ کرد.

● **آیا مقایسه حماس با نازی‌ها واقعاً درست است؟**

– اگر نه در اینجا، پس کجا؟! و اگر نه حالا، پس کی؟! از ژوئن یا ژوئیه ۱۹۴۴ مشخص بود که جنگ برای آلمان شکست خورده؛ اما هیتلر همچنان کشاندن کشور به خونریزی را ادامه داد. وقتی آلمان شکست خورد، یا بهتر بگویم، آزاد شد، وضعیت بهتر شد؛ دست‌کم در آلمان غربی. جامعه جهانی، حتی اسرائیل، بازسازی غزه‌ای آزاد و بدون حماس را به شدت حمایت خواهد کرد؛ هم اقتصادی و هم سیاسی.

● **آیا واقعاً به این دولت اسرائیل اعتماد دارید که بتواند**

نتیجه مثبتی برای منطقه یا حتی خود کشور رقم بزند؟ – بله، کاملاً. این سؤال برایم عجیب است چون مبتنی بر یک تصویر نادرست از واقعیت است. واقعیت این است که ما اکنون با خاورمیانه‌ای کاملاً جدید روبرو هستیم؛ برای هر کسی که دقیق نگاه کند، روشن است:

لبنان توسط اسرائیل از حزب‌الله رهایی یافته، سوریه از دیکتاتوری خاندان اسد (از سال ۱۹۷۰) آزاد شده،

[رژیم] ایران پس از دو حمله موشکی به اسرائیل، توان دفاع هوایی‌اش را از دست داده،

حوثی‌ها در یمن به شدت تضعیف شده‌اند، و توان نظامی حماس نیز به شدت افت کرده است.

اگر دقیق نگاه کنیم، یک اتحاد واقعی، هرچند غیررسمی، بین اسرائیل، عربستان سعودی، بحرین، امارات متحده عربی و اردن در برابر [رژیم] ایران، حوثی‌ها و حزب‌الله وجود دارد.

● **آیا واقعاً فکر می‌کنید فلسطینی‌ها شکست حماس را به عنوان «آزادی» درک خواهند کرد؟**

– من پیشگو نیستم، اما بر اساس گذشته و حال، آینده را تحلیل می‌کنم. اگر فلسطینی‌ها فرصتی مانند آلمان پس از ۱۹۴۵ داشته باشند، چنین چیزی ممکن است

● **آزادی؟ ده‌ها هزار نفر کشته شده‌اند. حماس از بیش از ۵۰ هزار قربانی سخن می‌گوید. حقوقدانان بین‌المللی می‌گویند این نقض آشکار حقوق بین‌الملل است.**

– این یک بحث معادلاتی است که وکلای حقوق بین‌الملل مطرح می‌کنند. سوءتفاهم نشود؛ من به حقوق



میشائیل ولفزن نویسنده و تاریخ‌پژوه آلمانی / اکتبر ۲۰۲۳ / رویترز

بگویم، از آنها سوء استفاده می‌کنند. این باعث می‌شود که ارتش اسرائیل چاره‌ای جز پاسخ به این منابع آتش نداشته باشد.

● **چرا اسرائیل نمی‌تواند این مسئله را حداقل به افکار عمومی جهان غرب توضیح دهد؟**

– این ضعف در توضیح فقط به جنگ اخیر محدود نمی‌شود، بلکه سال‌هاست که در خود اسرائیل نیز مورد انتقاد قرار گرفته. علاوه بر این، جهان غرب (بجز سربازان آمریکایی) از سال ۱۹۴۵ در نوعی بهشت صلح‌آمیز زندگی می‌کند. یک نکته انسانی و قابل درک هم وجود دارد: همه مردم تصاویر وحشتناک از رنج غیرنظامیان فلسطینی را می‌بینند. این تصاویر بخشی از استراتژی حماس هستند. آنها می‌خواهند سربازان دشمن و مردم‌شان را دچار تردید کرده و همدلی جهانی را جلب کنند. اما تصاویر هرگز علت‌ها را نشان نمی‌دهند.

● **اما دولت اسرائیل خودش نیز از «جنگ علیه حماس» فراتر رفته و اکنون از اخراج کل فلسطینی‌ها از غزه صحبت می‌کند.**

– بله، اینهم هست. اما این سخنان اغلب از سوی سیاستمداران رادیکال و افراطی در دولت ائتلافی مطرح می‌شود و توجه زیادی جلب می‌کند. حتی نتانیاهو دیگر کمتر از این اصطلاح استفاده می‌کند. البته این سیاستمداران بخشی از کابینه هستند، اما نباید آنها را با کل دولت یکی دانست.

● **ولی وجود این صداهای افراطی در کابینه یک مشکل نیست؟**

– این موضوع فقط برای کسانی مشکل‌زا است که ترکیب و توازن قدرت در کابینه اسرائیل را نمی‌شناسند. درواقع دولت اسرائیل شامل طیف‌های مختلف است، و این صداهای افراطی نماینده اکثریت نیستند. در خود اسرائیل، این فریادهای افراطی تصمیم‌گیرنده نیستند. اتهامات شدیدتری هم وجود دارد از جمله اینکه این دولت از گرسنگی به عنوان سلاح استفاده می‌کند. درواقع ماه‌هاست که هیچ کمک بشردوستانه‌ای به غزه راه نیافته.

● **میشائیل ولفزن تاریخ‌پژوه و نویسنده آلمانی در سال ۱۹۴۷ در منطقه تحت حفاظت انگلیس در تل‌آویو در یک خانواده یهودی، فرهنگی و صنعتکار به دنیا آمد. پدر و مادرش در سال ۱۹۵۴ به برلین غربی مهاجرت کرده و در آنجا ساکن شدند. این تاریخ‌پژوه در جوانی در ارتش اسرائیل خدمت کرد و در «جنگ شش روزه» شرکت داشت. ولفزن تحصیلات عالی خود را در رشته‌های تاریخ، علوم سیاسی و اقتصاد در دانشگاه‌های برلین و تل‌آویو و کلمبیا در نیویورک به پایان رساند. او بیش از بیست جایزه فرهنگی و علمی دریافت کرده و ده‌ها کتاب در ارتباط با مسائل تاریخی و سیاسی و اجتماعی نوشته است.**

● **«همه مردم تصاویر وحشتناک از رنج غیرنظامیان فلسطینی را می‌بینند. این تصاویر بخشی از استراتژی حماس هستند. آنها می‌خواهند سربازان دشمن و مردم‌شان را دچار تردید کرده و همدلی جهانی را جلب کنند. اما تصاویر هرگز علت‌ها را نشان نمی‌دهند.»**

● **جامعه جهانی، حتی اسرائیل، بازسازی غزه‌ای آزاد و بدون حماس را به شدت حمایت خواهد کرد؛ هم اقتصادی و هم سیاسی.**

● **«اگر دقیق نگاه کنیم، یک اتحاد واقعی، هرچند غیررسمی، بین اسرائیل، عربستان سعودی، بحرین، امارات متحده عربی و اردن در برابر [رژیم] ایران، حوثی‌ها و حزب‌الله وجود دارد.»**

● **«سه عامل اصلی برای توان نظامی اسرائیل وجود دارد: اول: ایالات متحده؛ دوم: ایالات متحده؛ سوم: ایالات متحده! [وگرنه] خود آلمان بیشتر از اسرائیل به تسلیحات اسرائیلی وابسته است! اگر آلمان ارسال سلاح را به اسرائیل متوقف کند، اسرائیل هم می‌تواند مقابله به مثل کند. آنوقت پرسش این است: چه کسی بیشتر ضرر می‌کند؟!»**

آنچه می‌خوانید گفتگوی مجله «فوکوس» در آلمان با میشائیل ولفزن تاریخ‌پژوه و نویسنده آلمانی است. وی در سال ۱۹۴۷ در منطقه تحت حفاظت انگلیس در تل‌آویو در یک خانواده یهودی، فرهنگی و صنعتکار به دنیا آمد. پدر و مادرش در سال ۱۹۵۴ به برلین غربی مهاجرت کرده و در آنجا ساکن شدند. این تاریخ‌پژوه در جوانی در ارتش اسرائیل خدمت کرد و در «جنگ شش روزه» شرکت داشت. ولفزن تحصیلات عالی خود را در رشته‌های تاریخ، علوم سیاسی و اقتصاد در دانشگاه‌های برلین و تل‌آویو و کلمبیا در نیویورک به پایان رساند. او بیش از بیست جایزه فرهنگی و علمی دریافت کرده و ده‌ها کتاب در ارتباط با مسائل تاریخی و سیاسی و اجتماعی نوشته است.

● **آقای پروفیسور ولفزن، صدراعظم نمی‌تواند درک کند که اسرائیل در غزه چه می‌کند. آیا شما می‌توانید برای او توضیح دهید؟**

– بله. این اقدام از نظر سیاسی و نظامی ضروری است، زیرا حماس خود به خود خونریزی را متوقف نمی‌کند. از ابتدای عملیات متقابل اسرائیل در اکتبر ۲۰۲۳، حماس جنگ چریکی به راه انداخته. نیروهای چریکی اغلب از اماکن غیرنظامی مانند مساجد، بیمارستان‌ها، مدارس و کودکستان یا منازل شهروندان به عنوان پایگاه استفاده می‌کنند یا بهتر

سفر نمایندگان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران «بدون دسترسی فیزیکی به سایت‌های هسته‌ای»



رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

یا جمهوری اسلامی به آنها دسترسی داشته باشد! در حال حاضر مشخص نیست آیا رافائل گروسی مدیرکل آژانس همراه این هیئت به ایران سفر خواهد کرد یا نه زیرا طی این مدت بارها با تهدید جانی روبرو شده است. حتا علی لاریجانی مشاور علی خامنه‌ای ۲۹ خردادماه در اظهاراتی علیه مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت: «به حساب گروسی هم خواهیم رسید!» مقامات جمهوری اسلامی آژانس را متهم می‌کنند که «شریک» اسرائیل در جنگ با جمهوری اسلامی است.

موضع روس‌ها

برخی تحلیلگران می‌گویند در مناقشه میان آژانس و جمهوری اسلامی، روسیه نقش اساسی دارد. در شرایطی که رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از جمهوری اسلامی خواسته است در مورد وضعیت تأسیسات بعد از بمباران و محل اورانیوم‌هایی که رژیم ادعا می‌کند آنها را پیش از بمباران منتقل کرده همکاری کند، اما سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه با انتقاد از نقش مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در زنجیره حملات آمریکا و اسرائیل به تأسیسات اتمی در ایران، گفته بود: «اکنون رافائل گروسی درخواست کرده است که اطلاعات مربوط به محل نگهداری اورانیوم غنی‌شده ایران ارائه شود؛ حال آنکه هیچ تضمینی درباره درز نکردن دوباره اطلاعات از آژانس اتمی نیست.»

دونالد ترامپ می‌گوید برای توافق با جمهوری اسلامی باید تمام ظرفیت غنی‌سازی در ایران برچیده شود. سه قدرت اروپایی به جمهوری اسلامی هشدار داده‌اند که اگر تا پایان تابستان با آمریکا توافق نشود «مکانیسم ماشه» را فعال خواهند کرد. در مقابل، جمهوری اسلامی تهدید به خروج از NPT کرده و حتا شماری از مقامات از جمله عباس عراقچی وزیرخارجه رژیم گفته در صورت فعال‌سازی مکانیسم ماشه، جمهوری اسلامی ایران به سمت ساخت سلاح اتمی خواهد رفت. البته این اظهارات پیش از آن بود که تأسیسات اتمی و موشکی در ایران مورد حمله اسرائیل و آمریکا قرار بگیرند. اکنون خود عراقچی در مصاحبه‌هایش اعتراف کرده این تأسیسات به شدت آسیب دیده‌اند.

● ابراهیم عزیزی رئیس کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی ۱۴ مرداد به خبرگزاری «تسنیم» گفت، «تحت هیچ شرایطی دسترسی فیزیکی به تأسیسات هسته‌ای ایران داده نخواهد شد، هیچگونه بازرسی از سوی این هیئت یا هر نهاد خارجی دیگر نیز مجاز به حضور در تأسیسات هسته‌ای ایران نخواهد بود.»

● رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از جمهوری اسلامی خواسته است در مورد وضعیت تأسیسات بعد از بمباران و محل اورانیوم‌هایی که ادعا می‌شود پیش از بمباران منتقل شده‌اند همکاری کند، اما سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه هشدار داده: «هیچ تضمینی درباره درز نکردن دوباره اطلاعات از آژانس اتمی نیست.»

● در حال حاضر مشخص نیست آیا رافائل گروسی مدیرکل آژانس همراه این هیئت به ایران سفر خواهد کرد یا نه زیرا طی این مدت بارها با تهدید جانی روبرو شده است. حتا علی لاریجانی مشاور علی خامنه‌ای ۲۹ خردادماه در اظهاراتی علیه مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت: «به حساب گروسی هم خواهیم رسید!»

شش هفته پس از اعلام «آتش‌بس» میان جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل توسط آمریکا، گفته می‌شود که قرار است مقامات آژانس بین‌المللی به ایران سفر کنند.

چهارم تیرماه یک روز پس از اعلام آتش‌بس از سوی دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا، مجلس شورای اسلامی طرح تعلیق همکاری با آژانس را تصویب و یک هفته بعد دولت مسعود پزشکیان این قانون را ابلاغ کرد. در شرایطی که پروازها برقرار ایران لغو شده بود، بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که در جریان جنگ ۱۲ روزه در تهران حضور داشتند، زمینی ایران را ترک کردند.

حالا در ارتباط با خبر اخیر، برخی منابع می‌گویند در جریان سفر احتمالی نمایندگان آژانس به ایران هیچیک از بازرسان این نهاد بین‌المللی به همراه هیئت اعزامی نخواهد بود.

در همین ارتباط شبکه «المیادین» وابسته به حزب‌الله لبنان گزارش داد: «گفتگوها بر سر مسائل سیاسی متمرکز خواهد بود و هیچ بازرسان آژانس، این هیئت را همراهی نخواهد کرد.» ابراهیم عزیزی رئیس کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی ۱۴ مرداد به تسنیم گفت، «تحت هیچ شرایطی دسترسی فیزیکی به تأسیسات هسته‌ای ایران داده نخواهد شد، هیچگونه بازرسی از سوی این هیئت یا هر نهاد خارجی دیگر نیز مجاز به حضور در تأسیسات هسته‌ای ایران نخواهد بود.»

او توضیح داد که این هیئت صرفاً و منحصراً مجاز به انجام مذاکرات و گفتگوهای کارشناسی و فنی با مقامات و کارشناسان جمهوری اسلامی خواهد بود.

این هیئت در حالی قرار است به ایران سفر کند که سرنوشت بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی در ایران مبهم است. مقامات تهران مدعی هستند این اورانیوم‌ها پیش از بمباران تأسیسات اتمی فردو، نطنز و اصفهان به مکانی امن منتقل شدند. دولت‌های غربی پس از جنگ ۱۲ روزه بارها از رژیم ایران خواسته‌اند در مورد سرنوشت این اورانیوم‌ها شفاف‌سازی کند اما پاسخ آنها منفی بود. آنهم در حالی که اصلاً معلوم نیست این اورانیوم‌ها پس از بمباران تأسیسات مربوطه توسط آمریکا هنوز وجود داشته باشند و

بین‌المللی علاقه داریم؛ اما باید بگویم که در عمل، این حقوق در جنگ‌ها خیلی مؤثر نیست.

● یعنی حقوق بین‌الملل اصلاً اهمیتی ندارد؟

- چرا، ولی به عنوان یک سلاح سیاسی علیه اسرائیل؟! شاید اسرائیل در این جنگ مواردی از حقوق بین‌الملل را نقض کرده باشد، اما به صورت واکنشی، اولین نقض، از سوی حماس صورت گرفت! آنها از غیرنظامیان خود به عنوان سپر انسانی و پایگاه آتش استفاده می‌کنند. مبارزان‌شان لباس نظامی ندارند، بلکه مثل غیرنظامیان کرده‌اند لباس می‌پوشند! این در تضاد با حقوق بین‌الملل قرار دارد. چه کسی در مورد این حقایق صحبت می‌کند؟

● دادستان دیوان کیفری بین‌المللی حکم بازداشت نتانیاهو و وزیر دفاع پیشین را صادر کرده...

- بله؛ ولی خود این دادگاه با اتهامات جدی مواجه است. برخی اعضایش به دلیل تعصب ضداسرائیلی مشهورند. حقوق در این مورد به یک نمایش سیاسی تبدیل شده است. ● حتی اگر پیشگو هم نیستید، لطفاً کمی درباره آینده صحبت کنیم. چه چشم‌اندازی برای منطقه می‌بینید؟

- دیدگاه من برای یک صلح پایدار در خاورمیانه اینست: یک فدرالیسم مشترک برای سرزمین‌های فلسطینی، اسرائیل و اردن. چیزی بین اتحادیه چند کشور [فدراسیون] و ایالات فدرال؛ به عبارت دیگر کانتونالیزه شدن. من این را در کتابم «سرزمین مقدس متعلق به کیست؟» شرح داده‌ام. اصرار دائمی بر راه حل دو کشوری کاملاً غیرواقع‌بینانه است.

● طرح شما به معنای پایان اسرائیل به عنوان دولت یهود نیست؟

- نه، اسرائیل همچنان یک کشور یهود باقی می‌ماند؛ با خودگردانی ویژه برای عرب‌های اسرائیلی. یک «جمهوری فدرال فلسطین» تشکیل خواهد شد شامل کانتون کرانه باختری با تضمین حقوق اقلیت یهودی در آن، کانتون غزه، و یک کشور مشترک فلسطین- اردن. یادتان نرود که ۸۰٪ جمعیت اردن، فلسطینی هستند. این تنها راه حل معقول دو کشوری است.

● چقدر طول خواهد کشید تا دولت‌های اروپایی بفهمند که راه حل دوکشوری که آنها پیشنهاد می‌کنند قابل اجرا نیست؟

- شما از من تاریخ‌پژوه انتظار پیشگویی دارید؛ ولی من پاسخی ندارم.

● در اروپا بحث‌های دیگری در جریان است. حتی در دولت آلمان که همیشه در کنار اسرائیل ایستاده، اکنون برخی خواهان توقف ارسال سلاح به اسرائیل هستند. این چه پیامی دارد؟

- تقریباً هیچ! سه عامل اصلی برای توان نظامی اسرائیل وجود دارد: اول: ایالات متحده؛ دوم: ایالات متحده؛ سوم: ایالات متحده!

● یعنی آلمان اصلاً مهم نیست؟

- خود آلمان بیشتر از اسرائیل به تسلیحات اسرائیلی وابسته است! ارتش آلمان پهنادهای نظامی اسرائیلی کرایه کرده؛ قرارداد بزرگی برای سامانه‌های پدافند موشکی با اسرائیل دارد؛ و اطلاعات حساس ضدتروریستی را از اسرائیل دریافت می‌کند.

اگر آلمان ارسال سلاح را متوقف کند، اسرائیل هم می‌تواند مقابله به مثل کند. آنوقت پرسش این است: چه کسی بیشتر ضرر می‌کند؟!

*منبع: مجله آلمانی فوکوس ۶ ژوئن ۲۰۲۵

*ترجمه و تنظیم: حسام وثوقی

از آتش بس تا آشتی؛ بحران «نه جنگ، نه صلح» در ایران پس از جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل با نگاهی به «جنگ و صلح» تولستوی



● اکنون، در شرایطی مشابه و شاید هولناک‌تر، جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل وارد مرحله‌ای شده که نه جنگی آشکار در جریان است، و نه صلحی پایدار برقرار. این وضعیت «نه جنگ، نه صلح» که با اختلال اقتصادی، ضربات روحی اجتماعی، بی‌اعتمادی روانی و ناتوانی در بازسازی ساختار همراه شده، در نوع خود یادآوربرزخ فلسفی پایان‌بندی رمان تولستوی است؛ برزخی که روح انسان را بیشتر از هر میدان جنگی تحلیل می‌برد.

● در این میان جمهوری اسلامی خواهان دریافت غرامت پیش از بازگشت به مذاکرات اتمی و موشکی با آمریکا شده است. اسرائیل خود را پیروز می‌داند، اما تهدیدهایش پایان نیافته. مردم، کارآفرینان، پزشکان، معلمان، رانندگان و کارگران؛ همه در انتظار، همه نگران، همه مردد... این وضعیت «نه جنگ و نه صلح» خطرناک‌تر از خود جنگ است، زیرا ریشه‌دارتر، نامعلوم‌تر و روان‌فراستر است.

● در جهانی پرآشوب، پر از اسطوره‌سازی، جنگ‌طلبی و توهم قدرت، شاید بزرگترین اقدام انقلابی آن باشد که بپذیریم: صلح، یک تصمیم سیاسی نیست؛ یک انتخاب انسانی‌ست. اما این جمله، تنها یک شعار زیبا نیست. اگر آن را نفهمیم، اگر اسیر تبلیغات قدرت‌طلبان شویم، اگر جنگ را با «غرور ملی» یا «امنیت ساختگی» توجیه کنیم، نه تنها اکنون خود را ویران می‌کنیم، بلکه آینده‌ی فرزندانمان را نیز به خاک می‌سپاریم؛ فرزندان که شاید روزی بپرسند: چرا نگفتید؟ چرا ایستادگی نکردید؟ چرا فریب خوردید؟

ح. سلیمانی - در تاریخ ادبیات، کمتر اثری به ژرفای رمان «جنگ و صلح» لئو تولستوی می‌رسد؛ رمانی که فراتر از داستانی تاریخی، نگاهی فلسفی به نبرد، رنج انسان، نقش توده‌ها در تاریخ و معنای واقعی صلح دارد. تولستوی معتقد بود تاریخ را نه رهبران، بلکه انباشت تصمیمات، ترس‌ها، و امیدهای مردم می‌سازد.

اکنون، در شرایطی مشابه و شاید هولناک‌تر، جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل وارد مرحله‌ای شده که نه جنگی آشکار در جریان است، و نه صلحی پایدار برقرار. این وضعیت «نه جنگ، نه صلح» که با اختلال اقتصادی، ضربات روحی اجتماعی، بی‌اعتمادی روانی و ناتوانی در بازسازی ساختار همراه شده، در نوع خود یادآوربرزخ فلسفی پایان‌بندی رمان تولستوی است؛ برزخی که روح انسان را بیشتر از هر میدان جنگی تحلیل می‌برد.

۱. تولستوی چه می‌گوید؟ جنگ‌هایی که پایان ندارند در مؤخره دوم رمان، تولستوی با انتقاد از نظریه «قهرمانان تاریخ‌ساز» می‌نویسد که جنگ‌ها نه توسط ناپلئون و تزار، بلکه به وسیله‌ی ترس‌ها و جهل عمومی آغاز می‌شوند. او تأکید دارد که هیچ فرمانده یا رهبری توان هدایت تاریخ را ندارد، اگر پشت آن ساختار مردمی، اعتماد عمومی، و زیرساخت فکری نباشد.

در مؤخره اول نیز شخصیت‌هایی چون پیر و ناتاشا، پس از پشت سر گذاشتن جنگ، نه قهرمان شده‌اند و نه پیروز. تنها چیزی که برایشان مانده، تجربه‌ی رنج، رشد درونی و پذیرش فقدان‌هاست. این درون‌مایه‌ای‌ست که امروز جامعه‌ی ایران را بیش از پیش درگیر خود کرده: یک ملت

خسته، بلا تکلیف و در جست‌وجوی امنیت روانی. همانطور که آبر کامو در «افسانه‌ی سیزیف» می‌نویسد: «انسان در مواجهه با پوچی، یا تسلیم می‌شود یا معنا می‌سازد.» و امروز، ایران در آستانه‌ی همین انتخاب ایستاده است.

۲. جنگ ۱۲ روزه؛ حمله بدون دفاع، پایان بدون قطعنامه در حمله‌ای برق‌آسا، اسرائیل طی ۱۲ روز، مجموعه‌ای از مراکز حساس هسته‌ای، موشکی، سایبری و علمی جمهوری اسلامی ایران را هدف قرار داد. در این عملیات که با یورش هوایی، سایبری و ترورهای همزمان همراه بود، دست‌کم ۳۰ فرمانده نظامی و ۹ دانشمند اتمی رژیم کشته شدند. هیچ قطعنامه رسمی، معاهده آتش‌بس یا گفتگوی مستقیم در پی این درگیری رخ نداد.

شبیه به حمله ناپلئون به روسیه در ۱۸۰۵، این نبرد نه از منظر نظامی، بلکه از نظر روانی و اقتصادی، رژیم ایران را به زانو درآورد. نه تنها فقدان پدافند غیرعامل، بلکه نبود پناهگاه، ساز و کار اطلاع‌رسانی، و آمادگی مردمی آسیب‌های زیادی به تأسیسات و مناطق مورد حمله وارد کرد.

۳. پدافند غیرعامل و بی‌پناهی مردمی؛ وقتی شهروندان در میدان جنگ‌اند

جنگ با عراق پایان یافت، اما هیچگاه یک شبکه جامع از پناهگاه‌های شهری، سامانه هشدار یا طرح تخلیه اضطراری در ایران توسط حکومتی که مسئول جنگ و صلح است ایجاد نشد. در حمله اخیر، شماری از شهروندان غیرنظامی، نه در مناطق نظامی، بلکه در جوار سایت‌های حساس یا مناطق پرجمعیت و بی‌دفاع کشته شدند.

این نبود آمادگی، همان چیز است که تولستوی در «جنگ و صلح» نیز ترسیم می‌کند: مردمی در حال فرار، بی‌هدف، بی‌نقشه و بی‌اطمینان از فردا. و این بی‌پناهی، نه فقط یک ضعف مدیریتی، بلکه یک

خیانت اخلاقی از سوی جمهوری اسلامی و زمامداران آن است؛ خیانتی به شهروندانی که چون برگ‌های پاییزی در باد سیاست، بی‌دفاع رها شده‌اند.

۴. اثرات اقتصادی جنگ؛ از چک‌های برگشتی تا گرانی ضروریات زندگی

یکی از نمونه‌های عینی پیامدهای جنگ، اختلال چندروزی سامانه‌های بانک سپه، پاسارگاد و دیگر بانک‌ها بود. میلیون‌ها حساب بانکی، سامانه‌ی چک‌های ضمانتی، پرداخت‌های دولتی و قراردادهای تجاری دچار فروپاشی شد.

از سوی دیگر، با کاهش اطمینان به آینده، بازار در شوک فرو رفت: مردم کمتر خریدند، سرمایه‌گذاری متوقف شد، قیمت کالاهای اساسی بطور ناگهانی افزایش یافت، و تجارت خارجی در حالت تعلیق باقی ماند.

اینها همه در حال است که هیچ موشکی در بازار فروخته نشده بود. اما بازار نیز، مثل جان انسان، از ترس تغذیه می‌کند و در زمان «بی‌اطمینانی»، اقتصاد هم دچار فلج می‌شود. اقتصاد، زخمی بی‌صدا از گلوله‌های بی‌اعتمادی‌ست.

۵. ضربات روحی، ترس و روان جمعی؛ جنگی که درون آدمیان ادامه دارد

بنا بر گزارش‌های نهادهای مستقل، درصد بالایی از مردم، خصوصاً کودکان و سالمندان، دچار علائم اختلال اضطراب پس از سانحه (PTSD) شده‌اند. کابوس‌های شبانه، ترس از صداهای بلند، بی‌قراری عمومی و بلا تکلیفی روانی، وضعیت ایران را شبیه همان حالت «صلح غمگین» کرده که تولستوی در پایان رمانش شرح می‌دهد.

او می‌نویسد: «انسان‌هایی که از جنگ باز می‌گردند، همیشه در حال جنگی دیگر با درون خود هستند.» و اکنون ایرانیان درگیر نبردی هستند که نه دشمن مشخصی ←

از زخم تا ضربه؛ تهران در حال آماده شدن برای پاسخ چند جبهه‌ای؟

نوار غزه، از آرایش نظامی حزب‌الله در جنوب لبنان، تا رزمایش‌های مشترک و استقرار میدانی گروه‌هایی مانند کتائب حزب‌الله، حرکه النجباء، کتائب سیدالشهدا و انصارالله الاوفياء در خاک عراق. این تحرکات اگرچه در جغرافیای گسترده و از سوی گروه‌های ظاهراً مستقل صورت می‌گیرد، اما در ساختار، پیام و زمان‌بندی، وجهی مشترک دارند؛ همگی به مثابه اجزای یک عملیات چندجبهه‌ای در حال آرایش‌اند، با فرماندهی مرکزی در تهران.

بی‌تردید، احتمال چنین سناریویی نه‌تنها دور از ذهن نیست، بلکه بر پایه منطق بازدارندگی معکوس جمهوری اسلامی کاملاً قابل انتظار است. نظام به خوبی می‌داند که بازدارندگی سنتی‌اش فرسوده شده و تنها راه احیای هیبت از دست‌رفته‌اش در «محور مقاومت»، یک اقدام پرریسک و شوک‌آور است، نه برای پیروزی نظامی، بلکه برای برهم‌زدن معادلات منطقه.

در چنین وضعیتی، وقوع یک حمله گسترده، فارغ از میزان موفقیت، می‌تواند کافی باشد تا نظم امنیتی منطقه را به هم بزنند، اسرائیل را به وضعیت تدافعی بکشاند، و برای رژیم که در باتلاق ضعف و انزوا فرو رفته، فرصتی برای تنفس

● تحرکات میدانی پس از جنگ ۱۲ روزه شاهد این مدعاست که جمهوری اسلامی تلاش می‌کند ضعف‌های خود را با فعال ساختن و آرایش مجدد گروه‌های نیابتی ترمیم کند.

● بی‌تردید، احتمال چنین سناریویی نه‌تنها دور از ذهن نیست، بلکه بر پایه منطق بازدارندگی معکوس جمهوری اسلامی کاملاً قابل انتظار است. نظام به خوبی می‌داند که بازدارندگی سنتی‌اش فرسوده شده و تنها راه احیای هیبت از دست‌رفته‌اش در «محور مقاومت»، یک اقدام پرریسک و شوک‌آور است، نه برای پیروزی نظامی، بلکه برای برهم‌زدن معادلات منطقه.

● مرگ سیاسی یک بازیگر منطقه‌ای الزاماً به معنای کاهش تهدید نیست؛ گاه خطرناک‌ترین ضربه‌ها دقیقاً از سوی دشمنی فرود می‌آید که چیزی برای از دست دادن ندارد.

میثم مهرانی - راست آنکه جمهوری اسلامی این روزها به ماری زخم‌خورده می‌ماند؛ ناتوان، اما هنوز خطرناک. زخمی که بر پیکر رژیم وارد شده، اگرچه عمیق است، اما مرگ‌آور نبوده. اگر آمریکا و اسرائیل به این جمع‌بندی



بازدید علی خامنه‌ای از دستاوردهای موشکی و پهبادی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی / آبان ۱۴۰۲

استراتژیک فراهم کند. در چنین شرایطی، تأخیر در تصمیم‌گیری به‌اندازه‌ی شکست خطرناک است. هر روزی که بدون اقدام قاطع علیه رژیم حاکم بر ایران بگذرد، نه‌تنها جمهوری اسلامی را به نقطه بازسازی نزدیک‌تر می‌سازد، بلکه ضربه بعدی را سنگین‌تر و گسترده‌تر خواهد ساخت.

مرگ سیاسی یک بازیگر منطقه‌ای الزاماً به معنای کاهش تهدید نیست؛ گاه خطرناک‌ترین ضربه‌ها دقیقاً از سوی دشمنی فرود می‌آید که چیزی برای از دست دادن ندارد.

نرسند که این موجود نیمه‌جان اما سمی را در کوتاه‌ترین زمان ممکن می‌بایست از میان برداشت، باید هر لحظه خود را برای بازگشت هدفمند و چندجبهه‌ای آن آماده کنند.

تحرکات میدانی پس از جنگ ۱۲ روزه نیز شاهد این مدعاست که جمهوری اسلامی تلاش می‌کند ضعف‌های خود را با فعال ساختن و آرایش مجدد گروه‌های نیابتی ترمیم کند: از بازیابی توان آفندی حوثی‌ها در دریای سرخ، تا تمرین‌های رزمی و تحرکات لجستیک حماس در

→ دارد، نه پایانی معین؛ تنها چیزی که وجود دارد، ترس از بازگشت دوباره‌ی فاجعه است.

در چنین شرایطی، هنر می‌تواند پناهگاهی باشد؛ شعر، موسیقی، نقاشی و روایت، ابزارهایی‌اند برای ترمیم روان جمعی. هنرمندان، حافظان حافظه‌ی تاریخی‌اند؛ و امروز، بیش از همیشه، باید صدای مردم باشند.

۶. وضعیت «نه جنگ، نه صلح»؛ آشفتگی تاریخی

جنگ تمام نشده، اما آتش آن فعلاً خاموش است. صلح آغاز نشده، اما مردم گمان می‌کنند شاید دیگر بدتر از این نشود. این همان وضعیت پرزخی است که تولستوی در «جنگ و صلح» از آن با عبارت «شک میان معنا و بی‌معنایی» یاد می‌کند.

در این میان جمهوری اسلامی خواهان دریافت غرامت پیش از بازگشت به مذاکرات اقی و موشکی با آمریکا شده است. اسرائیل خود را پیروز می‌داند، اما تهدیدهایش پایان نیافته. مردم، کارآفرینان، پزشکان، معلمان، رانندگان و کارگران؛ همه در انتظار، همه نگران، همه مردود... این وضعیت «نه جنگ و نه صلح» خطرناک‌تر از خود جنگ است، زیرا ریشه‌دارتر، نامعلوم‌تر و روان‌فرساست.

جمع‌بندی و راهکار

اگر از دید تولستوی به بحران نگاه کنیم، راه حل نه در پیروزی نظامی، نه در هیاهوی سیاسی، بلکه در بازسازی زیرساخت اعتماد عمومی، ترمیم روان جمعی، و تقویت ابزارهای دفاع شهری و اقتصادی است.

تولستوی هشدار می‌دهد: «جنگ زمانی پایان می‌یابد که انسان‌ها در درون خود به صلح برسند.»

امروز ایران، بیش از پب و موشک، نیاز به پناهگاه روانی دارد؛ نیاز به نهادهایی که مردم را به آینده امیدوار کنند، به ساز و کارهایی که بازار را از تردید نجات دهند، و به صلحی که نه در قرارداد، بلکه در ذهن و زندگی شهروندان تثبیت شود.

در جهانی پرآشوب، پر از اسطوره‌سازی، جنگ‌طلبی و توهم قدرت، شاید بزرگترین اقدام انقلابی آن باشد که بپذیریم: صلح، یک تصمیم سیاسی نیست؛ یک انتخاب انسانی‌ست. اما این جمله، تنها یک شعار زیبا نیست. اگر آن را نفهمیم، اگر اسیر تبلیغات قدرت‌طلبان شویم، اگر جنگ را با «غرور ملی» یا «امنیت ساختگی» توجیه کنیم، نه‌تنها اکنون خود را ویران می‌کنیم، بلکه آینده‌ی فرزندانمان را نیز به خاک می‌سپاریم؛ فرزندان که شاید روزی بپرسند: چرا نگفتید؟ چرا ایستادگی نکردید؟ چرا فریب خوردید؟ تولستوی در همین رمان تأکید می‌کند که هیچ جنگی برنده و قهرمان ندارد. چرا که آن طرفی که «برنده» شده، نیز در عمل بسیار باخته است!

جنگ، برای همه طرفین، بازماندگان خاموشی دارد با زخم‌هایی که نسل‌ها را می‌سوزاند. ما باید فریب شعارها و دشمن‌سازی‌های مصنوعی را نخوریم؛ باید به یاد آوریم که جنگ، تنها زبان مرگ است و بس. بیایید از تاریخ جنگ‌ها بیاموزیم. از صدها سال ویرانی، خون، آوارگی و تباهی ملت‌ها.

یاد بگیریم که: «گذشته چراغ راه آینده است.» اگر نخواهیم از آن چراغ بهره ببریم، در تاریکی گم خواهیم شد. امروز، بیش از همیشه، باید تصمیم بگیریم: می‌خواهیم همراه زندگی باشیم یا تسلیم مرگ تدریجی؟ می‌خواهیم با آگاهی و امید آینده بسازیم یا در بی‌تفاوتی و ترس، همه چیز را واگذار کنیم؟ صلح را باید از درون آغاز کرد، وگرنه جنگ، از بیرون، ما را خواهد بلعید.

فایننشال تایمز: عوامل هسته‌ای و امنیتی جمهوری اسلامی یک سال پیش با گذرنامه دیپلماتیک و فوری به روسیه رفته بودند



بازدید مسعود پزشکیان از نمایشگاه دستاوردهای اتمی جمهوری اسلامی

مسافرتی و سوابق شرکت‌های ایرانی و روسی و همچنین مصاحبه با مقامات غربی و کارشناسان پیمان عدم گسترش تسلیحات اتمی انجام شده است.

«فایننشال تایمز» همچنین نامه‌ای را بررسی کرده که «دماوند تک» در ماه مه سال ۲۰۲۴ میلادی به یک تامین‌کننده روسی فرستاده بود و کلوند در آن علاقمندی خود را به تامین چند ایزوتوپ از جمله تریتیوم، ماده‌ای با کاربردهای غیرنظامی اما با قابلیت تقویت بازده جنگ‌افزار هسته‌ای، ابراز کرده بود.

سفر هیأت جمهوری اسلامی به روسیه همزمان با نگرانی دولت‌های غربی از فعالیت‌های مشکوک عوامل هسته‌ای رژیم ایران از جمله تلاش برای تامین فناوری‌های مرتبط با انرژی اتمی صورت گرفت.

وزارت خزانه‌داری آمریکا در ماه مه تحریم‌های جدیدی علیه «سپند» وضع کرد و هشدار داد که این سازمان «روی تحقیقات و توسعه دامن‌نویس برای تسلیحات هسته‌ای و سامانه‌های کارگشای آن کار می‌کند».

آژانس‌های اطلاعاتی غرب بر این باورند که جمهوری اسلامی برنامه مخفی تسلیحات هسته‌ای داشته اما پیش از آن که اسرائیل و آمریکا در خرداد امسال به تاسیسات هسته‌ای در ایران حمله کنند، واشنگتن معتقد بود تهران این برنامه را از سر نگرفته است. ایالات متحده هشدار داده بود حکومت ایران گام‌هایی برداشته که اگر اراده کند، ساخت پمپ را آسان‌تر می‌کند. تمرکز اصلی این بازدید بر روند ساخت کلاسترورها (نوعی لوله ترموالکتریک خاص) و ایزوتوپ‌هایی مانند تریتیوم بوده است؛ موادی که برای توسعه تسلیحات هسته‌ای اهمیت بالایی دارند.

شرکت روسی «Ritverc» که پیش از این سفر، کارشناسان جمهوری اسلامی با آن تماس گرفته بودند، ظاهراً تمایل خود را برای تامین تریتیوم، استرانسیم-۹۰ و نیکل-۶۳

روزنامه «فایننشال تایمز» گزارش داد یک هیأت ایرانی از مؤسسه‌های علمی روسیه بازدید کرده است. بعضی از این مؤسسات تولیدکننده فناوری‌ها و قطعات دوگانه (نظامی/غیرنظامی) هستند که می‌توانند در تحقیقات تسلیحات هسته‌ای نیز به کار روند.

در این گزارش که سه‌شنبه ۵ اوت (۱۴ مرداد) منتشر شد آمده این سفر چهارم اوت سال گذشته (یک سال قبل) انجام شد و یک فروند هواپیمای متعلق به شرکت «ماهان‌ایر» کارشناسان جمهوری اسلامی را به روسیه برد.

در میان مسافران، علی کلوند از عوامل برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی، به همراه چهار نفر دیگر در پوشش شرکت مشاوره‌ای «دماوند تک» حضور داشت. این شرکت پوششی در تهران یک دفتر کوچک دارد.

این افراد با گذرنامه‌های دیپلماتیک سفر کرده‌اند، برخی از گذرنامه‌ها شماره‌های متوالی داشته‌اند و همه در یک روز، فقط چند هفته پیش از سفر، صادر شده بوده‌اند.

در بخشی از این گزارش آمده یکی از اعضای هیأت، عامل برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بوده که به گفته مقامات غربی، برای «سازمان پژوهش و نوآوری دفاعی» (سپند) کار می‌کند. محسن فخری‌زاده که در سال ۱۳۹۹ در نزدیکی دماوند در یک عملیات دقیق کشته شد، از بنیانگذاران این سازمان بود. این واحد تحقیقاتی سری نظامی را «جایگزین مستقیم برنامه هسته‌ای پیش از سال ۲۰۰۴ ایران» توصیف شده است.

فرد دیگری که به روسیه رفته بود، رئیس پیشین شرکتی بوده که به دلیل دخالت در تامین قطعات برای «سپند»، تحت تحریم‌های آمریکا قرار گرفته است.

بر اساس این گزارش، آخرین عضو گروه، یک مامور ضدجاسوسی نظامی جمهوری اسلامی بوده است. تحقیقات «فایننشال تایمز» بر اساس نامه‌ها، اسناد

● روزنامه «فایننشال تایمز» گزارش داد یک هیأت جمهوری اسلامی از مؤسسه‌های علمی روسیه بازدید کرده است. بعضی از این مؤسسات تولیدکننده فناوری‌ها و قطعات دوگانه (نظامی/غیرنظامی) بودند که می‌توانند در تحقیقات تسلیحات هسته‌ای نیز به کار روند.

● این افراد با گذرنامه‌های دیپلماتیک سفر کرده‌اند، برخی از گذرنامه‌ها شماره‌های متوالی داشته‌اند و همه در یک روز، فقط چند هفته پیش از سفر، صادر شده بوده‌اند.

● بر اساس گزارش «فایننشال تایمز»، این هیأت که سفرشان یک سال پیش در ماه اوت انجام شده، گروهی از دانشگاهیان عادی نبودند بلکه همگی ارتباط نزدیکی با سازمان «سپند» داشته‌اند که جزو یکی از نگران‌کننده‌ترین پروژه‌های رژیم در آژانس‌های اطلاعاتی غرب طبقه‌بندی شده است.

● در میان مسافران، علی کلوند از عوامل برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی، به همراه چهار نفر دیگر در پوشش شرکت مشاوره‌ای «دماوند تک» حضور داشته است. این شرکت پوششی در تهران یک دفتر کوچک دارد.

● مهم‌ترین عضو هیأت شاید سروش محترم شاهی عامل برنامه هسته‌ای تهران وابسته به دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی تکنیک) بوده باشد. محترم شاهی در حوزه مولدهای نوترون تخصص دارد. دستگاه‌هایی که در صنایع و پزشکی کاربرد دارند اما می‌توانند در برخی تسلیحات هسته‌ای نیز عامل تحریک انفجار باشند.

● آخرین عضو هیأت امیر یزدیان است که برخلاف دیگران هیچ پرونده دانشگاهی ندارد. اسم او در مدارک مربوط به شرکت‌ها در ایران نیامده است. گذرنامه دولتی یزدیان شماره متوالی با گذرنامه جواد قاسمی داشته است. چندین مقام غربی تایید کردند که او کارمند وزارت دفاع جمهوری اسلامی در بخش ضدجاسوسی است.

در نامه‌ای به پزشک‌های مطرح شد: به نگاه امنیتی در بخش تجارت الکترونیک پایان دهید!



● مدیران چند شرکت بزرگ تجارت الکترونیک ایران در نامه‌ای به مسعود پزشکیان خواستار پایان دادن به نگاه امنیتی به فضای اقتصاد دیجیتال کشور شده‌اند.

● نمونه‌های این فشار «انتشار شب‌نامه‌ها، با تهدید سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، با یورش به دفاتر شرکت‌ها و بازجویی فعالان» اعلام شده است.

مدیران چند شرکت بزرگ تجارت الکترونیک ایران در نامه‌ای به مسعود پزشکیان خواستار پایان دادن به نگاه امنیتی به فضای اقتصاد دیجیتال کشور شده و تأکید کرده‌اند «مهاجرت» تنها راهی است که برای فعالان دیجیتال باقی‌مانده است.

مدیران و بنیانگذاران شرکت‌های دیجی‌کالا، علی‌بابا، صبا ایده، تخفیفان، نوبیتکس، دیوار، کافه‌بازار، بلد و ابرآروان در نامه‌ای به مسعود پزشکیان خواستار پایان دادن به نگاه امنیتی در این بخش بسیار مهم اقتصاد و تجارت شدند.

در این نامه تأکید شده با روایت‌سازی و اتهام‌زنی، استارت‌آپ‌ها به عنوان پروژه‌های «تغییر و نفوذ» معرفی شدند، و اینگونه بخش‌های مختلف اکوسیستم تحت فشار قرار گرفتند. نمونه‌های این فشار «انتشار شب‌نامه‌ها، با تهدید سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، با یورش به دفاتر شرکت‌ها و بازجویی فعالان» اعلام شده است.

این نامه افزوده «برخی نهادهای امنیتی با ارسال نامه‌های رسمی، نهادهای دولتی را از همکاری با استارت‌آپ‌های بزرگ کشور منع کردند.»

همچنین آمده «این روند با پلمب دفاتر مرکزی بعضی شرکت‌ها، لغو مجوزها، بازداشت بنیان‌گذاران و مدیران، اجبار به خروج از هیئت‌مدیره و سهامداری، و جلوگیری از ورود پلتفرم‌ها به بورس، ادامه یافت. اینک امروز می‌بینیم که در اقدامی بی‌سابقه، دستور کناره‌گیری و حذف بنیان‌گذار یکی از پلتفرم‌های اصلی کشور، دیوار، رسماً مطرح شده است.»

در ادامه آمده «نتیجه این روند، تضعیف یکی از پویاترین زیست‌بوم‌های نوآوری در تاریخ ایران است. موجی که روزگاری الهام‌بخش جوانان برای ماندن و ساختن بود، اکنون به واسطه بدبینی و فشار مستمر، رو به خاموشی است. در شرایطی که کشورهای منطقه با شتاب در حال تبدیل شدن به قطب‌های نوآوری و هوش مصنوعی هستند، ایران در حال از دست دادن سرمایه انسانی، فرصت‌های اقتصادی، و انگیزه در نسل جدید است.»

نویسندگان هشدار داده‌اند که «امروز مهاجرت، نه فقط فردی، بلکه به صورت گروهی و سازمانی از سوی تیم‌ها و شرکت‌های گوناگون دنبال می‌شود، و در مقام تنها راه باقی‌مانده برای تداوم فعالیت تلقی می‌گردد.»

در بخش دیگری از نامه با طرح این پرسش که «برچسب‌زنی با عنوان «تغییر و نفوذ» چه فرصت‌هایی را از کشور گرفته است؟» آمده «ما بر این باوریم که ادامه این مسیر، به معنای خاموش کردن نیروی محرکه رشد اقتصادی و تضعیف عामدانه نوآوری و سرمایه‌گذاری در حوزه فناوری کشور است.»

فعالان بخش تجارت الکترونیک ایران در حالی درباره نگاه امنیتی حاکم بر این بخش که پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و جمهوری اسلامی تشدید شده انتقاد دارند که در آنسو محدودیت‌ها و اختلال‌های اینترنتی نیز کسب و کارهای فعال در اقتصادی دیجیتال ایران را با خسارت گسترده روبرو

→ برای مقاصد تحقیقاتی اعلام کرده بود؛ موادی که معاملات آنها طبق مقررات بین‌المللی به دلیل کاربرد دوگانه به شدت کنترل می‌شود.

دیوید آبرایت پژوهشگر تسلیحاتی استراتژی تهران را نوعی «ابهام‌محوری حساب‌شده هسته‌ای» توصیف کرده است.

این رویکرد از نقض آشکار مفاد پیمان عدم گسترش تسلیحات هسته‌ای جلوگیری می‌کند اما می‌تواند از تحقیقات علمی برای پیشبرد دانش مورد نیاز در صورت تصمیم تهران برای ساخت تسلیحات هسته‌ای استفاده کند.

حضور هیأت ایرانی در روسیه به خودی خود سندی نیست که ارزیابی‌های غرب درباره برنامه هسته‌ای ایران را تغییر دهد اما: «نمونه‌ای از فعالیت‌هایی است که نگرانی آژانس‌های اطلاعاتی غرب را برانگیخته است.»

چندین کارشناس عدم گسترش تسلیحات هسته‌ای به «فایننشال تایمز» گفتند سوابق اعضای هیأت، نوع شرکت‌های روسی و تدابیر زیرکانه در سفر، همگی مشکوک هستند.

بر اساس گزارش «فایننشال تایمز»، این هیأت گروهی از دانشگاهیان عادی نبودند بلکه همگی ارتباط نزدیکی با سازمان «سپند» داشته‌اند که جزو یکی از نگران‌کننده‌ترین پروژه‌های رژیم در آژانس‌های اطلاعاتی غرب طبقه‌بندی شده است.

ایان استوارت مهندس هسته‌ای سابق وزارت دفاع بریتانیا و رئیس دفتر واشنگتن مرکز مطالعات عدم گسترش تسلیحات «جیمز مارتین» می‌گوید: «مجموعه اطلاعات موجود نشان می‌دهد ممکن است سپند با تکیه بر تخصص روسیه در پی حفظ دانش مرتبط با سلاح اتمی باشد.»

یکی از گذرنامه‌های دیپلماتیک به نام جواد قاسمی، ۴۸ ساله، صادر شده بود که پیشتر مدیرعامل شرکت Para- dise Medical Pioneers بوده است. این شرکت در سال ۲۰۱۹ به خاطر تأمین قطعات سلاح هسته‌ای برای «سپند» از سوی دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) تحریم شد. بر اساس اسناد، قاسمی از طریق عضویت در هیأت‌مدیره پنج شرکت مرتبط با «سپند» یا تحت تحریم آمریکا، به این نهاد متصل است. او اکنون مدیرعامل شرکت «ایمن گستر رامن کیش» است؛ شرکتی که تجهیزات ایمنی هسته‌ای و تست تشعشع ارائه می‌دهد و از طریق مدیران کنونی و پیشین خود ارتباطات متعددی با «سپند» و سپاه پاسداران دارد.

یکی دیگر از گذرنامه‌های دیپلماتیک به نام روح‌الله عظیمی راد صادر شده که مقامات غربی او را به عنوان عامل ارشد هسته‌ای در «سپند» می‌شناسند. او همچنین استادیار دانشگاه صنعتی «مالک اشتر» است. دانشگاهی که اتحادیه اروپا و بریتانیا آن را تحریم کرده‌اند.

به نوشته «فایننشال تایمز»، مهم‌ترین عضو هیأت، شاید سروش محترم شاهی عامل برنامه هسته‌ای تهران وابسته به دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی تکنیک) بوده باشد.

محترم شاهی در حوزه مولدهای نوترون تخصص دارد. دستگاه‌هایی که در صنایع و پزشکی کاربرد دارند اما می‌توانند در برخی تسلیحات هسته‌ای نیز عامل تحریک انفجار باشند.

آخرین عضو هیأت امیر یزدیان است که برخلاف دیگران هیچ پرونده دانشگاهی ندارد. اسم او در مدارک مربوط به شرکت‌ها در ایران نیامده است. گذرنامه یزدیان شماره متوالی با قاسمی داشته است. چندین مقام غربی تأیید کردند که او کارمند وزارت دفاع جمهوری اسلامی در بخش ضدجاسوسی است.

کرده است. انجمن تجارت الکترونیک ایران به تازگی در گزارشی اعلام کرده اختلال و مسدودماندن پروتکل‌های مهم اینترنت در زمان شروع جنگ جمهوری اسلامی و اسرائیل و دوران آتش‌بس نیز بیشتر شده و همزمان با شروع جنگ در ۲۳ خردادماه اختلال‌های جدید روی اینترنت شروع شده و در روز ۲۴ خرداد به اوج خود رسیده است.

بر اساس این گزارش ایران بدترین وضعیت کیفیت اینترنت در میان ۱۰۰ کشور اول GDP یا همان بزرگترین کشورها در حوزه اقتصاد را دارد. این گزارش افزوده اینترنت در ایران فقط از کشورهای کوبا، ترکمنستان، کامرون، آنگولا، سودان، کنگو و اتیوپی وضعیت بهتری دارد. ستار وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی نیز کاهش ۳۰ درصدی اشتغال در اقتصاد دیجیتال ایران پس از جنگ ۱۲ روزه جمهوری اسلامی و اسرائیل را به علت اختلال در اینترنت تأیید کرده است.

پلتفرم «دیوار» نیز تیرماه امسال در گزارشی در مورد قطع و اختلال اینترنت اعلام کرده که اختلالات و قطع پی در پی اینترنت جهانی، دیگری مشکل فنی ساده نیست؛ بلکه به نظر می‌رسد نتیجه سیاست‌گذاری‌های سیستماتیک است که در حال تخریب زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی کشور است. پلتفرم «دیوار» در این گزارش با تحلیل پیامدهای عمیق و کمتر مطرح شده در همین ارتباط نوشته قطع اینترنت نه تنها کسب و کارهایی مانند دیوار را به شدت متأثر می‌کند، بلکه یادگیری، آموزش و پایه‌های رشد سرمایه انسانی کشور را نیز مختل می‌سازد؛ همانهایی که ستون‌های اصلی توسعه شرکت‌هایی چون دیوار در سال‌های آتی هستند.

انجمن صنفی کسب و کارهای اینترنتی نیز به تازگی در نامه‌ای به وزیر ارتباطات و مدیرعامل شرکت ارتباطات زیرساخت هشدار داد که ادامه قطع و اختلال در اینترنت «مرگ اکوسیستم استارت‌آپی» را به یک واقعیت نزدیک تبدیل خواهد کرد. انجمن صنفی کسب و کارهای اینترنتی به شکل خوشبینانه اعلام کرده که به ازای هر ساعت قطع اینترنت، شاهد زیان بیش از ۱/۵ میلیون دلاری به کسب و کارها هستیم. این انجمن تأکید کرده که بیش از ۴۰۰ هزار کسب و کار کوچک و متوسط که معیشت میلیون‌ها ایرانی به آنها وابسته است، در معرض نابودی کامل قرار گرفته‌اند.

این انجمن همچنین از موج اخراج گسترده نیروهای فعال در حوزه تجارت الکترونیک به علت زیان ناشی از قطع اینترنت، توقف سرمایه‌گذاری در اکوسیستم استارت‌آپی و همینطور اعلام توقف فعالیت شرکت‌ها یا به عبارت دیگر ورشکستگی آنها خبر داده بود.

ادعای عراقچی در مصاحبه با «فایننشال تایمز»: از سرنوشت اورانیوم‌های ۶۰ درصدی اطلاعی ندارم!



عباس عراقچی در استانبول یک روز پیش از حمله نظامی آمریکا به تأسیسات هسته‌ای و سپس اعلام «آتش‌بس» ۲۱ ژوئن ۲۰۲۵ / رویترز

این سخنان عراقچی در حالیست که طرفین مذاکره و جنگ بر سر برنامه هسته‌ای رژیم ایران تلاش می‌کنند تا از «ابهام» در سرنوشت اورانیوم‌های ۶۰ درصدی به عنوان کارت بازی استفاده کنند. جمهوری اسلامی این ابهام و سخنان متناقض مقامات را درباره انتقال و یا از بین رفتن بخشی یا تمام آنها و عدم اظهارات صریح درباره آن، راهی برای مذاکره و امتیاز گرفتن ارزیابی می‌کند. اما آمریکا و اسرائیل و همچنین اروپاییان می‌توانند از همین ابهام به عنوان دلیلی برای حمله دوباره و همچنین به کار گرفتن «مکانیسم ماشه» و برگرداندن تحریم‌های بین‌المللی استفاده کنند.

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا پس از بمباران تأسیسات اتمی فردو، اصفهان و نطنز ادعا کرد که اورانیوم‌ها زیر خاک مدفون شدند، اما بعداً تهدید کرد که اگر لازم باشد مجدد حمله تکرار خواهد شد. بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل نیز اعلام کرد از محل نگهداری اورانیوم‌ها با خبر است. او افزود تهران برای قانع کردن واشنگتن درباره اینکه غنی‌سازی را کنار نمی‌گذارد، مذاکره خواهد کرد، اما تا زمانی که «بر غنی‌سازی صفر اصرار داشته باشند، توافقی در کار نخواهد بود».

احتمال از سر گرفتن جنگ با اسرائیل وجود دارد

در این میان، وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز از سر گرفتن جنگ با اسرائیل را محتمل دانست و گفت: «تجاوز متوقف و متقابلاً حق دفاع ما نیز متوقف شده است. همین».

عراقچی اضافه کرد هیچ توافق آتش‌بس یا چیز دیگری وجود ندارد، زیرا اسرائیل «بدون هیچ شرطی» حملاتش را متوقف کرد و در مقابل جمهوری اسلامی نیز از حمله دست کشید. با این حال، به گفته او، جنگ می‌تواند از سر گرفته شود: «آنها می‌توانند از سر بگیرند، ما می‌توانیم از سر بگیریم. هیچ آتش‌بس رسمی وجود ندارد و همه چیز ممکن است... فقط [جمهوری اسلامی] ایران نیست که باید نگران و دلواپس باشد».

نه، به گروسی نوشتیم به دلیل تهدیدها علیه تأسیسات هسته‌ای و مواد هسته‌ای باید تدابیر ویژه‌ای اتخاذ کنیم. نگفتم اتخاذ کرده‌ایم یا اینکه چه زمانی اتخاذ خواهیم کرد. گفتیم طبیعی است برای حفاظت از مواد، دانشمندان و تأسیساتمان تدبیر ویژه‌ای ببندیم. بعد، ناگهان در حین مذاکره با آمریکا، اسرائیلی‌ها تصمیم گرفتند به ما حمله کنند. من مسئول سازمان انرژی اتمی نیستم.

اما شما مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای هستید!

-بله، ولی مسئول فنی برنامه هسته‌ای ایران نیستم و پس از بمباران اطلاعات دقیقی ندارم. می‌دانم خسارات به تأسیسات هسته‌ای شدید است و می‌دانم مواد هسته‌ای ما در مکان‌هایی بوده‌اند که مورد حمله قرار گرفته‌اند.

سرویس‌های اطلاعاتی غرب هم معتقدند بخشی از ذخیره و نه همه آن حفظ شده و حمله نظامی همه آن را نابود نکرده و توان غنی‌سازی ایران باقی است.

-شاید نه به اندازه گذشته. هرچند سانتریفیوژهای پیشرفته زیادی در فردو و نطنز از دست رفته، اما ما هنوز می‌توانیم غنی‌سازی کنیم، ما پس از حملات همچنان ظرفیت غنی‌سازی اورانیوم را داریم.

هنوز توانایی آن را دارید؟!

-بله، زیرا دانش تئوری و عملی آن را داریم.

شما هنوز مواد و فناوری آن یعنی سانتریفیوژهای پیشرفته برای غنی‌سازی دارید؟

-پیش از حملات همه چیز داشتیم. ساختمان‌ها دوباره ساخته و ماشین‌ها جایگزین می‌شوند زیرا فناوری آن وجود دارد؛ ما دانشمندان و تکنیسین‌های فراوانی داریم که در تأسیساتمان مشغول به فعالیت بودند و همانطور که گفتیم ما توانایی انجام این کار را داریم. اما زمان و چگونگی ازسرگیری غنی‌سازی به شرایط بستگی دارد. سرنوشت مبهم اورانیوم‌ها به عنوان کارت بازی

● عباس عراقچی در مصاحبه با روزنامه «فایننشال تایمز» که متن کامل آن شنبه ۱۱ مرداد ۱۴۰۴ در وبسایت وزارت خارجه جمهوری اسلامی منتشر شد، در پاسخ به پرسشی درباره وضعیت ۴۰۸ کیلوگرم ذخیره اورانیوم ۶۰ درصدی گفت: «صادقانه نمی‌دانم. اطلاعات دقیقی ندارم، رقم دقیقی ندارم، اما بطور کلی می‌دانم در تأسیساتی بوده‌اند که بمباران شده‌اند».

● او افزود تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی در حملات آمریکا و اسرائیل «به شدت آسیب دیده‌اند» و به همین دلیل، تهران نمی‌تواند «به سادگی» به مذاکرات بازگردد و «واحد کند همه چیز عادی است».

بعد از بمباران تأسیسات اتمی در ایران، مقامات جمهوری اسلامی مدعی شدند بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی را پیش از حمله به مکانی امن منتقل کردند. آنهم در حالی که بسیاری از همین مقامات اعلام کردند که انتظار حمله نداشتند چون در میان مذاکره بودند و به همین دلیل آمریکا را سرزنش می‌کنند! اکنون تهران در مورد سرنوشت این اورانیوم‌ها پاسخگوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیست. وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز ادعا کرده است که از سرنوشت و محل نگهداری فعلی ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی اطلاعی ندارد.

عباس عراقچی در مصاحبه با روزنامه «فایننشال تایمز» که متن کامل آن شنبه ۱۱ مرداد ۱۴۰۴ در وبسایت وزارت خارجه جمهوری اسلامی منتشر شد، در پاسخ به پرسشی درباره وضعیت ۴۰۸ کیلوگرم ذخیره اورانیوم ۶۰ درصدی گفت: «صادقانه نمی‌دانم. اطلاعات دقیقی ندارم، رقم دقیقی ندارم، اما بطور کلی می‌دانم در تأسیساتی بوده‌اند که بمباران شده‌اند».

او افزود تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی در حملات آمریکا و اسرائیل «به شدت آسیب دیده‌اند» و به همین دلیل، تهران نمی‌تواند «به سادگی» به مذاکرات بازگردد و «واحد کند همه چیز عادی است».

به گفته وزیر خارجه جمهوری اسلامی، با توجه به شرایط موجود روند مذاکرات این بار «بسیار دشوارتر» خواهد بود. در بخشی از این مصاحبه آمده است:

● اندرو انگلند: آیا هنوز ۴۰۸ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصد غنی شده را دارید؟

-عراقچی: نمی‌دانم.

● مطمئناً می‌دانید.

-نه، صادقانه نمی‌دانم؛ چون در مکان‌هایی بوده‌اند که بمباران شده‌اند.

● پس هنگام بمباران آنجا بودند؟

-اطلاعات دقیقی ندارم، رقم دقیقی ندارم، اما بطورکلی می‌دانم در تأسیساتی بوده‌اند که بمباران شده‌اند.

● اصفهان، نطنز و فردو؟

-بله و سازمان انرژی اتمی ایران در حال ارزیابی شرایط است. البته این کار بسیار سخت است. نزدیک شدن به این تأسیسات آسیب‌دیده بسیار سخت می‌باشد.

● فرض این است که ایران پیش از حملات به تأسیسات هسته‌ای -به‌ویژه فردو و اصفهان- ۴۰۸ کیلوگرم را منتقل کرده و شما به گروسی گفتید ما برای حفاظت از تأسیساتمان تدابیر ویژه‌ای اتخاذ خواهیم کرد.

احیای «شورای دفاع» شش هفته پس از «جنگ ۱۲ روزه»؛ حکومت آماده دور جدید جنگ می‌شود؟



حملات هوایی اسرائیل به مقر سپاه و بسیج در تهران در جریان جنگ ۱۲ روزه

جهانی، احیای شورای دفاع می‌تواند به چابک‌سازی و تمرکز در تصمیم‌سازی دفاعی کشور بیانجامد.

بر اساس گزارش‌ها، رؤسای سه قوه، دو نماینده خامنه‌ای در شورای عالی امنیت ملی، وزیر اطلاعات، رئیس ستادکل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران و فرمانده قرارگاه مرکزی «خاتم الانبیاء» از جمله اعضای این شورا هستند. در اخبار و گزارش‌های منتشرشده به مأموریت دقیق این شورا اشاره نشده، اما «تسنیم» به بازخوانی مأموریت «شورای دفاع» در دوران جنگ هشت ساله با عراق پرداخته است که شاید نمایی کلی از دلیل مقامات ارشد نظام برای احیای این نهاد در شرایط کنونی باشد.

در گزارش «تسنیم» آمده: «یکی از اقدامات مهم شورای عالی دفاع در دوران دفاع مقدس [جنگ با عراق]، هدایت و نظارت بر طرح‌های عملیاتی بود. حدود سه ماه بعد از آغاز جنگ، طرح عملیات شکست حصر آبادان در جلسه شورای عالی دفاع مطرح و مصوب شد؛ اما اجرا نشد؛ تا اینکه بعد از برکناری بنی‌صدر، همان طرح با محوریت لشکر ۷۷ خراسان اجرا و در ۵ مهر ۱۳۶۰ به شکست حصر آبادان منجر شد.» این خبرگزاری تأکید کرده است: «شورای عالی دفاع در زمینه تعیین سیاست‌های دفاعی کشور در دوران دفاع مقدس از جمله چگونگی مذاکره با هیئت‌های صلح و پاسخگویی به پیشنهادها آنان، نقش اساسی داشت.»

به این ترتیب به نظر می‌رسد حکومت خود را برای دور جدیدی از درگیری‌ها با اسرائیل آماده می‌کند. به ویژه آنکه منابع اسرائیلی گزارش می‌دهند احتمالاً دور جدید این جنگ حتا زودتر از حد انتظار آغاز شود. برخی تحلیلگران می‌گویند زمینه‌ها و دلایلی که دولت‌های اروپایی را برای فعال‌سازی «مکانیسم ماشه» قانع می‌کند همگی دلایلی هستند که اسرائیل را مجاب به تکرار حمله به جمهوری اسلامی می‌کند.

«شورا» مشخص نشده است.

احمدیان کیست؟

برخی می‌گویند این نهاد قرار است ذیل «شورای عالی امنیت ملی» فعال شود. همزمان گزارش شد که علی لاریجانی مشاور ارشد علی خامنه‌ای به عنوان رئیس شورای عالی امنیت ملی منصوب شده است. این تصمیم به معنای کنار گذاشتن سردار پاسدار علی اکبر احمدیان است که اول خرداد ۱۴۰۱ با حکم ابراهیم رئیسی جانشین علی شمخانی شد.

احمدیان یکی از کلیدی‌ترین مهره‌های امنیتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است و کنار گذاشتن او از شورای عالی امنیت ملی می‌تواند به معنای عقب زدن یک جریان نظامی امنیتی قدرتمند باشد البته در صورتی که به مقام مهم‌تری گماشته نشود. احمدیان را به عنوان یکی از معماران جنگ‌های نامتقارن سپاه می‌شناسند.

احمدیان تا سال ۱۴۰۱ به مدت ۱۶ سال رئیس مرکز راهبردی سپاه پاسداران بود. مأموریت این نهاد طی این سال‌ها از مسائل نظامی فراتر رفت و تا چالش‌هایی مانند بحران آب و امنیت غذایی نیز گسترش یافت.

در این میان، هرچند جمهوری اسلامی خود را پیروز جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل می‌داند اما تقریباً برای همه آشکار است که زیرساخت‌های نظامی و امنیتی حکومت طی این جنگ کاملاً شخم خورد. کنار گذاشتن احمدیان را اگر به هیچ مقام دیگری منصوب نشود، می‌توان اولین ترکش‌های آثار شکستی دانست که حکومت برای پنهان کردن آن تلاش می‌کند. در اینصورت این احتمال کم نیست که حکومت نسبت به احمدیان و راهکارهایش بی‌اعتماد شده باشد.

خبرگزاری «تسنیم» در ارتباط با تشکیل «شورای دفاع» که البته وجود آن جدید نیست می‌نویسد: «با توجه به چالش‌های امنیتی جدید و پیچیدگی تهدیدات منطقه‌ای و

از پیامدهای «جنگ ۱۲ روزه» در سطوح نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی، تصمیم علی خامنه‌ای و مشاورانش برای احیای «شورای دفاع» با هدف تغییرات ساختاری در حوزه دفاعی است.

«شورای دفاع، بخشی از چیدمان جدید حکمرانی در حوزه دفاع و امنیت تلقی می‌شود؛ بر همین اساس در بین جریان‌های درونی نظام این نگرانی ایجاد شده که فعالیت این تشکیلات جدید در حوزه امنیت با نهادهای اطلاعاتی مانند وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه (ساس) به موازی‌کاری و تداخل بیانجامد، هرچند که هنوز مسئولیت یا مأموریت دقیق این «شورا» مشخص نشده است.

به نظر می‌رسد حکومت خود را برای دور جدیدی از درگیری‌ها با اسرائیل آماده می‌کند. به ویژه آنکه منابع اسرائیلی گزارش می‌دهند احتمالاً دور جدید این جنگ حتا زودتر از حد انتظار آغاز شود. برخی تحلیلگران می‌گویند زمینه‌ها و دلایلی که دولت‌های اروپایی را برای فعال‌سازی «مکانیسم ماشه» قانع می‌کند همگی دلایلی هستند که اسرائیل را مجاب به تکرار حمله به جمهوری اسلامی می‌کند.

از پیامدهای «جنگ ۱۲ روزه» در سطوح نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی، تصمیم علی خامنه‌ای و مشاورانش برای احیای «شورای دفاع» با هدف تغییرات ساختاری در حوزه دفاعی بوده است.

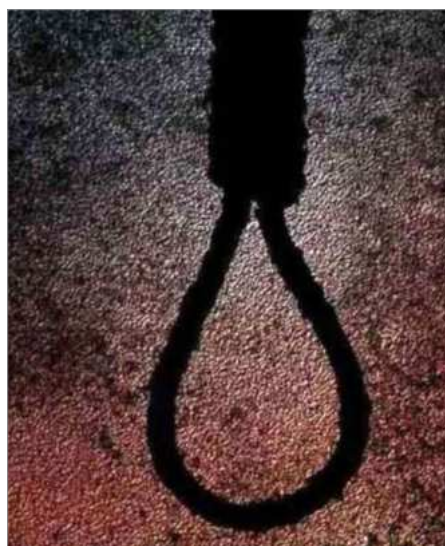
آنطور که خبرگزاری «فارس» می‌نویسد: «شورای دفاع، بخشی از چیدمان جدید حکمرانی در حوزه دفاع و امنیت تلقی می‌شود؛ بر همین اساس در بین جریان‌های درونی نظام این نگرانی ایجاد شده که فعالیت این تشکیلات جدید در حوزه امنیت با نهادهای اطلاعاتی مانند وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه (ساس) به موازی‌کاری و تداخل بیانجامد، هرچند که هنوز مسئولیت یا مأموریت دقیق این

اعدام روزبه وادی زندانی سیاسی به اتهام «جاسوسی»



عکسی که «سازمان حقوق بشر ایران» از روزبه وادی منتشر کرده است

دستگاه‌های اطلاعاتی ما جواسیس را شناسایی می‌کنند و تحویل دستگاه قضا می‌دهند.»
اما به گفته اژه‌ای پرونده کسانی که اخیراً به اتهام جاسوسی اعدام شدند «مربوط به پیش از حمله اسرائیل» بوده است. او توضیح داد، «در قبال متهمینی که اخیراً به اتهام همکاری با رژیم دستگیر شده‌اند، سعی خواهیم کرد تا سرعت عمل بیشتری را داشته باشیم؛ البته در اینجا باید متذکر شوم که قطعاً اینگونه نخواهد بود که در رسیدگی به این پرونده‌ها، عدل و انصاف را کنار بگذاریم؛ ما هیچگاه قائل به این نیستیم که، چون در شرایط خاصی قرار می‌گیریم، پس می‌توانیم از عدالت و انصاف صرف‌نظر کنیم.»



اواخر اردیبهشت ماه محسن لنگرنشین جوان ۳۴ ساله به اتهام همکاری با موساد در تروید سرهنگ پاسدار صیادخدایی اعدام شد. حکومت بعد از جنگ ۱۲ روزه اعدام زندانیان سیاسی با اتهامات مشابه را افزایش داد. طی همین مدت «ادریس عالی»، «آزاد شجاعی» و «رسول احمد رسول» به اتهام جاسوسی برای موساد و وارد کردن تجهیزات برای ترور شخصیت‌ها اعدام شدند. پدرام مدنی، اسماعیل فکری و مجید مسیبی نیز با اتهاماتی مشابه اعدام شدند. سازمان‌های حقوق بشری اعلام کردند این افراد دسترسی به وکیل نداشتند.

روزبه وادی به اتهام «جاسوسی برای اسرائیل» و مهدی اصغرزاده به اتهام «همکاری با داعش» اعدام شدند

رسانه‌های رسمی در ایران خبر از اعدام دو زندانی به نام روزبه وادی و مهدی اصغرزاده داده‌اند. روزبه وادی به اتهام «جاسوسی برای اسرائیل» و مهدی اصغرزاده به اتهام «افساد فی‌الارض به دلیل همکاری با داعش» به اعدام محکوم شده بودند.

سازمان حقوق بشر ایران روز گذشته یک فهرست ۶۷ نفره از زندانیان سیاسی- امنیتی محکوم به اعدام منتشر کرده بود که نام روزبه وادی در آن ثبت شده است.

محمود امیری مقدم مدیر سازمان حقوق بشر ایران در این خصوص گفته بود: «جمهوری اسلامی قصد دارد تا در شرایط جنگی زندانیان سیاسی را با هزینه کمتری اعدام کند. خطر اجرای احکام این زندانیان جدی است و فقط با بالا بردن هزینه سیاسی می‌توان از این اعدام‌ها جلوگیری کرد.» او در ادامه گفت: «احکام این زندانیان بدون دادرسی عادلانه و براساس اعترافات زیر شکنجه صادر شده و علاوه بر نقض قوانین بین‌المللی، حتی قوانین جمهوری اسلامی را نیز نقض می‌کنند.»

بنا به گزارش وبسایت «میزان» وابسته به قوه قضائیه جمهوری اسلامی، صبح امروز چهارشنبه ۱۵ مردادماه، حکم اعدام دو مرد به اجرا درآمد. در این گزارش‌ها به محل دقیق اعدام این دو زندانی اشاره‌ای نشده، اما به نظر می‌رسد که این احکام در زندان قزلحصار کرج اجرا شده‌اند.

روزبه وادی، حدوداً ۴۰ ساله، یک سال و نیم پیش بازداشت و به اتهام «جاسوسی برای اسرائیل» در دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شده بود. سازمان حقوق بشر ایران پیشتر در بخش «در خطر اعدام» وبسایت خود درباره روزبه وادی نوشته بود که وی «در زمان بازداشت به عنوان کارشناس هسته‌ای در سازمان انرژی اتمی ایران فعالیت می‌کرد.»

مهدی اصغرزاده، ۳۵ ساله و اهل جواروند (استان کرمانشاه) نیز با اتهام «افساد فی‌الارض از طریق فعالیت گسترده در گروه تروریستی و تکفیری داعش و اقدام علیه امنیت عمومی کشور» بازداشت و به اعدام محکوم شد.

سازمان حقوق بشری «همنگاو» پیشتر از انتقال مهدی اصغرزاده از زندان مرکزی کرمانشاه (دیزل‌آباد) به زندان قزلحصار خبر داده و در خصوص وضعیت او گزارشی منتشر کرده بود؛ مهدی اصغرزاده در سال ۱۳۹۵ و پس از بازگشت از سوریه، در جواروند بازداشت و پس از تحمل دو سال حبس انفرادی در تهران به زندان دیزل‌آباد کرمانشاه منتقل شد و هشت سال اخیر را در این زندان سپری کرده بود.

● قوه قضائیه جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۴ حکم اعدام روزبه وادی، زندانی سیاسی را اجرا کرد. او متهم به جاسوسی برای موساد بود.

● بر اساس آنچه منابع حکومتی ادعا کردند، وادی در یکی از «سازمان‌های مهم دولتی» فعالیت داشته و به دلیل سطح دسترسی‌اش، هدف جذب سرویس اطلاعاتی اسرائیل قرار گرفته است. برخی منابع غیررسمی گفته‌اند او عضو سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی بوده است.

● قوه قضائیه مدعی است که وادی اطلاعات طبقه‌بندی‌شده، از جمله درباره یکی از دانشمندان هسته‌ای کشته‌شده را در اختیار اسرائیل قرار داده است.

● به گفته اژه‌ای رئیس قوه قضائیه، پرونده کسانی که اخیراً به اتهام جاسوسی اعدام شدند «مربوط به پیش از حمله اسرائیل» بوده است.

قوه قضائیه جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۴ حکم اعدام روزبه وادی، زندانی سیاسی را اجرا کرد. او متهم به جاسوسی برای موساد بود.

بر اساس آنچه منابع حکومتی ادعا کردند، وادی در یکی از «سازمان‌های مهم دولتی» فعالیت داشته و به دلیل سطح دسترسی‌اش، هدف جذب سرویس اطلاعاتی اسرائیل قرار گرفته است. برخی منابع غیررسمی گفته‌اند او عضو سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی بوده است.

قوه قضائیه مدعی است که وادی اطلاعات طبقه‌بندی‌شده، از جمله درباره یکی از دانشمندان هسته‌ای کشته‌شده را در اختیار اسرائیل قرار داده است.

همچنین ادعا شده، «وادی وظیفه داشت به صورت هفتگی تحولات سازمانی و اطلاعات در دسترس خود را برای سرویس ارسال کند و پس از پاسخ به سوالات فنی سرویس پاداش متناسب دریافت کند.»

در بخشی از حکم صادره آمده است که «نامبرده بطور گسترده مرتکب جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور شده که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور شده است.»

یک روز پیش از اجرای این حکم اعدام، غلامحسین محسنی اژه‌ای تهدید کرده بود «ما قطعاً با جواسیس برخورد قاطعانه و قانونی خواهیم داشت؛ لکن باید توجه داشت که گام اول در این قضیه، شناسایی جواسیس است؛ این امر، کار آسانی نیست و نیاز به اتخاذ شگردهای اطلاعاتی دارد؛

بررسی «لایحه مقابله با تحریم‌ها» در مجلس شورای اسلامی



این لایحه افزوده «تخلف از این ممنوعیت‌ها از سوی اشخاص ایرانی نیز جرم تلقی می‌شود و با جریمه سنگین مواجه خواهد شد.»

در ماه‌های ۱۴ و ۱۵ لایحه نیز پیش‌بینی تأسیس صندوقی برای جبران خسارات ناشی از تحریم‌ها مطرح شده است که منابع آن از محل وجوه مصادره شده و جرایم تأمین می‌شود. همچنین، اشخاص متضرر از تحریم می‌توانند با استناد به قانون صلاحیت محاکم ایران، در محاکم داخلی علیه دولت‌های خارجی طرح دعوی کنند.

در ماده‌های ۱۷ و ۱۸ نیز تأسیس یک منطقه آزاد بانکی برای انجام فعالیت‌های بانکی فراساحلی در یکی از مناطق آزاد کشور و امکان انتقال امتیازات و مجوزهای شرکت‌های تحریم‌شده به شرکت جایگزین با همان ماهیت و مالکیت در نظر گرفته شده است.

کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در حال بررسی جزئیات مواد «لایحه مقابله با تحریم‌ها» است. خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نوشته در صورت تصویب، این قانون می‌تواند به یکی از اسناد بالادستی مهم کشور در حوزه سیاست خارجی و اقتصادی بدل شود.

در حالیکه مواد مخالف این لایحه نشان می‌دهد بسیاری از آنچه در این لایحه گنجانده شده امکان یا ضمانت اجرایی ندارند و یا انجام آنها اثری در خنثی کردن آثار تحریم ندارد.

از سوی دیگر آغاز بررسی این لایحه در مجلس شورای اسلامی و هشت ماه پس از تصویب آن از سوی دولت نشان می‌دهد جمهوری اسلامی آمیدی به انجام مذاکرات و برداشته شدن تحریم‌ها ندارد و با چنین اقدامات بی‌خاصیت و بی‌نتیجه‌ای صرفاً به دنبال ادامه جنگ تبلیغاتی است.

خنثی‌سازی آنها، اولویت‌بندی تعاملات اقتصادی، صدور مجوز معاملات خاص، و ارائه دستورالعمل‌های اجرایی» اعلام شده است.

در ماده ۵ لایحه، دولت موظف شده است در امضای موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه، شروط مقابله با تحریم را درج کند.

همچنین ماده ۷ نیز به لزوم گسترش روابط تجاری و انعقاد موافقت‌نامه‌های دوجانبه تجاری، پولی و مالی با کشورهای همکار تأکید دارد تا راه‌های دور زدن تحریم‌ها و خنثی ساختن آثار آنها تسهیل شود.

این لایحه در شرایطی دولت را موظف کرده «در قراردادهای بین‌المللی، سازوکار مقابله با تحریم را لحاظ کرده و خسارات ناشی از تحریم را مستندسازی کنند» که مشخص نیست کشورها و شرکت‌های بین‌المللی طرف قرارداد، حاضر باشند چنین شرایطی را با وجود بی‌ثباتی سیاسی جمهوری اسلامی بپذیرند!

بخش دیگری از «لایحه مقابله با تحریم‌ها» مجازات‌هایی را برای مسئولانی که «به نحوی از انحاء تحریم‌های خارجی را در داخل کشور ترتیب اثر دهند» در نظر گرفته است.

این مجازات‌ها شامل جبران خسارت و همچنین مجازات تعزیری درجه شش طبق قانون مجازات اسلامی می‌شود. همچنین، اشخاص حقوقی ایرانی که برخلاف قانون، با تحریم‌ها همکاری کنند یا بدون مجوز مراجع صلاحیت‌دار اقدامات مؤثری در راستای تحریم انجام دهند، نیز مشمول مجازات خواهند شد.

در ماده ۱۳ به جمهوری اسلامی این اختیار داده شده که «در پاسخ به تحریم‌ها، فهرستی از افراد حقیقی و حقوقی تحریم‌کننده را تهیه کرده و محدودیت‌هایی نظیر ممنوعیت عقد قرارداد، مصادره اموال و منع ورود به کشور را بر آنها اعمال کند.»

● دولت چهاردهم لایحه‌ای را که با عنوان «لایحه مقابله با تحریم‌ها» در آذرماه سال گذشته به تصویب هیئت وزیران رسیده، به مجلس شورای اسلامی ارائه داده که راهکارهای بی‌اثر کردن تحریم‌ها در آن گنجانده شده است.

● هدف این لایحه «مقابله اصولی با تحریم‌های خارجی و حمایت از شهروندان و نهادهای متأثر در برابر تحریم» عنوان شده است. در این لایحه همچنین برای «تبعیت از تحریم‌ها در داخل کشور» جرم‌انگاری شده است.

● بخش دیگری از «لایحه مقابله با تحریم‌ها» مجازات‌هایی را برای مسئولانی که «به نحوی از انحاء تحریم‌های خارجی را در داخل کشور ترتیب اثر دهند» در نظر گرفته است. این مجازات‌ها شامل جبران خسارت و همچنین مجازات تعزیری درجه شش طبق قانون مجازات اسلامی می‌شود.

● همچنین این لایحه تأکید کرده اشخاص حقوقی ایرانی که برخلاف قانون، با تحریم‌ها همکاری کنند یا بدون مجوز مراجع صلاحیت‌دار اقدامات مؤثری در راستای تحریم انجام دهند، نیز مشمول مجازات خواهند شد.

● در ماده ۵ لایحه، دولت موظف شده است در امضای موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه، شروط مقابله با تحریم را درج کند. ماده ۷ نیز به لزوم گسترش روابط تجاری و انعقاد موافقت‌نامه‌های دوجانبه تجاری، پولی و مالی با کشورهای همکار تأکید دارد تا راه‌های دور زدن تحریم‌ها و خنثی ساختن آثار آنها تسهیل شود.

دولت پزشکیان لایحه‌ای ۲۳ ماده‌ای را تحت عنوان «لایحه مقابله با تحریم‌ها» به مجلس شورای اسلامی ارائه کرده است. این لایحه در کمیسیون «امنیت ملی» و سیاست خارجی مجلس در حال بررسی است.

دولت چهاردهم لایحه‌ای را که با عنوان «لایحه مقابله با تحریم‌ها» در آذرماه سال گذشته به تصویب هیئت وزیران رسیده، به مجلس شورای اسلامی ارائه داده که راهکارهای بی‌اثر کردن تحریم‌ها در آن گنجانده شده است.

هدف این لایحه «مقابله اصولی با تحریم‌های خارجی و حمایت از شهروندان و نهادهای متأثر در برابر تحریم» عنوان شده است. در این لایحه همچنین برای «تبعیت از تحریم‌ها در داخل کشور» جرم‌انگاری شده است.

«لایحه مقابله با تحریم‌ها» چند ماه پیش و در تاریخ ۲۸ آذر ۱۴۰۳ به تصویب هیئت وزیران دولت مسعود پزشکیان رسید و اکنون به مجلس شورای اسلامی ارائه شده است.

در مقدمه این لایحه آمده «با توجه به نبود قانون جامع در حوزه مقابله با تحریم‌ها، و با هدف تأمین منافع ملی، افزایش تاب‌آوری کشور، و حمایت حقوقی و اقتصادی از شهروندان و نهادهای متضرر از تحریم‌ها، تدوین و تصویب این قانون ضرورت دارد.»

بر اساس ماده دو این لایحه باید «کارگروه مقابله با تحریم» با «ریاست معاون اول رئیس جمهور و عضویت ۲۰ نهاد کلیدی از جمله وزارتخانه‌های خارجه، اطلاعات، دفاع، اقتصاد، نفت، کشور و صداوسیما، قوه قضاییه، بانک مرکزی و رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس تشکیل شود.» وظایف این کارگروه «رصد تحریم‌ها، تصمیم‌گیری برای

«مارپیچ سکوت» و قشر خاکستری؛ جامعه‌ای که صدای خود را نمی‌شنود



● نظریه مارپیچ سکوت (Spiral of Silence) از زمان ارائه‌اش توسط الیزابت نول-نویمن، در دهه‌های اخیر در کشورهای مختلفی مورد بررسی، آزمایش و تحلیل‌های تجربی قرار گرفته است. بیشتر این مطالعات در جوامعی انجام شده‌اند که دارای فضای رسانه‌ای قوی، مشارکت سیاسی پویا، یا قطب‌بندی اجتماعی قابل توجه بوده‌اند.

● نظریه مارپیچ سکوت، یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم برای فهم پدیده قشر خاکستری در ایران است. این نظریه توضیح می‌دهد چرا بسیاری از مردم، حتی با داشتن عقاید روشن، ترجیح می‌دهند خاموش بمانند، و چگونه این سکوت جمعی باعث ابهام در فهم افکار عمومی و نوسانات شدید در رفتارهای جمعی می‌شود.

● وقتی افراد می‌بینند که نه گفتمان رسمی پذیرای نقد است، نه فضای اپوزیسیون جایی برای اختلاف نظر دارد، در عوض سکوت می‌کنند، نظاره‌گر می‌شوند و هویت مشخصی بروز نمی‌دهند. به مرور، این وضعیت در یک مارپیچ معکوس رشد می‌کند.

ساموئل (پیمان) سلاخی - در جامعه‌ای که سخن گفتن هزینه دارد، سکوت نه الزاماً نشانه بی‌تفاوتی، بلکه استراتژی بقاست. در چنین شرایطی، بخشی از مردم ترجیح می‌دهند نه به صراحت موافق باشند، نه مخالفت خود را آشکار کنند. این پدیده، همان چیزی است که الیزابت نول-نویمن در دهه ۷۰ میلادی آن را «مارپیچ سکوت» نامید؛ و امروز، در جامعه ایران، بیش از همیشه مصداق دارد.

نظریه «مارپیچ سکوت» (Spiral of Silence Theory) یکی از نظریه‌های مهم در حوزه ارتباطات و علوم اجتماعی است که توسط الیزابت نول-نویمن (Elisabeth Noelle-Neumann)، پژوهشگر آلمانی در دهه ۱۹۷۰ ارائه شد. این نظریه به بررسی نحوه شکل‌گیری افکار عمومی و سکوت برخی افراد در جوامع می‌پردازد.

خلاصه‌ای از نظریه مارپیچ سکوت فرض اصلی:

افراد تمایل دارند از انزوای اجتماعی اجتناب کنند. بنابراین اگر احساس کنند نظرشان با نظر اکثریت متفاوت است یا ممکن است مورد پذیرش جامعه قرار نگیرد، ترجیح می‌دهند سکوت کنند و دیدگاهشان را ابراز نکنند. به نوعی مصداق این زبانزد معروف فارسی: خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو!

اجزای کلیدی این نظریه عبارتند از:

۱. ترس از انزوا

مردم بطور طبیعی از طرد شدن و انزوا در جامعه می‌ترسند. اگر احساس کنند نظرشان مخالف دیدگاه غالب است، برای جلوگیری از طرد اجتماعی، آن را بیان نمی‌کنند.

۲. درک محیط

افراد بطور مداوم افکار عمومی و جهت‌گیری غالب در جامعه را از طریق رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و گفتگوها درک می‌کنند.

۳. سکوت اقلیت

وقتی فرد احساس کند در اقلیت است، سکوت اختیار می‌کند؛ در نتیجه، صدای اکثریت بلندتر به گوش می‌رسد.

۴. مارپیچ سکوت

● مخالفان گفتمان رسمی از ترس سرکوب شدن، سکوت کنند.

● حتی موافقان هم گاهی از ترس قضاوت جمعی، خودسانسوری کنند.

نتیجه؟ صدای اقلیت‌ها به گوش نمی‌رسد، و به مرور تصور می‌شود که همه یا اکثراً با گفتمان غالب موافق‌اند.

شکل‌گیری قشر خاکستری: محصول مارپیچ سکوت

قشر خاکستری به چه معناست؟ در ادبیات سیاسی-اجتماعی ایران، قشر خاکستری به آن بخش از جامعه گفته می‌شود که:

● نه فعال سیاسی هستند.

● نه به صراحت با نظام یا اپوزیسیون هم‌صدا می‌شوند.

● معمولاً در بزنگاه‌ها (مثل انتخابات، اعتراضات، تحریم‌ها) تصمیم‌گیری می‌کنند که متمایل به کدام‌سو شوند.

چرا این قشر به‌وجود آمده؟

۱. بی‌اعتمادی به گفتمان‌های غالب (چه رسمی، چه مخالف)

۲. ترس از بیان علنی عقاید (بر اثر تجربه شخصی یا مشاهده برخورد با دیگران)

۳. احساس بی‌تأثیری مشارکت (در اثر تجربه‌های تاریخی، مثل مشارکت در انتخابات بی‌نتیجه)

۴. فضای مبهم رسانه‌ای (که باعث عدم قطعیت در تحلیل وضعیت می‌شود)

چگونه مارپیچ سکوت این قشر را تقویت می‌کند؟

وقتی افراد می‌بینند که نه گفتمان رسمی پذیرای نقد است، نه فضای اپوزیسیون جایی برای اختلاف نظر دارد، در عوض سکوت می‌کنند، نظاره‌گر می‌شوند و هویت مشخصی بروز نمی‌دهند. به مرور، این وضعیت در یک مارپیچ معکوس رشد می‌کند:

● هرچه افراد بیشتری سکوت می‌کنند، فضای

با سکوت افراد بیشتر، به نظر می‌رسد که دیدگاه اکثریت گسترده‌تر و قوی‌تر است؛ این باعث تقویت بیشتر اکثریت و تضعیف بیشتر اقلیت می‌شود - که شبیه یک مارپیچ عمل می‌کند.

یک مثال ساده: فرض کنید در یک جمع ده‌نفره، ۶ نفر نظر مشخصی دارند و با صدای بلند آن را اعلام می‌کنند. چهار نفر دیگر نظر متفاوتی دارند، اما چون فکر می‌کنند در اقلیت‌اند یا نگران قضاوت دیگران هستند، سکوت می‌کنند. در نتیجه، به نظر می‌رسد که همه با آن ۶ نفر موافق‌اند، و مارپیچ سکوت تقویت می‌شود.

کاربردها

● در تحلیل رفتار مخاطبان رسانه‌ها

● بررسی افکار عمومی در سیاست و انتخابات

● تحلیل پدیده‌هایی مثل خودسانسوری در شبکه‌های اجتماعی

● در مطالعات فرهنگی و اجتماعی برای فهم سلطه گفتمان‌های غالب

مارپیچ سکوت در جامعه ایران امروز

۱. ترس از پیامدهای اجتماعی، سیاسی یا قانونی

در ایران، بیان برخی دیدگاه‌ها (سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، مذهبی، جنسی و...) ممکن است با پیامدهای سنگینی مانند حذف اجتماعی، برخورد امنیتی، یا حتی تعقیب قانونی همراه باشد. بنابراین افراد، مخصوصاً در فضاهای عمومی یا رسانه‌ای، ترجیح می‌دهند سکوت کنند تا از خطر دور بمانند.

۲. فضای رسانه‌ای یک‌طرفه یا قطبی‌شده

در ایران، رسانه‌های رسمی معمولاً یک گفتمان خاص را ترویج می‌کنند. در مقابل، در شبکه‌های اجتماعی نیز گاهی با فضای قطبی و داوری‌کننده مواجهیم. این وضعیت باعث می‌شود:

● هرچه افراد بیشتری سکوت می‌کنند، فضای

اما در عمل، خودسانسوری در این فضاها فراگیر است. کاربران می‌دانند که اظهار نظر درباره مسائل سیاسی، جنسیتی یا دینی ممکن است با حمله، قضاوت، یا حتی برخورد قضایی همراه شود. بنابراین ترجیح می‌دهند لایک کنند، اما ننویسند. بخوانند، اما نظر ندهند. گفتمان‌های غالب در ایکس یا اینستاگرام، گاه با فریاد اقلیت‌هایی شکل می‌گیرند که صدایشان بلند است، اما الزاماً نماینده افکار عمومی نیستند. قشر خاکستری مجازی، در این میان نظاره‌گر است؛ خاموش، بی‌صدا، اما پرشمار.

صدایی که شنیده نمی‌شود

جامعه‌ای که صداهای متنوعش را نمی‌شنود، در تصمیم‌گیری دچار اختلال می‌شود. مارپیچ سکوت، وقتی با سرکوب، فضای قطبی و رسانه‌های جهت‌دار ترکیب شود، می‌تواند به وضعیتی منجر شود که جامعه، خودش را گم کند. قشر خاکستری، هرچند ممکن است بی‌صدا باشد، اما بار سنگینی از ناگفته‌ها را بر دوش می‌کشد. پرسش نهایی این است: در چنین شرایطی، چگونه می‌توان این مارپیچ را شکست؟ شاید پاسخ در اعتمادسازی، کاهش هزینه‌های بیان، و تمرین شنیدن صداهای مخالف باشد. چرا که صدای خاموش، الزماً بی‌صدا نیست؛ فقط فرصت شنیده شدن ندارد.

نظریه مارپیچ سکوت (Spiral of Silence) از زمان ارائه‌اش توسط الیزابت نوتل-نویمن، در دهه‌های اخیر در کشورهای مختلفی مورد بررسی، آزمایش و تحلیل‌های تجربی قرار گرفته است. بیشتر این مطالعات در جوامعی انجام شده‌اند که دارای فضای رسانه‌ای قوی، مشارکت سیاسی پویا، یا قطب‌بندی اجتماعی قابل توجه بوده‌اند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین کشورهای که این نظریه در آنها آزمایش یا مطالعه شده اشاره می‌کنم:

۱. ایالات متحده آمریکا

- یکی از پرکاربردترین کشورها برای بررسی مارپیچ سکوت.
- مطالعات زیادی درباره تأثیر رسانه‌های خبری، تویتر، و تلویزیون بر شکل‌گیری افکار عمومی انجام شده است.
- موضوعات مورد بررسی: جنگ عراق، حقوق همجنس‌گرایان، انتخابات ریاست‌جمهوری، نژادپرستی.
- نتیجه‌ها: نشان داده شد که افراد در فضای عمومی اگر احساس کنند نظرشان در اقلیت است (مثلاً در مورد جنگ یا نژاد)، کمتر تمایل به بیان آن دارند.

۲. آلمان (کشور مبتکر این نظریه)

- خود نوتل-نویمن این نظریه را با مطالعات میدانی در آلمان غربی پس از جنگ جهانی دوم توسعه داد.
- تمرکز اصلی بر رسانه‌ها و بازسازی افکار عمومی پس از فاشیسم بود.
- همچنان یکی از کشورهایی است که به شکل آکادمیک روی این نظریه کار می‌کند.

۳. چین

- با وجود کنترل رسانه‌ها و محدودیت آزادی بیان، پژوهش‌هایی انجام شده تا نشان دهد چگونه شهروندان در فضای مجازی یا واقعی، خودسانسوری می‌کنند.
- مارپیچ سکوت در مواجهه با موضوعاتی مثل تیان‌آن‌من، فساد دولتی یا حقوق بشر به خوبی قابل مشاهده است.
- نکته جالب: حتی در فضاهایی مانند وی‌چت یا ویبو، کاربران سکوت می‌کنند وقتی حس کنند مخالف گفتمان حاکم هستند.

۴. کره جنوبی

- مطالعاتی درباره افکار عمومی نسبت به کره شمالی، موضوعات اخلاقی یا اختلافات سیاسی داخلی انجام

۱. ترس از رپورت شدن، قضاوت، حمله مجازی، فاش شدن هویت، یا برخورد قضایی باعث خودسانسوری کاربران می‌شود.

- گاهی گفتمان غالبی در فضای مجازی شکل می‌گیرد که مخالفان آن، حتی اگر منطقی حرف بزنند، با حملات لفظی حذف می‌شوند (مثلاً درباره حجاب، مهاجرت، یا انتخابات).
- افراد کم‌کم یا به سکوت می‌روند یا فقط نظاره‌گر می‌مانند = قشر خاکستری مجازی.

فضای مجازی اگرچه ظاهراً آزادتر است، اما همچنان تابع مارپیچ سکوت است. خیلی‌ها فقط لایک می‌کنند، اما نمی‌نویسند. و این باعث می‌شود گفتمان‌های اقلیت، به شکل غیرواقعی، غالب جلوه کنند یا برعکس.

در هر سه عرصه انتخابات، اعتراضات و فضای مجازی، نظریه مارپیچ سکوت به شدت فعال است و موجب شکل‌گیری، گسترش و تثبیت قشر خاکستری شده است. این قشر نه از سر بی‌علاقگی، بلکه از سر ترس، ناامیدی، یا محاسبه‌گری اجتماعی، سکوت می‌کند. و تا زمانی که هزینه بیان دیدگاه کمتر از سکوت نباشد، این وضعیت ادامه خواهد داشت.

قشر خاکستری: صدای خاموش اکثریت؟

در ادبیات سیاسی ایران، «قشر خاکستری» به طیفی از جامعه اطلاق می‌شود که در بزنگاه‌ها تعیین‌کننده‌اند، اما در بیشتر مواقع ساکت و منفعل باقی می‌مانند. این گروه نه الزماً بی‌سواد یا بی‌علاقه‌اند، بلکه به دلایل مختلف از جمله ترس، بی‌اعتمادی، ناامیدی، یا محافظه‌کاری اجتماعی، از ابراز نظر علنی خودداری می‌کنند.

نظریه مارپیچ سکوت، توضیح می‌دهد که چگونه این سکوت شخصی، به سکوت جمعی می‌انجامد. هرچه افراد بیشتری خاموش بمانند، دیدگاه‌های غالب (چه واقعی، چه ساختگی) پررنگ‌تر می‌شوند، و فضا برای اقلیت‌های فکری تنگ‌تر.

اما این مارپیچ در کجاهای جامعه ایران خودش را بیشتر نشان داده است؟

۱. انتخابات؛ تردید، سکوت، یا تحریم؟

در سال‌های اخیر، انتخابات جمهوری اسلامی در ایران از شور و مشارکت مردمی فاصله گرفته است. افراد زیادی ترجیح می‌دهند یا شرکت نکنند یا تصمیم‌گیری را به لحظه آخر موکول کنند. آنهایی که رأی نمی‌دهند، به ندرت آن را اعلام می‌کنند؛ و آنهایی که شرکت می‌کنند، غالباً از بیان دلیل خود ابا دارند.

در این فضا، سکوت رأی‌دهندگان یا رأی‌ندهندگان، باعث می‌شود هیچکدام از گفتمان‌ها به روشنی غالب نشود. این یعنی تحلیلگران و حتی حاکمیت، در فهم «افکار عمومی واقعی» با خطا مواجه می‌شوند.

۲. اعتراضات؛ همراهان خاموش

اعتراضات گسترده در سال‌های ۹۸ و ۱۴۰۱، نشان داد که نارضایتی در جامعه عمیق است. اما بخش زیادی از جامعه، با وجود همدلی با خواست معترضان، از مشارکت یا حتی اظهار نظر علنی خودداری کرده‌اند.

دلایل این سکوت متنوع‌اند: از ترس امنیتی گرفته تا تجربه تلخ گذشته، یا حتی تردید در مسیر حرکت. نتیجه این سکوت؟ تصویری ناقص از وضعیت جامعه. رسانه‌های رسمی آن را به «تحرك اقلیتی معدود» تقلیل دادند، در حالی‌که بسیاری از معترضان معتقد بودند «اکثریت ساکت» پشت آنها ایستاده است.

۳. فضای مجازی؛ آزادی نیم‌بند، سانسور درونی

در ظاهر، شبکه‌های اجتماعی بستر بیان آزادانه افکارند.

➡ عمومی مبهم‌تر و غیرقابل پیش‌بینی‌تر می‌شود.

- قشر خاکستری گسترده‌تر می‌شود ولی همچنان خاموش می‌ماند.

- در نتیجه، تحلیلگران و سیاست‌گذاران دچار اشتباه در برآورد افکار عمومی می‌شوند.

نتیجه‌گیری

نظریه مارپیچ سکوت، یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم برای فهم پدیده قشر خاکستری در ایران است. این نظریه توضیح می‌دهد چرا بسیاری از مردم، حتی با داشتن عقاید روشن، ترجیح می‌دهند خاموش بمانند، و چگونه این سکوت جمعی باعث ابهام در فهم افکار عمومی و نوسانات شدید در رفتارهای جمعی می‌شود.

۱. انتخابات در ایران تحت حکومت جمهوری اسلامی وضعیت

در سال‌های اخیر، مشارکت در انتخابات جمهوری اسلامی کاهش چشمگیری داشته. بسیاری از مردم از شرکت در انتخابات خودداری کرده‌اند، به ویژه پس از اعتراضات و ناامیدی‌های بعد از رویدادهای انتخاباتی پیشین (مثل ۸۸، ۹۲، ۹۶، و حتی ۱۴۰۰).

نقش مارپیچ سکوت

- افراد مخالف مشارکت، از ترس قضاوت دیگران (یا حتی نهادهای) سکوت می‌کنند.
- افراد موافق نیز ممکن است از ترس برچسب خوردن یا تمسخر، سکوت کنند.
- هیچکدام صدای غالب نمی‌شود، و فضای تصمیم‌گیری مبهم و خاکستری باقی می‌ماند.

نتیجه

بسیاری از مردم تا لحظه آخر تصمیم نمی‌گیرند یا مشارکت منفعل دارند (صرفاً برای «نه بدتر»)، که نشان‌دهنده عملکرد کامل مارپیچ سکوت و بی‌صدایی قشر خاکستری است.

۲. اعتراضات اجتماعی و سیاسی وضعیت

در اعتراضاتی مثل آبان ۹۸ و خیزش زن، زندگی، آزادی ۱۴۰۱، بخش‌هایی از جامعه به شدت فعال شدند. اما در عین حال، اکثریت خاموش، که بخشی از آنها همدل بودند، همچنان در حاشیه باقی ماندند.

نقش مارپیچ سکوت

- بسیاری از افراد با وجود همدلی، از ترس سرکوب، از شرکت در اعتراضات یا حتی ابراز نظر علنی خودداری کردند.
- کسانی هم که مخالف اعتراضات بودند، در اقلیت احساس ناامنی کردند و سکوت کردند.
- رسانه‌های رسمی تصویری از «اقلیت معترض» ارائه دادند و رسانه‌های معاند نیز «اکثریت ناراضی» را تصویر کردند؛ هر دو دچار برداشت ناقص شدند چون قشر خاموش نمایان نبود.

نتیجه

عدم بیان دیدگاه واقعی بخش بزرگی از مردم باعث شد تحلیلگران، مسئولان، و حتی فعالان نتوانند برآورد دقیقی از «افکار عمومی» داشته باشند. این هم‌پوشانی کامل با نظریه مارپیچ سکوت دارد.

۳. فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی وضعیت

شبکه‌های اجتماعی مثل اینستاگرام، ایکس (توییتر)، و تلگرام در ایران به محلی برای ابراز عقاید تبدیل شده‌اند. اما همچنان بسیاری از کاربران محتاط هستند، به خصوص وقتی بحث سیاسی، جنسیتی یا مذهبی پیش می‌آید.

نقش مارپیچ سکوت

→ شده است.

• نشان داده شده که مارپیچ سکوت در فضاهایی با سلطه رسانه‌های خاص یا قطبی‌شدگی شدید تقویت می‌شود.

۵. روسیه

• به‌ویژه در مسائل سیاسی یا جنگ اوکراین، مطالعات نشان داده‌اند که افراد به دلیل ترس از سرکوب یا ناهماهنگی با رسانه‌های دولتی، سکوت می‌کنند.

• حتی کاربران فعال شبکه‌های اجتماعی در محیط‌های بسته، از اظهارنظر صریح خودداری می‌کنند.

۶. هند

• درباره موضوعات مذهبی، کاست، یا تعصبات قومی-ملی (مثل روابط با پاکستان) مارپیچ سکوت مورد بررسی قرار گرفته.

• برخی اقلیت‌ها به دلیل فضای رسانه‌ای غالب یا ترس از خشونت‌های محلی، نظرات خود را پنهان می‌کنند.

ابزارهای آزمایشی معمول در این شش کشور

• نظرسنجی‌ها با سوالات درباره «احساس اکثریت/اقلیت بودن»

• تحلیل شبکه‌های اجتماعی و رفتار کاربران (چه کسانی صحبت می‌کنند، چه کسانی فقط نظاره‌گردن)

• آزمایش‌های روان‌شناسی اجتماعی برای سنجش واکنش افراد به فشار افکار عمومی

نتیجه کلی از پژوهش‌های بین‌المللی

۱. نظریه مارپیچ سکوت در جوامعی با قطب‌بندی سیاسی یا فرهنگی بالا بسیار فعال است.

۲. ترس از طرد اجتماعی یا پیامدهای سیاسی/قانونی، مهم‌ترین عامل سکوت است.

۳. رسانه‌ها، به‌ویژه وقتی هم‌صدا یا غالب باشند، نقش کلیدی در تقویت مارپیچ سکوت دارند.

۴. حتی در جوامع دموکراتیک، در موضوعاتی با حساسیت بالا (مثل نژاد، مذهب، مهاجرت) مارپیچ سکوت اتفاق می‌افتد.

نقش نظریه مارپیچ سکوت در انقلاب‌ها

برخلاف تصور اولیه که نظریه مارپیچ سکوت برای جوامع نیمه‌دموکراتیک یا مدرن طراحی شده، این مدل رفتاری در جریان انقلاب‌ها نیز به شکل معکوس یا متغیر کاربرد دارد. در اینجا به موارد کلیدی اشاره می‌کنم:

۱. قبل از انقلاب: سکوت اکثریت ناراضی

در بسیاری از انقلاب‌ها، پیش از وقوع انفجار اجتماعی، جامعه دچار نوعی سکوت عمومی می‌شود:

• مردم ناراضی‌اند، اما از ترس سرکوب، سکوت می‌کنند.

• ناراضیانی‌ها به‌صورت زیرزمینی یا خصوصی جریان دارد (در خانواده‌ها، جمع‌های دوستانه).

• رسانه‌های رسمی تصویری آرام و باثبات از وضعیت جامعه ارائه می‌دهند.

این دقیقاً همان مارپیچ سکوت کلاسیک است؛ افراد به دلیل احساس اقلیت بودن، سکوت می‌کنند و صدای گفتمان غالب بلندتر می‌شود.

۲. لحظه انفجار انقلابی: شکست مارپیچ سکوت

در نقطه‌ای خاص، معمولاً بر اثر حادثه‌ای محرک (مثل قتل، فساد بزرگ، یا فروپاشی اعتماد)، افراد شروع به شکست سکوت می‌کنند. با افزایش شمار افراد معترض:

• ترس از انزوا کاهش می‌یابد.

• افراد احساس می‌کنند دیگر در اقلیت نیستند.

• مارپیچ سکوت می‌شکند و بجای آن مارپیچ «فریاد» شکل می‌گیرد.

این تغییر معمولاً غیرقابل بازگشت است و ممکن است به حرکت انقلابی تمام‌عیار تبدیل شود.

مثال‌های تاریخی

انقلاب تونس ۲۰۱۱

• خودسوزی محمد بوعیزی محرکی شد برای شکست سکوت عمومی درباره فساد و بیکاری.

• پس از آن، شبکه‌های اجتماعی به ابزار تقویت گفتمان‌های معترضان تبدیل شدند.

• مارپیچ سکوت شکست و گفتمان جدید مسلط شد.

انقلاب مصر

• پیش از انقلاب ۲۰۱۱، اعتراض به رژیم مبارک اغلب محدود به نخبگان سیاسی و اینترنتی بود.

• با پیوستن افشار مختلف به اعتراضات، مارپیچ سکوت عمومی شکست و موج انقلابی شکل گرفت.

جمع‌بندی

نظریه مارپیچ سکوت نه تنها در جوامع با ساختار آرام، بلکه در آستانه یا پهن انقلاب‌ها نیز به‌کار می‌آید. معمولاً قبل از هر تحول انقلابی، سکوتی فریبنده در جامعه وجود دارد که ناشی از ترس اجتماعی است. لحظه‌ای که این ترس بریزد، سکوت جمعی به فریاد همگانی تبدیل می‌شود — و اینجاست که انقلاب آغاز می‌شود.

منابع علمی و دانشگاهی درباره نظریه مارپیچ سکوت

در بخش منابع آنچه برای مطالعه دقیق‌تر و آکادمیک درباره نظریه مارپیچ سکوت مفید هستند معرفی شده است.

منابع نظری و پایه‌ای:

Noelle-Neumann, Elisabeth.

The Spiral of Silence: Public Opinion – Our Social Skin

سال انتشار: ۱۹۸۴ (چاپ اول)

این کتاب منبع اصلی نظریه است که توسط خود نویسنده نگاشته شده است.

Glynn, Carroll J., Susan Herbst, Garrett J.

O'Keefe, and Robert Y. Shapiro.

Public Opinion

شامل فصلی درباره مارپیچ سکوت و تأثیرات آن در افکار عمومی.

Matthes, Jörg, and Morrison, Kristen R.

The Spiral of Silence: A Meta-Analysis and Review

نشریه: Communication Yearbook 34, سال ۲۰۱۰
بررسی سیستماتیک ده‌ها مطالعه تجربی درباره این نظریه در سراسر جهان.

مقالات علمی مهم:

Scheufele, D. A., & Moy, P. (2000).

Twenty-five years of the spiral of silence: A conceptual review and empirical outlook

نشریه: International Journal of Public Opinion Research

مروری بر توسعه نظریه طی ۲۵ سال اول.

Gearhart, Sherice, and Dennis, James. (2013)

Social media, spiral of silence, and political expression

بررسی رفتار کاربران شبکه‌های اجتماعی در ایالات متحده با توجه به نظریه.

Yin, Jiafei. (2008)

Opposing the One-Child Policy in China: The Role of Internet-Based Public Opinion

بررسی چگونگی سکوت منتقدان سیاست‌های جمعیتی در چین با رویکرد مارپیچ سکوت.

پیام اتحاد و همبستگی عباس واحدیان شاهرودی از پشت دیوارهای زندان وکیل آباد مشهد

● نگارنده و بسیاری از مبارزان همفکر، در داخل و خارج کشور، سال‌هاست که در پی جا انداختن این ضرورت هستیم و باور داریم که هیچ حزب یا جریان سیاسی، به تنهایی قادر به سرنگونی رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی نیست.

● «بیانیه‌ی ۱۴» ثابت کرد که هرگاه نجات ایران را محور مبارزه‌ی خود علیه حکومت قرار دهیم و از اختلافات سیاسی که مهلک‌ترین ابزار تفرقه‌اندازی میان ماست فاصله بگیریم، می‌توانیم با همین دستان خالی، قلم‌ها و اراده‌ها، رژیم را با همه ابزارهای سرکوبش مقهور قدرت همبستگی کنیم.

● یکدیگر را با هر اندیشه‌ای بپذیرید و اجازه دهید با شکل‌گیری این «آلترناتیو ملی»، جدل‌های سیاسی‌مان را در آینده، پای صندوق‌های رأی آزاد ملت پیگیری کنیم. در آینده و در ایران آزاد، فرصت برای جدال‌های لفظی بسیار است.

● بیاییم حرمت خون‌های پاک جانباختگان راه آزادی را پاس بداریم و از هرآنچه سبب افتراق و تنش میان ما می‌شود بپرهیزیم.

چند هفته قبل، وقتی بیانیه‌ی جناب میرحسین موسوی با بوق و کرنای اصلاح‌طلبان و رسانه‌های پرتعدادشان در داخل و خارج منتشر گردید، با تأثر چاره‌ای جز دنبال کردن اخبارشان نمی‌دیدم.

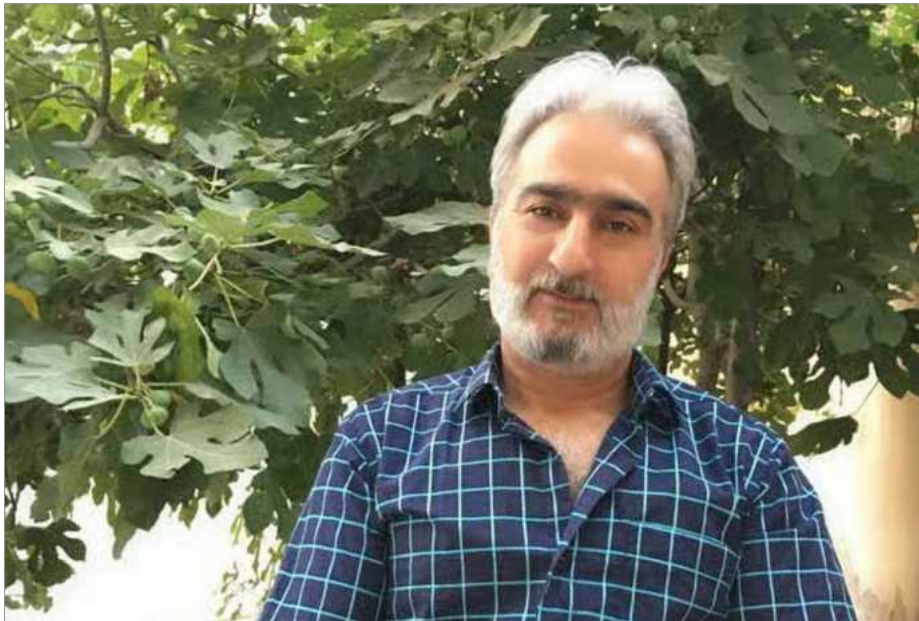
مطالبی که ایشان با لکنت بسیار و لفافه‌پیچی، قصد تبیین‌اش را داشتند، سال ۱۳۹۸ توسط اعضای «بیانیه‌های ۱۴ تن نخست» و «۱۴ شیرزن» با صراحت کامل بیان شد و هنوز هم در حال تاوان دادن آن گفته‌ها هستند.

اما ترس اینجانب، از بازی پشت پرده‌ی اصلاح‌طلبان بود؛ کسانی که می‌خواهند با کمک اتاق فکر رژیم، ضمن محک زدن ملت در مورد میزان مقبولیت جناب موسوی، خود را مہیای فریب بزرگ دیگری نمایند.

البته هنوز بازی‌شان تمام نشده؛ چه بسا در روزهای آینده شاهد اعلام فرم‌هایی مثلاً بنیادی باشیم، از جمله تغییر برخی از اصول قانون اساسی و آزادی برخی از زندانیان سیاسی که توان جریان‌سازی و تأثیرگذاری بر آحاد مردم را ندارند، تا دوباره این توهم را القاء کنند که رژیم خونخوار ولایت‌فقیه در پی پایان دادن به استبداد خود است! ←

هم‌میهنان شریف و نجات ایران است.
شما را به مام میهن قسم می‌دهم،
یکدیگر را با هر اندیشه‌ای بپذیرید و اجازه دهید با
شکل‌گیری این «آلترناتیو ملی»، جدل‌های سیاسی‌مان را در
آینده، پای صندوق‌های رأی آزاد ملت پیگیری کنیم.
نسل شجاع و بی‌باک امروز، خسته از شعارهای توخالی

شما و رهبران احزابتان، متمرکز کردن فعالیت‌های مبارزاتی
بر دشمن اصلی یعنی رژیم آخوندی، و تلاش جهت ایجاد
«همکاری ملی برای نجات ایران» است.
زمانی دنیا به ما کمک خواهد کرد که بدانند ما دارای یک
آلترناتیو ملی هستیم.
منظورم از کمک، نه مداخله‌ی نظامی است و نه حتی



عباس واحدیان

و رهبران بی‌عمل است. اگر صدایشان شنیده شود و قدرت
نهفته در وجودشان درک گردد، خواهید دید که چگونه در
اندک زمانی، طومار رژیم سفاک آخوندی را در هم خواهند
پیچید.
آنچه دوباره این نسل را به حرکت و امید می‌آورد، دیدن
وفاق و صداقت بزرگترهاست.
وقتی می‌شنوند که هنوز عده‌ای در خارج از کشور بر
سر آرم پرچم یقه‌ی یکدیگر را می‌گیرند، ناامیدی‌شان به حد
اعلا می‌رسد.
همه‌ی ما، از جمله اینجانب، اشتباهاتی داشته‌ایم و گاه
از سر خودخواهی و لجابت، سبب بهم خوردن حرکت‌ها
شده‌ایم. اما به پروردگار ایران سوگند، اوج ناجوانمردی‌ست
اگر پس از این، با وجود تجربیات تلخ گذشته، کسی بجای
همبستگی و همکاری ملی، به تخریب سایرین بپردازد.
در آینده و در ایران آزاد، فرصت برای جدال‌های لفظی
بسیار است.
بیاییم حرمت خون‌های پاک جانب‌باختگان راه آزادی را پاس
بداریم و از هرآنچه سبب افتراق و تنش میان ما می‌شود
پرهیزیم.

اگر پرچم مورد علاقه‌مان مسئله‌ساز است، می‌توان بجای
پرچم‌های گوناگون، از نمادهایی ساده و قابل‌دسترس مانند
دستمال سفید که لای انگشتان آویزان می‌شود بهره گرفت.
حتی قوای سرکوب رژیم نیز می‌تواند کسی را به جرم حمل
آن بازداشت کند.
اما با همین حرکت ساده، به مرور، خیل عظیم آزادخواهان
یکدیگر را خواهند دید و از هم نیرو خواهند گرفت.

فرزند کوچک ایران

عباس واحدیان شاهرودی

بند ۶/۱ زندان وکیل‌آباد مشهد

امرداد ۱۴۰۴

سیاسی. همینقدر که باور کنند ما توان خلق بدیلی واقعی
برای رژیم داریم، کافی است.
سال‌هاست که به دنیا القاء کرده‌اند که اپوزیسیون ایرانی
توان ارائه‌ی آلترناتیو ندارد. اما باید در میدان عمل ثابت
کنیم که اگر باند فریبکاران خمینی، که اکثرشان حتی جدول
ضرب نمی‌دانستند، در سال ۵۷ توانستند ایران را به کنترل
خود درآورند، امروز این کشور با اتکا به ده‌ها هزار فرهیخته
در تمامی عرصه‌های علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی،
در داخل و خارج کشور، توان لازم برای گذار و دوران پس
از گذار را داراست، آنهم بی‌آنکه کشور به هرج و مرج
کشیده شود.
گام نخست برای تشکیل این آلترناتیو، «همکاری ملی برای
نجات ایران» است.
بیایید همه با هم، با ادای سوگند به والاترین و عزیزترین
باوری که داریم، به نام آفریدگار و مام میهن، دوشادوش
یکدیگر تا نابودی این رژیم ویرانگر بکوشیم.
برای این مهم، اپوزیسیون نیازمند تغییر رویکرد و رفتار
جمعی همدلانه است.
مگر نه اینکه همه‌ی ما به دموکراسی و غماد اصلی آن، رأی
ملت، باور داریم؟

پس چرا نباید دست از این جدل‌های کودکانه برداریم؟
باور کنید در فضای همبستگی، هیچ روزنه‌ای برای نفوذ
مزدوران وجود نخواهد داشت. و پیروزی بر این اهریمن
سریع‌تر از تصورمان به دست خواهد آمد.

برای شناخت مزدوران، کافیه‌ست از این پس کمی با دقت به
حرف‌ها، خبرها، گفتگوها و مقالات شخصی و رسانه‌ای توجه
کنید. مزدوران تنها به نشر سخنان تفرقه‌افکنانه می‌پردازند،
و ایران‌دوستان آزادخواه، در پی گسترش «همکاری ملی»
و ترویج مطالبی چون این سیاه‌قلم نگارنده‌اند که تمناش
از درون زندان مخوف وکیل‌آباد مشهد، «ایرانخواهی» شما

با این حال، وقتی خبر خوش همایش مونیخ با
شعار «همکاری ملی برای نجات ایران» رسید، خدا را شکر
گفتم که حداقل یک گام دیگر به سوی هدف غایی برداشته
می‌شود.

نگارنده و بسیاری از مبارزان همفکر، در داخل و خارج
کشور، سال‌هاست که در پی جا انداختن این ضرورت هستیم
و باور داریم که هیچ حزب یا جریان سیاسی، به تنهایی قادر
به سرنگونی رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی نیست.
«بیانیه‌ی ۱۴» ثابت کرد که هرگاه نجات ایران را محور
مبارزه‌ی خود علیه حکومت قرار دهیم و از اختلافات
سیاسی که مهلک‌ترین ابزار تفرقه‌اندازی میان ماست فاصله
بگیریم، می‌توانیم با همین دستان خالی، قلم‌ها و اراده‌ها،
رژیم را با همه ابزارهای سرکوبش مقهور قدرت همبستگی
کنیم.

پس از آن، وقتی همه ایران‌دوستان، اصحاب رسانه و
احزاب مختلف از جمهوریخواهان، پادشاهی‌خواهان،
چپ‌ها، اقوام، و مشروطه‌خواهان تصمیم به طرح گسترده‌ی
«نه به جمهوری اسلامی» گرفتند، شعاری که تنی چند از
امضاکنندگان بیانیه ۱۴ پیش از بازداشت مطرح کرده بودند،
موجی کوبنده از شرق تا غرب دنیا را دنوردید.

سپس، با کمین «ایجاد شرمساری» که انتصابات ریاست
جمهوری ۱۴۰۰ را مفتضح ساخت، نهایتاً به بزرگترین خیزش
ملی پس از انقلاب، یعنی زن، زندگی، آزادی، که غره‌ی خون
پاک و پربرکت دخت میهن، مهسا امینی بود، رسیدیم.
چه کسی می‌تواند ادعا کند این جنبش‌ها محصول حرکت
و مبارزات یک حزب یا جریان خاص‌اند؟

زمانی که کار تدوین بیانیه‌ی ۱۴ به پایان رسید، دوستان
هسته‌ی اصلی متفق‌القول بودند که امضاکنندگان باید از
همه‌ی جریان‌ات اپوزیسیون دعوت کنند.

علی‌رغم آنکه صدور چنان بیانیه‌ی صریحی در آن سال
می‌توانست حکم مرگ‌مان را امضا کند، اما در شب انتشار،
همه آن عزیزان برای ایجاد یک همبستگی ملی و درهم
شکستن تابوی القاء‌شده‌ی ناتوانی اپوزیسیون در همگرایی،
پای عهده‌ی که بستند ایستادند.

آیا هنوز کسی هست که باور نکند همبستگی ملی،
پاشنه‌ی آشیل رژیم و نقطه‌ی پایان عمر آن است؟
آیا بجز مزدوران نفوذی، وطن‌فروشان و کاسیان
اپوزیسیون، که از رنج مادران داغدار جانب‌باختگان راه آزادی
و زجر زندانیان سیاسی و خانواده‌هایشان ارتزاق می‌کنند،
کسی یافت می‌شود که خواهان تحقق این مهم در جهت
نجات وطن نباشد؟

اما چگونه می‌توان به همبستگی پایدار تا روز «صفر
آزادی» دست یافت؟

تا زمانی که اولویت همه ما، از مبارزان کف خیابان تا
لیدرها، رهبران، نخبگان اپوزیسیون و رسانه‌ها، «نجات
ایران» نشود، عاقبت هر طرحی به ناکامی و بی‌اثری ختم
خواهد شد.

عمال و تفرقه‌افکنان نفوذی در میان ما، تحت فرمان
اتاق فکر رژیم، هرکدام با نقابی از جمهوریخواهی،
پادشاهی‌خواهی، چپ، ملی‌گرایی، مشروطه‌خواهی و...
شبانه‌روز سرگرم تولید محتوای جدال‌آفرین هستند.

حال تصور کنید از این پس، در فضای حقیقی و مجازی،
هیچ ایرانی میهن‌دوستی، سخنی از آرمان‌های حزبی خود
نزد و اعتنایی به محتوای جناحی نکند؛ همه فقط از «نجات
وطن» و «ایرانخواهی» تا طلوع صبح آزادی سخن بگویند،
بشنوند و در پی طرح‌هایی برای «همکاری ملی» باشند!
معنای این پیشنهاد، ایجاد حزب یا تشکیلات جدید و کنار
گذاشتن آرمان‌های سیاسی‌تان نیست، بلکه درخواستم از

پسر بانوی بریتانیایی زندانی در ایران، توانست پس از ۲۱۳ روز با مادرش گفتگو کند

● جو پنت، پسر لیندسی فورمن پس از گفتگوی تلفنی با مادرش می‌گوید او با آنکه خود و همسرش به جاسوسی متهم شده‌اند، از روحیه‌ای خوب برخوردار بود و امیدوار به نظر می‌رسید.

پسر بانوی بریتانیایی که در ایران به اتهام جاسوسی بازداشت شده، گفته است که تماس تلفنی با مادرش پس از ۲۱۳ روز، چنان احساسی داشت که گویی «پنج جشن تولد و ده عید کریسمس همزمان» فرا رسیده‌اند.

لیندسی و کریگ فورمن، هر دو ۵۲ ساله، در تاریخ سوم ژانویه ۲۰۲۵، هنگام عبور از ایران در جریان سفرشان با موتورسیکلت دور دنیا، در شهر کرمان در جنوب کشور بازداشت شدند. آنها در مسیر سفر خود از ارمنستان به پاکستان بودند.

خانواده این زوج از زمان بازداشت آنان در هفت ماه پیش، هیچ‌گونه تماس مستقیمی با آنها نداشتند، تا آنکه روز سه‌شنبه برای نخستین بار موفق به گفتگو با آنان شدند. در این تماس همچنین آگاه شدند که لیندسی و کریگ به دو زندان جداگانه در تهران و حومه آن منتقل گشته‌اند.

جو پنت پسر لیندسی گفت: «شنیدن صدای مادرت، سنگ صبور، راهنماییت و کسی که دلت برایش بیشتر از آنچه بتوانی بیان کنی تنگ شده، پس از مدتی زیاد، مانند پنج تولد و ده کریسمس همزمان است.»

پنت که ۳۱ سال دارد، ادامه داد: «آن تماس را بارها و بارها در ذهنم مرور خواهم کرد. به من یادآوری کرد که چه چیزهایی در زندگی واقعاً اهمیت دارند: عشق، پیوند، و اینکه بدانم هنوز با ما هستند.»

او افزود: «بیان احساسی که در آن تماس هشت دقیقه‌ای صبح سه‌شنبه داشتم، کار آسانی نیست. همزمان با هم اشک ریختم و خندیدیم و برای لحظه‌ای، چنان بود که گویی سنگینی هفت ماه گذشته از دوشمان برداشته شده است.» با آنکه خانواده می‌گویند تماس‌های تلفنی برایشان شادی و تسکینی به همراه داشته، همچنان از دولت بریتانیا می‌خواهند که برای آزادی این زوج تلاش جدی به عمل آورد. این زوج تماس‌هایی از سوی کارکنان سفارت بریتانیا دریافت کرده‌اند، اما خانواده‌شان تأکید دارد که باید اجازه ملاقات‌های کنسولی و پزشکی نیز به آنها داده شود.

خانواده روز دوشنبه دریافتند که لیندسی به زندان زنان قرچک، واقع در جنوب تهران، منتقل شده، زندانی که شرایط اسفبار آن بارها از سوی نهادهای حقوق بشری مورد انتقاد قرار گرفته است.

پنت گفت که مادرش با روحیه‌ای خوب صحبت می‌کرد و شرایط زندان را «قابل تحمل و گرم» توصیف کرده است. او با دیگر زنان زندانی دوستی برقرار کرده و از خانواده‌اش خواسته تا در صورت امکان، برایش کتاب‌هایی فراتر از کتاب‌های کودکان که در زندان موجود است بفرستند.

پنت اضافه کرد که هنگام یادآوری انتقال مادرش به زندان با هوایم، هر دو خندیدند و او شوخی کرده که «انگار صحنه‌ای از یک فیلم بوده است.»

وی گفت: «می‌دانم که احتمالاً تماس تحت شهود بوده، اما از لحن صدایش فهمیدم که از نظر روانی در وضعیت پایداری است. هم او و هم کریگ، از نظر ذهنی قوی به



لیندسی و کریگ فورمن

نظر می‌رسیدند.»

پدر خوانده جو، کریگ که زندان مرکزی تهران، موسوم به فشافویه، منتقل شده است؛ زندانی واقع در حدود ۳۰ کیلومتری جنوب پایتخت که مانند قرچک، شهری ناخوشایند دارد.

تأیید محل نگهداری این زوج و اولین تماس تلفنی از زمان بازداشت‌شان، حدود یک ماه پس از آن صورت گرفت که خانواده برای نخستین بار به صورت عمومی از دولت بریتانیا خواستند که موضوع این بازداشت را در بالاترین سطح مذاکرات با رژیم ایران مطرح کند.

این زوج پس از ورود به ایران از مرز ارمنستان، به اتهام جاسوسی تحت پیگرد قرار گرفتند. آنان گفته‌اند که قصد داشته‌اند تنها چهار روز در ایران بمانند و سپس به پاکستان بروند. خانواده‌شان اتهاماتی را توسط مقامات امنیتی ایران به آنها وارد شده، «بی‌اساس» خوانده‌اند.

جو پنت تأکید کرده: «آنان جاسوس نیستند. دولت بریتانیا می‌داند که آنان جاسوس نیستند و باید این حقیقت را آشکارا، بدون ابهام و بی‌درنگ اعلام کند.»

گاردین از وزارت امور خارجه بریتانیا درخواست اظهار نظر در این زمینه کرده است. زوج بریتانیایی که به اتهام جاسوسی از هفت ماه پیش در ایران زندانی شده‌اند، به زندان‌های جداگانه‌ای در تهران و اطراف آن منتقل شده‌اند؛ موضوعی که به گفته پسرشان، نگرانی‌ها درباره وضعیت جسمی و روحی آنها را افزایش داده است.

لیندسی و کریگ فورمن پیشتر بین جنوب شرق انگلستان و اسپانیا زندگی می‌کردند. آنها اوایل ماه ژانویه در شهر کرمان، در مرکز ایران، در جریان سفر دور دنیای خود با موتورسیکلت بازداشت شدند.

خانواده آنها از زمان بازداشت، اطلاعات اندکی درباره محل نگهداری‌شان در اختیار داشتند، اما روز یکشنبه از طریق وزارت امور خارجه بریتانیا آگاه شدند که لیندسی به زندان زنان قرچک در نزدیکی تهران منتقل شده است.

سازمان‌های حقوق بشری بارها شرایط وخیم و غیرانسانی گزارش شده در این زندان را به شدت مورد انتقاد قرار داده‌اند. جو پنت روز دوشنبه به خبرگزاری فرانسه نیز گفت: «این یکی از بدنام‌ترین زندان‌های جهان است.»

او که از زمان بازداشت والدینش بیش از ۲۰۰ روز پیش تا کنون با آنان تماس نداشته، این قضیه را «بی‌نهایت سخت و طاقت‌فرسا» توصیف کرده است.

جو ادامه داد: «به خاطر جایی که نگهداری می‌شوند، حالا بیشتر از همیشه نگرانم.»

وی از مقامات رژیم ایران خواسته تا دسترسی تازه‌ای برای مسئولان بریتانیایی جهت دیدار با این زوج فراهم کنند و اجازه دهند که پدر و مادرش با خانه تماس بگیرند.

در توصیف هفت ماه گذشته، او گفت: «تمام مدتی که می‌گذرد فقط به این فکر می‌کنی که آیا حالش خوب است یا نه... احساس می‌کنی دائماً حالت تهوع داری.»

جو پنت ادامه داد: «من به تاب و توان و استقامت‌شان ایمان دارم، آنها از نظر روانی قوی هستند.»

اما این مدیر فروش ۳۱ ساله، که پیشتر تقریباً هر روز با مادرش صحبت می‌کرد، اکنون نگران ازدحام جمعیت در زندان‌هایست که به تازگی به آنها منتقل شده‌اند و ممکن است مورد سوء رفتار قرار بگیرند. همچنین از تأثیرات جدایی اجباری والدینش بیم دارد.

او اضافه کرده: «من باور دارم که وقتی این دو با هم باشند، تا بیشترین حد ممکن قوی خواهند ماند؛ اما حالا که از هم جدا شده‌اند... آن طناب نجات قطع شده است.»

این زوج که در حال انجام سفر «استثنایی یکبار در زندگی» بودند، از ارمنستان وارد ایران شده و قصد داشتند تنها چهار روز در این کشور بمانند و سپس به پاکستان بروند. خانواده و بستگان آنها زمانی به وجود مشکل پی بردند که ارتباط با هر دو قطع شد، اما پیام‌های واتساپ و دیگر پلتفرم‌ها نشان می‌داد که پیام‌ها خوانده شده‌اند.

جمهوری اسلامی ایران در ماه فوریه اعلام کرد که خانواده فورمن به اتهام ورود به کشور «در ظاهر توریست» برای جمع‌آوری اطلاعات، بازداشت شده‌اند.

مسئولان رژیم ایران مدعی شدند که این زوج با نهادهای اطلاعاتی خارجی در ارتباط بوده و به همین دلیل، تحت اتهامات جاسوسی در بازداشت بسر می‌برند.

پنت این اتهامات را «مضحک» خوانده و گفته: «آنها نه جاسوس‌اند و نه بازیگر سیاسی. فقط دو نفرند که در حال سفر به دور دنیا هستند.»

او همچنین روز دوشنبه بار دیگر از دولت بریتانیا انتقاد کرد و گفت که برخورد وزرا و مقامات به گونه‌ای است که گویی صرفاً «ادای انجام وظیفه اداری» را درمی‌آورند.

سخنگوی وزارت خارجه بریتانیا در همین ارتباط گفت که دولت «عمیقاً نگران» اتهامات جاسوسی مطرح شده از سوی مقامات ایران است و افزود که در مورد این پرونده همچنان «به طور مستقیم با مقامات ایرانی» در حال پیگیری است.

وی اضافه کرد: «ما در حال ارائه کمک‌های کنسولی به آنها هستیم و همچنان در تماس نزدیک با اعضای خانواده‌شان باقی می‌مانیم.»

*منبع: گزارش‌های گاردین ۴ اوت و ۵ اوت

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

آسوشیتدپرس: فروپاشی شبکه برق ایران در گرمای بالای ۵۰ درجه سانتی‌گراد و تعطیلی گسترده ادارات و بانک‌ها



یک شهروند آبادانی زیر تیغ آفتاب

نیروگاه هسته‌ای کشور در بوشهر، تنها ۱۰۰۰ مگاوات در ساعت تولید می‌کند و هر ساله برای تعمیرات از مدار خارج می‌شود. تعطیلی‌های مشابهی نیز در تیرماه ۱۴۰۳ (ژوئیه ۲۰۲۴) و تابستان ۱۴۰۲ (۲۰۲۳) اتفاق افتاده‌اند.

بهرت شبکه برق شده‌اند. چهارمین تعطیلی اجباری از سال ۲۰۲۳ تحریم‌ها، زیرساخت‌های فرسوده و کمبود تجهیزات، به‌روزرسانی‌های ضروری را با مشکل مواجه کرده‌اند. تنها

تنها چیزی که در جمهوری اسلامی کار می‌کند!



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

● قطع مکرر برق، کمبود آب و ناتوانی جمهوری اسلامی در مدیریت انرژی مورد توجه رسانه‌ها و خبرگزاری‌های بین‌المللی قرار گرفته و آنها در گزارش‌های متعدد به این مشکل پرداخته‌اند. در همین ارتباط آسوشیتدپرس نیز گزارش داد در پی موج گرمای شدید در ایران، دولت روز چهارشنبه ۱۵ امرداد در اغلب استان‌ها ادارات و بانک‌ها را تعطیل اعلام کرد. البته آخرین تحولات از جمله افزایش ساعات رسمی قطع برق از روزانه دو ساعت به چهار ساعت و تصمیم به تعطیلی‌های مکرر و همچنین اعلام تعطیلی کارخانه «ایران خودرو» به مدت پنج روز و موارد دیگر در این گزارش بسیار کوتاه آسوشیتدپرس که سه‌شنبه ۵ اوت منتشر شده نیامده است.

● در این گزارش آمده، موج گرمای بی‌سابقه با دمای تا ۵۰ درجه سانتی‌گراد، مقامات ایران را بار دیگر به اتخاذ تدابیری سختگیرانه وادار کرده است: ادارات و بانک‌ها تعطیل می‌شوند تا فشار روی شبکه برق کشور کاهش پیدا کند.

قطع مکرر برق، کمبود آب و ناتوانی جمهوری اسلامی در مدیریت انرژی مورد توجه رسانه‌ها و خبرگزاری‌های بین‌المللی قرار گرفته و آنها در گزارش‌های متعدد به این مشکل پرداخته‌اند. در همین ارتباط آسوشیتدپرس نیز گزارش داد در پی موج گرمای شدید در ایران، دولت روز چهارشنبه ۱۵ امرداد در اغلب استان‌ها ادارات و بانک‌ها را تعطیل اعلام کرد. البته آخرین تحولات از جمله افزایش ساعات رسمی قطع برق از روزانه دو ساعت به چهار ساعت و تصمیم به تعطیلی‌های مکرر و همچنین اعلام تعطیلی کارخانه «ایران خودرو» به مدت پنج روز و موارد دیگر در این گزارش بسیار کوتاه آسوشیتدپرس که سه‌شنبه ۵ اوت منتشر شده نیامده است.

در این گزارش آمده، موج گرمای بی‌سابقه با دمای تا ۵۰ درجه سانتی‌گراد، مقامات ایران را بار دیگر به اتخاذ تدابیری سختگیرانه وادار کرده است: ادارات و بانک‌ها تعطیل می‌شوند تا فشار روی شبکه برق کشور کاهش پیدا کند. این دومین بار در تابستان امسال است که در ایران دولت برای کنترل مصرف رو به افزایش، به چنین تصمیماتی متوسل می‌شود.

دمای بی‌سابقه، فشار بر مردم

در روزهای گذشته، دمای هوای تهران از ۴۰ درجه سانتی‌گراد به بالا افزایش پیدا کرد. در آبادان، روز یکشنبه دما از ۵۰ درجه سانتی‌گراد بیشتر شد که یکی از بالاترین دماهای ثبت‌شده در جهان طی تابستان امسال است. به گزارش «ABC News»، مسئولان از مردم خواسته‌اند که در گرم‌ترین ساعات روز در خانه بمانند و در مصرف آب و برق صرفه‌جویی کنند.

بحران کم‌آبی در ایران

ایران در حال حاضر حداکثر توان تولید ۶۲ هزار مگاوات برق در ساعت را دارد، در حالی که برای تأمین نیازمندی‌های جامعه به حدود ۸۰ هزار مگاوات نیاز دارد. در بسیاری از شهرها، قطع برق به مدت دو ساعت به صورت یک روز در میان رخ می‌دهد. کارشناسان هشدار می‌دهند که ممکن است به زودی ساعات قطع آب و برق طولانی‌تر نیز بشود. در تهران، شماری از شهروندان در برابر دفتر مرکزی شرکت دولتی تأمین برق «توانیر» تجمع کرده و خواستار مدیریت

خطر فروپاشی صنعت قطعه‌سازی؛ فقط دو ماه دیگر امکان تولید است!



● فعالان صنعت قطعه‌سازی نسبت به تعطیلی گسترده شرکت‌های باسابقه به علت بحران نقدینگی و بی‌ثباتی در تخصیص ارز هشدار دادند و خواستار اقدام فوری و عملی دولت شدند.

● محمدرضا نجفی‌منش رئیس انجمن قطعه‌سازی اعلام کرده که «بسیاری از شرکت‌های باسابقه ۳۰ تا ۴۰ ساله در حال تعطیلی‌اند و شاخص سلامت صنعت خودرو به عدد بحرانی ۲۴ سقوط کرده است.»

● احمد نجفی‌منش همچنین از «زیان انباشته ۲۸۰ هزار میلیارد تومانی خودروسازان و انتقال بخشی از آن به قطعه‌سازان» خبر داد و گفت: «بیش از ۱۵۰ هزار میلیارد تومان چک‌های روز معوق داریم.»

● در دیگر صنایع ایران هم وضعیتی بحرانی در جریان است. جدا از مشکلاتی چون رکود تورمی، افزایش هزینه تولید و مشکلات تأمین منابع ارزی و مواد اولیه و تجهیزات برای صنایع مختلف، امسال بحران کمبود انرژی و آب هم دامن صنایع مختلف را گرفته است.

فعالان صنعت قطعه‌سازی نسبت به خطر فروپاشی این صنعت هشدار داده و اعلام کرده‌اند فقط به مدت دو ماه دیگر امکان تولید وجود دارد.

در همایش «تاب‌آوری صنعت قطعه‌سازی خودرو» که روز سه‌شنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۴ در تهران برگزار شد فعالان صنعت قطعه‌سازی نسبت به تعطیلی گسترده شرکت‌های باسابقه به علت بحران نقدینگی و بی‌ثباتی در تخصیص ارز هشدار دادند و خواستار اقدام فوری و عملی دولت شدند. محمدرضا نجفی‌منش، رئیس انجمن قطعه‌سازی در این همایش اعلام کرد که «بسیاری از شرکت‌های باسابقه ۳۰ تا ۴۰ ساله در حال تعطیلی‌اند و شاخص سلامت صنعت خودرو به عدد بحرانی ۲۴ سقوط کرده است.» او با انتقاد از وعده‌های بی‌نتیجه مسئولان، تأکید کرد که تنها راه نجات صنعت، اعتماد واقعی به بخش خصوصی و واگذاری امور به آن است.

احمد نجفی‌منش همچنین از «زیان انباشته ۲۸۰ هزار میلیارد تومانی خودروسازان و انتقال بخشی از آن به قطعه‌سازان» خبر داد و گفت: «بیش از ۱۵۰ هزار میلیارد تومان چک‌های روز معوق داریم.»

امیرحسین جلالی نایب‌رئیس انجمن قطعه‌سای تهران نیز با اشاره به کاهش ۳۰ درصدی تولید به علت سیاست‌های جدید ارزی، گفت: «هم‌اکنون فقط برای یک تا دو ماه دیگر قطعه داریم و آینده تولید در هاله‌ای از ابهام است» و «تخصیص‌های دقیقه نودی ارز، نبود شفافیت و فشار رسانه‌ای را از جمله موانع تولید دانست.

محمود سیجانی رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان تهران در این همایش گفت «در سال‌های اخیر، هیچ‌گاه شرایط صنعت را به سختی امروز ندیده بودم صنایع با مشکلات قیمت‌گذاری دستوری، مشکلات ارزی و ناترازی انرژی روبرو هستند از این رو ما در صمت استان تهران پیگیری مسائل هستیم ضمن اینکه اختیارات ما نیز محدود است.»

رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت تهران با تأکید بر اینکه فعالان بخش قطعه‌سازی نه پارانہ دریافت می‌کنند و نه بطور انحصاری فعال هستند گفت بر اساس ماده ۴۸ برنامه هفتم توسعه دولت نباید برای کالاهایی که پارانہ نمی‌گیرند و انحصاری نیستند، قیمت‌گذاری دستوری اعمال کند.

همچنین محمد رستمی، نماینده مجلس شورای اسلامی، نیز در این همایش طی سخنانی قطعه‌سازی را «ستون فقرات صنعت خودرو» خواند و خطاب به دولت گفت: «وعده ندهید، عمل کنید.»

محمد رستمی بر آمادگی مجلس برای اصلاح قوانین و حمایت عملی از تولیدکنندگان واقعی تأکید کرد و گفت: «بدون قطعه‌ساز، خودروسازی دوام نمی‌آورد.»

فعالان صنعتی نسبت به تبعات اجتماعی و اقتصادی فروپاشی زنجیره قطعه‌سازی هشدار می‌دهند و خواستار تغییر رویکرد اجرایی دولت و پرهیز از شعارهای بی‌پشتوانه هستند. در دیگر صنایع ایران هم وضعیتی بحرانی در جریان است. جدا از مشکلاتی چون رکود تورمی، افزایش هزینه تولید و مشکلات تأمین منابع ارزی و مواد اولیه و تجهیزات برای صنایع مختلف، امسال بحران کمبود انرژی و آب هم دامن صنایع مختلف را گرفته است.

جیره‌بندی برق صنایع طی سه سال گذشته نیز انجام می‌شد اما امسال این جیره‌بندی از ابتدای سال و بلافاصله پس از تعطیلات نوروزی آغاز شد و در هفته‌های گذشته تشدید شده است.

شرکت اتومبیل‌سازی «ایران خودرو» امروز چهارشنبه ۱۵ مرداد طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد به مدت پنج روز تعطیل خواهد بود. یکی از دلایل این تعطیلی کمبود برق و قطع اجباری برق صنایع اعلام شده است.

در این اطلاعیه آمده «با توجه به تصمیمات اتخاذ شده در خصوص اجرای برنامه‌های نگهداری و تعمیرات ماشین آلات و تجهیزات شرکت در مرداد به منظور حفظ تداوم فرایندهای تولیدی و همچنین به دلیل ناترازی انرژی و لزوم صرفه‌جویی در این حوزه از روز سه‌شنبه ۲۱ مرداد تا پایان روز شنبه ۲۵ مرداد تعطیل اعلام می‌شود.»

علیرضا کلاهی صمدی رئیس کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی نیز اعلام کرده که «تمامی شرکت‌ها علاوه بر خاموشی ۳ روز در هفته، ملزم شده‌اند که سقف مصرف برق خود را به نصف دیمانند و در برخی روزها تا ۹۰ درصد دیمانند کاهش دهند.»

او هشدار داده که «در شرایط کنونی وضعیت صنایع اصلاً خوب نیست و تبدیل به فاجعه شده» و «با کاهش برق صنایع، موج بزرگ بیکاری در کشور آغاز شده است.

قطع سه تا چهار روز برق صنایع سراسر کشور در حال است که کمبود آب نیز سبب قطع آب برخی از کارخانه‌ها شده و برخی صنایع با تانکر به کارخانه‌ها آبرسانی کنند یا بازار خرید فاضلاب شهری از سوی صنایع داغ شود.

وحید یعقوبی عضو انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران در این‌باره گفته «تقریباً تمام واحدهای فولادی تعطیل شده‌اند. برخلاف شهرک‌های صنعتی که ممکن است بتوانند چند روز از برق استفاده کنند، فولادی‌ها از ابتدای اردیبهشت با محدودیت ۹۰ درصدی مواجه شده‌اند و اکنون تنها دو تا سه درصد برق دریافت می‌کنند؛ این میزان حتی پاسخگوی تأمین روشنایی معابر کارخانه‌ها هم نیست.»

رضا شهرستانی عضو هیئت مدیره انجمن تولیدکنندگان فولاد نیز اعلام کرده وضعیت صنایع در سال جاری نسبت به سال ۱۴۰۳ «بسیار بخرنج» است.

عضو هیئت مدیره انجمن تولیدکنندگان فولاد گفته «سال گذشته کسری برق ۱۹ هزار مگاوات بوده و قطعی‌ها برای صنایع از اواسط خرداد تا اواسط شهریور رخ می‌داد و امسال کسری به ۲۵ هزار مگاوات رسیده و قطعی‌ها نیز از اردیبهشت آغاز شده و تا پایان شهریور ادامه خواهد داشت.»

رضا شهرستانی افزوده سال گذشته تولید فولاد از ۴۲ میلیون تن به ۳۰ میلیون تن رسید و پیش‌بینی می‌شود امسال در نهایت بتواند ۲۸ میلیون تن باشد. این یعنی میزان تولید فولاد کشور به میزان تولید در سال ۱۳۹۹ و دوران کرونا برگشته است.

رسول خلیفه سلطانی دبیر انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران هم از آسیب‌های قطع برق به صنعت فولاد خبر داد و گفت این صنعت روزانه پنج هزار و ۵۰۰ مگاوات ساعت برق مصرف می‌کند.

به گفته او، ۷۳ درصد این برق را خود شرکت‌ها تأمین می‌کنند اما وقتی کشور با ناترازی روبرو می‌شود، حتی برق تولیدی فولادسازان هم نادیده گرفته شده و قطع می‌شود.



ویدئو

نسرین روشن در گفتگو با نازنین انصاری: هیچ دیکتاتوری دوام نیآورده که جمهوری اسلامی دومی باشد!

نسرین روشن شهروند دوتابعیتی ایرانی- بریتانیایی روز ۲۵ آبان ۱۴۰۲ هنگام خروج قانونی از ایران و در مسیر سفر به بریتانیا محل اقامت دائمی‌اش در فرودگاه بین‌المللی «خمینی» تهران توسط نیروهای وزارت اطلاعات بازداشت شد. روشن در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۴، پس از تحمل ۵۵۰ روز حبس از زندان اوین آزاد گشت و به بریتانیا بازگشت. در چهارمین و آخرین بخش از گفتگو با نازنین انصاری، نسرین روشن احساسات خود را در مورد جنگ بین جمهوری اسلامی و اسرائیل بیان می‌کند.

بزرگداشت انقلاب مشروطه در لندن



ویدئو

از مباحث و فضایی بود که به دنبال همایش «همکاری ملی برای نجات ایران» (۲۶ ژوئیه / چهارم اردیبهشت) در جامعه سیاسی ایرانیان شکل گرفته و بخشی از سخنرانان به بررسی این همایش پرداختند. کیهان لندن از این برنامه گزارشی تهیه کرده است.

روز شنبه ۲ اوت «خانه مشروطه ایران» در لندن برنامه‌ای در گرامیداشت انقلاب مشروطه و سالگرد صدور فرمان مشروطیت در «کینگز کالج» لندن برگزار کرد. «خانه مشروطه ایران» هر سال در اردیبهشت ماه به همین مناسبت برنامه‌ای برگزار کرده و با سخنرانان مختلف به بررسی دستاوردهای انقلاب مشروطه می‌پردازد. برنامه امسال متأثر

لحظه آزادی پس از ۵۵۰ روز زندان؛ گفتگوی نازنین انصاری با نسرین روشن



ویدئو

نسرین روشن شهروند دوتابعیتی ایرانی- بریتانیایی، روز ۲۵ آبان ۱۴۰۲، هنگام خروج قانونی از ایران و در مسیر سفر به بریتانیا، محل اقامت دائمی‌اش، در فرودگاه بین‌المللی «خمینی» تهران، توسط نیروهای وزارت اطلاعات بازداشت شد. او پس از بازداشت به سلول انفرادی در بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد؛ بخشی از بازداشتگاهی که تحت نظارت مستقیم وزارت اطلاعات اداره می‌شود. روشن پس از تحمل ۵۵۰ روز حبس از زندان اوین در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۴ آزاد شد.

در سومین بخش از گفتگو با نازنین انصاری، نسرین روشن به شرح لحظه آزادی‌اش از زندان در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۴ می‌پردازد و از احساسات، شرایط و آنچه در این مدت بر او گذشته، سخن می‌گوید.

گفتگو با خالق کلاه و کراوات و دستمال گردن‌هایی با نقش‌های ساسانی و قمر شاه فقید



کلاه‌های فرید گلسرخ اصفهانی

شهر دیگری مهاجرت کنم و در آنجا برای آتلیه یک هنرمند کار می‌کردم که بعد از مدتی مجبور به ترک آنجا شدم در شرایطی که آن زمان در جیبم فقط حدود ۳۰ دلار پول داشتم، با خودم گفتم باید کاری انجام دهم که واقعا دوست دارم و چرا کلاه نه؟ خودم همیشه از قدیم کلاه می‌گذاشتم، دلم را به دریا زدم و با آن اندک پولی که برایم مانده بود سه کلاه فدورا از جنس پولیستر خریدم و تکه‌هایی از نقاشی‌هایم را بر روی این کلاه‌ها نصب کردم و برای فروش در اینستاگرام گذاشتم تا اینکه به فروش رفتند و این کلاه‌ها پیش‌درآمدی بود برای ورود من به این مسیر.

او ادامه می‌دهد: «بعدها کلاه‌ها را همراه با قمر شاهنشاه برای دوستانم می‌فرستادم با این هدف که اعلیحضرت را بر روی سر تمامی مردم جهان جای دهم، چرا که دستاوردهای شاه ایران بسیار بزرگ و ارزشمند بوده، نه فقط برای ایرانیان بلکه برای بسیاری از کشورهای خاورمیانه و جهان؛ تا جایی که با هالیوود هم کار کردم حتی این کلاه‌ها را برای هنرمندانی با تفکرات چپ فرستادم و آنها این کلاه‌ها را بر سر گذاشته و در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشتند.»

این هنرمند توضیح می‌دهد: «بعدها با فردی شراکت کردم که بعدا این کار را به اسم خودش ثبت کرد و ادعا کرد این کارهای اوست؛ حتی رفت رپرتاژ داد و گفت این نقاشی‌ها را او انجام داده؛ من پس از مدتی از او جدا شدم و کار خودم را ادامه دادم، البته برندهای مختلف در صنعت کلاه‌سازی در آمریکا و اروپا را همیشه دنبال می‌کردم. تصمیم گرفتم کلاهی بسازم که کیفیتش از این کلاه‌ها بالاتر باشد، شروع کردم از داخل کلاه‌های پولیستر با گچ قالب گرفتم تا قالب این کلاه‌ها را خارج کنم، بارها آزمون و خطا کردم و نشد، گاه یکسری کلاه در می‌آمد ولی خیلی خوب نمی‌شد، با نمدهای مختلفی امتحان کردم تا سرانجام بعد از دو سال و نیم آزمون و خطا توانستم کلاه‌ها را به شکلی که امروز هست برسانم، کارهایی پیدا کردم که بتوانند این

تصاویر محمدرضا شاه پهلوی، کراوات‌ها و دستمال گردن‌های زیبایی از جنس ابریشم با طرح‌هایی از نقوش ساسانی برای مشتریان و علاقمندان به این آثار کلاسیک تهیه می‌کند.

این هنرمند جوان در ابتدای گفتگو با کیهان لندن تاکید می‌کند: «همیشه قصد داشتم به نوعی آثار هنری ایران را نه فقط به ایرانیان بلکه به مخاطبان هنر و فرهنگ ایران در سراسر جهان به بهترین شکل و کیفیت ارائه بدهم، از همین رو در تهیه کلاه، کراوات و دستمال گردن از طرح‌های ایرانی بجامانده از دوران ساسانی و نیز نحوه پوشش دوره پهلوی الهام گرفته‌ام چراکه همواره شیوه جهان‌نگری، پوشش و رفتار اعلیحضرت محمدرضا شاه پهلوی و شاهزاده رضا پهلوی را در زندگی شخصی خودم الگو قرار داده‌ام.»

وی اضافه می‌کند: «هرچند امروزه از آن جامه‌پوش‌ها و لباس‌های ساسانی خبری نیست و کت و شلوارهای امروزی را داریم اما می‌توانیم کت و شلوارها و کلاه‌هایی طراحی کنیم که در خور و مقام ایران آزاد فردا و مزین به نمادهای ملی باشند.»

از او پرسیدم که ایده نصب نماد شیروخورشید و قمر شاه فقید بر روی کلاه از کجا آمد؟ می‌گوید: «کسی که جرقه‌ای در ذهن من ایجاد کرد یکی از دوستان هنرمندم به نام سینا بود که از همینجا به او درود می‌فرستم. او مرا به این سمت تشویق کرد و گفت تو که کلاه دوست داری و همیشه از طرح‌های ایرانی بر روی آنها کار کرده‌ای چرا خودت کلاه درست نمی‌کنی؟ این اتفاق پیش از این بود که من کار کلاه را در استانبول شروع کنم، اما آن زمان به سراغ این کار نرفتم چون شرایط انجام این کار را نداشتم ولی پیگیر این موضوع بودم و در کنار نقاشی‌ها و طراحی‌هایم به این فکر بودم که به محض به وجود آمدن شرایط، این کار را انجام دهم. و این موضوع در ذهن من مانده بود که این کار را باید یک روز انجام دهم.»

او اضافه می‌کند: «در برهه‌ای از زندگی، مجبور شدم به

● فرید گلسرخ صفهانی، زاده ۱۳۷۸ در اصفهان و فارغ‌التحصیل هنرستان هنرهای زیباست. او پس از پایان دوران هنرستان در ۱۷ سالگی مجبور به خروج از کشور و مهاجرت به ترکیه شد.

● «کلاه‌ها را همراه با قمر شاهنشاه برای دوستانم می‌فرستادم با این هدف که که اعلیحضرت را بر روی سر تمامی مردم جهان جای دهم، چراکه دستاوردهای شاه ایران بسیار بزرگ و ارزشمند بود؛ نه فقط برای ایرانیان بلکه برای بسیاری از کشورهای خاورمیانه و جهان. تا جایی که با هالیوود هم کار کردم حتی این کلاه‌ها را برای هنرمندانی با تفکرات چپ فرستادم و آنها این کلاه‌ها را بر سر گذاشته و در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشتند.»

● این هنرمند اصفهانی در پایان این گفتگو با کیهان لندن می‌گوید که مهم‌ترین آرزویش بازگشت به ایران آزاد و خدمت کردن به مردم است: «آرزو دارم این سختی‌ها را طوری پالایش کنم که این تجربیات را برای مردم خودم به اشتراک بگذارم. از کودکی آرزو داشتم که شکوه نساجی و بافندگی‌های گذشته به اصفهان، اصفهانی که زمانی به منچستر ایران شهرت داشت، بازگردد.»

فیروزه نوردستروم- فرید گلسرخ صفهانی، زاده ۱۳۷۸ در اصفهان و فارغ‌التحصیل هنرستان هنرهای زیباست. او پس از پایان دوران هنرستان در ۱۷ سالگی مجبور به خروج از کشور و مهاجرت به ترکیه شد و ابتدا به نقاشی و طراحی بر روی کاغذ پرداخت اما بعدها به خاطر علاقه‌ای که از دوران کودکی به کلاه داشت پس از پیشنهاد یکی از دوستانش یکسری از نقاشی‌ها و طراحی‌های خود را بر روی کلاه پیاده کرد و این جرقه‌ای بود برای مسیری که از حدود هشت سال پیش در پیش گرفته است.

او در حال حاضر به همراه اعضای گروه خود بجز کلاه‌های نفیس فدورا (شاپو) مزین به شیروخورشید و قمرهایی از

→ قالب‌ها را آماده کنند.

شب‌زنده‌داری هزاران جوان کاتولیک از سراسر دنیا با حضور پاپ لئو چهاردهم



پاپ لئو چهاردهم در مراسم روز آخر «جشن جوانان» / رم / یکشنبه ۳ اوت ۲۰۲۵ / رویترز

نشوند. فرانسسکو میشل جوانی از مکزیک که برای این مراسم به رُم رفته، می‌گوید: «این یک تجربه روحانی منحصر به فرد است که فقط هر ۲۵ سال یکبار برگزار می‌شود. برای من به عنوان یک جوان، حضور در چنین دیداری با پاپ فرصتی است برای رشد و تعمیق ایمانم.»

در میان شور و هیجان این گردهمایی بزرگ، یک تراژدی نیز اتفاق افتاد. واتیکان اعلام کرد که یک دختر ۱۸ ساله اهل مصر، در حین سفر زیارتی خود به دلیل ایست قلبی جان باخته است. پاپ لئو چهاردهم روز شنبه با اعضای کاروان این زائر جوان دیدار کرد و مراتب تسلیت خود را به خانواده داغدار او اعلام نمود. میدان‌های بزرگ شهر محل برگزاری کنسرت‌های راک مسیحی، سرودهای مذهبی و سخنرانی‌های پرشور جوانان شرکت‌کننده شور و نشاط خاصی به شهر رم بخشیدند؛ میدان‌های بزرگ شهر محل برگزاری کنسرت‌های راک مسیحی، سرودهای مذهبی و سخنرانی‌های پرشور شد.

برخی از شرکت‌کنندگان ساعت‌ها در صف ایستادند تا در محوطه تاریخی سیرک ماکسیموس، گناهان خود را نزد حدود هزار کشیش از ملیت‌های مختلف و به ده‌ها زبان گوناگون اعتراف کنند. برای اسکان زائران، شبکه‌ای از حدود هزار نهاد شامل کلیساها، مدارس و خانواده‌های داوطلب در رم بسیج شدند تا اقامت و صبحانه زائران را تأمین کنند. امکانات دیگر شامل کوپن‌های ارزان غذا، خدمات دوش گرفتن در ایستگاه‌های اصلی حمل و نقل عمومی، حدود ۳۰۰۰ سرویس بهداشتی در سطح خیابان‌های رم و افزایش سرویس مترو و قطارهای منطقه‌ای و اتوبوس‌ها بود که می‌بایست این سفر و جمعیتی را که برای شرکت در این مراسم به رم آمدند، تسهیل کنند.

تدابیر امنیتی نیز بسیار بالا نیز اتخاذ شد. در برخی مناطق، دروازه‌هایی برای جلوگیری از ورود مواد و اشیای خطرناک نصب شدند. همچنین از زائران خواسته شد تنها وسایل ضروری به همراه داشته باشند تا کنترل‌ها آسان‌تر انجام شود.

● سیل جوانان کاتولیک از سراسر جهان در طول یک هفته گذشته وارد رم شده تا در جشن بزرگی به نام «جوبیلی جوانان» شرکت کنند. نقطه اوج این مراسم، شب‌زنده‌داری روز شنبه با حضور پاپ لئو چهاردهم در شرق رم بود.

در چارچوب مراسم «جوبیلی جوانان»، جشن جوانان، که به مناسبت «سال مقدس ۲۰۲۵» برگزار می‌شد، صدها هزار جوان کاتولیک از سراسر جهان به رُم پایتخت ایتالیا سفر کردند. این جشن از ۲۸ ژوئیه تا ۳ اوت ادامه داشت.

این گردهمایی بزرگ هفته گذشته با مراسمی ویژه به رهبری پاپ لئو چهاردهم در میدان «سن پیترو» آغاز شد و در روز شنبه دوم اوت (۱۱ مرداد) با شب‌زنده‌داری در فضای باز یافت و یکشنبه پایان گرفت. این مراسم شبانه در فضای باز زمینه‌ساز آیین عشاء ربانی روز یکشنبه با حضور پاپ بود و به عنوان نخستین دیدار پاپ با نسل جدید کاتولیک‌ها، نقطه اوج برنامه‌های واتیکان برای این سال مقدس به شمار می‌رود. حضور حدود یک میلیون زائر از ۱۴۶ کشور جهان در رُم سیل جوانان کاتولیک از سراسر جهان در طول یک هفته گذشته وارد رم شده تا در جشن بزرگی به نام «جوبیلی جوانان» شرکت کنند. نقطه اوج این مراسم، شب‌زنده‌داری روز شنبه با حضور پاپ لئو چهاردهم در شرق رم بود.

به گزارش رسانه‌های ایتالیا، حدود یک میلیون زائر از ۱۴۶ کشور دنیا برای شرکت در این مراسم به رُم رفته‌اند که ۶۸ درصد آنها اروپایی هستند. همچنین جوانانی از مناطق درگیر جنگ همچون لبنان، عراق، میانمار، اوکراین، سوریه و سودان جنوبی در این حضور داشتند. زائران این فرصت را داشتند که شب را در فضای باز و روی چمن‌های میدان تور و رگاتا بگذرانند و منتظر مراسم عشاء ربانی صبح یکشنبه با حضور پاپ باشند. برای حفظ سلامت و راحتی شرکت‌کنندگان در هوای گرم رم، ماشین‌های آبیاش در محل حاضر شدند و با پاشیدن آب، جوانان را خنک نگه داشتند تا در آستانه ورود پاپ لئو و در هوایی با دمای نزدیک به ۳۰ درجه سانتی‌گراد، دچار گرمازدگی

او با اشاره به اینکه در ارتباط با تهیه کلاه با سه کشور در ارتباط است تأکید می‌کند: «باتوجه به اینکه هنر کلاه‌سازی با این شیوه در حد بسیار زیادی یک هنر فراموش شده است بهترین کارهای برندهای دنیا را بررسی کردم، آن کارها را خریدم، باز کردم و ایرادات آنها را برطرف کردم، چون هیچ برندی ندیدم که در کلاه‌های خود از ابریشم استفاده کنند یا آستر کلاه را با دست بدوزند، غالباً از چرخ‌های صنعتی استفاده می‌کنند و این باعث می‌شود که کلاه و غمد بعداً از هم باز شوند، این موارد از ریزه‌کاری‌هایی این کار است که به مرور زمان، با آزمون و خطا باید مدام بهتر شود، خیلی از تجار ممکن است بگویند این فرایند بسیار زمانبر است و منطقی نیست و سود چندانی ندارد، ولی من به این کار اینگونه نگاه می‌کنم چون بهترین چیزی که برای خودمان می‌خواهیم باید برای مردم هم بخواهیم.»

از فرید گلسرخ در مورد جنس کلاه‌ها و کراوات‌ها می‌پرسم، می‌گوید: «کلاه‌ها از غده‌های مختلفی آماده می‌شود، پشم گوسفند، پشم خرگوش و سمور، بستگی به نوع غمد و نوع کلاهی که سفارش داده می‌شود؛ غده‌هایی هم هستند که ترکیبی از غده‌های مختلف هستند مثلاً پشم گوسفند یا پشم شتر با پشم خرگوش ترکیب شده؛ جنس کراوات‌ها از ابریشم خالص است، هم از ابریشم ترکی و هم از ابریشم ایتالیایی استفاده می‌کنیم، تمام مراحل انجام کارهای دوخت کلاه و کراوات به وسیله دست انجام می‌شود، هیچیک از مراحل کار با ماشین انجام نمی‌شود به همین دلیل فرایند انجام کار زمانبر و هزینه‌اش برای ما و مشتری بیشتر است. تهیه هر کلاه بین دو تا سه هفته طول می‌کشد تا آماده و بعد ارسال شود.»

فرید گلسرخ با بیان اینکه کلاه‌ها را خودش تهیه می‌کند، می‌گوید: «البته دوستان دیگری هستند که به صورت تیمی همکاری می‌کنیم، چون غالباً وقت نمی‌کنم همه سفارش‌ها را خودم تهیه کنم، اما برای چک کردن کیفیت کار، خودم کنترل می‌کنم. جعبه‌ها را هم خودمان آماده می‌کنیم و برای سال آینده کیفیت ساخت جعبه‌ها را ارتقا می‌دهم.»

او در ادامه به دستمال گردن‌های ابریشمی با طرح‌های ساسانی اشاره می‌کند: «بعد از بررسی آثار آرشویی موزه‌های مختلف به طرح‌های ساسانی برخورد کردم و این جرقه در ذهنم زده شد که چطور می‌توانم این طرح‌ها را به زندگی امروز بازگردانم، در ابتدا از طرح‌های غیرایرانی مثل لاله ترکی در پارچه‌های ابریشمی استفاده می‌کردم، پس از تحقیق و گفتگو با صاحبان کارگاه‌ها و کارخانجات تولید ابریشم و گفتگو با گرافیست‌های مختلف موفق شدم بخشی از این طرح‌ها را بازسازی کنم و این طرح‌ها را به خط تولید سپردم که کماکان فرایند این خط تولید در ترکیه و ایتالیا ادامه دارد و در حال حاضر با گرافیست‌های جوانی که قادر به انجام کارهای نساجی هستند کار می‌کنم.»

وی در مورد طرح‌های ساسانی توضیح می‌دهد: «این طرح‌ها مزین به طرح‌های مربوط به دوره ساسانی به ویژه اسب تیشتر هستند، اسبی که علیه اهریمن، اپوش، با قحطی و خشکسالی و بی‌برکت بودن زمین مبارزه می‌کند و آب و باران را با خود می‌آورد و دیو اپوش را از بهشت، از ایران، بیرون می‌کند.»

این هنرمند اصفهانی در پایان این گفتگو به کیهان لندن می‌گوید که مهم‌ترین آرزویش بازگشت به ایران آزاد و خدمت کردن به مردم است: «آرزو دارم این سختی‌ها را طوری پالایش کنم که این تجربیات را برای مردم خودم به اشتراک بگذارم. از کودکی آرزو داشتم که شکوه نساجی و بافندگی‌های گذشته به اصفهان، اصفهانی که زمانی به منچستر ایران شهرت داشت، بازگردد.»

بسته شدن پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش با وجود «ابهامات و تناقضات متعدد»



● پرونده قتل داریوش مهرجویی کارگردان سرشناس ایرانی و همسرش وحیده محمدی‌فر مختومه اعلام شد. اولیای دم خواستار جایگزین شدن حکم جایگزین بجای قصاص برای متهم ردیف اول پرونده شدند.

پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش، وحیده محمدی‌فر، با بخشیده شدن محکوم به قصاص توسط اولیای دم بسته شد. به گفته یکی از وکلای شاکیان، این پرونده همچنان دارای «ابهامات و تناقضات متعدد» است.

نوبان فشندی وکیل مادر وحیده محمدی‌فر از مختومه شدن پرونده قتل داریوش مهرجویی کارگردان سرشناس ایرانی و همسرش وحیده محمدی‌فر خبر داده و گفته «سیدگی قضایی به پرونده پایان یافته و اولیای دم خواستار مجازات جایگزین برای محکوم به قصاص شده‌اند.»

این وکیل دادگستری تأکید کرده «گذشت از قصاص به معنای چشم‌پوشی از مجازات نیست؛ خواهان اجرای اشد مجازات جایگزین هستیم. آنچه به عنوان تاریک‌ترین و پرابهام‌ترین بخش این پرونده باقی مانده، غفلت از پی‌جویی ریشه‌ها؛ انگیزه‌ها و علت‌های ناپایدار ارتکاب جرم است؛ امری که اگر در مسیر تحقیقات بطور دقیق‌تر پی گرفته می‌شد، شاید مسیر عدالت به افقی روشن‌تر می‌انجامید.»

نوبان فشندی افزوده «مجازات مباشر، بی‌شناخت مسبب، نه تنها ناقص، بلکه گاه همراه‌کننده است. همچنین انگیزه‌های منتسب شده به محکومان به هیچ‌وجه تناسبی با شدت و عمق این جنایت هولناک ندارد. این عدم تناسب، هر ذهن جست‌وجوگری را به این سمت سوق می‌دهد که آیا در پس این جنایت اراده‌هایی فراتر از عاملان مستقیم وجود داشته است؟» وکیل مادر وحیده محمدی‌فر به «ابهامات و تناقضات متعدد» در این پرونده اشاره کرده و گفته «با وجود رسیدگی‌های صورت گرفته، همچنان تناقضات متعدد در اظهارات محکومان وجود دارد و بسیاری از ابعاد این پرونده از جمله نحوه ورود به خانه؛ چگونگی استفاده از چاقوها و سایر آلات قتاله؛ نحوه مشارکت و معاونت در قتل و آثار به جا مانده از جرم در فضای خانه و بدن مقتولان هنوز مشخص نشده است. از این رو اجرای حکم قصاص، نه تنها منجر به کشف حقیقت نمی‌شود، بلکه چه‌بسا زمینه‌ساز خاموش شدن بخشی از حقیقت باشد که هنوز در ابهام باقی مانده است.» او همچنین افزوده «به هر حال مرحوم مهرجویی لباس بیرون از خانه به تن داشته و آن لباس را بطور معمول در خانه به تن نمی‌کرده. البته یک احتمال دیگر وجود دارد که تازه از بیرون به خانه بازگشته، اما با توجه به اینکه تلفن‌های همراه، ترددی ثبت نکرده و کسی هم این زوج را در بیرون ندیده این احتمال ضعیف است.»

داریوش مهرجویی و همسرش شامگاه ۲۲ مهر ماه ۱۴۰۲ در ویلای شخصی خود در زیبادشت کرج به قتل رسیدند. چند روز بعد مقامات قضایی استان البرز چهار تبعه افغانستان با نام‌های کریم، میر ویس، اسکندر و داوود را عاملان این جنایت معرفی و انگیزه آنها را سرعت اعلام کردند.

با اینهمه از ابتدا وکلای اعضای خانواده مهرجویی از وجود ابهامات زیاد در پرونده و تناقضاتی در اعترافات متهمان پرده برداشته و خواستار ایجاد شفافیت درباره این ابهامات شدند. در آئسو مقامات قضایی مراحل اولیه پرونده را به سرعت پیش بردند و همه اینها احتمال «قتل حکومتی» و

است. حتی یکی از متهمان نیز در پرونده اعلام کرده که کریم به زبان محلی در آگاهی با آنان صحبت کرده است، یعنی زبان محلی آنان با زبان فارسی تفاوت داشته است. معنای بعضی کلمات افغانی و محلی در این پرونده با معنای کلمات فارسی ایرانی تفاوت داشت. هر چهار متهم به لحاظ گفتاری و شنیداری فارسی را خوب بلد نبودند و این نقص در فهم معنای کلمات و معنای جملات به خوبی در جلسات مشهود بود. به نظر قانوناً باید مترجم در کنار آنها می‌بود.»

این وکیل دادگستری خبر داده بود که «پرونده قتل آقای مهرجویی و همسرش یک پرونده بسیار پیچیده است که شاید هیچ‌وقت ابهامات در آن حل نشود. هیچ انگیزه قوی‌ای در این قتل‌ها وجود ندارد. پاسخ این سوال که‌ماکان لاینحل باقی است که چرا باید چهار متهم با یک نقشه واحد، در یک مکان واحد و با یک قصد و انگیزه واحد، عملیاتی را شروع کنند ولی با یک بهانه و مشکل از اقدام منصرف شوند ولی یک هفته بعد همان تیم در همان مکان با همان اشخاص اقدام به عملی کردن نقشه و قتل مرحوم مهرجویی و همسرش کنند؟ اگر قصد و انگیزه قتل بوده است، تفاوت این دو تاریخ چگونه توجیه می‌شود؟ کریم، موکلم من به شدت فرد معتقدی است، حتی شهود که از اهالی همان شهرک هستند گفته‌اند که به شدت به کریم اعتماد داشتند. کلید ۱۰ ویلا در دست کریم بوده که ویلای آقای مهرجویی به لحاظ مادی در برابر آن ویلاها چیزی نبوده است.»

امیر موسی‌خانی همچنین پرسش‌هایی درباره این پرونده مطرح کرده بود «چطور می‌شود برای دزدی به محل جرم وارد شد ولیکن گوشی آیفون و تبلت دست نخورده باقی بماند؟ در یک شهرک اقدام به قتل کنی ولی در همان محل به کار ادامه بدهی؟ مشکل می‌ریوس با مرحوم مهرجویی برای سه سال قبل از قتل است، چرا باید سه سال کینه را نگه دارد و بعد اقدام کند؟ از کجا می‌دانسته دوربین‌ها خراب است و هنوز تعمیر نشده است؟ تفاوت ساعت خروج کریم از ویلای محل کار و ورود به ویلای مرحوم چگونه توجیه می‌شود؟»

قربانی کردن چند نفر به عنوان قاتل را برجسته کرد. وکلا تأکید داشتند در اعترافات و آنچه در صحنه قتل و شواهد وجود دارد تناقض‌هایی مشاهده می‌شود و از همه مهم‌تر همه شواهد و مندرجات پرونده نیز نشان می‌دهد که انگیزه متهمان برای قتل کافی نبوده است. بر اساس رأی صادر شده در دادگاه کریم متهم ردیف اول را به جرم دو فقره قتل به دو بار قصاص، میر ویس متهم ردیف دوم را به اتهام شروع به قتل به ۱۰ سال حبس، برای سرعت مسلمان به ۲۰ سال حبس، ورود به عنف یک سال و ۶ ماه حبس و اقامت غیرمجاز به ۳ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. دو متهم ردیف سوم این پرونده نیز که زیر سن قانونی بودند به زندان محکوم شده‌اند. آنها شناسنامه ندارند و با آزمایش‌های پزشکی مشخص شده هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند.

مانوش منوچهری یکی دیگر از وکلای اولیای دم پرونده قتل داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر نیز پیش از این با بیان اینکه چهار متهم پرونده، انگیزه کافی برای قتل آنها نداشتند، تأکید کرده بود که «حتما پای یک آمر دیگری» در میان است و آنها تنها اجرا کننده اوامر او بوده‌اند.

اکبر محمدی‌فر برادر وحیده محمدی‌فر نیز پیشتر به «رادیو فردا» گفته بود که قتل این دو هنرمند یک «اقدام اربابی سازمان‌یافته و پیچیده» بود و به باور او، متهمان «تحت آمریت فرد یا افرادی دیگر» مرتکب قتل شدند.

امیر موسی‌خانی وکیل متهم ردیف اول این پرونده نیز در گفتگو با روزنامه «اعتقاد» ضمن تأکید به اینکه متهمان نمی‌توانستند «انگیزه کافی» برای قتل را داشته باشند، گفته بود «ابرادات مطروحه به نظر منطقی است هرچند پذیرش یا عدم پذیرش بر عهده مقام قضایی است. مهم‌ترین مساله‌ای که من به آن اشاره کردم بحث مترجم بود و دیگری ارائه صوت بازجویی‌های انجام‌شده و اعترافات کریم در مرحله بازجویی که هیچ‌یک مورد توجه قرار نگرفت. هر چهار متهم مساله مترجم داشتند، هرچند آنها توانایی صحبت به زبان فارسی را داشتند ولی زبان مادری متهمان کاملاً غیرقابل فهم برای فارسی‌زبانان

بلا تکلیفی ۹ ماهه فرجام خواهی «بچه های اکباتان»؛ جلوگیری از پیگیری وکلا و خانواده ها



ردیف بالا از چپ به راست: میلاد آرمون، علیرضا کفایی، نوید نجاران/ ردیف پایین از چپ به راست: امیرمحمد خوش اقبال، حسین نعمتی و علیرضا برمرزپورناک

به گفته او رئیس شعبه نظر مخالف داده و «برای این موضوع هزینه بسیاری متحمل شده اما پای اعتقاد خود ایستاده و در رای هم با قتل عمد مخالفت کرده است».

میلاد آرمون، علیرضا کفایی، امیرمحمد خوش اقبال، نوید نجاران، حسین نعمتی و علیرضا برمرزپورناک شش جوان بیگناه متهم در پرونده ای معروف به «پرونده اکباتان» مربوط به اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ هستند.

دادگاه کیفری یک تهران برای شش متهم بازداشت شده پرونده حکم اعدام صادر کرده اما چهار نفر از بازداشتی ها از سوی ابوالقاسم صلواتی، از قضات دادگاه انقلاب، اتهام «محرابه» نیز گرفته اند.

درفشان و وکلای چند متهم دیگر این پرونده هر دو ماه یکبار به دادگاه کیفری یک اعتراض کرده اند اما هر بار پاسخ شنیده اند که چون پرونده به دیوان عالی ارجاع شده، «اقدامی متصور نیست».

در جریان اعتراضات چهارم آبان ۱۴۰۱ آرمان علی وردی از اعضای یگان امنیتی بسیج اکباتان مجروح و دو روز بعد در بیمارستان درگذشت. سازمان اطلاعات سپاه (ساس) پرونده آرمان علی وردی را با عنوان «قتل» پیگیری کرد و با پرونده سازی شماری از شهردان در اکباتان را بازداشت کرد. این پرونده ۱۴ متهم دارد که علیه شش تن از آنها حکم اعدام صادر شده است. دیگر متهمان این پرونده نیز به اتهاماتی چون «مشارکت در قتل عمد» و اتهاماتی از جمله «تبلیغ علیه نظام» محکوم شده اند.

یکی از نکات مهم درباره «پرونده اکباتان» تلاش نهادهای امنیتی و قضایی برای مخفی نگه داشتن ابعاد آن است بطوری که حتی نام همه متهمان این پرونده نیز مشخص نیست.

همچنین بر اساس گزارشها علیرضا برمرز پورناک از متهمان پرونده اصلا در تصاویر مربوط به ضرب و جرح بسیجی کشته شده حضور نداشته اما از سوی نهادهای امنیتی و قضایی به عنوان متهم به قتل شناخته شده است!

این وکیل دادگستری افزوده طبق موازین قانونی جدای از فرجام خواهی، باید مرجع صادر کننده قرار که دادگاه کیفری یک است هر ۲ ماه به قرار بازداشت آنها رسیدگی کند. ما وکلای این پرونده از جانب موکلان خود سر ۲ ماه اعتراض می زنیم و باید رسیدگی شود اما هر بار که اعتراض می زنیم می نوشتند «با توجه به اینکه پرونده به دیوان عالی ارجاع شده اقدامی متصور نمی باشد»

او گفته وکلا ۳ بار این اعتراض را زدند اما پس از ورود به سال ۱۴۰۴ وکلا و خانواده ها جمع شدند و خواهان رسیدگی و پذیرش مسئولیت شدند و خواستند که اگر قرار است شرایط به همینگونه استمرار پیدا کرد، قانون رعایت شود.

پیام درفشان افزوده رئیس شعبه اعلام می کند که «نظر من بازداشت نبود و آن را در رای اعلام کردم و مخالف دو مستشار تحمیل شده به دادگاه بودم. اما من یکبار روبروی آنها ایستادم شما می خواهید هر دو ماه یکبار ما را جمع کنید؟ معلوم است که رای دو به یک است و حرف، حرف آنها. در این بین فقط مشکلات و دلخوری ها پیش می آید.» اما وکلا معتقدند که موکلان ما چه گناهی کرده است؟ در نهایت بار سوم که رفتیم و اعتراض زدیم، رئیس به مستشاران نوشت «با توجه به این که شما صادرکننده قرار بازداشت هستید و این مسئله طول کشیده تعیین تکلیف کنید.» آنها نوشتند: «پرونده در مرحله فرجام خواهی و قاعده فراغ دادرسی است باید پرونده به دیوان عالی کشور برود. در حالی که ربطی به قاعده فراغ دادرسی ندارد و باید خود آنها به این اعتراضها رسیدگی می کردند.»

این وکیل دادگستری با اشاره به اتفاقات پرونده در دو سال اخیر توضیح داد ابتدا دو مستشار دیگر در تمام دادگاهها حضور داشته اند و نظرشان اصلا این نبوده که «قتل عمد» رخ داده و بنابراین نباید «حکم قصاص» صادر شود اما ناگهان در جلسه آخر دادگاه دو مستشار دیگر (احسان شیخ الحکمایی و سعید شرافتی) را جایگزین آنها کردند که برخلاف نظر رئیس شعبه، معتقد به قتل عمد بودند.

● پیام درفشان: مرز ۲ سال بازداشت موقت قانونی آنها پر شده است. نص صریح قانون است که بازداشت موقت به هر دلیلی حداکثر ۲ سال است، اما کسی مسئولیت آنها را بر عهده نمی گیرد.

● میلاد آرمون، علیرضا کفایی، امیرمحمد خوش اقبال، نوید نجاران، حسین نعمتی و علیرضا برمرزپورناک شش جوان بیگناه متهم در پرونده ای معروف به «پرونده اکباتان» مربوط به اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ هستند.

● این پرونده ۱۴ متهم دارد که علیه شش تن از آنها حکم اعدام صادر شده است. دیگر متهمان این پرونده نیز به اتهاماتی چون «مشارکت در قتل عمد» و اتهاماتی از جمله «تبلیغ علیه نظام» محکوم شده اند.

● یکی از نکات مهم درباره «پرونده اکباتان» تلاش نهادهای امنیتی و قضایی برای مخفی نگه داشتن ابعاد آن است بطوری که حتی نام همه متهمان این پرونده نیز مشخص نیست.

یکی از وکلای متهمان پرونده معروف به «پرونده اکباتان» گفته فرجام خواهی حکم اعدام متهمان پرونده شهرک اکباتان پس از ۹ ماه بی پاسخ مانده است و نه تنها دادگاه اجازه ورود وکلا را نمی دهد، بلکه خانواده های متهمان نیز از پیگیری قانونی منع شده اند.

پیام درفشان وکیل حسین نعمتی از متهمان «پرونده اکباتان» در گفتگو با وبسایت «امتداد» گفته «مرز ۲ سال بازداشت موقت قانونی آنها پر شده است. نص صریح قانون است که بازداشت موقت به هر دلیلی حداکثر ۲ سال است، اما کسی مسئولیت آنها را بر عهده نمی گیرد.»

پیام درفشان گفته «۹ ماه پیش تمام وکلای این پرونده فرجام خواهی را انجام دادیم و این پرونده به شعبه ۹ دیوان عالی کشور ارجاع شد. ۹ ماه است که پاسخ فرجام خواهی نیامده است. موکلین ما که ۴ نفر تیم دوم بودند که مدتی با قرار وثیقه آزاد بودند و پس از جلسه دادگاه دوباره به زندان برگشتند.»

قطع گسترده برق صنایع؛ «این نوع مدیریت کردن در حوزه برق و آب نیاز به آمریکا و دشمن ندارد»



● قطع برق در صنایع ایران به سه تا چهار روز در هفته افزایش یافته و به بحرانی فراگیر در صنایع سراسر کشور تبدیل شده است.

● خاموش شدن خطوط تولید، کاهش تولید، افزایش هزینه‌های عملیاتی، آسیب به تجهیزات صنعتی، اخراج نیروی انسانی و در نهایت کاهش عرضه کالا در بازار از جمله عوارض جیره‌بندی برق در واحدهای تولیدی و صنعتی است.

● علیرضا کلاهی صمدی رئیس کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی ایران هشدار داده که «در شرایط کنونی وضعیت صنایع اصلاً خوب نیست و تبدیل به فاجعه شده» و «با کاهش برق صنایع، موج بزرگ بیکاری در کشور آغاز شده است».

● امیررضا واعظ آشتیانی مدیرعامل پیشین سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران: این نوع مدیریت کردن در حوزه برق و آب نیاز به آمریکا و دشمن ندارد یعنی به نوعی عمل می‌کنند که اقتصاد و صنعت کشور را دارند فلج می‌کنند.

مدیرعامل پیشین سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران در سخنانی انتقادی نسبت به قطع برق صنایع گفته: «این نوع مدیریت کردن در حوزه برق و آب نیاز به آمریکا و دشمن ندارد یعنی به نوعی عمل می‌کنند که اقتصاد و صنعت کشور را دارند فلج می‌کنند.» او افزود: «حتی عدالت در توزیع برق هم وجود ندارد و بیشتر کار پوپولیستی می‌کنند.»

قطع برق در صنایع ایران به سه تا چهار روز در هفته افزایش یافته و به بحرانی فراگیر در صنایع سراسر کشور تبدیل شده است.

خاموش شدن خطوط تولید، کاهش تولید، افزایش هزینه‌های عملیاتی، آسیب به تجهیزات صنعتی، اخراج نیروی انسانی و در نهایت کاهش عرضه کالا در بازار از جمله عوارض جیره‌بندی برق در واحدهای تولیدی و صنعتی است.

علیرضا کلاهی صمدی رئیس کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی ایران اعلام کرده که «تقریباً تمامی شرکت‌ها علاوه بر خاموشی ۳ روز در هفته، ملزم شده‌اند که سقف مصرف برق خود را به نصف دیمانند و در برخی روزها تا ۹۰ درصد دیمانند کاهش دهند.»

وی هشدار داده: «در شرایط کنونی وضعیت صنایع اصلاً خوب نیست و تبدیل به فاجعه شده» و «با کاهش برق صنایع، موج بزرگ بیکاری در کشور آغاز شده است.»

رئیس کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی با بیان اینکه «تمام هشدارهایی که در مورد تامین برق در سندیکی صنعت برق در سال‌های گذشته می‌دادیم و متهم به سیاه‌نمایی می‌شدیم، در حال حاضر به واقعیت پیوسته» گفته «سارتنی که امروز به دلیل بحران ناترازی انرژی و قطعی برق تنها از نظر مالی و نه اجتماعی پرداخت می‌کنیم بسیار بیشتر از اعدادی است که باید سرمایه‌گذاری می‌کردیم تا به این وضعیت نرسیم.»

او تأکید کرده که «اگر بحران تامین برق صنایع را در کنار بحران نقدینگی و نبود مشتری و بازار و شرایط بلاکلیفی کشور بگذارید، متوجه خطر جدی برای صنایع خواهید شد و این خطر منجر به نابودی تولید و موج بزرگ بیکاری در

کشور می‌شود.»

امیررضا واعظ آشتیانی مدیرعامل پیشین سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران نیز در گفتگو با وبسایت «اقتصاد ۲۴» گفته «این نوع مدیریت کردن در حوزه برق و آب نیاز به آمریکا و دشمن ندارد یعنی به نوعی عمل می‌کنند که اقتصاد و صنعت کشور را دارند فلج می‌کنند. حتی عدالت در توزیع برق هم وجود ندارد و بیشتر کارپوپولیستی می‌کنند. دولت می‌خواهد برق کلان شهرها را حفظ کند ولی برق صنعت را قطع می‌کند.»

مدیرعامل پیشین سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران افزوده «هنوز به عدالت توزیع نرسیدند و این نشان می‌دهد که یک سوء مدیریت و ناکارآمدی وجود دارد که ربطی به بازی‌های سیاسی ندارد. این تصمیمات نشان می‌دهد که یک ناکارآمدی مطلق شکل گرفته است که به بهانه‌های مختلفی از جمله فراهم نبودن زیرساخت‌ها متوصل می‌شوند.»

امیرضا واعظ آشتیانی افزوده «مستولان با اقدامات پوپولیستی می‌خواهند مردم کلان شهرهایی مانند تهران را با قطع ۲ ساعت آب و برق راضی نگه دارند. حتی در شهرهای کوچک هم شاهد این هستیم که در روز دو بار برق خانه‌شان می‌رود و برای آن بهانه‌تراشی می‌کنند؛ یک روز گردن ترامپ می‌اندازند و روز دیگر می‌گویند قطعه به سرقت رفته است! نوع قطع و وصل برق حتی باعث شده است به لوازم برقی مردم در شهرها آسیب وارد شود. یعنی ما هم صنعت را داریم فلج می‌کنیم، هم مردم را ناراضی کرده‌ایم و هم به اقتصاد کشور ضرر می‌زنیم. همه اینها دست به دست هم داده و دارد تبدیل به یک بحران می‌شود.»

محمود نجفی عرب رئیس اتاق بازرگانی تهران نیز ماه گذشته با اشاره به قطع سه روز در هفته برق صنایع گفته بود «قطعی برق سه روز در هفته و کمبود آب، بهره‌وری صنایع را کاهش داده است. متأسفانه ما با ۳۰ هزار مگاوات کسری برق مواجه هستیم و اگر برنامه جدی برای تأمین آن

نداشته باشیم، مشکلات امسال تشدید خواهد شد. کمبود آب در سدها نیز باعث شده تا ۱۱ هزار مگاوات برق‌آبی کمتری تولید شود.»

رئیس اتاق بازرگانی تهران ریشه این ناترازی را دخالت دولت در اقتصاد و قیمت‌گذاری دستوری دانسته و گفته بود که «اگر دولت در نظام قیمت‌گذاری دستوری مداخله نمی‌کرد، امروز وضعیت بهتری داشتیم. بخش خصوصی وقتی اقتصادی نباشد، وارد سرمایه‌گذاری نمی‌شود. دولت باید یک مرور کلی بر چرایی ناترازی انرژی داشته باشد و فرمان خود را برای آینده به سمت درستی بپیچاند.»

محمود نجفی عرب افزوده بود که «برای حل این بحران‌ها، نیاز است که دولت در سیاست‌های خود بازنگری کند، از مداخلات دستوری پرهیز کرده و نظام قیمت‌گذاری را اصلاح کند تا فضای سرمایه‌گذاری امن‌تر و کارآمدتری ایجاد شود.» روزنامه «جوان» چاپ تهران نیز در مطلبی به قطع مکرر برق صنایع هشدار داده و گفته «اگر دولت نگران تورم انتظاری فزاینده در یکی، دو ماه آینده، ناشی از برخی هشدارهای بیرونی از جمله احتمال فعال شدن مکانیسم ماشه است که طبقاً آثار روانی آن بیش از ابعاد حقوقی و سیاسی خواهد بود، باید با یک نگاه دقیق‌تر مانع ایجاد موج خودساخته تورمی در کشور شود.»

روزنامه «جوان» در ادامه نوشته «تمرکز یکطرفه بر قطع برق صنایع اقدامی کاملاً اشتباه و غیراستراتژیک است. این تصمیم که با هدف کاهش نگرانی‌های عمومی در قطع برق خانگی اتخاذ می‌شود، در کوتاه‌مدت شاید اثرگذار باشد، اما در واقعیت امر فشار بر بخش تولید در نهایت مستقیماً سفره مردم را هدف قرار می‌دهد. برخلاف تصور رایج، تعطیلی چندروزه واحدهای تولیدی ناشی از قطعی برق تنها یک «توقف فنی» نیست؛ این وقفه‌ها اختلالی عمیق در زنجیره تولید، تأمین و توزیع ایجاد می‌کنند که در هفته‌ها و ماه‌های بعد با افزایش هزینه تمام‌شده کالاها، کمبود کالا در بازار و جهش تورمی خود را نشان خواهد داد.»

تداوم بحران آب؛ تعطیلی چهارشنبه در استان‌های مختلف این هفته هم برقرار است



● در حالی که هیئت وزیران دولت پزشکیان با طرح تعطیلی روزهای چهارشنبه تا پایان تابستان برای مدیریت مصرف آب مخالفت کرده اما این هفته و برای سومین هفته پیاپی روز چهارشنبه در استان‌های مختلف کشور تعطیل اعلام شده است.

● استان‌های تهران، خوزستان، اصفهان، یزد، هرمزگان، اردبیل، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، کهگلویه و بویراحمد، فارس، خراسان جنوبی و بوشهر و مازندران فردا تعطیل هستند. برخی استان‌ها از جمله خوزستان، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اصفهان امروز سه‌شنبه ۱۴ امرداد نیز تعطیل اعلام شده‌اند.

● با اینکه دولت جیره‌بندی گسترده آب را در دستور کار قرار داده اما همچنان کمبود آب زنگ خطر رسیدن برخی شهرها به روز صفر آبی را به صدا درآورده است.

در حالی که هیئت وزیران دولت پزشکیان با طرح تعطیلی روزهای چهارشنبه تا پایان تابستان برای مدیریت مصرف آب مخالفت کرده اما این هفته و برای سومین هفته پیاپی روز چهارشنبه در استان‌های مختلف کشور تعطیل اعلام شده است.

تعطیلی روزهای چهارشنبه تا پایان تابستان به عنوان یکی از راهکارهای مطرح شده برای کاهش مصرف آب و برق بود اما هیئت وزیران دولت پزشکیان با این طرح مخالفت کرد. در عمل اما تعطیلی روزهای چهارشنبه ادامه دارد و استان‌های مختلف در حال اعلام تعطیلی فردا، چهارشنبه ۱۵ امرداد ۱۴۰۴، برای سومین هفته پیاپی هستند.

بر اساس اخبار منتشر شده استان‌های تهران، خوزستان، اصفهان، یزد، هرمزگان، اردبیل، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، کهگلویه و بویراحمد، فارس، خراسان جنوبی و بوشهر و مازندران فردا تعطیل هستند. برخی استان‌ها از جمله خوزستان، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اصفهان امروز سه‌شنبه ۱۴ امرداد نیز تعطیل اعلام شده‌اند.

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت هفته گذشته از رد پیشنهاد تعطیلات تابستانی در جلسه هیئت وزیران خبر داد و گفت: «پیشنهادهایی مانند تعطیلی چهارشنبه‌ها، شنبه‌ها یا تغییر در تعطیلات هفتگی در دولت بررسی شد، اما هیچ‌یک به تصویب نرسید.»

بحران آب در ایران هر روز در حال عمیق‌تر شدن است. کاهش سطح آب ذخیره شده در پشت سدها، و افزایش مصرف آب به علت گرمای هوا و نبود بارندگی در این فصل سبب تشدید بحران کمبود آب شده است.

با اینکه دولت جیره‌بندی گسترده آب را در دستور کار قرار داده اما همچنان کمبود آب زنگ خطر رسیدن برخی شهرها به روز صفر آبی را به صدا درآورده است.

کارشناسان معتقدند دولت فقط با جیره‌بندی آب، کاهش مصرف را در دستور کار قرار داده اما برای افزایش تولید و تأمین و حفظ منابع موجود آب اقدامی انجام نداده و در نتیجه بحران کمبود آب امسال به شکل فزاینده‌ای تشدید شده است.

برای نمونه آمارها نشان می‌دهد یک سوم از منابع آب لوله‌کشی در طی فرایند توزیع و به علت فرسودگی لوله‌ها هدر رفته و از بین می‌رود. جمهوری اسلامی اما سال‌ها نسبت

آب را کاهش دهند و ساکنان به شدت در پی صرفه‌جویی در مصرف آب هستند تا از وقوع روز فاجعه جلوگیری کنند. این گزارش افزوده ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی خود همواره با مشکل کم‌آبی روبرو بوده است. کاوه مدنی، دانشمند ایرانی حوزه آب و محیط زیست و مدیر ارشد سازمان ملل متحد در گفت‌وگو با سی‌ان‌ان گفت تفاوت این بحران در تأثیر آن بر پایتخت است. تهران با حدود ۱۰ میلیون نفر جمعیت ممکن است به طور کامل با کمبود آب مواجه شود. مدنی با تأکید مضاعف بر این موضوع می‌گوید: «وضعیت کنونی ورشکستگی آبی نام دارد، زیرا دیگر یک بحران نیست؛ بلکه وضعیتی است که برخی از خسارات آن غیرقابل برگشت خواهد بود.»

«دنیای اقتصاد» تأکید کرده ریشه‌های این بحران در مجموعه‌ای از عوامل نهفته است، از جمله آنچه مهندسان به عنوان دهه‌ها مدیریت ضعیف آب توصیف می‌کنند و همچنین افزایش عدم تعادل میان عرضه و تقاضا که این وضعیت با تغییرات اقلیمی تشدید شده است.

ایران یکی از بدترین خشکسالی‌های ثبت شده خود را تجربه می‌کند و برای پنجمین سال متوالی با خشکسالی مواجه است. این کشور همچنین تحت گرمای شدیدی قرار دارد. به گفته هررا، اقلیم‌شناس و مورخ هواشناسی، دما در برخی مناطق کشور در این ماه به بیش از ۵۰ درجه سانتی‌گراد رسیده است. هررا در گفت‌وگو با شبکه سی‌ان‌ان گفت: «ایران تقریباً به طور دائم در وضعیت گرمای بی‌سابقه قرار دارد.»

راهکار اما از سوی دولت «کاهش فشار آب» و جیره‌بندی آب بوده است؛ محمداصادق معتمدیان، استاندار استان تهران، کاهش فشار آب شهری حدود ۸۰ درصد از خانوارها را تحت تأثیر قرار داده است.

«دنیای اقتصاد» نوشته ایران اکنون آمیدی جز چشم به راهی پاییز ندارد و مسئولین و مردم امیدوارند که پاییز پر بارانی در راه باشد.

به این موضوع بی‌تفاوت بوده و برای نوسازی خطوط انتقال آب اقدامی انجام نداده است.

با گسترش اعتراضات نسبت به بی‌عملی و سوءمدیریت دولت، اکنون وزارت نیرو از طرحی برای عبور از بحران کمبود آب با عنوان «بسته راهبردی آب» خبر داده است. عیسی بزرگزاده سخنگوی صنعت آب گفته «۹ جلسه کمیته تخصصی شورای عالی آب تشکیل شده و در جلسه اخیر بسته راهبردی عملیاتی آب کشور تدوین شد.

عیسی بزرگزاده گفته «در گام اول اجرای این بسته، برای ۳۱ استان کشور تمام ظرفیت‌های تأمین آب به روز مشخص شده و تعیین شده برای هر بخش شرب و کشاورزی و صنعت چقدر تخصیص یابد.»

او افزوده «در تهران باید ۲۲ درصد کل مصرف آب تا پایان برنامه هفتم کاهش یابد، باید ۳۸ درصد برداشت کشاورزی تهران و ۳۰ درصد برداشت شرب تهران از منابع زیرزمینی کم شود. مقرر شده ۴۵ درصد سطح کشت در تهران کاهش یابد و برای تمام استان‌ها نیز این ضرورت‌ها تعیین شده است تا حکمرانی محلی آب را تشکیل دهیم.»

مشخص نیست این اقدامات تا چه حدی بتواند بحران کنونی کمبود آب، به ویژه تا پایان تابستان، را مهار کند؛ آن هم در شرایطی که برخی گزارش‌ها درباره احتمال رسیدن برخی شهرها از جمله تهران به «روز صفر آبی» هشدار می‌دهند.

در همین رابطه روزنامه «دنیای اقتصاد» در گزارشی نوشته «روز صفر بی‌آبی» اصطلاحی است که برای توصیف شرایطی به کار می‌رود که در آن منابع آب آشامیدنی شهری به صفر می‌رسد. شبکه خبری سی‌ان‌ان در گزارشی هشدار داد تهران ممکن است تنها چند هفته با «روز صفر» فاصله داشته باشد.

«دنیای اقتصاد» با اشاره به هشدار کارشناسان درباره رسیدن به «روز صفر آبی» در برخی شهرها نوشته این روزها سدهای کلیدی خالی هستند، مقامات در تلاشند تا مصرف

کاهش تولید در صنایع به علت بحران انرژی و رکود تورمی؛ مقدمه‌ای برای افزایش بیش از پیش قیمت‌ها



مدیران خرید برای پانزدهمین ماه متوالی کمتر از محدوده خنثی ۵۰ قرار گرفته است. شدت کاهشی که در مقایسه با ماه قبل بیشتر بوده است.

عامل دیگر که «شاخص میزان استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی» بوده هم در این ماه به شدت کاهش داشته و برای هشتمین ماه متوالی کاهشی بوده است. این مؤلفه نیز با نمره ۴۳ کمترین مقدار خود را در سری زمانی نظرسنجی -یعنی پس از مهرماه ۱۳۹۷ تا کنون- به ثبت رسانده است. در نهایت، مؤلفه پنجم یعنی «سرعت انجام و تحویل سفارش» نیز در این ماه با نمره ۴۵/۶ روند کاهشی در مقایسه با ماه قبل داشته و موجب شده است تا هر پنج مؤلفه اصلی با کاهش قابل توجه، وضعیت نامطلوبی را در افق پیش‌روی اقتصاد کشور ایجاد کنند.

کارشناسان با تحلیل جزئیات ارقام شاخص مدیران خرید اعلام کرده‌اند در صورت اصلاح‌نشدن شرایط کنونی یا نبود توجه ویژه به آن، در تداوم این روند با رکود عمیق‌تر و تعطیلی یا کاهش شدید تولید برخی از بنگاه‌ها در ماه‌های آینده مواجه خواهیم شد.

در هفته‌های گذشته و با آغاز تابستان اما به علت تشدید جیره‌بندی برق و البته آب در صنایع مختلف، بحران‌ها در واحدهای تولیدی و صنعتی با سرعت در حال افزایش است. محمود نجفی‌عرب رئیس اتاق بازرگانی تهران با اشاره به کمبود انرژی گفته «امروز بزرگ‌ترین مشکل صنایع، کمبود انرژی است» و تأکید کرده «برق واحدهای صنعتی سه روز در هفته قطع است و با وجود دارایی‌ها، از جمله نیروی انسانی، اما نمی‌توانیم بهره‌وری لازم را از صنعت داشته باشیم».

این در حالیست که شاخص تولید صنعتی در خرداد ۱۴۰۴ در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته نیز با کاهش ۹/۴ درصدی مواجه شده است. این یعنی در سومین ماه بهار ظرفیت تولید بنگاه‌ها در پی محدودیت‌های تأمین

کالاهای اساسی نیز بیش از پیش مطرح می‌شود.

صنایع ایران این روزها با مشکلاتی چون نبود نقدینگی و افزایش هزینه روبرو هستند و کمبود انرژی و آب نیز فشارهای مضاعفی را بر آنها تحمیل کرده و همگی را در وضعیت ناپایدار و شکننده‌ای قرار داده است.

بحران در صنایع در آمارهای رسمی نیز نمایان شده است. برای نمونه آمار شاخص مدیران خرید برای خردادماه که به تاخیر منتشر شده نشان می‌دهد این شاخص در خردادماه امسال ۴۲/۹ بوده که کمترین رقم از اردیبهشت ۱۳۹۹ تا کنون است. پایین بودن این رقم به معنای رکود عمیق در اقتصاد کشور است که پیشتر در سال ۱۳۹۹ و در دوران شیوع کرونا رقمی مشابه برای شاخص مدیران خرید ثبت شده بود.

همچنین شاخص مدیران بخش صنعت در خردادماه امسال با کسب نمره ۴۲/۱، کف تاریخی خود را ثبت کرده است. این هم یعنی «شامخ» برای بخش صنعت در این ماه، کمترین مقدار خود را از روزی که انتشار این آمار آغاز شد -مهرماه ۱۳۷۷- ثبت کرده است.

شاخص مدیران خرید پنج مؤلفه اصلی دارد که در خردادماه سال جاری در اقتصاد کشور هر پنج مؤلفه روند کاهشی داشته است. به روایت گزارش طرح شاخص مدیران خرید برای خرداد سال ۱۴۰۴، «شاخص میزان تولید محصول یا ارائه خدمات» معادل ۴۵/۵ محاسبه شده است. مقدار این شاخص برای پانزدهمین ماه متوالی کمتر از محدوده خنثی یعنی ۵۰ قرار گرفته و شدت کاهش در مقایسه با ماه قبل بیشتر بوده است.

دومین مؤلفه «میزان سفارش‌های جدید مشتریان» بوده که با کسب نمره ۳۸/۵ در این ماه با سریع‌ترین سرعت در ۶۳ ماهه گذشته از فروردین ۱۳۹۹ کاهش یافته است. مؤلفه سوم در خرداد سال جاری، یعنی «موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری‌شده» نیز با کسب نمره ۴۶ از سوی

صنایع ایران این روزها با مشکلاتی چون نبود نقدینگی و افزایش هزینه روبرو هستند و کمبود انرژی و آب نیز فشارهای مضاعفی را بر آنها تحمیل کرده و همگی را در وضعیت ناپایدار و شکننده‌ای قرار داده است.

شاخص مدیران خرید در خردادماه امسال ۴۲/۹ بوده که بیانگر تشدید رکود در صنایع مختلف کشور است.

شاخص تولید صنعتی در خرداد ۱۴۰۴ در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته نیز با کاهش ۹/۴ درصدی مواجه شده که بیانگر کاهش سطح تولید در واحدهای صنعتی است.

شاخص قیمت تولیدکننده صنعت در یک سال گذشته با افزایش ۴۴ درصدی روبرو شده که این افزایش زنگ خطر سنگینی برای اقتصاد ایران است.

محمود نجفی‌عرب رئیس اتاق بازرگانی تهران با اشاره به کمبود انرژی گفته «امروز بزرگ‌ترین مشکل صنایع، کمبود انرژی است» و تأکید کرده «برق واحدهای صنعتی سه روز در هفته قطع است و با وجود دارایی‌ها، از جمله نیروی انسانی، اما نمی‌توانیم بهره‌وری لازم را از صنعت داشته باشیم».

صنعت تولید انواع آشامیدنی‌ها با تورم ماهانه ۷/۹ درصدی و تورم نقطه‌به‌نقطه ۷۴/۲ درصدی روبروست.

صنعت مواد خوراکی و آشامیدنی که مستقیماً با کالاهای مصرفی روزانه مردم در ارتباط است و افزایش هزینه تولید در آن به سرعت به بازار مصرف منتقل شده و موج گرانی‌ها را تقویت می‌کند.

صنایع ایران به علت بحران‌های مزمن اقتصادی و بحران کمبود انرژی و آب با مشکلات زیادی روبرو هستند و در حالی که هزینه‌ها به شدت افزایش یافته، سطح فعالیت و تولید در صنایع نیز به شدت کاهش پیدا کرده است. با این روند، هشدارها درباره موج بلند تورم و افزایش قیمت

حذف چهار صفر از پول ملی ایران و تبدیل ریال به تومان: فرصت یا تهدید؟



اقتصادی، به شکست‌های متوالی منجر می‌شود. زیمبابوئه بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ مجموعاً ۱۲ صفر از پول خود حذف کرد، اما در نهایت مجبور به کنار گذاشتن ارز ملی شد. ونزوئلا در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۲۱ مجموعاً ۱۱ صفر حذف کرد ولی تورم همچنان میلیون‌ها درصد باقی ماند و فقر عمیق‌تر شد. این تجربیات نشان می‌دهند که در صورت عدم اصلاح ریشه‌ای سیاست‌های اقتصادی، ایران نیز ممکن است به سرنوشت مشابهی دچار شود.

جمع‌بندی

حذف چهار صفر از پول ملی ایران اگرچه ظاهراً به منظور ساده‌سازی تراکنش‌ها انجام می‌شود، اما بدون کنترل تورم، کاهش کسری بودجه و ایجاد اصلاحات ساختاری، صرفاً راه حلی موقت و خطرناک است. هر دولتی باید با درس گرفتن از تجربیات جهانی، این اقدام را در چارچوب برنامه‌ای جامع برای تثبیت اقتصادی انجام دهد؛ وگرنه پیامدهای منفی آن می‌تواند به وخیم‌تر شدن بحران اقتصادی و افزایش فقر در کشور منجر شود.

با اجرای این اصلاح ظاهری، که تنها لایه‌ای نازک بر زخم‌های عمیق اقتصادی می‌کشد، می‌توان پیش‌بینی کرد که سقوط نظام اقتصادی ایران زودتر از آنچه تصور می‌شود، رخ دهد. این تغییر، با تشدید بی‌ثباتی در بازارهای مالی و افزایش وابستگی به واردات کالاهای اساسی، زمینه را برای فرار سرمایه‌های خارجی و داخلی فراهم می‌کند و چرخه‌ای از بدهی‌های انباشته و کاهش تولید ناخالص داخلی را تسریع می‌بخشد. در نهایت، این اقدام نه تنها به تضعیف جایگاه کشور ایران در تجارت جهانی منجر خواهد شد، بلکه با دامن زدن به نابرابری‌های اجتماعی و کاهش قدرت خرید عمومی، بستر مناسبی برای بحران‌های فراگیر فراهم می‌آورد که می‌تواند پایه‌های نظام اقتصادی را بطور کامل فرو ببرد.

*این تحلیل اقتصادی از سوی «ارفی» (مؤسسه پژوهش و پیش‌بینی تجربی) در اختیار کیهان لندن قرار گرفته است.

● حذف صفرها می‌تواند نشانه‌ای از پذیرش ناکامی پول ملی تلقی شود و وحشت و بی‌اعتمادی مردم را افزایش دهد. در کشوری که نرخ ارز اخیراً به بیش از یک میلیون ریال به ازای هر دلار رسیده، این اقدام می‌تواند شهروندان را به سمت خرید و احتکار ارزهای خارجی و طلا سوق دهد و فعالیت بازار سیاه را تشدید کند.

تصمیم دولت جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۴ (۲۰۲۵ میلادی) برای حذف چهار صفر از پول ملی و جایگزینی ریال با تومان (یک تومان برابر ۱۰ هزار ریال فعلی)، با تصویب مجلس شورای اسلامی و اعلام بانک مرکزی، به مراحل اجرا نزدیک می‌شود. دولت مدعی است که این تغییر به کاهش هزینه چاپ اسکناس، سهولت محاسبات و تقویت اعتماد عمومی کمک می‌کند. اما منتقدان معتقدند که این اقدام، بدون اجرای اصلاحات عمیق اقتصادی، تنها نوعی آرایش ظاهری بوده و ممکن است مشکلات جدیدی را ایجاد کند. حذف صفر به خودی خود عوامل زیربنایی تورم مزمن در ایران، شامل رشد افسارگسیخته نقدینگی (حدود ۲۰٪ سالانه)، کسری بودجه، تحریم‌های بین‌المللی و فساد را برطرف نمی‌کند. آمار نشان می‌دهد که تورم سالانه از سال ۱۳۹۷ تا کنون بطور متوسط ۴۰٪ بوده است و فقط در سال ۱۴۰۳، ارزش ریال بیش از ۴۰٪ کاهش یافت. این تغییر ممکن است توهم ثبات را ایجاد کند و منجر به تعویق انداختن اصلاحات ضروری مانند انضباط مالی و اقتصادی شود.

حذف صفرها می‌تواند نشانه‌ای از پذیرش ناکامی پول ملی تلقی شود و وحشت و بی‌اعتمادی مردم را افزایش دهد. در کشوری که نرخ ارز اخیراً به بیش از یک میلیون ریال به ازای هر دلار رسیده، این اقدام می‌تواند شهروندان را به سمت خرید و احتکار ارزهای خارجی و طلا سوق دهد و فعالیت بازار سیاه را تشدید کند. تجربه اعتراضات سال ۱۴۰۱ نشان داد که شکنندگی روانی جامعه می‌تواند به سرعت تبدیل به بحران اجتماعی شود. در چنین شرایطی، اثر مثبت کوتاه‌مدت این اقدام ممکن است به سرعت از بین برود.

چاپ اسکناس‌های جدید، تغییر سیستم‌های بانکی، دستگاه‌های خودپرداز و نرم‌افزارهای مالی و حسابداری، میلیارد‌ها تومان هزینه خواهد داشت. دوره گذار در همین ارتباط که در آن ارز قدیم و جدید همزمان استفاده می‌شوند، احتمال خطا، سردرگمی و کلاهبرداری را افزایش داده و بیشترین آسیب را به کسب و کارهای کوچک و اقشار آسیب‌پذیر وارد می‌کند. تجربیات شکست‌خورده حکومت ایران در سال‌های ۱۳۷۳، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۵ برای انجام چنین طرحی، تأییدی بر پیچیدگی و مخاطرات اجرایی آن است. تغییر در واحد پول بطور معمول موجب گرد کردن قیمت‌ها به سمت بالا می‌شود؛ مثلاً کالایی با قیمت ۱۳۰۰۳ ریال به ۲ تومان تبدیل خواهد شد و عملاً قیمت‌ها افزایش می‌یابد. این افزایش پنهان قیمت‌ها می‌تواند فشار مضاعفی را بر طبقه متوسط و اقشار کم‌درآمد وارد کرده و به یک دور جدید تورم منجر شود. در کشوری که قیمت اقلام غذایی مانند گوشت از سال ۱۴۰۰ تا کنون پنج برابر شده، این اتفاق می‌تواند موجب ورشکستگی بیشتر طبقه متوسط شود. تجربیات تاریخی کشورهایی مانند زیمبابوئه و ونزوئلا نشان می‌دهد که حذف صفرها بدون اصلاحات ساختاری

انرژی، به ویژه گاز و برق به شدت ضربه دیده و همین کاهش شدید در خردادماه باعث شده میزان رشد تولید صنعتی در کل فصل بهار به منفی ۲/۸ درصد برسد؛ وضعیتی که از یک سو بیانگر رکود در بخش واقعی اقتصاد و از سوی دیگر نشان‌دهنده اثر مستقیم سیاست‌ها و شرایط زیرساختی نامساعد بر توان تولید است.

همچنین وزارت صنعت، معدن و تجارت در گزارشی اعلام کرده که بیش از ۴۸ روز تعطیلی سراسری یا منطقه‌ای به دلیل کمبود انرژی در دو سال گذشته، بطور متوسط باعث کاهش ۱۵ تا ۳۰ درصدی ظرفیت تولید در واحدهای صنعتی کلان‌شهرها و استان‌های صنعتی مانند خراسان شمالی شده است.

این در حالیست که امثال بحران کمبود آب هم به صنایع رسیده و آب بسیاری از صنایع با جیره‌بندی روبروست. برای نمونه آب و برق پالایشگاه تهران قطع و روند تولید در برخی از واحدهای عملیاتی متوقف شده است. این روند هشدارهایی درباره کاهش بنزین، روغن موتور و فرآورده‌های نفتی را در پی داشته است.

در همین رابطه روزنامه «هم‌میهن» گزارش داده بسیاری از صنایع و برخی از پالایشگاه‌ها با معضل تامین آب و برق مواجه هستند که این کمبودها می‌تواند افزایش قیمت یا نایاب شدن انرژی‌هایی چون بنزین را در پی داشته باشد.

سعید میرترابی کارشناس انرژی معتقد است: «در صورتیکه قطعی آب و برق ادامه پیدا کند و شرایط اضطراری وضعیت فعلی را تشدید کند، پالایشگاه‌ها ممکن است برای حفظ پایداری عرضه، اقداماتی همچون کاهش حجم سوخت‌گیری، مدیریت مخازن یا سایر راهکارهای مدیریتی را به کار بگیرند تا فشار بر ذخایر کاهش پیدا کند.»

وضعیت بحرانی صنایع در حالیست که کارشناسان تأکید دارند تشدید این بحران و کاهش سطح تولید این صنایع سبب ایجاد موج بلندی از تورم و افزایش قیمت کالاها خواهد شد.

این در حالیست که صنایع تولید مواد غذایی و آشامیدنی بالاترین تورم در حوزه صنعت را تجربه کرده‌اند. شاخص قیمت تولیدکننده صنعت در یک سال گذشته با افزایش ۴۴ درصدی روبرو شده است که این افزایش زنگ خطر سنگینی برای اقتصاد ایران است؛ تورم یک ساله در صنایع خوراکی و آشامیدنی به بیش از ۷۴ درصدی رسیده که بیانگر بحران در تولید مواد غذایی در کشور است.

وبسایت «تجارت نیوز» نیز نوشته داده‌های رسمی نشان می‌دهد که صنعت تولید انواع آشامیدنی‌ها با تورم ماهانه ۷/۹ درصدی و تورم نقطه‌به‌نقطه ۷۴/۲ درصدی در صدر جدول قرار گرفته است. به بیان دیگر، هزینه‌های تولید در این بخش طی یک سال، تقریباً دو برابر شده است. افزایش بهای نهاده‌هایی چون شکر، انرژی، بسته‌بندی و مواد پتروشیمی، نقش قابل توجهی در این جهش قیمتی داشته‌اند.

«تجارت نیوز» با ارائه این آمار نوشته این عدد به تنهایی حامل پیامی نگران‌کننده برای آینده اقتصاد است؛ چرا که حاکی از جهش شدید هزینه‌های تولید در کشور است. از سوی دیگر، تورم سالانه بخش صنعت نیز به ۳۴/۴ درصد رسیده است که نسبت به ماه قبل با رشد ۱/۵ واحد درصدی همراه بوده و این به معنای ادامه‌دار بودن روند افزایشی هزینه‌های تولید در طول یک سال گذشته است.

این گزارش تأکید کرده از آنجا که این صنعت مستقیماً با کالاهای مصرفی روزانه مردم در ارتباط است، افزایش هزینه تولید در آن به سرعت به بازار مصرف منتقل شده و موج گرانی‌ها را تقویت می‌کند.

وضعیت اینترنت در یکسالگی دولت پزشکیان بدتر شد



● انجمن تجارت الکترونیک ایران تأکید کرده اینترنت در ایران فقط از کشورهای کوبا، ترکمنستان، کامرون، آنگولا، سودان، کنگو و اتیوپی وضعیت بهتری دارد.

● انجمن تجارت الکترونیک ایران همچنین گفته که اختلال و مسدود ماندن پروتکل‌های مهم اینترنت در زمان شروع جنگ جمهوری اسلامی و اسرائیل و دوران آتش‌بس بیشتر شده است.

● طبق گزارش انجمن تجازت الکترونیک ایران، روند استفاده از اینترنت ماهواره‌ای استارلینک نیز به علت محدودیت شدید اینترنت در کشور همچنان افزایشی است. این گزارش همچنین تأکید کرده که ایجاد محدودیت‌های گسترده نه تنها تا کنون هیچ سودی برای کشور نداشته، بلکه باعث ترویج استفاده از فیلترشکن‌های خطرناک شده است.

انجمن تجارت الکترونیک ایران اعلام کرده ایران بدترین وضعیت کیفیت اینترنت در میان ۱۰۰ کشور اول GDP یا همان بزرگترین کشورها در حوزه اقتصاد را دارد. این گزارش افزوده اینترنت در ایران فقط از کشورهای کوبا، ترکمنستان، کامرون، آنگولا، سودان، کنگو و اتیوپی وضعیت بهتری دارد. انجمن تجارت الکترونیک ایران در پنجمین گزارشی که طی دو سال گذشته درباره وضعیت اینترنت در ایران منتشر کرده وضعیت اینترنت در ایران را همچنان در انتهای رده‌بندی‌های جهانی ارزیابی کرده است.

در این گزارش آمده که اگر وضعیت کیفیت اینترنت کشور را بدون توجه به وضعیت دوران جنگ ۱۲ روزه میان جمهوری اسلامی و اسرائیل در نظر بگیریم، تفاوت محسوسی نسبت به گزارش چهارم (جایگاه ۹۵ از ۱۰۰ کشور) دیده نمی‌شود.

این گزارش نشان می‌دهد همچنان تجربه کاربری اینترنت در ایران با سه گزاره‌ی کند (۸۴ از ۱۰۰)، پر اختلال (۹۲ از ۱۰۰) و محدود (۹۹ از ۱۰۰) توصیف می‌شود. از سوی دیگر در مجموع بر اساس رده‌بندی میانگین سه شاخص در رتبه‌ی ۹۷ از ۱۰۰ کیفیت اینترنت قرار گرفته است.

در بخشی از این گزارش آمده که تجربه کاربران ایرانی همچنان با سه گزاره پرتکرار در سال‌های اخیر یعنی «کند»، «پراختلال» و «محدود» عجین است. به همین دلیل و برای دور زدن سیاست اشتباه فیلترینگ هم همچنان استفاده از فیلترشکن‌ها و استارلینک در کشور با استقبال چشمگیر مواجه است؛ تا جایی که معادل ۸۶ درصد از ایرانی‌ها و ۹۳/۸ درصد از جوانان زیر ۳۰ سال فیلترشکن دارند و با وجود جرم‌انگاری اخیر مجلس برای استارلینک، همچنان استفاده از این اینترنت ماهواره‌ای در کشور افزایشی است. انجمن تجارت الکترونیک ایران همچنین تأکید کرده اختلال و مسدود ماندن پروتکل‌های مهم اینترنت در زمان شروع جنگ جمهوری اسلامی و اسرائیل و دوران آتش‌بس نیز بیشتر شده و همزمان با شروع جنگ در ۲۳ خردادماه اختلال‌های جدید روی اینترنت شروع شده و در روز ۲۴ خرداد به اوج خود رسیده است.

این گزارش تأکید کرده اگر چه طبق داده‌های این گزارش و همچنین داده‌های جهانی از روز ۲۹ خرداد تا ۳۰ خرداد کمتر از سه درصد کاربران به اینترنت دسترسی داشتند و در ۳۱ خرداد اینترنت اپراتورهای ثابت یا مناطق کم‌ریسک‌تر باز شده است. همچنین این گزارش تأکید می‌کند در حالی که

افزایش است.

این گزارش همچنین تأکید کرده که ایجاد محدودیت‌های گسترده نه تنها تا کنون هیچ سودی برای کشور نداشته، بلکه باعث ترویج استفاده از فیلترشکن‌های خطرناک شده است. هدایت کاربران به این تصمیم علاوه بر تحمیل هزینه‌های اضافه به سید خانوار، باعث آلودگی شبکه و از آن مهم‌تر، موضوعات ضدامنیتی شده است.

آزادی اینترنت و رفع فیلترینگ از جمله وعده‌های مهم مسعود پزشکیان در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته بود. تیم انتخاباتی مسعود پزشکیان وعده رفع فیلترینگ را به ویژه برای کسب رأی نسل جوان برجسته کردند با اینکه اکنون با گذشت یک سال نه تنها رفع فیلترینگ صورت نگرفته بلکه وضعیت اینترنت بدتر از گذشته شده است.

مسعود پزشکیان می‌توانست به راحتی در شورای عالی فضای مجازی دستور پایان فیلترینگ و بهبود وضعیت اینترنت را صادر کند اما همچنان در اینباره مقاومت دارد. پیشتر سخنگوی دولت هم تأکید کرده بود که رئیس دولت می‌تواند با یک دستور فیلترینگ را پایان دهد اما به دنبال ایجاد «وفاق» در بین سران حکومتی در اینباره است.

به تازگی پویا پیرحسینلو، رئیس کمیسیون اینترنت انجمن تجارت الکترونیک، در مراسم رونمایی از گزارش پنجم وضعیت کیفیت اینترنت، منتظرماندن برای وفاق در شورا برای رفع محدودیت اینترنت پس از گذشت یک سال را خسته‌کننده دانسته است.

پویا پیرحسینلو اعلام کرده که «در حال حاضر شورای عالی فضای مجازی، نقطه مهم تصمیم‌گیری دسترسی آزاد و بدون محدودیت به اینترنت است. دولت شش عضو در این شورا دارد و انتظار ما این است که بعد از یک سال تکرار جملات خسته‌کننده‌ای مانند «وفاق» و «در نظر گرفتن نظرات مخالف»، بالاخره یک قدم بزرگ رو به جلو برداشته شود. اگر قرار است وفاقی اتفاق بیفتد، این وفاق»

وزارت ارتباطات خبر اتصال اینترنت و برگشت به وضعیت عادی را داده بود، اما ۱۴ روز پس از آتش‌بس یعنی ۳ تیر پروتکل IPV6 باز شده است.

این گزارش مشخص کرده که مسدودسازی پروتکل HTTP/3 همچنان ادامه دارد و اختلال روی پروتکل IPV6 با اینکه دسترسی بر مسدود ماندن آن وجود ندارد، نیز همچنان به شرایط قبل از جنگ برگشته است. از سوی دیگر بررسی‌های این گزارش نشان می‌دهد که اختلال روی HTTP/3 بسته به سرویس‌دهنده‌های اینترنت متفاوت او چندگانه است: «با تست‌های متوالی روی اپراتورهای مختلف مشخص شد که هرکدام از آنها نوع متفاوتی از اختلال را ثبت کرده‌اند. امروز که بیش از یک ماه از پایان حمله اسرائیل به ایران می‌گذرد، اختلال‌های متنوعی در شبکه اینترنت کشور مشاهده می‌کنیم که پیش از جنگ هم ثبت شده‌اند و همچنان باقی مانده‌اند».

طبق گزارش انجمن تجازت الکترونیک ایران، روند استفاده از اینترنت ماهواره‌ای استارلینک نیز به علت محدودیت شدید اینترنت در کشور همچنان افزایشی است. پیش از این، انجمن تجارت الکترونیک در گزارش چهارم کیفیت اینترنت، میزان کاربران اینترنت ماهواره‌ای استارلینک را بیش از ۳۰ هزار نفر اعلام کرد، اما انجمن تجارت الکترونیک در گزارش جدید خود اعلام کرده که هنوز نتوانسته‌اند آمار جدیدی در این خصوص به‌دست بیاورند.

حمیدرضا احمدی نایب رئیس کمیسیون اینترنت انجمن تجارت الکترونیک هم در نشست رونمایی از پنجمین گزارش کیفیت اینترنت در ایران با اشاره به این موضوع مطرح کرد: «این آمارها برای چندمین بار اثبات می‌کند که سیاست فیلترینگ نه‌تنها مشکلاتی را حل نکرده؛ بلکه مشکلات بیشتری هم ایجاد کرده و علاوه بر استفاده قابل‌توجه از فیلترشکن، کاربران استارلینک به‌عنوان یک ابرفیلترشکن هم در ایران ماهانه در حال

پایداری سقوط شاخص در بازار بورس ایران

آخرین بار که شاخص کل در مقادیر کمتر از ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار واحد معامله می‌شد؛ به آذر سال گذشته بازمی‌گردد. در این گزارش آمده خروج پول از بازار نیز همچنان ادامه‌دار است و در معاملات روز جاری، ۸۶۲ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار خارج شد تا بازار سهام برای یازدهمین روز معاملاتی متوالی، با تغییر مالکیت به نفع سبدهای حقوقی معاملات روزانه خود را به پایان برساند. بر اساس گزارش «دنیای اقتصاد» در ۱۱ روز گذشته بیش از ۱۱ همت پول حقیقی از بازار خارج شده است. «دنیای اقتصاد» همچنین اشاره کرده که با فرسایشی شدن روند مذاکرات و پس از آن با آغاز جنگ ۱۲ روزه میان اسرائیل و جمهوری اسلامی و تحت تأثیر سایر ریسک‌ها، بورس همه مسیری که از ابتدای سال پیموده بود را به عقب بازگشت. علیرضا خان‌محمدی کارشناس بازار سرمایه نیز در گفتگو با وبسایت «اکوایران» شرایط سیاسی را متأثر بر شرایط این روزهای بازار بورس ارزیابی کرده و گفته «آتش بس، مکانیسم ماشه و چالش‌های داخلی موضوعی مهم در



جهت‌دهی به آینده اقتصاد ایران خواهد بود.» این کارشناس بازار سرمایه با اشاره به اینکه «در هر محفلی صحبت از نااطمینانی است و همین امر بی‌اعتمادی به بازارهای مالی را وجود خواهد آورد» گفته «فعال شدن مکانیسم ماشه می‌تواند سطح نااطمینانی در اقتصاد ایران را افزایش دهد.» علیرضا خان‌محمدی همچنین تأکید کرده که «حمایت‌های نهاد ناظر در چند مدت اخیر و بعد از جنگ، تأثیر چندانی برای بهبود بورس نداشت و عملاً هدر رفت منابع محسوب می‌شود.» امیر حسین‌جنابی کارشناس بازار سرمایه نیز با اشاره به وضعیت بازارهای موازی با بازار بورس گفته «فروکش سناریوهای خوش‌بینانه مبنی بر احتمال توافق هسته‌ای در کوتاه‌مدت و افزایش مخاطرات سیاسی، روند صعودی قیمت‌ها در بازارهای موازی را تقویت کرده است. این موضوع می‌تواند برای بازار سهام تهدید جدیدی تلقی شود. به گفته این کارشناس، مسیر کمک به بازار در متعادل شدن و متعادل کردن گروه خودرو و صندوق‌های اهرمی می‌گذرد. تا وقتی این دو گروه فشار فروش و صف‌های فروش را داشته باشند حرکت در بازار سخت خواهد بود.»

● در معاملات امروز سه‌شنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۴ نیز شاخص کل بورس امروز با ریزش ۳۵ هزار و ۲۴۵ واحدی، معادل ۱/۳۵ درصد کاهش یافت و تا سطح دو میلیون و ۵۸۹ هزار و ۴۲۸ واحد سقوط کرد. ● در معاملات امروز ۸۶۱ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار خارج شد در حالی که صندوق‌های طلا با ورود پول حقیقی و درآمد ثابت‌ها نیز با خروج پول حقیقی روبرو هستند. ● علیرضا خان‌محمدی کارشناس بازار سرمایه: در هر محفلی صحبت از نااطمینانی است و همین امر بی‌اعتمادی به بازارهای مالی را وجود خواهد آورد. فعال شدن مکانیسم ماشه می‌تواند سطح نااطمینانی در اقتصاد ایران را افزایش دهد.

سقوط شاخص بازار بورس همچنان ادامه دارد و امروز سه‌شنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۴ شاخص کل بورس با ریزش ۳۵ هزار واحدی به ۲ میلیون و ۵۸۹ هزار واحد رسید. بازار بورس ایران با وجود ارائه بسته حمایتی دولت در

ماه گذشته همچنان با ریزش روبروست. در معاملات امروز سه‌شنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۴ نیز شاخص کل بورس امروز با ریزش ۳۵ هزار و ۲۴۵ واحدی، معادل ۱/۳۵ درصد کاهش یافت و تا سطح دو میلیون و ۵۸۹ هزار و ۴۲۸ واحد سقوط کرد. شاخص هم‌وزن نیز چهار هزار و ۲۵۵ واحد ریزش کرد و با عقب‌نشینی ۰/۵۴ درصدی به سطح ۷۸۷ هزار و ۵۲۸ واحدی رسید. همچنین در معاملات امروز ۸۶۱ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار خارج شد در حالی که صندوق‌های طلا با ورود پول حقیقی و درآمد ثابت‌ها نیز با خروج پول حقیقی روبرو هستند. بر خلاف وعده تیم اقتصادی دولت پزشک‌های درباره ساماندهی بازار بورس اما این بازار وضعیت متلاطمی را پشت سر گذاشته و به ویژه از خردادماه تا کنون بازار بورس با ریزش‌های پیاپی روبرو بوده است. روزنامه «دنیای اقتصاد» در گزارشی به ریزش‌ها ۱۰ روز اخیر بورس پرداخته و نوشته بورس امروز کانال ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار واحد را هم از دست داد تا ریزش پی در پی شاخص کل بورس تهران به دهمین روز معاملاتی برسد.

باید با مردم باشد، نه با افراد و طبقات خاصی که خواسته‌های ضدمردمی دارند و با اقدامات‌شان به اقتصاد کشور و اعتماد عمومی ضربه می‌زنند.» او تأکید کرده که «در نتیجه، انتظار ما از دولت و رئیس‌جمهور آن است که در این موضوع جدی‌تر قدم بردارند و این مسئله را به صورت ریشه‌ای حل کنند.» رئیس کمیسیون اینترنت انجمن تجارت الکترونیک همچنین در گفتگو با روزنامه «شرق» گفته «اگر رئیس‌جمهور شعار دسترسی آزاد به اینترنت را داده و حالا نمی‌تواند اعضای شورای عالی فضای مجازی را راضی به رفع محدودیت کند، یا با اعضای دولت در شورا بماند و نظرها را عوض کنند یا استعفا دهند.»

پویا پیرحسینلو تأکید کرده «وظیفه آنها همدلی با سیاستمداران نیست و پزشک‌ها باید پای شعارهایش بایستند: «افراد نمی‌توانند در زمان انتخابات برای گرفتن رأی شعار دسترسی آزاد بدهند و بعد از انتخابات آن را فراموش کنند.»

روزنامه «تعادل» ماه گذشته در گزارشی درباره خسارت‌های قطع اینترنت نوشته هر ساعت قطع کامل اینترنت، بیش از ۱/۵ میلیون دلار خسارت مستقیم به اقتصاد کشور وارد می‌کند، آماری که نت‌بلاکس و اتحادیه کسب‌وکارهای اینترنتی ایران نیز آن را تأیید کرده‌اند.

این گزارش افزوده رقم اعلام شده برای خسارت ناشی از قطع اینترنت تنها زیان‌های آنی نظیر کاهش فروش، توقف تبلیغات آنلاین و کاهش ترافیک کاربران را در بر می‌گیرد. اما هزینه واقعی به مراتب بیشتر است. کمپین‌های بازاریابی ناآرام می‌مانند، کاربران بی‌اعتماد می‌شوند، کسب‌وکارها از اجرای پروژه‌های نوآورانه بازمی‌مانند و در نهایت، رقابت‌پذیری برندهای ایرانی در بازار داخلی و بین‌المللی کاهش می‌یابد. این خسارات قابل سنجش نیستند، اما آثار آن در بلندمدت ساختار اکوسیستم دیجیتال کشور را تخریب می‌کند.

روزنامه «تعادل» همچنین تأکید کرده بخش مهمی از خدمات ارائه شده در پلتفرم‌های داخلی، بر پایه پردازش‌های هوش مصنوعی عمل می‌کند؛ از جمله تشخیص تصویر، رتبه‌بندی آگهی‌ها و فیلتر محتوای نامناسب. این فرآیندها، به اتصال مداوم با سرورهای قدرتمند ابری نیاز دارند که اغلب در خارج از کشور مستقر هستند. با قطع اینترنت، این سامانه‌ها عملاً از کار می‌افتند؛ در ظاهر همه چیز فعال است، اما مغز تحلیلگر که در پس‌زمینه فعالیت دارد، خاموش می‌شود. نتیجه این خاموشی، افزایش خطای تشخیص، کاهش کیفیت خدمات و نارضایتی کاربران است. با گذشت زمان، این ناکارآمدی به وجهه برندهای داخلی لطمه‌زده و زمینه‌ساز مهاجرت کاربران به سرویس‌های خارجی از طریق ابزارهای غیررسمی می‌شود.

همچنین ستار هاشمی وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی تیرماه سال جاری در صحن علنی مجلس شورای اسلامی گفت حدود ۱۰ میلیون نفر به شکل مستقیم و غیرمستقیم در حوزه اقتصاد دیجیتال ایران فعال بودند که این رقم در جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل و پس از آن با کاهش ۳۰ درصدی روبرو شده است.

وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی افزود در پی قطع اینترنت در طول جنگ اسرائیل و جمهوری اسلامی، در هر دو روز معادل یک هزار میلیارد تومان به اقتصاد دیجیتال خسارت وارد شد که این رقم با بودجه سالانه برخی از وزارتخانه‌ها برابری می‌کند.

کم کردن حقوق پرستاران در تیرماه؛ وزارت بهداشت پرستاران را از ساختار درمان فراری می‌دهد!



فارغ‌التحصیل پرستاری داریم اما همین فارغ‌التحصیلان از فراخوان استخدام رسمی استقبال نمی‌کنند. این نشان‌دهنده کاهش انگیزه برای ورود به این حرفه و مشکلات ساختاری آن است.»

پرستاران نه تنها درآمد ناچیز دارند بلکه مزایای شغلی آنها نیز پرداخت نمی‌شود و از سوی دیگر با اضافه‌کار اجباری و شیفت‌های طولانی و شرایط دشوار کاری روبرو هستند. آنها مدت‌هاست به عنوان یکی از اقشار معترض، اعتصاب و تجمعات اعتراضی برگزار می‌کنند اما همچنان وزارت بهداشت به مطالبات آنها پاسخ نداده است.

بی‌تفاوتی وزارت بهداشت در پاسخگویی به خواسته پرستاران سبب افزایش تجمعات و اعتصابات پرستاران در دو سال گذشته شده است. در آنسو هم نهادهای امنیتی و قضایی برخوردها با قشر پرستار را افزایش داده و با احضار، بازجویی، تهدید تلفنی و تشکیل پرونده قضایی به دنبال سرکوب آنها هستند.

در یکی از آخرین موارد سرکوب پرستاران، منابع صنفی گزارش داده‌اند همزمان با آغاز جنگ ۱۲ روزه میان اسرائیل و جمهوری اسلامی و در روزهایی که جامعه پرستاری در حال سازماندهی نیروهای شاغل و بازنشسته برای تشکیل تیم‌های اضطراری و خدمت‌رسانی به مجروحان احتمالی بود، دو عضو هیئت مدیره نظام پرستاری مشهد که از فعالان شناخته شده این صنف هستند احضار شدند.

بر اساس این گزارش شکایت از این دو پرستار به اواخر سال گذشته بازمی‌گردد. همزمان با اعتراضات صنفی پرستاران در نقاط مختلف کشور، دانشگاه علوم پزشکی مشهد به جای پاسخگویی به مطالبات قانونی پرستاران، اقدام به شکایت قضایی از دو عضو هیئت مدیره نظام پرستاری مشهد، خانم فاطمه بحرینی و آقای جواد توکلی کرد. این اقدام بر اساس چند مطلب منتشر شده در کانال رسمی تلگرام نظام پرستاری صورت گرفته است؛ در حالیکه این کانال با سیم‌کارت رسمی و مدیریت مشترک ۹ عضو هیئت مدیره فعالیت می‌کند.

بهداشت و مسئولان مربوطه، از وزیر گرفته تا معاون توسعه و معاون پرستاری و سازمان نظام پرستاری، باید به جای پرداختن به مسائل جزئی و موقت، به دنبال راه‌حل‌های اساسی برای حل مشکلات پرستاران باشند. حقوق پایین پرستاران و پرداخت‌های ناکافی و نامنظم، خطری جدی برای حفظ این نیروی کار حیاتی کشور است. ما جداً با مشکل کمبود نیروی پرستار مواجه هستیم و این کمبود خود را در بحران‌های مختلف کشور نشان داده است.»

دبیرکل خانه پرستار افزوده که «بسیاری از پرستاران مهاجرت کرده‌اند، خیلی‌ها خانه‌نشینی را به کار پرستاری ترجیح داده‌اند و برخی دیگر هم به سراغ کار دیگر رفته‌اند. در این شرایط، زمانی که به بحران می‌خوریم و نیاز به حضور پرستار چند برابر می‌شود، پرستاران حاضر به حضور در محل کار نمی‌شوند. این وضعیت نشان می‌دهد، اوضاع کار و حقوق این افراد چقدر سخت است که با وجود سال‌ها درس خواندن، به هیچ وجه حاضر نمی‌شوند به کار پرستاری برگردند.»

محمد شریفی مقدم تأکید کرده که «برای حفظ نیروی انسانی متخصص، وزارت بهداشت باید حقوق ثابت و متغیر پرستاران را افزایش دهد. اخیراً قانونی برای افزایش فوق‌العاده خاص تصویب شده که آیین‌نامه آن در حال تدوین است. بسته به امتیازی که به نیروی کار داده می‌شود، مبلغ فوق‌العاده خاص از ۴ میلیون تومان تا ۱۴ میلیون تومان متغیر است. خب ما انتظار داریم امتیاز خوبی به پرستاران تعلق بگیرد تا این افزایش حقوق بتواند تا حدودی جلوی خروج گسترده‌ی پرستاران را بگیرد.»

دبیرکل خانه پرستار به عدم استقبال پرستاران از فراخوان جدید استخدام اشاره کرده و گفته «علی‌رغم وجود تعداد زیادی فارغ‌التحصیل بیکار پرستاری، استقبال از آگهی استخدام رسمی در شهرهای بزرگ بسیار کم بوده است.» او توضیح داده که «وزارت بهداشت بعد از ۵ سال آگهی برای استخدام ۱۰ تا ۱۲ هزار پرستار داد اما این ظرفیت کامل نشده است. این در حالی است که ما حدود ۸۰ هزار

● در حالی که پرستاران به دستمزد ناچیز و مزایای شغلی ناکافی اعتراض دارند، حقوق تیرماه پرستاران با کسری چند میلیون تومانی روبرو شده است. برخی پرستاران ۸ تا ۱۰ میلیون تومان از حقوق خود را دریافت نکرده‌اند.

● اعتراض پرستاران به کم کردن از حقوق‌شان طی روزهای گذشته از سوی مسئولان وزارت بهداشت با بی‌تفاوتی روبرو شده است.

● محمد شریفی مقدم دبیرکل خانه پرستار کم کردن از حقوق پرستاران را از جمله عواملی ارزیابی کرده که پرستاران را نسبت به اشتغال در ساختار درمانی ایران بی‌انگیزه کرده است.

● محمد شریفی مقدم: وزارت بهداشت بعد از ۵ سال آگهی برای استخدام ۱۰ تا ۱۲ هزار پرستار داد اما این ظرفیت کامل نشده است. این در حالیست که ما حدود ۸۰ هزار فارغ‌التحصیل پرستاری داریم.

حقوق تیرماه بسیاری از پرستاران در شهرهای مختلف با کسر چند میلیون تومانی پرداخت شده است. این موضوع بار دیگر مشکلات صنفی پرستاران از جمله حقوق ناچیز و شرایط دشوار شغلی را که سبب خروج گسترده آنها از این حرفه شده، برجسته کرده است.

در حالی که پرستاران به دستمزد ناچیز و مزایای شغلی ناکافی اعتراض دارند، حقوق تیرماه پرستاران با کسری چند میلیون تومانی روبرو شده است. برخی پرستاران ۸ تا ۱۰ میلیون تومان از حقوق خود را دریافت نکردند. پرستاران در بسیاری از شهرها از جمله سبزوار، بندرعباس، شیراز و تهران به کم شدن از حقوق خود اعتراض کرده‌اند.

پرستاران معترض توضیح داده‌اند که «مبلغ زیادی از حقوق تیرماه کم شده، این در حالی است که پرستاران با وجود کار سخت و طاقت‌فرسا، حقوق بسیار ناچیزی دریافت می‌کنند.»

یکی از این پرستاران به خبرگزاری «ایلنا» گفته «حقوق من کلاً ۱۸ تومان است که تیرماه حدود ۱۰ میلیون تومان واریز شده است. این رقم واریزی برای خیلی از همکارانم کمتر است. این در حالی است که ما از سال قبل اضافه کار و از آذر سال قبل تعرفه طلبکاریم.»

یکی دیگر از این پرستاران گفته که «حدود ۴ میلیون تومان از حقوق تیرماه کسر شده و در مورد واریز نشدن اضافه کار هم گفتند خزانه واریز نکرده است.»

پرستار دیگری با اعلام اینکه ۸ میلیون از حقوق او کم شده گفته «از همه پرسنل بیمارستان مبلغ هنگفتی کم کردند و اضافه کار را هم پرداخت نکردند.»

پرستاران با اشاره به اعتراضات سال گذشته خود گفته‌اند «مسئولان گفتند به مطالباتمان رسیدگی می‌کنند اما جز برخی از اقدامات جزئی، کار دیگری انجام ندادند و مشکلات اساسی ما همچنان به قوت خود باقیست.»

اعتراض پرستاران به کم شدن حقوق‌شان طی روزهای گذشته از سوی مسئولان وزارت بهداشت با بی‌تفاوتی روبرو شده است. با اینهمه دبیرکل خانه پرستار کم کردن از حقوق پرستاران را از جمله عواملی ارزیابی کرده که پرستاران را نسبت به اشتغال در ساختار درمانی ایران بی‌انگیزه کرده است.

محمد شریفی مقدم، دبیرکل خانه پرستار، گفته «وزارت

آمار تکانهنده سوء تغذیه در ایران؛ ۲۷ درصد از خانوارهای کم درآمد هیچ پروتئینی مصرف نمی کنند



● فقط ۱/۷ درصد از خانوارهای کم درآمد مصرف روزانه پروتئین دارند، ۲۶/۹ درصد هیچ پروتئینی مصرف نمی کنند و از خانوارهای دارای شغل موقت، بیش از ۹۳ درصد کمتر از هفته ای یکبار پروتئین مصرف می کنند یا اصلا مصرف نمی کنند.

● این داده ها بیانگر گسترش سوء تغذیه پنهان در میان کودکان و احتمال بروز مشکلات رشدی، استخوانی و شناختی در نسل آینده است.

● بر اساس داده های سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد (فائو) و مرکز داده های باز ایران، در سال ۲۰۲۳ سهم گوشت قرمز از مجموع مصرف گوشت در ایران به حدود ۳۰ درصد کاهش یافته است.

نتایج یک پژوهش جدید در ایران نشان می دهد فقط ۱/۷ درصد از خانوارهای کم درآمد مصرف روزانه پروتئین دارند، ۲۶/۹ درصد هیچ پروتئینی مصرف نمی کنند و از خانوارهای دارای شغل موقت، بیش از ۹۳ درصد کمتر از هفته ای یکبار پروتئین مصرف می کنند یا اصلا مصرف نمی کنند.

روزنامه «شرق» چاپ تهران نتایج یک پژوهش درباره تغذیه خانوارهای ایرانی را منتشر کرده است که نشان از سوء تغذیه گسترده و نگران کننده در میان مردم ایران است؛ سوء تغذیه ای ناشی از گرانی و قدرت خرید پایین خانوارهای کشور!

داده های این پژوهش نشان می دهد میان اشتغال سرپرست خانوار با مصرف پروتئین (گوشت، مرغ، تخم مرغ و حبوبات) در وعده های غذایی خانوار رابطه مستقیم برقرار است چرا که تنها ۱/۷ درصد از خانوارها اعلام کردند که روزانه پروتئین مصرف می کنند. ۲۶/۹ درصد از کل خانوارها گفته اند هیچگونه پروتئینی مصرف نمی کنند و در میان خانوارهای دارای شغل موقت، بیش از ۹۳ درصد کمتر از هفته ای یکبار پروتئین مصرف می کنند یا اصلا پروتئین مصرف نمی کنند. در خانوارهای دارای سرپرست بیکار نیز این نسبت به ۹۵ درصد می رسد.

همچنین مصرف لبنیات نیز تعریف چندانی در این خانواده ها ندارد و بحران تغذیه جدی برای کودکان به شمار می رود. بر اساس نتایج این پژوهش، تنها دو درصد از کودکان هر روز لبنیات مصرف می کنند و ۵۰ درصد آنها اصلا لبنیات دریافت نمی کنند. حتی در خانوارهای دارای شغل ثابت، هیچیک از کودکان مصرف روزانه لبنیات نداشته اند. روزنامه «شرق» هشدار داده که این داده ها بیانگر گسترش سوء تغذیه پنهان در میان کودکان و احتمال بروز مشکلات رشدی، استخوانی و شناختی در نسل آینده است. همچنین تأکید شده هم پوشانی دو آسیب ساختاری اعتبار و درآمد نیز از سویه های تأمل برانگیز در این پژوهش است. منشأ فقر غذایی در خانواده های بررسی شده، اقتصاد، بیکاری و اعتبار بوده است. از میان ۴۰۲ خانواری که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند، تنها ۲۵ مورد منبع درآمد ثابت داشتند.

بر اساس نتایج این پژوهش دلایل اصلی تأمین نشدن غذای مناسب طبق پاسخ های ارائه شده شامل: اقتصاد ضعیف خانواد ۴۳/۸ درصد؛ بیکاری سرپرست خانوار ۳۲/۶ درصد، از کارافتادگی و نداشتن منبع درآمد ۱۱/۷ درصد، اعتبار سرپرست خانوار ۵/۵ درصد و فقدان سرپرست ۶/۵ درصد بوده است. به این ترتیب، بیش از ۸۰ درصد از پاسخ ها مستقیم یا غیرمستقیم به نبود

درآمد پایدار و اشتغال اشاره کرده اند.

این آمار نشان می دهد، نبود درآمد پایدار با آسیب های اجتماعی مانند اعتیاد همبستگی بالایی دارد و چرخه ای از ناتوانی اقتصادی و اجتماعی را بازتولید می کند.

پژوهش منتشر شده در روزنامه «شرق» بر اساس ۴۰۲ پرسشنامه تدوین و داده ها از ۱۴ منطقه کشور گردآوری شده اند. بیشترین مشارکت از استان لرستان با ۲۶۱ پرسشنامه (۶۴/۹ درصد) ثبت شده است و دیگر مناطق عبارتند از: سیستان و بلوچستان، مریوان، سنج، پاکدشت، کرمان، یزد، بوشهر، گنبد کاووس، کرمانشاه، شهریار و محله های فرحزاد، دروازه غار و شاهپور تهران.

آمارهای دیگری نیز از گسترش فقر و سوء تغذیه در ایران منتشر شده است. بر اساس داده های سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (فائو) و مرکز داده های باز ایران، در سال ۲۰۲۳ سهم گوشت قرمز از مجموع مصرف گوشت در ایران به حدود ۳۰ درصد کاهش یافته است. کاهش مصرف سرانه گوشت قرمز در کشور از سال های ابتدایی دهه ۹۰ شروع شد و در سال های اخیر کمتر و کمتر شد.

این موضوع در گزارش های مرکز آمار ایران نیز دیده می شود. داده های مرکز آمار هم نشان می دهد متوسط سرانه مصرف محصولات پروتئینی از جمله گوشت قرمز و سفید، در بازه سال های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲، حدود ۱۴ کیلوگرم کاهش یافته است. همچنین سرانه مصرف لبنیات و سبزیجات و فیبر نیز در ایران با کاهش روبرو بوده است. علیرضا رئیس معاون بهداشت وزارت بهداشت، درمان و علوم پزشکی، سرانه مصرف گوشت در کشور باید ۷۵ گرم باشد، اما اکنون ۳۵ گرم در روز است. معاون بهداشت وزارت بهداشت افزوده هر انسانی روزانه باید ۲۵ گرم فیبر مصرف کند درحالی که این میزان در کشور ما اکنون ۱۵ گرم در روز است.

حشمت اله رضوی سرپرست اداره امور فرآورده های غذایی و آشامیدنی سازمان غذا و دارو نیز اعلام کرده سرانه مصرف لبنیات در کشور حدود ۷۰ تا ۸۰ کیلوگرم در سال است درحالی که میانگین جهانی به بیش از ۲۵۰ کیلوگرم می رسد.

مدیر کل مطالعات وزارت تعاون، کار و رفاه نیز در سال ۱۴۰۲ گفته بود ۵۷ درصد جمعیت کشور درگیر سوء تغذیه هستند که بیش از ۱۴.۵ میلیون نفر این جمعیت را کودکان تشکیل می دهند.

گزارش ها میدانی و مشاهدات فعالان مدنی و مددکاران مدنی نیز روند کوچک شدن سفره خانوار و کاهش مصرف مواد غذایی ضروری را تأیید می کنند.

ریحانه شیرازی از فعالان اجتماعی که سالهاست در دروازه غار تهران فعالیت می کند، در گفتگو با روزنامه «شرق» توضیح می داد که مشاهده زندگی خانواده های این منطقه در سال های اخیر نشان دهنده این است که سید غذایی آنها مدام کوچک و کوچک تر شده است. «اقلام ضروری مثل گوشت و مرغ تا لبنیاتی مثل شیر و پنیر در سید غذایی خانواده ها به صفر رسیده است. حتی خانواده هایی هستند که پیش تر به بازار مراجعه می کردند و ضایعات و پای مرغ یا بسته بندی های مرغی را که تازه تاریخ مصرف شان به اتمام رسیده بود، برای خود جمع می کردند.» این فعال اجتماعی ادامه داده که «شاید باورتان نشود که تهیه همین اقلام هم برای این خانواده ها سخت شده است. یا اینکه بیشتر این خانواده ها قبلا توان این را داشتند که یک سبد پرتقال بخرند و خانوادگی همان را به عنوان میوه مصرف کنند اما با بالا رفتن قیمت میوه و سبزیجات، دیگر امکان خرید همین اقلام هم برای این خانواده ها و طبعا فرزندان شان وجود ندارد.»

حنانه نوایی از فعالان اجتماعی در کرج نیز معتقد است عده هایی که وزارت کار ادعا می کند به عنوان کمک به این خانواده ها اختصاص داده، هیچ دردی از آنها دوا نمی کند: «تأمین کامل لبنیات و پروتئین و مکمل های دیگر دست کم برای هر کودک حدود پنج میلیون تومان هزینه می برد. حالا اگر کودک دچار سوءتغذیه هم باشد، این عدد بسیار بالاتر می رود و در نتیجه عده هایی که مسئولان از آن حرف می زنند و به حساب سرپرستان خانوار واریز می کنند، شبیه شوخی است.»

رواج خرید نسبه و قسطی مواد خوراکی

در مقابل اما دستمزد حقوق‌بگیران طی سالهای گذشته کمتر از رقم سبد معیشت بوده و هر سال نیز فاصله میان دستمزد و هزینه زندگی افزایش یافته است. این فاصله فقط متوجه خانوارهای کارگری نبوده و حتی بخش زیادی از کارمندان نیز دستمزدهایی ناکافی و نامتناسب نسبت به هزینه‌های زندگی دریافت می‌کنند. این موضوع سبب شده بخش زیادی از قشر متوسط نیز طی سالهای گذشته به زیر خط فقر رانده شوند.

در آنسو، دولت هیچ برنامه حمایتی از اقشاری که با فشار هزینه‌های زندگی روبرو هستند ندارد. در حالیکه در سالهای گذشته برنامه پرداخت یارانه به همه دهک‌های درآمدی در جریان بود اما دولت پزشک‌ها به حذف یارانه سه دهک بالای درآمدی تلاش داشت از اقشار کم‌درآمدتر حمایت بیشتری کند.

وزیر کار اما اعلام کرده حذف یارانه سه دهک بالا هم منابع کافی برای پرداخت یارانه به دهک‌های پایین درآمدی فراهم نشده است. احمد میدری گفته «با حذف سه دهک بالا تنها ۵ هزار میلیارد تومان منبع مالی به دست می‌آید که برای کالابرگ هفت دهک دیگر به ۲۵ هزار میلیارد تومان نیاز است!»

سخنان احمد میدری با توجه به تداوم تحریم‌ها و تشدید کسری بودجه دولت نشان می‌دهد اقشار کم‌درآمد در حالی طی ماه‌های آینده با مشکلات معیشتی بیشتری روبرو می‌شوند که دولت هم نخواهد توانست با پرداخت یارانه و کوپن حمایت موثری از آنها انجام دهد.

مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز در گفتگو با روزنامه «اعتماد» معتقد است که «ما نه تنها با تورم و رکود به صورت همزمان مواجه‌ایم، بلکه ترکیب این دو به شکل رکود تورمی، به یک عارضه مزمن در اقتصاد ایران تبدیل شده که مقابله با آن دشوارتر و زمان‌برتر است.» مرتضی افقه گفته که رکود تورمی عمدتاً زمانی رخ می‌دهد که تورم ناشی از افزایش هزینه‌های تولید باشد؛ یعنی برخلاف برخی اشکال دیگر تورم (مثل تورم ناشی از رشد نقدینگی یا تورم وارداتی)، در اینجا فشار قیمت‌ها از سمت هزینه‌ها وارد می‌شود.

مرتضی افقه ریشه این هزینه‌زایی را در ناکارآمدی‌های متعدد در ساختار حکمرانی اقتصادی کشور می‌داند؛ از جمله ناکارآمدی مدیریتی، بروکراسی پیچیده، قوانین و مقررات متغیر و بی‌ثباتی سیاسی. این اقتصاددان افزوده «مجموعه این عوامل، موجب می‌شود هزینه تولید در ایران به‌شکلی غیرمنطقی بالا باشد، بطوری که حتی در مواردی، کالای تولید داخل از نمونه وارداتی مشابه، با احتساب هزینه حمل‌ونقل هم گران‌تر تمام می‌شود.»

مرتضی افقه همچنین به قاعده شناخته‌شده عرضه و تقاضا در علم اقتصاد اشاره کرده و گفته «هر زمان که تقاضا از عرضه پیشی بگیرد، افزایش قیمت‌ها اجتناب‌ناپذیر می‌شود و بالعکس. او تأکید می‌کند که در شرایط رکود تورمی و کاهش قدرت خرید عمومی، مردم برای حفظ حداقل‌های مصرفی خود ناچارند به شیوه‌هایی چون خرید قسطی روی بیاورند. به این ترتیب، به باور او، گسترش فرهنگ خرید اقساطی، نه فقط نشانه‌ای از انعطاف بازار، بلکه نشانگر فشارهای مضاعف اقتصادی بر تولیدکننده و مصرف‌کننده است؛ فشاری که ریشه در ساختارهای ناکارآمد و سیاست‌گذاری‌های ناپایدار دارد.»



دخل و خرج تبدیل شده است. پلتفرم‌های معروف فعلی حالا بخشی از سبد مصرف بسیاری از خانواده‌ها شده‌اند؛ آن هم با شعارهایی مانند «خرید بدون چک و ضامن» و «پرداخت در چند ماه آینده».

«اعتماد» همچنین نوشته برخی از کاربران این پلتفرم‌ها، خرید قسطی را یک فرصت واقعی برای تهیه کالاهای ضروری می‌دانند: «اگر برخی اپلیکیشن‌های معروف فعلی نبود، من هیچ‌وقت نمی‌توانستم پخچال نو بخرم. نه چک دارم، نه ضامن. ولی اینجا راحت تونستم تو ۴ قسط بخرم.» او ادامه داد: «با تورم الان، پولت تا فردا هم ارزش نداره. حداقل اینطوری میشه از پس خریدهای ضروری بر اومد.» از سوی دیگر، کاربران زیادی می‌گویند که به اجبار به سمت خرید قسطی سوق داده شده‌اند؛ حتی با وجود اینکه کالاهای پلتفرم‌های اقساطی گران‌تر از بازار آزاد عرضه می‌شوند: «همین لباس که از به فروشگاه اینترنتی معروف داخلی گرفتم، ۱۵۰ تومان گرون‌تر از مغازه بود. ولی خب آنجا قسطی نمی‌داد! مجبور شدم این را بخرم.»

خرید قسطی مواد غذایی یکی از نشانه‌های تشدید رکود تورمی و همچنین گسترش فقر در جامعه است. اگر چه گزارش‌ها نشان از افزایش تورم عمومی در اقتصاد ایران دارد اما کالاهای خوراکی در صدر افزایش تورم قرار دارند. برای نمونه آمارهای مرکز آمار ایران نشان می‌دهد در فاصله ماه خرداد تا تیر و تنها طی چهار هفته برج ۲۸ درصد، لوبیا و پنیر هر کدام ۱۲ درصد، روغن ۱۱ درصد و گوشت مرغ نیز ۱۱ درصد افزایش قیمت داشته است.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران نرخ تورم تیرماه امسال ۴۱/۲ درصد بوده و تورم ماهانه نیز به رقم بالای ۳/۵ درصد رسید.

افزایش قیمت مواد خوراکی در کنار تورم در دیگر بخش‌ها از جمله اجاره‌بهای مسکن، حمل و نقل، آموزش و درمان به معنای افزایش هزینه خانوار است. تازه‌ترین گزارش‌ها نشان می‌دهد رقم سبد معیشت که شامل هزینه یک ماه زندگی یک خانوار سه تا چهار نفره است به ۵۰ میلیون تومان در ماه رسیده است.

● در خیابان‌های مرکزی تهران، سوپرمارکت‌هایی پیدا می‌شوند که برای مشتریان ثابت، حساب دفتری باز کرده‌اند. فروشندگان می‌گویند میزان این خریدهای نسبه یا اقساطی در یکی دو سال اخیر چند برابر شده است.

● بازارهای میوه و تره‌بار هم فروشندگان برای مشتریان قدیمی، دفتر حساب دارند. افزایش قیمت میوه و کاهش توان خرید، موجب شده مردم حتی در این بازار هم به خرید نسبه یا قسطی پناه ببرند.

● افزایش قیمت مواد خوراکی در کنار تورم در دیگر بخش‌ها از جمله اجاره‌بهای مسکن، حمل و نقل، آموزش و درمان به معنای افزایش هزینه خانوار است بطوری که رقم سبد معیشت که شامل هزینه یک ماه زندگی یک خانوار سه تا چهار نفره است به ۵۰ میلیون تومان در ماه رسیده است.

● در مقابل اما دستمزد حقوق‌بگیران طی سالهای گذشته کمتر از رقم سبد معیشت بوده و هر سال نیز فاصله میان دستمزد و هزینه زندگی افزایش یافته است.

● اقشار کم‌درآمد در حالی طی ماه‌های آینده با مشکلات معیشتی بیشتری روبرو می‌شوند که دولت هم نخواهد توانست با پرداخت یارانه و کوپن حمایت موثری از آنها انجام دهد.

روزنامه «اعتماد» در گزارشی از رواج گسترده پدیده خرید قسطی و نسبه برای کالاهای مصرفی از جمله مواد خوراکی خبر داده است.

روزنامه «اعتماد» در گزارشی با اشاره به تشدید روند رکود تورمی در کشور نوشته در پی فشار شدید تورم و کاهش قدرت خرید خانوارها، حساب دفتری و خرید نسبه دوباره در سوپرمارکت‌ها، میوه‌فروشی‌ها و حتی قصابی‌ها رایج شده است. این گزارش تأکید کرده بررسی‌های میدانی در برخی نقاط پایتخت نشان می‌دهد فروشگاه‌های خرد، از سوپرمارکت‌ها تا فروشندگان اقلامی مانند رنگ، پلاستیک و شیرآلات، برای جلب رضایت مشتریان و حفظ گردش فروش، پرداخت اقساطی یا نسبه را -حتی بدون ضامن یا چک- پذیرفته‌اند. هرچند این شیوه بر پایه اعتماد شخصی یا مشتری‌های ثابت انجام می‌شود، اما نشان از شکل‌گیری یک رفتار اقتصادی جدید دارد: مدیریت هزینه‌های روزمره با توسل به قسط. گزارش روزنامه «اعتماد» افزوده در خیابان‌های مرکزی تهران، سوپرمارکت‌هایی پیدا می‌شوند که برای مشتریان ثابت، حساب دفتری باز کرده‌اند. فروشندگان می‌گویند میزان این خریدهای نسبه یا اقساطی در یکی- دو سال اخیر چند برابر شده.

یکی از سوپرمارکت‌داران گفته «بعضی مشتری‌ها فقط برای خرید هفته‌شون میان و اول برج که حقوق گرفتن، حسابشون رو تسویه می‌کنند. یک جور خرید قسطی شده دیگه، فقط بی‌واسطه و بین خودمون.»

خرید قسطی در دیگر بازارهای مواد خوراکی نیز رواج داد بطوری که بازارهای میوه و تره‌بار هم فروشندگان برای مشتریان قدیمی، دفتر حساب دارند. افزایش قیمت میوه و کاهش توان خرید، موجب شده مردم حتی در این بازار هم به خرید نسبه یا قسطی پناه ببرند.

این گزارش همچنین به راه افتادن پلتفرم‌هایی اشاره دارد که فروش قسطی بدون چک و ضامن را انجام می‌دهند: در حالی که هزینه‌های زندگی در ایران روز به روز افزایش می‌یابد، خرید قسطی به ابزاری رایج برای مدیریت

سی‌ان‌ان: بحران بی‌آبی در ایران نه فقط اقلیمی بلکه سیاسی و ساختاری است



● سی‌ان‌ان گزارش می‌دهد که ایران با بحران شدید کم‌آبی دست و پنجه نرم می‌کند و ممکن است تنها چند هفته تا رسیدن به «روز صفر» فاصله داشته باشد، روزی که از شیرهای آب در بخش‌های وسیعی از شهر هیچ آبی جاری نمی‌شود.

● کاوه مدنی مدیر مؤسسه آب، محیط زیست و سلامت دانشگاه سازمان ملل می‌گوید: «ما هرگز با چنین وضعیتی مواجه نبوده‌ایم... این برای تهران تازگی دارد».

سی‌ان‌ان در گزارشی به وضعیت بحران آب در ایران پرداخته است. کارشناسان گفته‌اند ریشه‌های بحران آب در ایران نه فقط محیط زیستی یا فنی، بلکه «عمیقاً سیاسی و ساختاری» هستند.

در این گزارش آمده ایران با بحران شدید کم‌آبی دست و پنجه نرم می‌کند و ممکن است تنها چند هفته تا رسیدن به «روز صفر» فاصله داشته باشد، روزی که از شیرهای آب در بخش‌های وسیعی از شهر هیچ آبی جاری نمی‌شود.

مخازن اصلی آب در حال کاهش هستند، مقامات برای کاهش مصرف آب تلاش می‌کنند و مردم نیز با نگرانی سعی در صرفه‌جویی دارند تا از فاجعه جلوگیری کنند.

مسعود پزشکیان رئیس دولت هشدار داده است که «اگر امروز تصمیمات فوری نگیریم، در آینده با وضعیتی مواجه خواهیم شد که دیگر قابل حل نخواهد بود».

آب بطور ذاتی در ایران خشک کمیاب است، اما تفاوت این بحران در آن است که اینبار پایتخت را هدف گرفته است. کاوه مدنی مدیر مؤسسه آب، محیط‌زیست و سلامت دانشگاه سازمان ملل می‌گوید: «ما در مورد احتمال رسیدن به روز صفر در عرض چند هفته صحبت می‌کنیم».

تهران با حدود ۱۰ میلیون نفر جمعیت، در صورت کاهش نیافتن مصرف، ممکن است کاملاً با قطع آب مواجه شود. مدنی که قبلاً معاون سازمان محیط‌زیست در جمهوری اسلامی ایران بوده، می‌افزاید این وضعیت «برای تهران بی‌سابقه است».

ریشه‌های این بحران به مجموعه‌ای از عوامل بازمی‌گردد: دهه‌ها سوء مدیریت منابع آب، ناهماهنگی فزاینده میان

عرضه و تقاضا، و البته تغییرات اقلیمی.

ایران یکی از شدیدترین خشکسالی‌های تاریخ خود و پنجمین سال پیاپی خشکسالی را از سر می‌گذراند. در همین حال، کشور زیر گرمای سوزان در حال سوختن است. دمای هوا در برخی نقاط به بیش از ۵۰ درجه سانتی‌گراد رسیده. ماکسیمیلیانو هررا اقلیم‌شناس و مورخ آب و هوا به سی‌ان‌ان گفت: «ایران تقریباً همیشه در وضعیت رکورد گرما قرار دارد».

در واکنش به این بحران، مقامات فشار آب در تهران را تقریباً به نصف کاهش داده‌اند، که به گفته محمدصادق معتمدیان استاندار تهران، حدود ۸۰ درصد خانوارها را تحت تأثیر قرار داده است. برای ساکنان آپارتمان‌های چندین طبقه، این به معنای نداشتن آب بطور کامل است. مردی که در طبقه چهاردهم زندگی می‌کند، می‌گوید اغلب هیچ آبی از شیرهای آب خانه‌اش نمی‌آید.

اکنون آب با تانکر به تهران منتقل می‌شود و کسانی که توان مالی دارند، به نصب مخازن ذخیره آب روی آورده‌اند. مدنی می‌گوید: «ما هرگز با چنین وضعیتی مواجه نبوده‌ایم... این برای تهران تازگی دارد».

هفته گذشته، دولت برای صرفه‌جویی در مصرف آب و برق، یک روز تعطیل عمومی در استان تهران و برخی مناطق دیگر کشور اعلام نمود. فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت اعلام کرد که در حال بررسی احتمال تعطیلی یک‌هفته‌ای تهران هستند تا مردم بطور موقت شهر را ترک کنند و تقاضای آب کاهش یابد. کارشناسان آب، سوء مدیریت را یکی از عوامل اصلی بحران می‌دانند.

فعالیت‌های انسانی، از جمله برداشت بیش از حد از منابع آب زیرزمینی، کشاورزی ناکارآمد و مصرف کنترل‌نشده آب در مناطق شهری، این کشور را به سوی «ورشکستگی آبی» سوق داده‌اند. امیر آقاچوکچک استاد مهندسی عمران و محیط زیست در دانشگاه کالیفرنیا، از عبارت «ورشکستگی آبی» برای این وضعیت استفاده کرده است.

مدنی نیز با این تعبیر موافق است و می‌گوید: «این دیگر بحران نیست؛ ورشکستگی آبی است، وضعیتی که بخشی از

خسارات آن غیرقابل بازگشت است».

در تهران به‌قدری از آب‌های زیرزمینی در پاسخ به نیازهای افزایش جمعیت برداشت شده که بخش‌هایی از شهر هر سال تا بیش از ۲۵ سانتی‌متر نشست می‌کنند. به گفته آقاچوکچک، «پایتخت با یک نابرابری ساختاری و بلندمدت روبروست که بنیان‌های امنیت آبی برای ساکنانش را تهدید می‌کند».

تغییرات اقلیمی در سطح منطقه و جهان نیز وضعیت ایران را وخیم‌تر کرده است. بارندگی ایران امسال بیش از ۴۰ درصد نسبت به میانگین بلندمدت کاهش یافته و شرکت آب منطقه‌ای تهران اعلام کرده که سدهای تأمین‌کننده آب تهران تنها حدود ۲۱ درصد از ظرفیت خود را دارند.

به گزارش خبرگزاری «مهر»، بجز یک استان، بقیه ۳۱ استان ایران با تنش آبی مواجه‌اند. عباس علی‌آبادی وزیر نیرو در پاسخ به سؤال خبرنگاران درباره احتمال جیره‌بندی آب گفت: «امیدوارم کار به آنجا نکشد».

کارشناسان بیان می‌کنند راه حل ساده‌ای برای این بحران وجود ندارد. مدنی می‌گوید دولت به دنبال «مُسکن»‌هایی مثل طرح‌های انتقال آب است. او می‌افزاید که راه حل‌های فنی مثل نمک‌زدایی و تصفیه فاضلاب لازم است، اما اینها تنها به عوارض و پیامدها می‌پردازند و نه علت‌ها. او خواستار بازنگری اساسی در ساختار اقتصادی کشور است: «حرکت از کشاورزی پرمصرف آب که اکنون حدود ۹۰ درصد مصرف کشور را تشکیل می‌دهد، به‌سوی بخش خدمات و صنایع کم‌مصرف».

این اصلاحات هم از نظر اقتصادی و هم از نظر سیاسی پرهزینه و دشوار هستند و با توجه به ساختار حکومت فعلی و تحریم‌ها، بعید است که اجرا شوند.

در نهایت، ریشه‌های بحران نه فقط محیط زیستی یا فنی، بلکه «عمیقاً سیاسی و ساختاری» هستند. در همین ارتباط آقاچوکچک می‌گوید: «بحران آب ایران را نمی‌توان از بحران مدیریت و کشورداری جدا دانست».

در حال حاضر، ایران منتظر پاییز و امیدوار به بارش باران است. مدنی معتقد است: «اگر تهران تا پایان سپتامبر دوام بیاورد، امید برای جلوگیری از رسیدن به روز صفر وجود دارد».





کیهان
کاظم صدیقی امام جمعه
قاسد تهران استعفا داد



کیهان
جمعیت سالمندان ایران
تا سال ۱۴۳۰ به ۲۷ میلیون
نفر می‌رسد



کیهان
موافقت شورای نگهبان با
لایحه حذف چهار صفر از پول ملی



کیهان
افزایش قیمت ارز همزمان
با ریزش شاخص بورس



کیهان
نرخ مشارکت اقتصادی زنان
ایران در قعر جدول رتبه‌بندی جهانی



کیهان
بحران تأمین کاغذ برای
چاپ کتاب‌های درسی



کیهان
پاسخ یک هنرمند به
سوء استفاده تبلیغاتی جمهوری اسلامی
از نمادهای ملی ایران
طرح دریافتی



کیهان
خطر اجرای حکم اعدام
بایک شهسازی به اتهام جاسوسی
برای اسرائیل



کیهان
قطع برق یکی از دلایل
اختلال در سیستم تلفن‌های همراه
در ایران است



کیهان
رئیس صندوق توسعه ملی:
روی چاه نفت گرسنه می‌خواهیم چون
از مخزمن استفاده نمی‌کنیم



کیهان
وضعیت اینترنت در یکسالگی
دولت پزشکیان بدتر شد



کیهان
عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی:
«تخاصم» با اسرائیل دلیل برخی
آتش‌سوزی‌های نفت و گاز است



کیهان
هشدار گرم‌زدگی برای
۹ استان سردسیر ایران



کیهان
افزایش خشونت خانگی در آلمان:
تعریف خشونت خانگی و انواع آن



کیهان
تعطیلی سرویس‌های بهداشتی
عمومی تهران بر اثر بحران آب



کیهان
دلار در آستانه ۹۳ هزار تومان



کیهان
طبیعی است برای راند دوم، سوم
و چهارم جنگ آماده شویم



کیهان
شب‌زنده‌داری هزاران جوان
کاتولیک از سراسر دنیا با حضور
پاپ لئو چهاردهم



کیهان
زلزله ۵/۴ ریشتری
در سیستان و بلوچستان



کیهان
تراز آب دریاچه ارومیه
در سطح «غیرقابل اعلام»!



کیهان
ارتقاء هنری جمهوری اسلامی!



کیهان
عضو کمیسیون انرژی مجلس:
روند آتش‌سوزی در صنایع نفت و
گاز نگران‌کننده و غیرعادی است



کیهان
پخشایش اردستانی:
علی لاریجانی شناگر خوبی است



کیهان
درگیری مسلحانه بر سر یک
ملک در تربت حیدریه پنج کشته
بر جای گذاشت



کیهان
«ایران خودرو» تعطیل شد!

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN
COMMUNITYwww.kayhanlife.com

عکس هفته | فریدون فرخزاد

هنرمند آزاده‌ای که ۱۶ مرداد ۱۳۷۱ به دست قاتلان اعزامی از سوی جمهوری اسلامی
در خانه خود در شهر بُن آلمان به قتل رسید.